تاریخ

مطبوعات و ادبیات ایران

در دورهٔ مشروطیت

تألیف پروفسور ادوارد برون

ترجمه و تحشیه و تعلیقات تاریخی و ادبی

بقلم: محمد عباسی

Date.........................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

21091

Call No.........

Date.......................

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

جلد دوم تاریخ

مطبوعات و ادبیات ایران

در دورهٔ مشروطیّت

تألیف

پروفسور ادوارد براون

مستشرق شهیر انگلیسی

ترجمه و تحشیه و تعلیقات تاریخی و ادبی

بقلم: محمّد عبّاسی

K. UNIVERSITY LIB.
K. DIVISION
Acc No 74411
Date 22.10.1970



کانون معرفت - تهران - خیابان لاله زار - تلفن ۳۲۶۳۷

کلیه حقوق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص «کانون معرفت» ا...

مقدمهٔ مترجم (۱)

... دومین قسمت از این کتاب نفیس ،

تقویم التواریخ انقلاب مشروطیت

تقویم التواریخ وقایع انقلاب مشروطهٔ ایران (۲) است ؛ که از حیث جامعیت و دقت ، و اشتمال بر کلیهٔ حوادث ووقایع نهضت مشروطیت ، هم در ادبیات خارجی وهم در زبان فارسی عدیم النظیر است.

پرفسور براون بطوریکه خودش اعتراف کرده (۳)، کتابی که بنام «تاریخ انقلاب ایران» نوشته است ، ناقص و ناتمام می باشد ، لذا اقدام به تألیف این مجموعهٔ مختصر وبسیار گرانبها را ضروری شمرده ؛ و برای

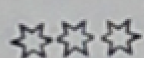
---

(۱) مستخرج از مقدمهٔ مترجم برجلد اول ، تاریخ ادبیات ومطبوعات ایران در دورهٔ مشروطیت .

(۲) A Brief chronology of the Persi[illegible] Revolution from December 1905 to Apri[illegible] 912

(۳) The press and Poetry of Modern Persia p. 318

خوانندگان اروپائی وایرانی، یک دورهٔ کامل اتفاقات دورهٔ انقلاب مشروطه را، از اول تا آخر بترتیب وقوع وقایع تاریخی مو بمو ضبط و درج کرده است • با مطالعهٔ این وجیزهٔ مختصر ومفید، تمام حوادث داخلی و بین المللی نهضت بزرگ ملی ایران؛ بمانند پردهٔ فیلمی، اما بادقت وتحقیق کامل؛ ازنظر قارئین می گذرد •



تاریخ مطبوعات ایران سومین قسمت، تاریخ مطبوعات ایران است که هستهٔ اساسی این تألیف نفیس بشمار میرود، ونتیجهٔ یک ربع قرن کار و کوشش دانشمند معروف میرزامحمد-علیخان تربیت تبریزی میباشد، که بر اثر مساعی جمیلهٔ مستشرق فاضل ادوارد براون؛ بااستفاده ازرسالهٔ گرانبهای مستر رابینو (۱) در تاریخ مطبوعات ایران، بانگلیسی ترجمه و انتشار یافته است •

دراین قسمت از کتاب، ازتاریخ پیدایش چاپ وچاپخانه درایران وازتاریخ مطبوعات؛ یعنی شبنامه‌ها وروزنامه‌ها ومجلات هفتگی وماهیانه، بایک روش انتقادی و عالمانه بحث شده است، و خصوصیات اجتماعی و ارزش علمی و ادبی و تاریخی آنها موردتحقیق قرار گرفته است، بعلاوه تصاویر گرانبهای بسیاری از اسناد و کاریکاتورهای جالب مطبوعات،

---

(۱) Mr. Rabino

جمع آوری و الحاق شده‌است ، که‌همهٔ آنهارا عیناً کلیشه کرده، از نظر
خوانندگان گرامی می‌گذرانیم .

طهران ـ امردادماه ـ ۱۳۳۷ خورشیدی

م ـ محمدلوی عباسی

Call No.........

Date.........................

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

تقویم التواریخ

وقایع مشروطیت ایران

مشتمل بر حوادث دسامبر هزار و نهصد و پنج میلادی (هزار و سیصد و بیست و سه و چهار هجری قمری = هزار ودویست وهشتاد وچهار هجری شمسی) تا آوریل هزار ونهصد ودوازده میلادی (هزار وسیصد وسی و یك هجری قمری = هزار ودویست ونود و یك هجری شمسی)

Call No..........

Account No..........

Date........... ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

تقویم التواریخ مشروطیت

یا

تاریخ انقلاب مشروطه ایران

برحسب وقوع حوادث تاریخی (٭)

مقدمه

بمنظور تسهیل مراجعات خوانندگان ، وبرای تفهیم بیشتر سلسله حوادث ووقایعی که طی اشعار مندرج دراین کتاب٭٭ مورد بحث قرار گرفته، وجیزهٔ مختصری مشتمل بر حوادث ووقایع انقلاب ایران یانهضت مشروطیت

(٭) چنانکه **براون** خودش درصفحه سیصدوهیجده ازمتن انگلیسی همین کتاب متذکر گشته، «تاریخ انقلاب مشروطیت» تألیف وی، ناقص و ناتمام مانده است ، لذا بانگارش این اثر جدید ، مؤلف بایك تیر دو نشان زده، یعنی درضمن اینکه یك مجموعهٔ ملخص کامل تاریخی از کلیهٔ حوادث انقلاب مشروطیت ایران فراهم آورده، درعین حال **متممی** نیز برای تاریخ انقلاب مشروطه تهیه کرده ، که درحقیقت مکمل آن و**مجلددوم** تألیف مزبور بشمار میرود .

م ۰ ع

٭٭ جلداول (ادبیات مشروطه) م ۰ ع

ضمیمه میگردد. شرح جزئیات این تحولات تاریخی تا پیروزی ملی جولای هزار و نهصد و نه میلادی (هزار و سیصد و بیست و هفت هجری قمری) و تسخیر طهران بوسیله آزادیخواهان و خلع محمدعلیشاه در کتاب انقلاب ایران (۱۹۰۹ - ۱۹۰۵ ، کمبریج ۱۹۱۰) تألیف من ، آمده است .

مجلد دوم انقلاب مشروطه

امیدوارم که بتوانم تاریخ وقایع دورهٔ بعدرا ، که هنوز نگاشته نشده ، طی یك مجلد دیگر برشته تحریر درآورم ؛ و بایستی بااستعانت از کتابهای آبی (۱) و مستخرجه‌های مطبوعات یومیه ، واستفاده از اسناد کتبی و شفاهی ممکن الحصول (۲) تألیف گردد .

تاریخ بیداری ایرانیان کتاب قابل تحسین تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام کرمانی، که تاکنون فقط مقدمه (۲۷۲ صفحه) جلد اول (۲۵۵ صفحه) و جلد دوم (۲۴۰ صفحه آن منتشر شده (۳) ، فعلا بیشتر ازششم ژوئیه هزار و نهصد و شش میلادی (هزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری) بشرح وقایع نمی‌پردازد، و بدون مقدمه بطور ناقصی باشرح داستان اعطای مشروطیت (٤)

---

(۱) Blue Books

(۲) قابل اعتماد، یاممکن الحصول ؟
م ۰ ع

(۳) دراین اواخر این کتاب گرانبها درطهران تجدید طبع شده ، ولی همچنان ناتمام مانده است .
م ۰ ع

(٤) مشروطه رامظفرالدین شاه «اعطاء» نکرد، بلکه مردم ایران بزور گرفتند ، چنانکه هنگامیکه جانشین ناخلف وی محمد علیشاه از موافقت بااصول مشروطیت سر باززد، ایرانیان دوباره قیام کردند واورا ازسلطنت خلع وازکشور بیرونش کردند ، **یدالله مع الجماعه!**
م ۰ ع

ازطرف مظفرالدین شاه، پنجم اوت هزار و نهصدوشش میلادی (هزارسیصد وبیست وچهارقمری) و افتتاح نخستین دورهٔ مجلس شورای ملی (هفتم اکتبر هزار ونهصد وشش) باز می‌ایستد . در خصوص کلیهٔ حوادثی که پیش ازتاریخ مزبور اتفاق افتاده ، این کتاب غنی ترین منبع موجود بشمار میرود ، ومشتمل است برمتون اسنادمهم متعددوانبوه تفصیلاتی که درجای دیگری پیدا نمیشود .

☆☆☆☆☆
☆☆☆☆
☆☆☆
☆☆

بحث در سیستم حکومت ایران

از قدیمی‌ترین عهود تاریخی تاسال هزار و نهصد وشش میلادی (هزاروسیصد وبیست وچهار هجری قمری) سیستم حکومت ایران، نظراً وعملا ، استبداد مطلق بوده است (✩)، و مستر آر. جی . واتسون (۱) طی صفحات ۱۳ـ۲۱ ، و ۲۰ ـ ۱۵ کتاب قابل تحسین خود، تاریخ ایران را

✩ هرودت مورخ.. معروف، که پدر تاریخ نویسان لقب دارد، در کتاب سوم (بند های ۸۶ـ۸۰) از تاریخ مشهور خویش راجع بر ژیم حکومت و سیستم دولت در ایران از قول داریوش کبیر و هم قسمهای پارسی وی، شرح بسیار شایان توجهی آورده است ، که نظر باهمیت و قدمت آنرا عیناً در اینجا نقل میکنیم :

«...پنج روز بعد، هم قسمها جمع شده درباب وضعیت آیندهٔ دولت (سیستم حکومت) بمذاکره پرداختند .

اتانس (Otanes) گفت : من عقیده دارم که کسی ازماها نباید بتنهایی حکومت کند ، اینگونه حکومت (Monarchie پادشاهی) هم بداست وهم مشکل، چنانکه دیدید سلطنت فعال مایشای کبوجیه کاررا ✩✩

(۱) Mr.R.G. Watson

☆☆ بکجا کشانید، وازفعال‌مایشانی‌مغان‌نیز خودتان درشکنجه بودید .

بطور کلی دولت باحکومت یکنفر غیر ممکن است که نظم و انتظامی داشته باشد . چون یك نفر میتواند هرچه دلش خواست بکند، واین شخص اگر آدم لایقی هم باشد ، بالاخره مستبد بالرای خواهد بود (مثل نادرشاه یاشاه‌عباس کبیر). نعمت‌هائیکه دردسترس وی میباشد، او را بااستبداد می کشاند ، و از آنجائیکه رشك و حسد از خصوصیات ذاتی آدمیان است ، درنتیجهٔ این دوعیب اونیز فاسدمیگردد ، بطوریکه از نعمات‌سیر ومرتکب خلافکاریهایی میشود که یکقسمت آن ناشی‌از خودسری‌وقسمت دیگرش مولودحسد است. علی‌الظاهر چنین‌حکومت مطلقهٔ شخص واحدی، بایستی عاری از رشك باشد ، زیرااواجد هرگونه نعمت وموهبت است، ولی معهذاشیوهٔ سلوك‌او بامردم غیرازاین‌میباشد، وبرخلاف‌این قاعده است، دراین‌قسم‌حکومت،حکمران‌مستبدبزندگانی وسلامت مردمان نیکوکار حسد میبرد ، واز فاسدین و فاسقین حمایت میکند ، وتهمت وافترا را بیشتر وپیشتر ازهمه‌قبول مینماید، تسکین تمایلات وهوسهای وی بسیار سخت و مشکل‌تر از همه است ، زیرا در صورت اعتدال درستایش ونیایش وی ناراضی ، وازعدم توجه فوق‌العاده اطرافیان شاکی میباشد ، اما درصورتیکه در مدح و تمجید وی طریق اغراق‌سپرده شود ، بازهم‌اظهارعدم رضایت‌میکندومیگوید: مداح‌متملق است . ولی مهمتر ازهمه آنکه همیشه رفتاروکردارش مخالف سنن مقدس ملی وناموس اجتماعی است ، فی‌المثل‌بهتك عصمت نسوان دست می‌یازدوخودسرانه بدون‌محاکمه‌ای مردم رابقتل میرساند. درصورتیکه حکومت‌ملی،اسم‌خوبی‌دارد، که‌تساوی‌حقوق‌است،(ایزونومی Isonomie ولی اینك مسلم شده است ، که در صورت عدم حصول دموکراسی ☆☆

☆☆ مالی،مساوات حقوقی فاقدارزش اجتماعی است.م) ، بعلاوه حکومت دستجمعی مردم، هرگز مرتکب کارهای خودسرانه یکنفر مستبد نمیشود . مأمورین دولت ومستخدمین حکومت بطریق استقراع برگزیده میشوند، هرشغلی مسئولیتی دارد ، وهراقدامی موکول بنظر مجلس مردم است. لذا پیشنهاد میکنم ، که منبعد حکومت انفرادی را ملغی نماییم، وادارهٔ کارهای مردم را بخود خلق واگذار کنیم . موضوع مهم فرق فاحش موجود مابین اختیارات فردی واجتماعی است .

عقیدهٔ اتانس بشرح مذکور بود.

مگابیز (Mégabyze) معتقد اولیگارشی (Oligarchie حکومت یك دسته متمکن) بود ، و چنین گفت : باعقیدهٔ اتانس در خصوص معایب حکومت یك نفری (رژیم مطلقهٔ پادشاهی) موافقت دارم، امااز اینکه او پیشنهاد میکند حکومت مردم را بدست خود مردم بدهیم ، طریق خطا می پیماید ، زیرا چیزی بیمعنی تر ومستبدتر از عامه وجودندارد . محال است، که خلقی خودرا از استبداد حکومت یکنفری نجات بدهند ، برای اینکه گرفتار استبداد عامه بگردند ؛ زیرا اگر پادشاه قهار مستبدی ((Tyran)) کاری بکند ، باز دارای معنایی خواهد بود (؟) ، ولی تصمیمات عامه فاقدمعنی است. فی الجمله از کسی که خودش چیزی نمیداند، وبمثل سیلابی لاعن شعور درشورش وغرش باینورو آنور است چه میتوان انتظار داشت ؟ حکومت مردم را باید کسانی پیشنهاد کنند ، که دشمن پارسیها هستند، ولی ما گروهی را برمی گزینیم که لایق باشند، وحکومت را بکف کفایت آنان می سپاریم .

البته خود ما (هم قسمها) نیز درجرگهٔ این گروه حکمران داخل☆☆

☆☆ خواهیم بود. کار بهتران، بهترین کارهاست. نظریهٔ مگابیز بشرح مذکور است.

آنگاه نوبت سخن به داریوش رسید، که سومین کس بود، او چنین گفت: من عقیده مگابیز را درباره حکومت مردم صحیح میدانم. اما نظریهٔ اورا در بارهٔ حکومت یك گروه معدود متمکن، ناصواب میشمارم. از اسلوب حکومت سه‌گانه‌ای، که ما پیشنهاد میکنیم، در صورتیکه هریك از آنهارا ببهترین وجهی تصور کنیم، یعنی از بهترین حکومت مردم، بهترین حکومت گروه‌معدودمتمکن،و بهترین حکومت مطلقهٔ‌پادشاهی، من آخری‌را بهتر ازهمه‌میدانم. چیزی بهتر از حکومت بهترین شخص وجود ندارد، زیرا این‌شخص چون دارای بهترین‌نیات میباشد، کارهای‌مردم‌را ببهترین وجهی اداره خواهد کرد، ودراین طرز حکومت مسائل مربوط بدشمنان خارجی بنحو احسن در پردهٔ استتار مخفی خواهد ماند. امابالعکس درحکومت یك گروه معدود متمکن، چون ادارهٔ امور دردست چندنفر آدم فاقد لیاقت (؟) است، بین ایشان اختلافات شدیدی بوجود می آید، وچون هرتك‌تك ایشان قصد ریاست وتوسعهٔ نفوذخودرا دارند، تصادم بین آنها حتمی‌الوقوع میباشد.

بدینطریق شورشهایی درداخل کشور پدید می آید، که منجر بخونریزی میگردد، وخونریزی منتهی بحکومت مستبدهٔ یکنفر سلطان میشود، بنابراین حکومت سلطنتی بهترین طرز حکومت است.

دوم اینکه‌درحکومت مردم ازوجود مردم‌فاسد(؟) احتراز نمیتوان داشت،واشخاص نادرست هیچوقت درراه‌منافع دولت بایکدیگر به پیکار ☆☆

☆☆ نپردازند ، بلکه باهم دست بیکی شوند ، زیرا این رسم کلی است که مخالفین دولت ، برضد دولت باهم ائتلاف کنند . این اوضاع دوام می یابد، تابالاخره یکی ازایشان زعیم خلق میشود، وباین کشمکشها پایان میبخشد، عملیات این شخص موجب حیرت مردم میشود ، واو بسرعت مطلق العنان میگردد . بالنتیجه ثابت میشود (؟) که حکومت یکنفر سلطان مستبد، بهترین طرز حکومتها است (؟) . خلاصه ازمطالب مذکور ، این سؤال مطرح میشود: آزادی ما (ازسلطهٔ مادها) از کجاست، و کی آنرا بماداده؟، این آزادی محصول حکومت مردم است یا ازحکومت یك گروه معدود متمکن ، ویاازحکومت پادشاهی یکنفر، عقیدهٔ من آنستکه مارا یکنفر آزاد کرده (اشاره به کوروش کبیر است) ، بهمین جهت ، ونیز چون تغییر سنن عمیق دیرین، فاقد فایده برای ماست ، لذا بایستی حکومت سلطنت مستبدهٔ یکنفری راحفظ کنیم» چون چهار نفر دیگر از هم قسمها باپیشنهاد داریوش موافقت کردند ، اتانس خود را مغلوب یافت ، آنگاه خطاب به رفقای خویش چنین گفت :

رفقا ! مسلم است که یکی از ماها (هم قسمها) بطریق استقراع یابمیل مردم، شاه پارس خواهد شد . حالا این یکنفر را خواه خودمردم برگزینند ، وخواه او بوسایل دیگری متشبث شود ، بهرصورت من باشما رقابت نخواهم کرد ، زیرا من نه میخواهم پادشاه شوم ، ونه رعیت . من از حکومت کناره می جویم ، که خود و اخلافم رعیت هیچیك از شماها نباشیم .

هرشش نفر از هم قسمها این شرط اتانس را پذیرفتند، واواز ☆☆

Accession No. ۱۲۲۲

از آغاز سدهٔ نوزدهم تا سال هزار و هشتصدو پنجاه و هشت میلادی (هزار ودویست وهفتاد و پنج هجری قمری (۱) خصوصیات کلی آنرا کماهوحقه تعریف وتوصیف کرده است.

مقدمات پیدایش آزادی علایم یك تحول نوین در ایران، بمانند بسیاری از کشور های دیگر (۲)، در سال تاریخی **(۱۸۴۸)** هزار وهشتصد وچهل وهشت میلادی (هزار ودویست وشصت وپنج هجری قمری)، درپـایان سلطنت محمدشاه و آغـاز حکـومت جانشین وی، ناصرالدین شاه، باشورش بابیه، که سه یاچهار سالی وجود سلطنت سلسله

☆☆ رفقایش جدا گشت و بیرون رفت. اینك این یگانـه خانوادهٔ آزادی است، که درپارس (ایران) وجود دارد.

خانوادهٔ اتانس بدون اینکه قوانین را نقض کند، بقدری که مایل است اطاعت میکند.» م.ع

(۱) History of Persia from the beginning of the Nineteenth Century to year 1858

(۲) سال **۱۸۴۸** میلادی، درتاریخ جهان مبدأ تحولات عظیمی بشمار میرود. دراین سال انقلابات بزرگی تقریباً در سراسر ممالك اروپائی، بویژه آلمان وایتالیا پدیدار گشت. مانیفست معروف مارکس دراین تاریخ انتشار یافت، رجوع فرمائید بکتاب فلسفهٔ عمومی **آ،کویه**، مجلد دوم، چاپ پاریس:

(Cuviller, philosophie generale, Paris, 1938)

وتاریخ عمومی آلبرماله، طبع تهران، مجلد ششم وهفتم، ترجمه آقای فرهودی م.ع

Kashmir University Library
Accession No 74411

قاجاریه‌را تهدید کرد، آغاز گشت (۱)، این نهضت چنانکه کنت دو گوبینو (۲) خوب متذکر شده، خالی از اهمیت سیاسی نبوده، و بالاتر از همه خصوصیات اخلاقی ایرانیان را بیک صورت نوین، غیر مترقب و قهرمانی نمودار ساخت.

امیر کبیر پیشرو نهضت مشروطیت

قیام بابیه با مخالفت شدید یکی از بزرگترین وزیرانی که ایران درعهد جدید بخود دیده، یعنی میرزا تقی‌خان امیر کبیر مواجه گشت. شجاعت و شهامت، راستی و درستی، دوربینی و مآل‌اندیشی سیاسی این شخصیت مورخین جدید عهد مشروطیت‌را بر آنداشته که مشارالیه را پیشرو نهضت مشروطه، یا بهر صورت یک مرد وطن پرست بسیار دانا وصمیمی بشمار آورند. (۳)

استبداد کبیر و استبداد صغیر

این حکم از نقطه نظر معنوی ممکن است درست باشد، ولی از لحاظ تاریخی امیر کبیر کاملا متعلق به «ایام استبداد» یعنی دوران طویل دوهزار وپانصد ساله‌ایست که طی آن تاریخ ایران میتواند روشن و مطمئن

---

(۱) **شاردن**، جهانگرد فیلسوف معروف فرانسوی، درمجلد چهارم ازسیاحتنامهٔ معروف خود، متذکر میشود که در **دورهٔ صفویه**، درمجامع عمومی پایتخت (اصفهان) مخصوصاً درقهوه‌خانه‌ها نطقهای علنی انتقادی ازروش حکومت بعمل می آمد (سیاحتنامه شاردن ترجمه م. محمدلوی عباسی- طبع طهران، جلد چهارم) م.ع

(۲) Conte de Gobineau

(۳) «امیر کبیر و ایران» یك بیوگرافی جامع گرانبهائیست از زندگانی این وزیر بی نظیر ووطن‌پرست که بقلم جناب آقای فریدون آدمیت اخیراً درطهران انتشار یافته است. م.ع

طرح شود ، و بطریق قیاس (چون بالفعل اصطلاحی بنظرم نمیرسد) بااستبدادصغیر (محمدعلیشاهی، ازبیست وسوم جون ۱۹۰۸ تاشانزدهم جولای ۱۹۰۹ میلادی) که باختصاره در باره آن سخن خواهیم راند ، استبدادکبیر خوانده شود .

پنج دورهٔ کشمکش مشروطه

تاریخ کشمکش مشروطه ایران ممکن است بدوره های زیرین تقسیم گردد .

نخست ـ دوران تهیه ، یامقدمات انقلاب .

دوم ـ اولین دورهٔ مشروطه (از پنجم اگست هزار ونهصد وشش تابیست وسوم جون هزارونهصد وهشت میلادی مطابـق هزار و سیصد وبیست وچهار تاهزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری) ، یادوران مجلس نخست شورایملی (هفتم اکتبر هزار ونهصد وشش تابیست وسوم جون هزار ونهصد وهشت میلادی)

سوم ـ استبداد صغیر ،که مشروطیت دراین دورهٔ (درتمام ایران، باستثنای آذربایجان) تعطیل ومحمدعلیشاه مخلوع ازنورژیم استبداد را برقرار ساخت (ازبیست وسوم جون هـزارونهصد وهشت تـا شانـزدهم جولای هزارونهصد ونهمیلادی مطابق هزاروسیصدوبیست وشش تاهزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری) .

چهارم ـ دومین دورهٔ مشروطه (از شانزدهم جولای هزار ونهصد ونه تابیست وچهارم دسمبر هزار و نهصد و یازده میلادی مطابق هزار وسیصد وبیست وهفت تاهزاروسیصدوسی هجری قمری) کهبااتیماتومهای

مورخ دوازدهم و بیست ونهم نومبر روسیه تزاری ، واخراج مستر شوستر مورگان ، مدیر کل مالیه ایران ، وتاخت‌وتاز سپاهیان روسهای تزاری بشمال ایران‌ووحشیگریهای آنان ویاعمال ایشان‌در تبریز ، رشت ونقاط دیگر (دسمبر هزار ونهصد ویازده وجنوری هزارونهصدودوازده مطابق هزار وسیصد وسی وهزار وسیصد وسی یك‌هجری قمری ببعد) پایان یافت .

پنجم- دورهٔ غیرعادی کنونی، که‌نه‌حکومت مستقل ونه‌مشروطیتی درمیانست ، دولت ایران را روسیه تزاری ترور و فلج کرده ، وبتدریج تمام شمال ایران (طبق‌پیمان مناطق نفوذ منعقده بین تزار و انگلستان) باصطلاح سیاسی مبدل بیك‌منطقهٔ تحت‌الحمایه نقابداری‌میگردد (ازاول جنوری هزار نهصد دوازده تا تاریخ تحریر این کتاب یعنی بیست ونهم جنوری هزارنهصد چهارده میلادی مطابق هزار وسیصد سی‌ویك تاهزار وسیصد سی سه هجری قمری) .

بعضی از حوادث و وقایع‌عمده چهاردوره نخست نهضت‌مشروطیت اینك‌ذیلا ذکرمیگردد، اما دوران‌اخیر ، نزع‌روان یافترت مرگ آسانی، بنظر میرسد . (۱) .

---

(۱) انقلاب‌سوسیالیستی اکتبر۱۹۱۷ روسیه ، تمام‌این نقشه‌های‌شوم رابربادداد ، وایران‌ازخطرمرگ مهیبی‌رهایی‌یافت. مرحوم **ملك‌الشعراء بهار** درنطقی که درطهران، بعداز انقلاب شوروی،درمقابل مسجدشاه کرد، چنین گفت : مملکت ایران تاکنون مانندکسی بود که طنابی بدورگردنش پیچیده،وازدوطرف‌دوسر آنراانگلیسان‌وتزارهای‌روسیه‌میکشیدند، باانقلاب اکتبر یك‌سر طناب بریده شد ، وایران ازخفقان نجات یافت م . ع

۱

مقدمات انقلاب مشروطه
تبلیغات و عملیات

آغاز دورهٔ تهیه مقدمات انقلاب مشروطه رابدقت نمیتوان معلوم کرد ، ولی ممکن است که ایندوره را بدو قسمت تقسیم نمود : نخست تهیه مقدمات معنوی انقلاب وتبلیغات، دوم شورش عملی برضد اوضاع و احوال غیرقابل تحمل حاکم برمحیط زندگانی . تهیه مقدمات معنوی نهضت بطور عمده نتیجه وفعالیت دومرد : (۱) سیدجمال‌الدین افغانی

(۱) اگر بخواهیم حق مطلب راادا وحقیقت تاریخ را بیان کنیم ، بایستی بگوئیم رجال ثلاثه ، یعنی میرزا فتحعلی آخوندزاده (متولد هزارودویست وبیست وهفت ومتوفی بیست وچهارم صفر هزار ودویست و نودوپنج هجری قمری) وسیدجمال وپرنس ملکم خان. آخوندزاده که اشهر مشاهیر آذربایجان ویکی ازنوابغ بزرگ ایران وجهان است برای تجدد ادبی و تحول اجتماعی در ایران وجهان اسلام فعالیت بسیار ممتد وبی‌سابقه‌ای داشته است : او مخترع الفبای جدید ، (۱۲۷۴ هجری قمری) و مبتکر اوپرا وتئاتر های انتقادی واجتماعی (که بالسنهٔ روسی وفرانسه وانگلیسی و آلمانی وفارسی ترجمه *

(متولد هزار و هشتصد وسی و هشت ، متوفی هزار و هشتصد و نود وهفت میلادی مطابق هزار ودویست وپنجاه و چهار وهزار و سیصد و پانزده هجری قمری وپرنس ملکم خان ناظم الدوله (متولد هزارو هشتصد وسی و سه ، متوفی هزار ونهصد و هشت میلادی مطابق هزار ودویست وچهل ونه وهزار وسیصد وبیست وشش هجری قمری) وشاگردان ایشان بود .

فعالیتهای سیدجمال

فعالیت‌های سیاسی دامنه‌دار وهمه‌جانبهٔ سیدجمال ، که درفصل نخست کتاب انقلاب ایران تألیف من بتفصیل مورد تحلیل قرار گرفته ، تاآنجاکه مربوط به‌شرق نزدیك است ، درحدود هزار وهشتصد وهفتاد میلادی (مطابق هزار ودویست وهشتاد وهفت‌هجری قمری) ، ازموقعی که باراول ازمصر وقسطنطنیه (استانبول) بازدیدبعمل آورد ، آغاز گشت. فعالیت‌عمده‌مستقیم اودرایران‌طی سالهای هزار وهشتصد وهشتاد وشش

✡ ومکرر دراروپا وایران طبع‌شده) درادبیات نوین است .

ملکم‌خان نیز پس از اختراع الفبای جدید خود ، نسخه‌ای ازآنرا بحضور آخوندزاده فرستاده بوده ، ومیان این دو رجل نامدار مکاتبات ممتد ومفصلی انجام گرفته که خود موضوع بسیار دلکش و شایان توجهی است .

آخوندزاده رساله الفباء اختراعی خودرا بادورساله دیگر متضمن فرمان سلطان عبدالعزیز عثمانی باخط وامضای خود درسنه«۱۲۸۵ هجری قمری بوزارت معارف ایران تقدیم داشته که الحال این نسخه ها عیناً در ضمن کتب موقوفه اعتضادالسلطنه مرحوم در کتابخانه سپهسالار(دانشکده معقول ومنقول) موجود است .

نقل از«تاریخ تمدن آذربایجان» تألیف نگارنده این سطور. م . ع



ملکم خان ـ نویسندهٔ قانون

Call No......... *Date........................*

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

تاهزار وهشتصد ونودمیلادی(مطابق هزاروسیصد وچهارتاهزاروسیصدو هشت هجری قمری) بوده است که منجر باخراج توهین آمیز مشارالیه (ازاین کشور) گردید، اما تأثیرغیرمستقیم وی بعدازمرگش(هزاروهشتصد ونودوهفت میلادی مطابق هزار وسیصد و پانزده هجری قمری) هنوز پدیدار بود ، چنانکه درشورش مردم برضد انحصار توتون وتنباکو (می هزاروهشتصد ونود تاجنوری هزاروهشتصدونود ودومیلادی مطابق هزاروسیصدوهشت تاهزاروسیصدوده هجری قمری) ودرقتل ناصرالدین شاه (اول می هزار وهشتصد ونودوشش میلادی مطابق هزار وسیصدوچهارده هجری قمری) بدست میرزارضای کرمانی، یکی از شاگردان سید ، عامل عمده ای بشمار میرفت .

« قانون » ملکم خان

نامهٔ ماهیانه قانون متعلق به پرنس ملکم خان را، کلیهٔ محققین تاریخ یکی ازعوامل بسیار مؤثر ادبی درپیدایش نهضت مشروطیت بشمار می آورند .

آغاز انتشار این مجله در بیستم فبرواری هزاروهشتصدونود میلادی (هزاروسیصد وهشت هجری قمری) بود ، وظاهراً درحدود سه سال و نیم نشر آن ادامه داشته ، و بطور کلی چهل ویك شمارهٔ ماهیانه منتشر شده است .

شورش برضد امتیاز تنباکو

شورش مردم علیه امتیاز توتون وتنباکو درسال هزاروهشتصدو نودویك میلادی (هزار وسیصد ونه هجری قمری) که منتهی بموفقیت

ایرانیان گشت، مرحلهٔ مهمی در تاریخ ایران بشمار میرود، و در حقیقت مبدأ نهضت مشروطیت محسوب میشود، اگرچه پیش درآمد مستقیم انقلاب در دسامبر هزار و نهصد و پنج میلادی [(۱) هزار و سیصد و بیست و سه هجری قمری] پدیدار گشته. حوادث عمدهٔ این دوره تا اعطای مشروطیت (۲) در پنجم اوت هزار و نهصد و شش (مطابق هزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری)، با تاریخ وقوع آنها بقرار زیر است :

وقایع ۱۹۰۵ میلادی = (۱۲۸۴ هجری شمسی = ۱۳۲۳ هجری قمری)

در یازدهم دسامبر هزار و نهصد و پنج (روز دوشنبه بیستم آذرماه هزار و دویست و هشتاد و چهار هجری شمسی، چهاردهم شوال، هزار و سیصد و بیست و سه هجری قمری) بازرگانان و سیدها (۳) توسط

---

(۱) در همین سال یعنی هزار و نهصد و پنج میلادی قوای **تزار** در **ژاپن** در **پرت آرتور** شکست سختی خورد ! و مردمان روسیه انقلابات عظیمی علیه **تزاران** براه انداختند روزنامهٔ معروف **ملانصرالدین** این حوادث مهم را باشرح و بسط شایان توجهی بگوش ایرانیان می‌رسانید، و بدینطریق برای خلقهای ایران درس نهضت میداد. بطور کلی شکست ۱۹۰۵ تزار یعنی حامی پادشاهان قاجار، و مخصوصاً قیام عظیم انقلابیون روسیه، در پیدایش نهضت مشروطیت ایران تاثیر بلاواسطه و مستقیم داشته است که نباید از نقطهٔ نظر تاریخ فوت شود. م. ع

(۲) مشروطیت را مظفرالدین شاه «اعطاء» نکرد بلکه مردم بزور فرمان آزادی خود را گرفتند، چنانکه هنگامیکه فرزند ناخلف وی، محمد علیشاه ازاین موافقت عدول کرد، مردم بزور سر نیزه اصول مشروطیت را برقرار، و شاه متخلف را از مملکت بیرون راندند. م. ع

(۳)- هفده نفر بازرگان، حاجی سید هاشم قندی و حاجی سید اسماعیل خان م. ع

علاءالدوله ، باتصویب عین‌الدوله بجرم گران کردن بهای قند وشکر بچوب وفلك بسته شد. بازارها بسته میشود ، و (بازاریان) درمسجدشاه باجتماع میپردازند .

هجرت صغری

درسیزدهم دسامبر هزارونهصدوپنج میلادی مطابق روزچهارشنبه بیست و دوم آذرماه هزارودویست وهشتادوچهار هجری‌شمسی وشانزدهم شوال ، هزاروسیصدوبیست وسه هجری قمری) قریب دوهزارتن ازملایان، وطلاب وبازرگانان ، بزعامت سیدمحمدطباطبائی وسید عبدالله بهبهانی بعنوان اعتراض طهران‌را ترك گفتند ، ودر مزار شاه عبدالعظیم تحصن اختیارکردند . این حادثه معروف به‌هجرت صغری است .

۱۹۰۶ میلادی = (۵-۱۲۸۴ هجری‌شمسی = ۴-۱۳۲۳ هجری‌قمری)

مراجعت مهاجرین

زنده‌باد ملت ایران !

در دوازدهم ژانویه هزار ونهصد وشش میلادی (مطابق روز آدینه بیست‌ودوم دی‌ماه‌هزارودویست وهشتادوچهارهجری شمسی وشانزدهم ذیقعده هزاروسیصد وبیست‌وسه هجری قمری) پس از مذاکرات ممتد بامظفرالدین‌شاه ودرباریان ووزیران وی، مهاجرین بطهران مراجعت کردند، وازشاه دستخطی گرفتند، که درهمین روز عیناً در مسجد برای مردم قرائت‌شد ، وطی آن شاه وعدهٔ افتتاح عدالتخانه، انفصال وزیران

بدکار : عین‌الدوله وعلاءالدوله ، وانجام مستدعیات دیگر مردمان، طبق اظهارات ملایان، پیشوایان‌روحانی آنهارا میداد(۱) درهمین روز بود که، بنابرقول مؤلف «تاریخ بیداری ایرانیان» برای نخستین‌بار ندای‌زنده‌باد ملت ایران ! بگوش فرارسید .

درهفدهم جون‌هزار ونهصد وشش (مطابق شب‌شنبه بیست‌وپنجم خردادماه‌هزار ودویست‌وهشتادوپنج هجـری‌شمسی ، بیست وچهـارم ربیع‌الثانی هزاروسیصد وبیست وچهارهجری قمری) حاجی‌میرزاحسن رشدیه ، مجدالاسلام کرمانی ومیرزا آقا اصفهانی را دستگیر و به کلات (نادری) تبعید کردند .

---

(۱) اینك برای مزید اطلاع قارئین عین متن دستخط در اینجانقل میشود ، وچنانکه ملاحظه‌میفرمایند ازعزل وزرای تبهکاروانجام مستدعیات مردم دردستخط خبری نیست ، وفقط نویدافتتاح «عدالتخانه» داده میشود ، که انقلابیون از آن تعبیر بمجلس شورایملی میکنند ، وبالاخره بپایمردی وجانفشانی بمطلوب واقعی خود نایل میگردند وهی هذا :

«**جناب‌اشرف اتابك اعظم** ـ چنانکه مکرر این نیت خودمانرا فرموده‌ایم ،ترتیب وتأسیس‌عدالتخانه دولتی برای اجراء احکام شرع‌مطاع وآسایش رعیت ازهرمقصود مهمی واجب‌تراست ، واینست بالصراحه مقرر میفرمائیم برای اجراء این نیت مقدس قانون معدلت اسلامیه که عبارت از تعیین‌حدود واجراء احکام شریعت مطهره‌است ،بایددر تمام ممالك محروسهٔ ایران عاجلا دایرشود ،بروجهی که‌میان‌هیچیك ازطبقات‌رعیت فرقی گذاشته نشود ، ودراجراء عدل وسیاسات ، بطوریکه‌در نظامنامهٔ این قانون‌اشاره خواهیم کردملاحظه اشخاص وطرفداریهای‌بی وجه‌قطعاً وجداًممنوع‌باشد ، البته بهمین ترتیب کتابچه نوشته ، مطابق قوانین شرع مطاع فصول‌آنرا ترتیب وبعرض برسانید ، تادرتمام ولایات دائر و ترتیبات مجلس آنهم بر وجه صحیح‌داده شود والبته این قبیل مستدعیات علماء اعلام که باعث مزید دعاگوئی ماست ، همه وقت مقبول خواهد بود ، همین دستخط ما را هم بعموم ولایات ابلاغ کنید .

شهرذی القعده۱۳۲۳» م .ع

دربیست‌ویکم جون هزارونهصد وشش مردم بایك حملهٔ موفقیت آمیزی، بنجات یکی ازرهبران خود ، (۱) که بدست سربازان بازداشت شده بود ، برخاستند ودراین حادثه قریب پانزده نفر، ازجمله دوسید بنام حسین وعبدالمجید(۲) کشته شدند .

نارضایتی مردم، که مشاهده میکردند خبری از اصلاحات موعود درمیان نیست ، وآنها را فریب داده‌اند ، افزایش می‌یافت و بامقاومت شدید حکومت مواجه میگردید .

درششم جولای هزارونهصد وشش ، سیدمحمد طباطبایی در میان جمعیت‌عظیمی بوعظ وخطابه پرداخت، ازجبر وستم‌وسوء اداره‌حکومت سخن راند ، وضرورت مطلق عدالتخانه راگوشزد کرد، و درافتتاح آن

---

(۱) حاجی شیخ محمد واعظ **م.ع**

(۲) درروز چهارشنبه نوزدهم تیرهزارودویست وهشتادو پنج شمسی مطابق هیجدهم جمادی‌الاول هزار و سیصدو بیست وچهار هجری قمری حاجی شیخ محمدواعظ رابدستور عین‌الدوله سربازان گرفتارساختند، مردم باتشویق **ادیب‌الذاکرین** حمله کرده حاجی شیخ محمد راآزاد ساختند ، دراین میان یك تیر بران ادیب‌الذاکرین خورد واورا بزمین انداخت ،ولی باز برخاسته‌روانه گردید. دراین میان **سید عبدالحمید** (نه عبدالمجید) نامی ازطلبه بنکوهش فرمانده سربازان ، احمد خان یاورپرداخت و گفت: تومگرمسلمان نیستی ؟ احمدخان برآشفته با تیری سینهٔ‌سید را بشکافت . مردم جسد طلبه شهید رابرداشته بسوکواری پرداختند :

از نو حسین کشته زجور یزید شد

عبدالحمید کشته عبدالمجید شد !

عبدالمجید نام عین‌الدوله است . **م.ع**

اصرار وزرید . (۱)

هجرت کبری

درجولای هزارونهصدوشش ، روحانیونی که زمامدار نهضت بودند، بهمراهی توده عظیمی ازطلاب و بازرگانان ودیگران طهران را ، بقصد حوزه مقدس قم ترک گفتند ودر آنجا بست نشستند. این حادثه به هجرت کبری معروف است . (مهاجرین روز سی ام تیر هزارودویست وهشتاد و پنج هجری شمسی بقم رسیدند.)

تقریباً درهمین موقع (۲) گروهی (۳) ازبازرگانان ، صرافان، دکانداران و صنعتگران و دیگر مردمان با اجازه شارژدافرانگلیس، مستر گرنت دف (٤) در محوطه سفارت بریتانیا در طهران پناه جستند . تعداد پناهندگان همه روزه در افزایش بود ، تابالاخره بحدود سیزده یاچهارهزار تن بالارفت .

---

(۱) یکشنبه بیست وسوم تیرماه هزارودویست وهشتادوپنج هجری شمسی ، بیست و دوم جمادی الاول هزاروسیصدو بیست وچهار هجری قمری مردم در مسجد اجتماع کرده میگفتند :

« یاعدالتخانه، را برپا کنید، یامارا بکشید ، و بدیگران کاری ندارید ، ویا بما راه بدهید ازشهر بیرون رویم ! » . م . ع

(۲-۳) پنجشنبه بیست وهفتم تیرماه هزاروسیصدو هشتادوپنج هجری شمسی ، بیست وششم جمادی الاول هزارو سیصد و بیست و چهار هجری قمری ، ابتدا درحدود پنجاه تن بودند ، ولی در سی ویکم تیر شماره شان به هشتصد وپنجاه وهشت نفررسید ، وبالاخره طی سه روزدیگر تاپنجهزار رسید وچهارروز دیگر تاسیزده هزار بالا رفت . م . ع

(٤) Mr Grant Duff

تسلیم شدن مظفرالدین شاه، فتح ملی، جشن ملی

درپنجم اگست هزارونهصد وشش ، بالاخره مظفرالدین شاه تسلیم شد، مشروطیت ومجلس شورا را تصویب کرد، عین‌الدوله را عزل نمود، و برای خویشاوندان سیدهای شهید پرداخت پاداش ماهیانه‌ای را وعده داد .

این حادثه را چندروز بعد ، باشادیهای بسیار بعنوان فتح ملی، بعلامت آغاز دوره مشروطیت جشن گرفتند. باتقویم اسلامی این واقعه در چهاردهم جمادی‌الثانی هزار وسیصدوبیست‌وچهار هجری قمری (مطابق یکشنبه سیزدهم مردادماه هزارودویست وهشتادوپنج هجری شمسی) اتفاق افتاده، ونخستین سال آن باشکوه عظیم و سرور کثیر در همان روز سال بعد هجری ، دربیست وپنجم جولای هزار ونهصد و هفت میلادی بعنوان جشن ملی برگزار گردید .

✡✡✡✡✡
✡✡✡✡
✡✡✡
✡✡

۲

نخستین دوره مشروطیت

(مشروطهٔ اول) پنجم اوت هزار و نهصد و شش تا بیست و سوم جون هزار و نهصد و هشت (هزار و سیصد و بیست و چهار تا هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری)

نوزدهم اوت هزار و نهصد و شش - افتتاح رسمی باشکوه عمارت جدید مجلس شورایملی درحضور مقامات روحانی، که بعنوان مهمانان شاه مدت سه روز ازایشان پذیرائی بعمل آمد.

نهم سپتامبر هزار و نهصدوشش - اعلام قانون انتخابات.

هیجدهم تا بیست وهفتم سپتامبر هزار و نهصد و شش- گروهی از تبریزیان بعنوان اعتراض برضد ظلم وستم محمدعلی میرزای ولیعهد ، که بعداً شاه گشت، بکنسولگری انگلیس پناهنده شدند.

هفتم اکتبر هزار و نهصد وشش - نخستین دوره مجلس شورایملی تحت ریاست صنیع الدوله گشایش یافت.

بیست وسوم نوامبر هزار و نهصدوشش- پیشنهادوام مشترک چهار صد

هزار لیره‌ای انگلیس وروس ازطرف مجلس ردشد .

بیست وپنجم نوامبر هزارو نهصدو شش ـ روزنامه مجلس برای اولین بار انتشار یافت .

بیست و هفتم دسامبر هزار و نهصد وشش ـ روزنامه ندای وطن نخستین بار انتشار یافت.

سی‌ام دسامبر هزار و نهصد و شش ، قانون اساسی از طرف مظفرالدین شاه تصویب واعلام شد ، وبدین ترتیب کیفیت رژیم مشروطه ایران تثبیت وتعریف یافت .

وقایع ۱۹۰۷ = (۱۳۲۵ هجری قمری = ۱۲۸۶ هجری شمسی)

هشتم جنوری هزارونهصد وهفت ـ مرگ مظفرالدین شاه .

نوزدهم جنوری هزارونهصدوهفت ـ تاجگذاری پسروی محمدعلیشاه بعمل آمد، درباره برگزاری این مراسم، مجلس هیچگونه اطلاعیه رسمی دریافت نداشت، وازهیچیك ازاعضای آن دعوت بعمل نیامده بود .

هفتم فبروری هزار ونهصد وهفت ـ نمایندگان تبریز، ازجمله سیدتقی‌زاده ، بطهران واردشدند، واستقبال‌عظیمی از آنها بعمل آمد .

دهم فبروری هزارونهصد وهفت ـ (محمدعلی) شاه ناگزیر بعزل مسیونوز (۱) بلژیکی، رئیس منفوزعامه گمرکات گردید .

هفدهم مرچ هزارونهصدوهفت ـ مشیرالدوله ازصدارت عظمی استعفاء کرد .

---

(۱) M. Naus

بیست وششم اپریل هزار ونهصدوهفت - امین السلطان ، یا اتابك اعظم، پس از سه سال ونیم تبعید، برای اشغال مقام نخست وزیری بدعوت شاه بایران مراجعت کرد.

بیست ونهم اپریل هزار ونهصدوهفت - روزنامهٔ حبل المتین طهران پدید آمد.

می هزار ونهصد و هفت - توطئه رحیم خان و پسرش برای ایجاد تشویش واضطراب در تبریز، وقتل مشروطه خواهان عمده. یقین حاصل بود که شاه اورا تحریك باینکارها کرده است.

بیست وششم می هزار ونهصدوهفت - شب جشن تولدشاه بود، طهران را آذین بسته وبرای چراغانی آماده کرده بودند، ولی مردم تزیینات را پائین کشیدند ، واجازه ندادند که آذین بندی تجدیدشود، مگر اینکه شاه درتسلیم رحیم خان بوزارت دادگستری، کمك کند ، ومشارالیه بجرم توطئه محاکمه گردد

سی ام می هزار ونهصد وهفت - نامه هفتگی صوراسرافیل برای اولین بار انتشار یافت.

جون هزارونهصدوهفت - سالارالدوله ، برادرشاه درهمدان علم طغیان برافراشت ، ولی درناحیهٔ تاریخی نهاوند شکست خورد، وپس از تضمین سلامت وجود خویش ، در بیست و دوم جون بنمایندهٔ شاه تسلیم گشت.

بیست وپنجم جولای هزارونهصدوهفت - جشن ملی نخستین سال انقلاب مشروطیت مطابق تقویم هجری برگزار شد.

سی ویکم اگست هزار ونهصد و هفت - پیمان سازش انگلستان

وروسیه تزاری امضاء گشت. امین السلطان، یااتابك اعظم ، هنگام خروج ازمجلس شورایملی ، از طرف عباس آقا ، صراف تبریزی هدف تیر قرار گرفت، ونیمساعت بعد درگذشت . قاتل خود را نیز کشت .

چهارم سپتمبر هزار و نهصد وهفت- یادداشت معروف سرسیسیل اسپرینگ رایس (۱) بمنظور تخفیف اضطراب ایرانیان وتحلیل حدود وهدف پیمان سازش انگلستان وروسیه تزاری، بوزارت خارجه ایران ابلاغ گشت، وده روز بعددرشماره صدوپانزدهم حبل المتین طهران انتشار یافت .

دهم سپتمبر هزار ونهصد وهفت ـ احتشام السلطنه بریاست مجلس انتخاب گشت.

سیزدهم سپتمبر هزار و نهصد و هفت ـ نصرالله خان مشیرالدوله درگذشت. سعدالدوله بوزارت امورخارجه منصوب گشت .

اول اکتبر هزار ونهصدوهفت ـ شاهزادگان اصیل ونجبای دربار درمجلس شورایملی حضور بهمرسانیدند ، وبرای وفاداری بمشروطیت سوگند خوردند وقسم یادکردند .

دوم اکتبر هزار ونهصد وهفت ـ سعدالدوله استعفا کرد ، وهیأت دولت نوینی بریاست ناصرالملك نایب السلطنه کنونی ، تشکیل شد. این کابینه درچهاردهم دسمبر هزار ونهصد وهفت استعفا کرد .

ششم اکتبر هزار ونهصد وهفت ، چله (چهله) شهادت عباس آقا قاتل امین السلطان ، توسط عده کثیری ازتحسین کنندگان وی باشکوه وجلال وتشریفات عظیمی برگزار شد .

ششم نوامبر هزار ونهصد و هفت ـ روزنامه روح القدس مقالهٔ

---

(۱) Sir Cecil Spring Rice

شدیداللحن تهدید آمیزی خطاب بشاه منتشر کرد ، وبهمین جهت ازطرف مجلس شورا توقیف گشت .

دوازدهم نوامبر هزار ونهصدوهفت ـ شاه درمقابل انظار عامه از مجلس شورایملی دیدن کرد ، وباز برای وفاداری بمشروطیت سوگند یاد نمود.

پانزدهم دسمبر هزار ونهصد وهفت ـ آغاز کودتای عقیم شاه است که ایرانیان آنراوقایع میدان توپخانه خوانند ، این میدان مرکزاجتماع و مبدأ عملیات لوطیان مزدور شاه بود . ناصرالملك ازطرف شاه توقیف وتهدید بمرگ گشت، ولی بامداخله سفارت انگلستان مشارالیه نجات یافت ، وروز بعد ایران را بقصد اروپا ترك گفت پیروزی کامل مجلس، وسرفرود آوردن شاه دربیست ودوم دسمبر . هیأت دولت نوینی بریاست نظام السلطنه (مافی) تشکیل یافت . به ظل السلطان امر شد تهران را ترك گوید .

۱۹۰۸ = (۱۳۲۶ هجری قمری)

فبروری هزار ونهصد وهشت ـ بوسیله بمب سوء قصدی علیه شاه بوقوع پیوست که منجر بهلاکت یکی از نوکران وی ، وخرابی اتومبیلی گردید . پرتاب کننده بمب هرگز معلوم نشد .

اپریل هزارونهصدوهشت ـ احتشام السلطنه ازریاست مجلس استعفاء کرد، وممتازالدوله جای ویرا گرفت .

چندین تن ازمرتجعین مشهور که درکودتای عقیم دسمبر گذشته (وقایع میدان توپخانه) ، ویاقتل ارباب فریدون زردشتی شرکت داشتند،

بکلات (نادری) تبعید گردیدند، ویا بچوب وفلك بسته شدند، ویا اینکه هم چوب خوردند وهم پیاز، ازجملهٔ اینان: صنیع حضرت، که بعداً در بیست و نهم جولای هزار ونهصد و نه بدار کشیده شد، ومقتدر نظام بود.

می، هزار و نهصد وهشت ـ تیرگی روابط شاه ومجلس شورای ملی افزایش می یابد.

دوم جون هزار ونهصد وهشت ـ مداخله تهدید آمیز وزیر (مختار) روس، مسیو دوهارت ویگ (۱) وشارژ دافر انگلستان مستر مارلینگ (۲) بنفع شاه.

سوم جون هزار ونهصد وهشت ـ فرار شاه، بهمراهی قزاقان ایرانی تحت فرماندهی کلنل لیاخوف روسی، از طهران بباغ نزدیك خویش، باغشاه.

پنجم جون هزار ونهصد وهشت ـ هیئتی از رجال که بدعوت شاه، در باغشاه در انتظار وی بودند، خاینانه بازداشت شدند.

یازدهم جون هزار ونهصد وهشت ـ شاه حکومت نظامی اعلام داشت، وتهدید کرد که مسجد سپهسالار را بمباران خواهد نمود، مگر اینکه مردمی که در آنجا اجتماع کرده اند، پراکنده شوند.

دوازدهم جون هزار ونهصد وهشت ـ شاه خواستار شد که هشت نفر از رهبران عامه اخراج، مطبوعات سانسور، ونیروی داوطلبانان ملی خلع سلاح گردد.

بیست وسوم جون هزار ونهصد هشت ـ بمباردمان مجلس (توپ بندی مجلس) کودتای شاه (ضربه حکومت)، یا پیروزی ارتجاع (واقعه

(۱) M. de Hartwig
(۲) M. Marling

ارتجاعیه)(۱) که بدست لیاخوف و دیگر صاحب منصبان روسیه تزاری بریگاد قزاق ایران انجام یافت. گروهی از رهبران حزب عامه (روسای انجمنها و پیشوایان مردم) بازداشت، و باسارت بباغشاه برده شدند. حاجی میرزا ابراهیم آقا، نمایندهٔ تبریز، کشته شد.

بیست وچهارم جون هزار و نهصد وهشت - میرزا جهانگیر خان شیرازی، ناشر صور اسرافیل، ملك المتكلمین، ناطق عالیمقام معروف، در باغشاه کشته شدند. چند تن از ملیون که زندگیشان در خطر بود، بسفارت انگلستان التجا جستند. بسیاری از خانه‌های اشخاصیکه مغضوب شاه بودند، از جمله منازل عمویش ظل السلطان (۲)، و عموزاده‌اش شاهزاده جلال الدوله نیز ویران و تاراج گشت. کلنل لیاخوف بحکومت نظامی طهران منصوب شد.

---

(۱) اصطلاحات ثلاثه بین الهلالین عین عبارات فارسی دورهٔ صدر مشروطه است، که باحروف لاتین درمتن انگلیسی کتاب درج شده م.ع

(۲) ظل السلطان مدعی تاج وتخت بود. م. ع

۳

استبداد صغیر

دراین دوره ،که از کودتای بیست و سوم ژوئن هزار و نهصد و هشت‌شاه (روز سشنبه دوم تیرماه ، بیست و سوم جمادی‌الاولی هزار و سیصدوبیست‌و شش‌هجری قمری) ، واضمحلال نخستین مجلس شورایملی تاپیروزی ملت وخلع محمد علیشاه بتاریخ شانزدهم‌جولای هزار و نهصد و نه میلادی طول کشیده، مشروطیت تعطیل و ارتجاع بر طهران غالب بود .ولی تبریز ،برهبری‌ستارخان و باقرخان دلاورانه درراه مشروطیت قیام کرد ، مرتجعین رابیرون راند ، ویك محاصره نه ماهه که با ورود سپاهیان روسیه تزاری‌بفرماندهی جنرال سنارسکی (۱) ، دربیست‌ونهم آوریل هزارونهصد ونه‌میلادی پایان یافت ، تحمل کرد .درنتیجهٔ‌مقاومت تبریز ، ملیون‌که ابتدا بعلت‌وقوع کودتا گیج وگمراه ، مأیوس و نومید گشته‌بودند ،اغتنام‌فرصت کرده‌تشجیع شدند ،وبجمع آوری‌نیروپرداختند، بطوریکه بتدریج دو سپاه ، یکی در رشت برهبری ظاهری سپهدار (تنکابنی) ، دیگری از ایلات بختیاری بزعامت ایل بیگی سردار اسعد

(۱) Geneeal znarsky

(بختیاری) تشکیل یافت ، واین دو نیرو متدرجاً (بسوی طهران پیشرفت کرده) در کرج ، واقع درمغرب طهران ، درهشتم جولای هزار و نهصدونه میلادی بهم پیوستند . پس از کشمکشهای مختصر بی نتیجه شاه آباد و بادامك ، عده‌ای ازملیون افواج شاهنشاهی و بریگادقزاق راغفال کرده، از میان صفوف خصم عبور و درسیزدهم جولای وارد طهران گشتند . مدت چهارروز درپایتخت جنگ وجدال ادامه‌داشت ، تا بالاخره ،درروز آدینه ، شانزدهم جولای ، محمد علیشاه بسفارت روسیه تزاری پناهنده گشت ، واین عمل او بمنزلهٔ استعفا تلقی شد ، وکلنل لیاخوف وبریگاد قزاق تسلیم گردید . فرزند شاه سابق ، سلطان احمد ،که بیش ازدوازده سال نداشت ،پادشاه اعلام گشت وعضدالملك بنیابت سلطنت معرفی شد، مشروطیت ازنو مستقر ، واقداماتی بعمل آمدکه در اسرع اوقات ممکنه مجلس شورای ملی گردآید . حوادث عمده این دوره‌سیزده‌ماهه ،باتاریخ وقوع وقایع بقرار زیر است :

چهارم‌اوت‌هزاروِنهصدوهشت- مدافعین‌تبریز باشنیدن‌اخبار کامیابی انقلاب ترکیه ، سخت تشجیع شدند .

بیستم اوت هزارو نهصد وهشت -عین‌الدوله وسپهدار (تنکابنی) برای ادامهٔ محاصره تبریز، بجلو این‌شهر رسیدند.

شانزدهم سپتامبر هزار و نهصد وهشت - حادثهٔ « اسب دوانی » درطهران اتفاق افتاد ،که طی آن سواران هندی‌گارد سفارت انگلیس درمعرض حمله قزاقان ایرانی واقع شدند . کلنل لیاخوف ناگزیرباعتذار گشت ، وسروصدا خوابید .

اول اکتبرهزارونهصدوهشت - سرجرج بر کلی (١) باعنوان وزیر

(١) Sir George Barclay

Kashmir University Library
Accession No. 74411

از روحانیون آزادیخواه صدر مشروطیت

Date......................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

(وزیرمختاری) بطهران رسید .

پنجم اکتبر هزار و نهصد و هشت ـ شاه پرستان در تبریز شکست خوردند .

یازدهم اکتبر هزاروونهصدوهشت ـ چهارصد تن از قزاقان ایرانی بفرماندهی کپتین روسیه تزاری ، اوشاکف (۱) برای تشریك مساعی در محاصرهٔ تبریز تهران را ترك گفتند .

دوازدهم اکتبرهزاروسیصدوهشت ـ ملیون در تبریز پیشرفت کردند.

هفدهم اکتبرهزار ونهصدوهشت ـ روسیه‌تزاری بمداخله‌درامور تبریز تهدیدمیکند، ولی رادارودگری (۲) بآن دولت (اطلاع)میدهد ، که‌چنین‌مداخله‌ای«احساسات‌بسیار بدی»درانگلستان پدیدخواهد آورد، لذاحکومت تزاری‌دست‌نگهمیدارد.

سی‌ام‌اکتبرهزاروونهصدوهشت ـ کمیته‌ایرانی درلندن تشکیل‌یافت.

هفتم‌نوامبر هزار ونهصد وهشت ـ تظاهرات تصنعی علیه تجدید مشروطیت درباغشاه .

(اواسط) نومبر مسیو دوهارت‌ویگ ، وزیر مختار روسیه تزاری تهران‌را برای همیشه ترك گفت .

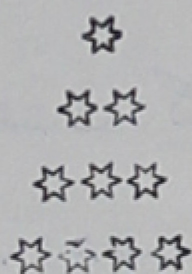
نوزدهم نوامبر هزارونهصد وهشت ـ شاه بیانیه‌ای منتشر، وطی آن اعلام‌داشت‌که مشروطهٔ قدیم تجدید نخواهد شد، وهرگز (آزادی) جدیدی اعطا نخواهد گشت .

---

(۱) Captain Ushakoff

(۲)Sir Eoward Grey

(اواسط) دسامبر ـ اخراج مسیو پانف (۱)، انقلابی بلغاری ومخبر روزنامه ری‌چ (۲) روسی از تهران بوسیله سفارت روسیه تزاری .



---

(۱) M. Panoff
(۲) Ryech

وقایع ۱۹۰۹ = (۱۳۲۷ هجری قمری= ۱۲۸۸ هجری شمسی)

پنجم ژانویه هزارونهصدونه ـ صمصام‌السلطنه دررأس سپاهی از بختیاری، اصفهان را بتصرف در آورد، نماینده شاه را بیرون راند، والحاق خودرا بنهضت مشروطه اعلام داشت.

(اواخر) ژانویه ـ مستر و. ا. مور (۱) بسمت مخبری منچستر گاردین (۲)، دیلی نیوز (۳) ودیلی کرونیکل (٤) وارد تبریز گشت.

هشتم فوریه هزار ونهصدونه ـ رشت بتصرف ملیون در آمد، عامل شاه کشته شد، ومشروطیت اعلام گردید.

یازدهم فوریه هزار ونهصد ونه ـ آخرین جاده مفتوح بروی تبریز، یعنی راه جلفا، ازطرف سلطنت‌سلبان اشغال، و بدینطریق محاصره شهر کامل گردید.

بیست و دوم فوریه هزار و نهصد و نه ـ ستارخان برای افتتاح

---

(۱) Mr. W. A. Moore
(۲) Manchester Guardian
(۳) Daily News
(٤) Daily Chronicle

مجدد جاده جلفا بیهوده مجاهدت میورزد.

هفتم مارس هزارونهصد و نه - «شجاعت مشهور شخص ستارخان» از طرف مستر راتیسلاو (۱) کنسول انگلیس در تبریز، مورد ستایش قرار گرفت

بیستم آوریل هزار و نهصد و نه - باتصویب سرادوارد گری (۲) سیاستمدار مشهور انگلستان، تصمیم اعزام سپاهیان روسیه تزاری بخاك ایران امضاء شد. تامحاصرهٔ هلاکت بار تبریز مرتفع (؟) راههاباز، تدارکات خوار بار امکان پذیر گردد.

بیست ویکم آوریل هزارونهصدونه- کوشش نهایی محصورین تبریز برای شکستن محاصره وتحصیل خوار بار. حملهٔ محصورین بمحاصره - کنندگان بهدایت مستر و. ا. مور (۳) ومستر باسکرویل، (٤) جوان امریکایی انجام گرفت. شخص اخیر بشهادت رسید.

بیست ونهم آوریل هزار ونهصد ونه - ورود قوای روسیه تزاری بفرماندهی جنرال سنارسکی (٥) بهتبریز (٦).

پنجم مه هزارونهصد ونه - سپاه مشروطه‌خواه رشت، شهر قزوین را اشغال کرد.

---

(۱) Mr Wratislaw

(۲) Sir Edward Grey

(۳) Mr W.A Moore

(٤) Mr Baskerville

(٥) Znarsky

(٦) مرحوم محمدسعید اردوبادی، یکی ازمشاهیر نویسندگان معاصر آذربایجان، سه‌مجلد رمان تاریخی بنام«دومانلی تبریز» درشرح فجایع قوای روسیه تزاری درتبریز، نهضت ستارخان، وقیام ملیون بقیادت امیرحشمت علیه سپاهیان تزار نگاشته است، که‌شایان توجه میباشد

ع . م . ٤

ششم مه هزار ونهصد ونه- اعزام قزاقان ایرانی بفرماندهی کاپیتین
زاپولسکی (۱) برای محافظت پل کرج وتوصیهٔ تهدید آمیز سفارت روسیهٔ
تزاری به‌ملیون بخودداری ازپیشرفت (بسوی پایتخت).

هفدهم‌مه هزارونهصد ونه-سپهدار چهار تقاضای مشروطه‌خواهان
را بطور خلاصه تنظیم کرد.

بیست‌ودوم مه هزارونهصد ونه - یوسف حکم آبادی (تبریزی)،
که بعدها درژانویه هزار ونهصدودوازده میلادی (هزاروسیصدوسی‌ویك
هجری قمری) بدست (حاج) شجاع‌الدوله (مرتجع معروف) تحت‌الحمایه
روسیه تزاری باکمال وحشیگری کشته شد وجسدش‌را دوشقه کرده در
خیابان آویزان نمودند، توسط قوای روسیه تزاری‌بازداشت، وخانه‌اش
درتبریز بادینامیت ویران گردید.

در نیمه دوم مه - ستارخان، باقرخان، تقی‌زاده، و دیگر
مشروطه خواهان عمده، بعنوان اعتراض علیه عملیات آمرانه روسهای
تزاری بکنسولگری ترکیه درتبریز پناه‌بردند.

هفده‌ژوئن‌هزار و نهصد ونه- بختیاریها شروع بحرکت بسوی
طهران کردند.

بیست و سوم ژوئن هزار و نهصد و نه - جلوداران بختیاریها
به‌قم رسیدند.

بیست وهفتم ژوئن هزار ونهصد ونه -کوشش دوبارهٔوزیرمختار
انگلستان وشارژ دافر روسیه تزاری برای ممانعت ازپیشروی بختیاری.

سی‌ام ژوئن هزار ونهصد ونه- قوای اعزامی روسیه تزاری در

---

(۱) Captain Zapolski

باکو متمرکز گشت.

چهارم ژوئیه هزار و نهصد و نه - زدوخورد مختصر شاه آباد. هشت تقاضای سپهدار (تنکابنی) بطور خلاصه تنظیم یافت.

چهار تا شش ژوئیه هزار و نهصد و نه - برای دو روز متارکه جنگ بعمل آمد.

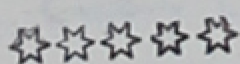
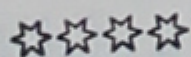
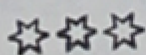
هشتم ژوئیه هزار و نهصد و نه - دو یا سه هزار سرباز روسیه تزاری در انزلی از کشتی پیاده شد.

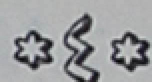
یازدهم ژوئیه هزار و نهصد و نه - سپاهیان روسیه تزاری به قزوین رسیدند. زدوخورد مختصری در بادامك اتفاق افتاد.

دوازدهم ژوئیه هزار و نهصد و نه - تجدید جنگ در بادامك.

سیزدهم ژوئیه هزار و نهصد و نه - ورود قوای ملیون بریاست بختیاریها بطهران. پس از چهار روز جنگ وجدال، از سیزده تا شانزده ژوئیه، که طی آن در حدود پانصد مرد بهلاکت رسید، ولی بهیچ فرد اروپایی مقیم طهران آزاری وارد نشد، محمدعلیشاه بسفارت روسیه تزاری التجا جست و از سلطنت استعفا کرد.

کلنل لیاخوف و بریگاد قزاق تسلیم گشت. این واقعه فتح ملی خوانده میشود، و با آن دورهٔ سوم (انقلاب مشروطهٔ ایران) یعنی استبداد صغیر بپایان میرسد.

دورهٔ دوم مشروطیت (مشروطه ثانی)

باجلوس سلطان احمدشاه آغاز و با انحلال دورهٔ دوم مجلس شورایملی وتجاوزهای دسامبر هزار و نهصد و یازده وژانویه هزار و نهصد و دوازده میلادی (هزار و سیصد و سی و هزار و سیصد و سی و یك هجری قمری) روسیه تزاری پایان می یابد (۱)

هیجدهم ژوئیه هزار و نهصد و نه ـ ولیعهد سابق، سلطان احمد، پادشاه اعلام شد ، ودر بیستم ژوئیه درمیان شور وهیجان عامه وارد طهران گشت، نخستین پذیرایی دربار در بیست ویکم ژوئیه بعمل آمد، ودر همان روز

(۱) چون در کتاب **انقلاب ایران** ازهزار و نهصد و پنج تا هزار و نهصد و نه میلادی تألیف اینجانب، ازحوادث مشروطیت تاافتتاح دوره دوم مجلس شورای ملی در پانزدهم نوامبر هزار و نهصد و نه بحث شده، ودر آنجا سلسله وقایع فقط تافتح طهران در ژوئیهٔ هزار و نهصد و نه میلادی بتفصیل بیان گشته ، لذا تقویم التواریخ این دوره را بسی مفصل تر ازادوار سابق برشته نگارش در آورده ام، اگرچه این قسمت با تألیف شایان تحسین **مستر مورگان شوستر** بنام **اختناق ایران** منتشر بسال هزار و نهصد ودوازده میلادی، جبران شده است. هرچند کتاب مستر شوستر ، فقط از تاریخ ورود مؤلف بایران ، یازدهم مه هزار و نهصد و یازده ، بشرح وتفصیل وقایع پرداخته.

براون

یا یوم بعد سلطنت وی از طرف روسیه تزاری و انگلستان برسمیت شناخته شد .

بیست وششم ژوئیه هزار و نهصدونه - برای شاه سابق یک مستمری پنج هزار لیره انگلیسی پیشنهاد شد ، مشروط براینکه فی الفور ایران را ترک بگوید .

روسیه تزاری باعزام سپاهی برای تنبیه ایلات شاهسون تهدید میکند، وقوای اشغالی خودرا درقزوین بدوهزار وسیصدتن افزایش میدهد.

یک محکمه ویژه نظامی (دیوان حرب) برای محاکمه متخلفین سیاسی درتهران تأسیس یافت .

بیست ونهم ژوئیه هزار و نهصدونه - مفاخرالملک ، رئیس سابق شهربانی تهران ، وصنیع حضرت اعدام گشت .

سی ام ژوئیه هزار و نهصدونه - کلنل لیاخوف بروسیه تزاری احضار میگردد. درچهارم اوت تهران را ترک میگوید .

سی ویکم ژوئیه هزار و نهصدونه - آجودان باشی، فرمانده توپخانه مأمور بمباردمان مجلس دربیست وسوم ژوئن هزار و نهصد وهشت؛ و شیخ فضل الله بجرم شرکت درقتل میرزا مصطفی،فرزند میرزاحسن آشتیانی، ویکی ازمحصلین مدرسه آلمانی (۱) اعدام شد .

چهارم اوت هزار و نهصدونه - مستمری شاه سابق (محمدعلیشاه) بپانزده هزار لیره استرلینگ انگلیسی قطعیت یافت .

پنجم اوت هزار و نهصدونه - ظل السلطان عموی شاه سابق، ازوین به انزلی رسید، ودر آنجا بازداشت گردید ، وتاشصت هزار لیره استرلینگ

---

(۱) German College

بعنوان جریمه نپرداخت، اجازه حرکت مشارالیه بصوب اروپا صادر نگشت، بالاخره شاهزاده در بیست وسوم اوت بپرداخت تاوان مزبور تن درداد.

هشتم اوت هزار و نهصد و نه - رحیم خان یك دهکدهٔ ارمنی را در شمالغرب نهب وغارت کرد، و سکنه را قتل عام نمود. تقی‌زاده از تبریز بتهران رسید. میرهاشم مرتجع گرفتار گشت.

نهم اوت هزار و نهصد و نه - میرهاشم و برادرش بدار کشیده شد.

سیزدهم اوت هزار و نهصد و نه - محاکمه ناشر حبل‌المتین تهران، سیدحسن کاشانی، باتهام انتشار یك مقاله توهین آمیز به اسلام، مشارالیه بدو سال حبس محکوم گردید.

هفدهم اوت هزار و نهصد و نه - انجمن فوق‌العاده ملی (مجلس عالی) که از سه یا چهار هرصد عضو، هنگام تسخیر تهران تشکیل شده بود، با یك هیأت مدیره دوازده نفری، که سپهدار و سردار اسعد نیز در آن عضویت داشتند تکمیل گشت. انتخابات «یك درجه‌ای» برای مجلس شورایملی جدید در طهران پایان یافت. صندوقی محتوی شصت هزار تومان طلا دروزارت دارائی کشف شد. دیون شاه سابق ببانك روسیه تزاری و دیگر بستانکاران بچهارصدهزار لیره انگلیسی تقویم گردید.

هیجدهم اوت هزار و نهصد و نه - طغیانهایی در شمالغرب ایران بسرکردگی رحیم خان و ایلات شاهسون، که اردبیل را تهدید میکردند بوقوع پیوست؛ اقبال‌السلطنه در ماکو، و ملاقربانعلی نیز در زنجان بیاغیگری آغاز نهادند.

نوزدهم اوت هزار و نهصد و نه - طرح مالیات برالکل، تریاك ونمك، مشهور به دایرهٔ ثلاثه، بالغ برسیصدهزار لیره استرلینگ سالیانه،

پانزده‌تن نماینده، از جمله حسینقلی خان نواب، صنیع الدوله، عبدالحسین خان کاشانی معروف به‌وحید الملك وتقی‌زاده‌در تهران بر گزیده شدند.

بیست‌ودوم‌اوت هزار ونهصد ونه- آقایان الن‌رایت (۱) وجیمیز (۲) از اعضای بانک شاهنشاهی ایران در نزدیك کرمان بدست قطاع الطریق ربوده شدند، ولی دربیست‌وششم اوت رها گشتند.

دربیست‌ونهم‌اوت هزارونهصدونه- قاطع الطریق‌معروف رحیم‌خان، بدست روسهای تزاری گرفتار گشت، ولی دوباره درسپتمبر (۳) آزادش کردند.

سی‌ویکم اوت‌هزار ونهصد ونه - عفو عمومی از طرف حکومت ایران اعلان گردید.

شاه سابق از تزار (نیکلای دوم) تقاضای پشتیبانی کرد. سفارت روسیه تزاری‌باانفصال مسیو اسمیرنف (٤)، لله‌شاه‌جوان مخالفت‌میکند.

بین کردها وروسهای تزاری درارومیه جنگ ونزاع واقع شد.

اول سپتامبر هزار ونهصد و نه - امیر بهادر جنگ، سعدالدوله ومشیرالسلطنه تبعید واز قانون عفوعمومی مستثنی شمرده شدند. عدم اعتماد روزافزون سپهدار. داوطلبان ملی تحت فرمان علیمحمد خان، پسردایی تقی‌زاده قرار گرفتند، مشارالیه بعدهادردوم‌اوت‌هزارونهصدوده میلادی بقتل رسید (۵).

---

(۱) Alan Wright

(۲) James

(۳) رجوع بحوادث واقعه درسپتمبر شود. براون

(٤) Smirnoff

(۵) بهمین تاریخ مراجعه‌فرمائید - براون، در آنجا علیمحمدخان «دوست نزدیك» تقی‌زاده شمرده شده م. ع

هفتم سپتامبر هزار و نهصد و نه - صورت مجلس مربوط به حل تبعید، روش آینده و مستمری شاه سابق، که بالاخره سالیانه به مبلغ صد هزار تومان یا شانزده هزار و ششصد و شصت و شش لیره استرلینگ تثبیت گردید، توسط نمایندگان ایران و روسیه تزاری و انگلستان بامضاء رسید. متخصص فرانسوی برای تقویم بهای جواهرات تاج دعوت گردید.

نهم سپتامبر هزار و نهصد و نه - عزیمت محمد علیشاه مخلوع از طهران.

سیزدهم سپتامبر هزار و نهصد و نه - شاه جوان (سلطان احمد شاه قاجار) جشن دوازدهمین سال تولد خویش را در دربار برگزار میکند. هیأت مدیره از بیست بچهل عضو افزایش یافت.

پانزدهم سپتامبر هزار و نهصد و نه - « حادثه » پیله سوار (۱)، بین روسیه تزاری و ایران اتفاق افتاد.

هیجدهم سپتامبر هزار و نهصد و نه - رحیم خان با پرداخت بیست هزار لیره ترک و تقدیم صد و هشتاد رأس شتر، از طرف روسهای تزاری آزاد گردید.

بیست و سوم سپتامبر هزار و نهصد و نه - سرویس اتومبیل مابین تبریز و جلفای ارس دایر گردید.

بیست و چهارم سپتامبر هزار و نهصد و نه - ورود وزیر مختار روسیه تزاری مسیو پاکلوسکی - کازیول (۲) بطهران.

بیست و ششم سپتامبر هزار و نهصد و نه - ظل السلطان با پرداخت صد هزار

(۱) Belyasuvarski
(۲) M. Poklevsky - Koziell

تومان تاوان، معادل شانزده هزار و ششصد وشصت وشش لیره استرلینگ، ووعده تقدیم دومقابل این مبلغ درظرف چهارماه، اجازه مراجعت باروپا یافت. علاء السلطنه، وزیر مختار سابق ایران در لندن، وزیر امور خارجه گشت.

بیست وهشتم سپتامبر هزارونهصدونه ـ شاه سابق برشت رسید. سپهدار رئیس الوزرا شد.

پنجم اکتبر هزارونهصدونه ـ شابق (محمدعلیشاه مخلوع) به أدسا(۱) تبعیدگاه خود رسید.

شانزدهم اکتبر هزار ونهصد ونه ـ یك بطری توپخانه ودو گروهان ازسپاهیان روسیه تزاری ازتبریز عقب نشینی اختیار کردند. قراربود سه روز بعدجنرال سنارسکی(۲)، فرمانده سپاه مزبوروهزارتن ازقوای تزاری تبریز را ترك بگویند.

نوزدهم اکتبر هزار و نهصد ونه ـ اردبیل تحت تهدید رحیم خان قرار گرفت.

بیست و ششم اکتبر هزار و نهصد و نه ـ حکومت ایران پیشنهاد میکند که نیرویی مرکب از صد تن قزاق (سوار)، سیصد سرباز پیاده ودو دستگاه توپ باردبیل اعزام شود.

بیست وهشتم اکتبر هزارونهصد ونه ـ ناصرالملك، نایب السلطنه کنونی ازاروپا بتهران مراجعت کرد.

اول نوامبر هزارونهصد ونه ـ اعلام گشت که نیروی روسیه تزاری

---

(۳) OPessa
(٤) G. Znarsky

درقزوین به‌پنجاه‌تن تقلیل خواهد یافت، وچهارصدو پنجاه نفر دیگر بین رشت وانزلی پراگنده خواهد شد.

دوم نوامبرهزار ونهصدونه ـ سقوط اردبیل انتشاریافت. نیروهای نظامی نوینی ازروسیه تزاری اعزام گشت.

پنجم نوامبر هزارو نهصد ونه ـ عدهٔ ثانوی ازقوای روسیه تزاری باردبیل گسیل گشت.

هفتم نوامبرهزارونهصد ونه ـ عقب نشینی نیروی روسیه تزاری ازقزوین بتعویق افتاد. تایمزبرای قوای امدادی ایرانی مأمور اردبیل، که مبلغ بیست و پنج هزار لیرهٔ انگلیسی برای تجهیزات آن خرج شده بود، دعای خیرمیکند واز اینکه روسیه تزاری مانع استقرارانتظامات بوسیلهٔ ایرانیانست اظهار تأسف مینماید (۱)

نهم نوامبرهزارونهصدونه ـ رحیم‌خان‌تهدیدمیکندکه قصدعزیمت بتهران، نابودکردن مشروطه، واستقرارمجدد شاه سابق(محمدعلیشاه مخلوع) را دارد.

پانزدهم نوامبرهزار ونهصد ونه ـ گشایش دومین (دوره) مجلس شورایملی بریاست‌مستشارالدوله، ونواب ریاست‌ممتازالدوله‌وسیدنصرالله.

شانزدهم نوامبرهزارونهصدونه ـ رحیم خان ازاردبیل عقب‌نشینی اختیارکرد. دوهزارنفردیگر ازسپاهیان روسیه تزاری در باکو بقصد ایران سوارکشتی گشتند.

بیست وسوم نوامبرهزارونهصد ونه ـ حکومت‌ایران علیه عملیات

---

(۱) چند سال بعد، پس‌ازانقلاب اکتبر۱۹۱۷، که‌قوای روسیه تزاری شهرهای‌شمالی‌ایران راترک گفتند، بلافاصله بلادمزبور ازطرف نیروهای بریتانیایی تحت‌فرماندهی‌ژنرال دنسترویل اشغال گردید! م ع

آمرانه روسهای تزاری در اردبیل اعتراض کرد .

بیست وچهارم نوامبر هزارونهصد ونه-بنیابت سلطنت عضدالملك تأیید گشت . مسیو پاسیك (۱) کنسول روسیه تزاری در بوشهر ، در نردیك شیراز ازطرف قطاع الطریق درمعرض تهاجم قرار گرفت .حکومت ایران ازاین حادثهٔ دراول دسامبر پوزش خواست .

بیست وششم نوامبر هزار ونهصدونه- رشیدالملك بحکومت اردبیل منصوب گشت .

هفتم دسامبر هزارونهصدونه - حکومت ایران بایك قرضهٔ خارجی، یعنی انگلیس وروسی، واستخدام مستشاران بیگانه اصولا موافقت کرد، ولی بابکار گماردن صاحبمنصبان روسیه تزاری درژاندارمری مخالفت نمود.

سیزدهم دسامبر هزارونهصد ونه - حکومت ایران ازانگلستان و روسیه تزاری تقاضای یك وام پانصد هزار لیره استرلینگ میکند . پائین تر بشانزدهم فوریهٔ هزارونهصد وده رجوع شود .

سی ویکم دسامبر هزارو نهصد ونه - سپاه اعزامی ایران تحت فرماندهی یپرم خان ارمنی رحیم خان فیروزی یافت .

☆☆☆☆☆
☆☆☆
☆☆
☆

---

(۱) M. Passek

وقایع ۱۹۱۰ میلادی = (۱۲۸۹ هجری شمسی = ۱۳۲۸ هجری قمری)

بیستم ژانویه (۱) هزارونهصد وده ـ سه واحد دیگر ازسپاهیان روسیه تزاری به اهر اعزام گشت .

بیست وچهاوم ژانویه هزارونهصد وده ـ رحیم خان سخت زیر فشار سپاهیان (اعزامی) حکومت ایران قرار گرفت ،وهیچگونه مفری جز خاك روسیه تزاری نداشت . درچهارم فوریه‌ازسرحد روسیه تزاری بلامانع عبور کرد ، ودر ششم فوریه به‌الیزابت‌پول (گنجه ـ ۲) رسید . حکومت ایران طبق عهدنامه‌ترکمانچای تقاضای‌استرداد وی‌را داشت، ولی دولت تزاراین درخواست‌رانادیده‌انگاشت .

بیست‌وهفتم‌ژانویه‌هزارونهصد وده‌ـ موقرالسلطنه‌بدار کشیده‌شد.

---

(۱) درصورت تبعیت‌ازتلفظ انگلیسی بایستی«جنواری» نگاشته‌شود، ولی‌چون در زبان فارسی نامهای شهور میلادی بفرانسه رواج دارد ، لذا مثل همه‌جا ، دراینجا نیز ازروش موجود پیروی کرده‌ایم م . ع

(۲) Elizavetpol

الیزابت پول همان‌گنجه سابق‌است . م . ع

Date.........................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

مراجعه فرمائید به بیستم آوریل هزار و نهصدوده، در پائین (بحران کابینه).

شانزدهم مارس هزار و نهصد وده - یك متخصص فرانسوی، مسیو فالکن بورگ (۱) برای تقویم بهای جواهرات تاج شاهی بادریافت هزار لیره استرلینگ حق‌الزحمه برای هشت روزه کار، وارد تهران گشت، ولی چون این مدت غیر کافی بنظر رسید، بعداً تمدید یافت.

شایعات اعطای وام ازطرف فرانسه بایران منتشر گشت.

جشن سال نو ایرانی (نوروز) برگزار نشد، و بعلت اقامت دائم قوای بیگانه درخاك ایران بعنوان روز سوگواری (ملی) اعلام گشت.

هفدهم مارس هزار و نهصدوده - مسیو بی‌زو (۲) مستشار مالی فرانسوی بامرخصی سه‌ماهه تهران را ترك گفت.

بیستم مارس هزار و نهصدوده - معاون‌الدوله بوزارت امورخارجه منصوب گشت ستارخان و باقرخان درنتیجهٔ فشار دولت روسیه تزاری تبریز را ترك گفته بتهران آمدند.

بیست‌وهفتم مارس هزار و نهصد وده - چهارصد تن سرباز تازهٔ روسیه تزاری به‌تبریز اعزام گشت.

سی‌ام مارس هزار و نهصد وده - آقای ر. زای د- روت (۳) بنمایندگی ازطرف بانك آلمان (٤) وارد تهران گشت. مشارالیه درهفده مه (پایتخت ایران را) بقصد برلین ترك گفت.

هشتم آوریل هزار و نهصد وده - انقضای مدت تعهد ایران درمقابل

---

(۱) M. Falconburg

(۲) M. Bizot

(۳) Herr R. Said-Ruete

(٤) Deutsche Bank

روسیه تزاری، مطابق قرارداد هزارونهصدمیلادی (هزاروسیصدوهیجده هجری‌قمری) راجع بخودداری ازایجاد راه آهن.

دهم آوریل هزارونهصد وده -ایران وام پیشنهادی انگلیس وروسیه تزاری‌را بعلت احتوای شرایط خطرناك سیاسی ردکرد. ارزش مجموع جواهرات تاج‌شاهی ایران بهفتصدوپنجاه‌هزار لیره استرلینگ برآورد شده‌بود، ولی این‌شایعه محض‌بود، زیرابطوریکه من یقین دارم، نتیجه واقعی تقویم مسیوفالکن‌بورگ فقط بدوتن از نمایندگان ایران اظهار شده‌بود، که یکی پطروس آندرسیان ارمنی، بودکه بعداً درژانویه سال هزارونهصد ودوازده میلادی (هزاروسیصد وسی ویك هجری قمری) در تبریزتوسط روسهای تزاری بدار کشیده شد. امادیگری، که‌این جزئیات رامن ازوی کسب کرده‌ام، یکی از دوستان دیرین ایرانی‌من بود، که در تشکیلات حکومتی ایران شاغل مقامات عالیه متعددی بوده است، و گفتارش برایم بیچون وچرا قابل اعتماد میباشد.

هفدهم آوریل هزار ونهصد وده - مستربیل (۱) یکی ازاعضای سازمان کشوری هندوستان، (۲) که بسمت کنسول انگلستان در شیراز مشغول خدمت بوده، ویکی ازطرفداران باحرارت اشغال‌ایالات‌جنوبی (ایران) بوسیله بریتانیا بشمار میرفت، دریزدخواست موردحمله قرار گرفت. سه‌روز بعد مشارالیه بسلامت باصفهان‌رسید. بعدها فاش‌شدکه مستر بیل درزدوخورد ابتکاررا دردست‌داشته است.

بیستم آوریل هزار ونهصدوده - سپهدار وسردار اسعد باشتغال

---

(۱) Mr. Bill

(۲) Indian Civil Service

مجدد (در هیأت دولت) تن دردادند (۱) وصنیع الدوله، که مورد قبول مقامات تقنینیه نبود، خارج گشت، بحران کابینه در اول مه پایان یافت.

ششم مه هزار ونهصد وده - ادوارد هفتم پادشاه انگلستان فوت کرد. خبررسید که ایلات وعشایر جنوبی ایران برای پشتیبانی از استقلال کشور اتحاد کرده‌اند.

بیست وپنجم مه هزار ونهصد وده - شایعات پیشنهاد اعطای وامی ازطرف آلمان بایران انتشار یافت.

بیست وهفتم مه هزاوونهصد وده - تشنج شدیدی درمجلس شورای ملی بعلت توقیف روزنامه یومیه شرق پدیدار گشت

بیست ونهم مه هزار ونهصدوده - زنجان ازطرف داراب میرزا در معرض تهاجم قرار گرفت، مشارالیه یکنفر شاهزاده ایرانی بودکه بتبعیت دولت روسیه تزاری درآمده، و هنگام اشغال قزوین در فوج قزاق لابی نسکی (۲) مأموریتی بعهده خویش داشت. آنگاه اجازهٔ مرخصی گرفته میخواست بروسیه برود، ولی بجای عزیمت بمقصد اشخاص ناراضی را دورسرش گرد آورده، برایشان بامضای کلنل راکوزای روسی (۳) اوراق حمایت (تأمین نامه) گرفت، و بکمك ایشان جهت برانداختن حکومت مشروطه زنجان (٤) بکوشش برخاست. حکومت ایران اندك سپاهی بفرماندهی علیخان برای کوبیدن شاهزاده فرستاد، روسها نیز قوایی از قزاقان را گسیل داشتند، که هنگام مراجعت بقزوین درمعیت داراب میرزا،

---

(۱) مراجعه فرمائید در بالا: باول مارس هزارو نهصد وده. براون

(۲) Labinisky

(۳) Rakuza

(٤) ماهمیشه Constitutional یعنی حکومت مطابق قانون اساسی را «مشروطه» ترجمه کرده‌ایم. م. ع

گرد آمده با نیروی ایران بجنگ پرداختند و فرمانده نیروی مزبور، علیخان را بقتل رسانیدند. این حادثه بهترین نمونه نفرت انگیز دسایس روسیه تزاری بود، ولی هم در کتاب آبی این دوره، و هم در مذاکرات مجلس شورای ملی مورخه اول ژوئیه هزار و نهصد و ده، ماهیت حقیقی داستان، که طبق اسناد مسلم موجود در اختیار من وضوح مطلق دارد، از انظار پنهان مانده است. بدولت ایران اجازه داده شد که وام داخلی به مبلغ پنج میلیون لیره استرلینك تحصیل کند.

زنان ایرانی جواهرات خودرا برای تهیه پول جهت دولت خویش، تقدیم داشتند.

چهارم ژوئن هزار و نهصد و ده ـ کاشان از طرف نایب حسین یاغی تسخیر گشت.

هفتم ژوئن هزار و نهصد و ده ـ حکومت ایران صورت حساب کامل دیون خویش را بروسیه تزاری خواستار شد.

دوازدهم ژوئن هزار و نهصد و ده ـ سرچارلز (لرد کنونی) هاردینگ بنیابت سلطنت هندوستان، و سر آرتور نیکلسون، سفیر انگلستان در سن پترسبورگ بجای وی، بسمت معاونت دائم وزارت امور خارجه بریتانیای کبیر منصوب گشتند. هر دو انتصاب صمیمانه از طرف روسیه تزاری تصویب گشت، ورضایت آندولت در تایمز منعکس شد.

سیزدهم ژوئن هزار و نهصد و ده ـ اعلام گشت که هیچگونه وامی از طرف آلمان بایران داده نخواهد شد.

روسیه تزاری بمعافیت نقره از حقوق گمرکی برای ضرابخانه ایران اعتراض میکند.

اواسـط ژوئن هزارونهصد وده ـ عمليات متجـاوزانه روسهاى تزارى درتبريز بوقوع پيوست ، ازجمله ممانعت ازفعاليت اداره‌شهربانى، نهب وتاراج خانه ثقة‌الاسلام ببهانهٔ جستجوى يك سرباز فرارى روسى، وتقاضاى انفصال مخبرالسلطنه ازحكومت . ورود مستر و. ا. مور(١) بتهران دربارهٔ وام پيشنهادى زليگمان (٢) بايران .

اول ژوئيه هزار ونهصد وده ـ ورود مظفرانه يپرم‌خان و سپاهيان وى بتهران پس‌از قلع‌وقمع عشاير غارتگرى‌كه اردبيل را تحت تهديد قرارداده بودند.

سوم‌ژوئيه‌هزارونهصدوده‌ـ مباحثات تندى درمجلس‌مابين‌تقى‌زاده ودستهٔ وى (دموكـراتها) وگروه روحانيون درگـرفت. براى تقى‌زاده «اجازهٔ استراحت» سه‌ماهه داده‌شد و مشاراليه تهران را درسى‌ام ژوئيهٔ ترك گفت .

چهارم‌ژوئيه هزار ونهصدوده ـ ذكاء‌الملك رئيس مجلس گشت .

پانزدهم ژوئيه هزارونهصد وده‌ـ روسيه تزارى يك‌دهكده‌ايرانى رادرساحل‌درياى خزر ، درنزديكى گمش‌تپه بمباردمان كرد. سيدعبدالله بهبهانى درطهران بقتل‌رسيد .

شانزدهم ژوئيه هزار ونهصد وده ـ تحريم كالاى روسيه تزارى از طرف ايرانيان .

بيست‌وششم ژوئيه هزار ونهصد وده ـ كابينه جديدتشكيل‌يافت. مستوفى‌الممالك (نخست‌وزير) فرمانفرما (وزيرداخله) ، حسينقلى‌خان

---

(١) Mr. W.A. Moore
(٢)Seligmann

نواب (وزیر امور خارجه)، قوام‌السلطنه (وزیر جنگ)، دبیرالملک (وزیر عدلیه)، اسدالله میرزا (وزیر پست و تلگراف)، وحکیم‌الملک (وزیر مالیه) بودند.

دوم اوت هزار و نهصد و ده ـ علیمحمدخان، دوست نزدیک تقی‌زاده، وسیدعبدالرزاق‌خان بدست نوروزف، کریم ومهدیقلی، بطوریکه گفته میشد بانتقام قتل سیدعبدالله بهبهانی در پانزدهم ژوئیه، کشته شدند.

سوم اوت هزار و نهصد و ده ـ در تهران برای سه‌ماه حکومت نظامی اعلان گشت.

چهارم اوت هزار و نهصد و ده ـ بداوطلبان ملی (فدائیان) امر شد که درظرف چهل و هشت ساعت اسلحه خودرا تسلیم دارند.

پنجم اوت هزار و نهصد و ده ـ از طرف سپهدار، سردار اسعد، صمصام‌السلطنه، ستارخان و باقرخان بیانیه‌ای انتشار یافت، که طی آن گفته‌میشد، ازهمه‌گونه اغراض شخصی چشم‌پوشیده، باهم برای رفاه‌حال مملکت همکاری خواهند کرد. فدائیان بادریافت پول، اسلحه‌خود را تسلیم خواهند داشت.

هفتم اوت هزار و نهصد و ده ـ جنک سختی در پارک اتابك مابین فدائیانی که ازتسلیم اسلحه خویش خودداری میکردند، وواحدهای دولتی درگرفت. عاقبت فدائیان مغلوب، سی‌نفرشان کشته وسیصدنفرهم اسیر گشتند. معزالسلطان که درقیام رشت چنان‌مقام رفیعی داشت، ازمهلکه فرار اختیار کرد. ستارخان و باقرخان هردویشان زخمی گشتند. بارن کات (۱) وزیرمختار آلمان، وسفیرترکیه بوساطت برخاستند، ولی

---

(۱) Baron Quadt

از کوشش خود نتیجه‌ای نگرفتند .

دهم اوت هزارونهصد وده ـ ضرغام‌السلطنه واتباع بختیاری وی در شاه‌عبدالعظیم خلع سلاح شدند .

چهاردهم اوت هزار ونهصد وده ـ بعداز کودتای (سردار اسعد وسپهدار...) «استقلال ایران» یگانه روزنامه‌ایست که‌در تهران انتشار انتشار می‌یابد . برای کسیکه بتواند اطلاعات لازم را برای بازداشت قاتلین سیدعبدالله (بهبهانی) دردسترس بگذارد، دوهزار تومان (چهارصد لیره استرلینگ) پاداش تعیین گردید . پیشنهاداتی برای ایجاد یك «سپاه نیرومند» واستخدام «مستشاران خارجی» بعمل آمد.

هفدهم اوت هزارونهصد وده ـ روسیه تزاری حکومت ایران را مجبورمیکند که نوروزف نخجوانی، تبعه‌روسیه، متهم بشرکت درقتل علیمحمد خان را تسلیم آندولت نماید . (رجوع فرمائید بدوم اوت در بالا) .

هیجدهم اوت‌هزار ونهصد وده ـ سرجرج بارکلی (۱) ازمرخصی بتهران مراجعت کرد. برای ستارخان وباقرخان ازطرف‌حکومت‌ایران مستمری برقرار گشت .

نوزدهم اوت هزار و نهصد وده ـ وزیر امور خارجه ایران (حسینقلی‌خان) پیام‌نویقی بدولت روسیه فرستاد .

بیست‌ویکم اوت هزاو ونهصد وده ـ دولت روسیهٔ تزاری علیه «تجاوزات ترکیه بخاك ایران» اعتراض بعمل آورد.

بیست‌وپنجم اوت هزارونهصد وده ـ دولت روسیه‌تزاری ببهای

(۱) Sir George Barclay

فراخواندن سپاهیان خود از ایران تقاضای امتیازاتی میکند. در همان اوقات تایمز (بیست‌وچهارم سپتامبر هزارونهصد وده) برضد این تقاضا قلمفرسائی میکند . (مراجعه فرمائید به بیست و پنجم اکتبر ، درپائین) ،

ششم سپتامبر هزار و نهصد وده ـ مجلس استخدام مستشاران امریکائی را برفرانسوی ترجیح نهاد .

دوازدهم سپتامبر هزار و نهصد و ده ـ در مازندران بزعامت رشیدالسلطان ، امیرمکرم واسمعیل‌خان شورش پدید آمد . (بدوازدهم اکتبر ، درپائین مراجعه شود) .

هیجدهم سپتامبر هزار ونهصد وده ـ فرمانفرما از وزارت داخله استعفاءکرد .

بیست ودوم سپتامبر هزارونهصد وده ـ نایب‌السلطنه سالخورده، عضدالملك فوت کرد .

بیست وسوم سپتامبر هزار و نهصد وده ـ میرزا ابوالقاسم‌خان ناصرالملك باچهل‌رأی درمقابل‌بیست ونه رایی که بکاندیدای رقیب‌وی، مستوفی‌الممالك داده شده‌بود ، بنیابت سلطنت منتخب گشت .

بیست وپنجم سپتامبر هزارونهصد وده ـ سپاهیان‌دولتی ایران‌در نزاعی که باعشایر شاهسون درگرفت، پیروز گشتند .

بیست وهشتم سپتامبر هزار ونهصد وده ـ دولت روسیه تزاری درنظرگرفت‌مسیوایزولسکی (۱) را، که انتصاب وی بمقام وزارت امور خارجه‌موقوف ماند ، بسمت‌سفارت‌بپاریس گسیل دارد . نویه ورمیه (۲)

---

(۱) M. Izvolsky
(۲) Novoe Vremya

حملهٔ شدیدی درچهارم اکتبر نسبت بوی بعمل آورد.

نهم اکتبر هزارونهصد وده ـ اغتشاشاتی در جنوب ایران بوقوع پیوست. یزدخواست ازطرف عشایر کوه گیلویه درمعرض هجوم قرار گرفت. عین الدوله بحکومت فارس تعیین گشت.

دوازدهم اکتبر هزارونهصد وده ـ مغلوبیت رشیدالسلطان بدست قوای دولتی ایران واستقرار آرامش دراردبیل گزارش یافت. در مقابل وامهای خصوصی بحکومت ایران، دول روسیه تزاری و انگلستان اشکالتراشی کردند.

پانزدهم اکتبر هزار ونهصد وده ـ روسیه تزاری ازگرو گذاردن جواهرات تاج سلطنتی ممانعت بعمل آورد، واعلام داشت که قوای اشغالی قزوین عقب نخواهد نشست، ولی بنواحی سردسیر انتقال خواهد یافت. «بی تابی محافل بانکی (صرافی) وبازرگانی انگلستان» درمقابل نظریات دولت روسیه تزاری.

شانزدهم اکتبر هزارونهصد وده ـ یادداشت انگلستان، که در اکثر محافل اتمام حجت (التیماتوم) تلقی گشت، بدولت ایران در باره اوضاع مغشوش جنوب ایران و انقطاع عبور و مرور در جاده‌های جنوبی کشور.

هفدهم اکتبر هزار ونهصد وده ـ اشتعال نایرهٔ جنگ بانایب حسن درکاشان. اتمام حجت (التیماتوم) انگلستان درتهران انتشار یافت. مسیو پاختانف(۱) بسمت کنسول روسیه تزاری درتهران منصوب شد. مشارالیه این مقام جدیدخودرا دربیست وهفتم دسمبر هزار ونهصد وده، روزیکه

---

(۱) M.Pokhitanoff

حسینقلی‌خان ازوزارت امور خارجه استعفا کرد، اشغال نمود .

هیجدهم - نوزدهم اکتبر هزار و نهصد و ده - اتمام حجت (التیماتوم) انگلستان بقدری درمراکز مختلف، بویژه در آلمان، ترکیه وهندوستان نفرت وخشم و غضب پدید آورد ، که وزارت امور خارجه بریتانیا ناگزیر گشت باانتشار اعلامیه‌ای از اهمیت آن بکاهد ، ضمناً حکومت هندوستان (۱) درمقابل نظریات مندرجه در آن،ازخود کاملا سلب مسئولیت کرد .

بیستم اکتبر هزار ونهصد وده - ترکیه از اتمام حجت (التیماتوم) انگلستان اظهاروحشت کرد ، این اقدام بریتانیا نسبت بایران، درمطبوعات وینه بمنزلهٔ « آغاز کارسر آرتور نیکلسون ، سیاستمدار فعال وفاقد معتقدات اخلاقی» توصیف گشت. مطبوعات آلمان نگاشتند که « ملاقات مابین تزارروسیه وقیصر آلمان [درپتسدام] تأثیر عمیقی دراوضاع ایران خواهد داشت » (۲) . تمرکز عساکرترکیه در سرحدات ایران. خطابه خداحافظی لردهاردینگ بمناسبت عزیمتش بهندوستان .

بیست ودوم اکتبر هزار و نهصد وده - پاسخ ایران بیادداشت (التیماتوم - اتمام‌حجت) انگلستان داده شد . ایران از ایتالیا مشاقان نظامی خواست. این تقاضا دربیست‌ونهم دسامبر رد گشت .

درسوم ژانویه‌هزارونهصد ویازده میلادی(هزاروسیصدوسی هجری قمری) دولت‌سوئد بعاریه‌دادن صاحب‌منصبان خویش برای ایران موافقت کرد . مکاتبات خیانت آمیز مابین شیخ‌محمود ورامینی ، دربارهٔ التجا

---

(۱) منظور حکومت کمپانی هندشرقی انگلستان در هندوستانست

(۲) مراجعه فرمائید درپائین ، به‌پنجم نوامبر .

بسفارت روسیه تزاری ، ورشیدالسلطان ، راجع بطغیان در مازندران ، توسط حکومت ایران قطع گشت.

بیست وسوم اکتبر هزارونهصد وده - اجتماع اعتراض آمیز بزرگ ترکان وایرانیان درقسطنطیه (استانبول) ، که روسیه تزاری وانگلستان، و مشی سیاسی آنان نسبت بایران دراین مجمع سخت در معرض انتقاد قرار گرفت .

دربیست وهفتم اکتبر مستر فیتز موریس (۱) ، مترجم اول سفارت انگلستان درقسطنطنیه ، نسبت بلحن این انتقاد ، در حضور طلعت بگ اعتراض بعمل آورد .

بیست وپنجم اکتبر هزارونهصد وده- ایران حاضر باعطای امتیازات درخواستی روسیه تزاری در مقابل فراخواندن فوری سپاهیان آندولت ازخاك ایران شد . (به بیست وپنجم سپتامبر دربالا مراجعه فرمائید) .

بیست وهشتم اکتبر هزارونهصد وده - اعتراض انجمن صلح لندن علیه اتمام حجت(التیماتوم) انگلستان. دیون عمومی بریتانیا، تااندازه‌ای بعلت مسئله‌ایران، بپایین‌تر ازهشتاد (درصد) تنزل کرد.

بیست ونهم اکتبر هزار ونهصد وده - حکومت ایران پس ازقطع مکاتبات موجوددرمیان شاه‌سابق وترکمنان ، واثبات اینکه ایلات‌مزبور را محمدعلیشاه مخلوع بنفع خود تحریك میکرده ،بسفارتین (انگلیس وروسیه تزاری) اعلام کرد که بایستی طبق‌ماده یازده قرارداد مورخ‌هفتم سپتامبرهزار و نهصد ونه‌میلادی(هزاروسیصد وبیست‌وهفت‌هجری‌قمری) مستمری مشارالیه قطع گردد . سفارتین این پیشنهاد را ، علی‌الظاهر

---

(۱) Mr Fitz Moritz

بدون رعایت واقعیت مشهود مسئله، رد کردند و غلامانی برای « تعقیب » حسینقلی خان ، وزیر خارجه ایران، اعزام داشتند ، تامقرری شاه سابق پرداخت گردد ، واین کار دوروز بعد ، بحالت اعتراض، انجام یافت. وزیر مختار ایران درلندن رسماً علیه توهین وارده برحسینقلیخان در چهارم نوامبر اعتراض بعمل آورد ، ولی سرادوارد گری (۱) بغمض عین از آن دفاع کرد .

پنجم نوامبر هزاز و نهصدوده ـ تزار روس وقیصر آلمان درپتسدام باهم ملاقات کردند. متن توافق حاصله بعداً در پنجم ژانویه هزار و نهصدو یازده (هزاروسیصدو بیست و نه هجری قمری) درانگلستان انتشار یافت . فرانسه ازروابط روسیه تزاری و آلمان ، مخصوصاً بمناسبت نطق مورخ یازدهم دسامبر آقای فن بتمان هلوگ (۲) در اینموضوع ، سخت نگران گشت.

هشتم نوامبر هزارونهصد وده ـ شاه سابق (محمد علیشاه مخلوع) مخفیانه ادسا (۳) ، تبعیدگاه خویش را ، علی الظاهر بدون اطلاع حکومت روسیه تزاری ترک گفته، وارد وینه گشت. مسیو سازانف(٤) ، وزیر امور خارجه جدید روسیه تزاری، از برلین به سن پترسبورگ مراجعت کرد.

دهم نوامبر هزارونهصدوده ـ پیشنهادهای راه آهن سرتاسری ایران مورد بحث قرار گرفت .

سیزدهم نوامبر هزار و نهصد وده ـ یپرم خان استعفا کرد .

---

(۱) Sir EdwardGrey
(۲) Herr von Bethmann-Hollweg
(۳) Odessa
(٤) Sazonoff

وام زلیگمان (۱) بایران، بالاخره توسط روسیه تزاری وانگلستان تقریباً ازاین تاریخ متوقف گشت .

شانزدهم نوامبر هزارونهصد وده - مسیو پاکلفسکی کازیول (۲) وزیرمختار روسیه تزاری در تهران از حسینقلیخان نواب، وزیرامورخارجه ایران رسماً خواست که ازاهانت ادعایی نسبت به آقاحسن، عامل کنسولی روسیه تزاری در کاشان اعتذار کند .

هفدهم نوامبر هزار و نهصد وده - پاسخ انگلستان بیادداشت مورخه بیست ودوم اکتبر ایران . پانصد سرباز دیگر روسیه تزاری بجلفای ارس رسیدند ، وقصد عزیمت به سلماس راداشتند .

بیست ودوم نوامبر هزارونهصد وده - پیام بزرگ مجتهدهای نجف (علیه اتمام حجت انگلستان) منتشر گشت. اعتراض ایرانیان مقیم کلکته برضد یادداشت (التیماتوم) انگلستان بایران بعمل آمد .

دوم دسامبر هزارونهصد وده - مسیو سازانف بسمت وزارت امور خارجه روسیه تزاری منصوب گشت، و مسیو نیراتف (۳) بمعاونت وی بر گزیده شد .

هشتم دسامبر هزار ونهصدوده - وام پیشنهادی بانک شاهنشاهی ایران بمبلغ یك میلیون ودویست وپنجاه هزار لیره انگلیسی باسودصدی پنج ازطرف مجلس رد گشت . سرجرج بکنان (٤) سفیر کبیر انگلستان درروسیه تزاری ، به سن پترسبورگ رسید .

---

(۱) Seligmann

(۲) M. Poklevski Koziell

(۳) M.Neratoff

(٤) Sir George Buchnan

بیست‌وسوم دسامبر هزارونهصد وده ـ شاه‌سابق (محمد علیشاه) دررم بود .

بیست‌وهفتم دسامبر هزار و نهصد وده ـ حسینقلی خان نواب از وزارت امور خارجه ایران استعفا کرد .

بیست‌وهشتم دسامبر هزار ونهصد و ده ـ پاسخ ایران بیادداشت مورخه هفدهم نوامبر انگلستان . اتحادیه کل مسلمانان هندوستان علیه مشی سیاسی انگلستان در ایران اعتراض بعمل آورد . نایب‌السلطنه جدید ، ناصرالملك که‌ازنوزدهم اکتبر انتظار وی‌درایران کشیده‌میشود، ساکت دروینه نشسته وازحرکت خودداری‌میکند .

بیست‌ونهم‌دسامبرهزارونهصدوده‌ـایتالیاازعاریه‌دادن‌صاحب‌منصبان خود برای تربیت وتشکیل ژاندارمری ایران امتناع ورزید، ولی سوئد حاضر بمذاکره گشت .

☆☆☆☆☆
☆☆☆☆
☆☆☆
☆☆

هزار و نهصد و یازده میلادی (هزار و دویست و نود هجری شمسی = هزار و سیصد و بیست و نه و سی هجری قمری)

سوم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه گشت. سوئد بعاریه‌دادن صاحب‌منصبان خویش برای ژاندارمری ایران موافقت کرد.

ششم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ شاه سابق (محمدعلیشاه مخلوع)، پس از دیدن می‌رن (۱) رم، نیس (۲)، پاریس و وینه (۳) از بروکسل بهمراهی امیر بهادر جنك وارد برلین گشت، و در این شهر با هواخواهان تبعید شده خویش بمشاوره و مذاکره پرداخت.

دوازدهم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ مقرر گشت که سر آرتور نیکلسن بسفیر ترکیه در لندن اعلام بدارد که: «روش ترکیه در ایران، تهدیدی است برای انگلستان».

---

(۱) Meran
(۲) Nice
(۳) Viənna

شانزدهم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ ناصرالملك ، نایب‌السلطنه وینه‌را بقصد ایران ترك گفت.

هفدهم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ درافواه انتشاریافت که ترکیه قصد کمك بایران را دارد . ایران نسبت بدولت روسیه تزاری روش مسالمت آمیزی اختیار کرد، و برای عقب نشینی قوای روسیه تزاری از قزوین بمذاکره پرداخت.

هیجدهم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ مجتهدین نجف بیانیه‌ای منتشر کردند ، وازتحریم کالاهای روسیه تزاری طرفداری نمودند.

بیست‌وسوم ژانویه هزار و نهصدویازده ـ ناصرالملك، نایب‌السلطنه بباکورسید. رحیم‌خان ازروسیه‌تزاری به‌تبریز مراجعت کرد .

بیست‌وچهارم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ وعده اعزام متخصصین مالی امریکایی بایران داده شد .

بیست‌ونهم ژانویه هزار و نهصد و یازده ـ ناصرالملك برشت رسید، ولی بعلت کولاك برف در آنجا تأخیر کرد .

اول فوریه هزار و نهصد و یازده ـ معتمد خاقان ، حاکم اصفهان، وعموزاده‌وی عبدالرحیم‌خان ، بدست عباس، صاحب‌منصب سابق شهربانی، تیر خوردند واولی سخت مجروح ، ودومی کشته شد. عباس بکنسول روسیه تزاری مسیو باگاژاولنسکی (۱) پناه برد، و مشارالیه از تسلیم وی خودداری کرد . (درپائین ، به‌نوزدهم مه مراجعه‌فرمائید).

دوم فوریه هزار و نهصد و یازده ـ پنج تن متخصص مالی امریکایی، باحقوق سالیانه ششصد تادوهزار لیره انگلیسی برای خدمت بدولت

---

(۱) M. Bogozhavlensky



میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل بزرگترین نویسندهٔ آزادیخواه و شهید راه آزادی و استقلال ایران

Date.........................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

ایران استخدام شدند. (در پایین بیازدهم مه رجوع فرمائید) .

ششم فوریه هزار و نهصد و یازده ـ صنیع الدوله ، وزیر مالیهٔ ایران ، از دست یك تن گرجی بنام ایوان و دو نفر همدستان ، تیر خورد و کشته شد . قاتلین گرفتار گشتند ، و چهار نفر از مأمورین شهربانی ایران در کشمکش مجروح شدند . سفارت روسیه تزاری تسلیم آدم کشانرا را خواست ، و آنها را که تبعهٔ تزار بودند تحویل گرفت . احساسات ضد روسیهٔ تزاری سخت اوج گرفت . (در پایین بنهم مه مراجعه فرمائید) .

هشتم فوریه هزار و نهصد و یازده ـ ناصر الملك ، نایب السلطنه ، بتهران رسید .

یازدهم فوریه هزار و نهصد و یازده ـ مسیو باگازاولنسکی ، کنسول روسیه تزاری در اصفهان ، در حوض باغ کنسولگری مغروق پیدا شد. احتمال انتحار میرفت .

دوازدهم فوریه هزار و نهصد و یازده ـ روسهای تزاری در اردبیل ، قشونکشی بدوی علیه ایلات غالی (۱) را بعهده گرفتند .

سیزدهم فوریه هزار و نهصد و یازده ـ ناصر الملك ، نایب السلطنه ، نطق موثری خطاب بنمایندگان مجلس شورایملی ایراد کرد ، و از ایشان تقاضای پشتیبانی قانونی برای خود نمود ، و وکیلان نیز وعدهٔ مساعدت دادند .

پانزدهم تا بیست و دوم فوریه هزار و نهصد و یازده ـ قزاقان دهکدهٔ وارمونی (۲) واقع در جوار آستارا را غارت کردند ، و پنجاه نفر آدم ، از جمله زن و کودك را بقتل رسانیدند . یك باتالیون (گردان) اضافی

---

(۱) Galish (غالی ، غوالی ـ جلیلی ؟)
(۲) Varmuni

از سپاهیان روسیه تزاری از باکو عزیمت کرد ، و ششصد تن از ایشان بالفعل به آستارا رسیدند .

بیستم فوریه هزار ونهصد و یازده - قاتلین صنیع‌الدوله از طرف دولت‌روسیه تزاری بچهارده سال تبعید بسیبری،محکوم گشتند .

بیست وسوم فوریه هزار ونهصد و یازده - تشکیل کابینه (هیأت) دولت) بسپهدارمحول گردید . درتهران تصادمی مابین دو گروه مسلح ، که گمان میرفت اتباع تزار بودند ، اتفاق افتاد . دونفرشان ،که‌گمان میرفت‌بایکی‌ازقاتلین صنیع‌الدوله دارای‌ارتباطی میباشند، کشته شدند .

بیست و هشتم فوریه هزار و نهصد و یازده - علی بك ، مرتجع جوانیکه بشرکت در کودتای مورخ بیست و سوم ژوئن هزار ونهصد و هشت میلادی (هزار و سیصد و بیست و شش قمری) شهرت داشت بعلت منازعه با معشوقهٔ خویش ، درمیدان مونتلن پاریس (۱) خود را تیر زد .

دوم مارس هزار ونهصد ویازده - آقایان کی (۲) وهیکاك (۳) درنزدیکی اصفهان غارت شدند .

چهارم مارس هزار و نهصد و یازده - بیانیه نایب‌السلطنه بملت ایران ، بمناسبت مراسم‌سوگند خویش (انتشار یافت).

هشتم‌مارس‌هزارونهصد ویازده - هیأت دولت‌جدیدتشکیل‌یافت : سپهداروزیرجنگ ، محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه ، مستشارالدوله

---

(۱) Montholon
(۲) Kay
(۳) Haycock

وزیرداخله ، علاءالسلطنه وزیرفرهنگ ، معاون‌الدوله وزیر بازرگانی ، ، ممتاز الدوله وزیر مالیه ، مشیرالدوله وزیر دادگستری .

یپرم‌خان بخلع سلاح کسانیکه مجاز بحمل اسلحه نبودند، اقدام کرد.

سیزدهم تا پانزدهم مارس هزار و نهصد و یازده ـ عمده قوای سپاهیان روسیهٔ تزاری ، مقیم قزوین ، این شهر را باستثنای هشتاد تن قزاق تخلیه کردند .

ششم آوریل هزار و نهصد و یازده ـ کنسولگری انگلیس در کرمانشاه در معرض تهاجم دزدان قرار گرفت . ـ در مجلس راجع باختیارات مورد تقاضای هیأت دولت مباحثه در گرفت .

دوازدهم آوریل هزار و نهصد و یازده ـ وضعیت جاده‌های شیراز باحکومت نظام‌السلطنه در فارس اصلاح گشت .

هفدهم آوریل هزار و نهصد و یازده ـ قوامی‌ها در شیراز از طرف نظام‌السلطنه باز داشت شدند . (در پایین بهشتم مه رجوع فرمائید) .

بیست و چهارم آوریل هزار و نهصد و یازده ـ وام پیشنهادی ایران بمبلغ یك ملیون و دویست و پنجاه هزار لیرهٔ استرلینگ درمجلس مورد بحث واقع شد ؛ در بیست و هفتم آوریل منتفی گشت ؛ بالاخره در دوم مه تصویب شد .

بیست و هفتم آوریل هزار و نهصد و یازده ـ پیشنهاد احداث راه آهن از خلیج فارس به خرم آباد از طرف انگلستان بعمل آمد .

هشتم مه هزار و نهصد و یازده ـ ناصرالدوله ، یکی از قوامی ها کشته شد .

نهم مه هزار و نهصد و یازده ـ اظهار شد که یکی از قاتلین

صنیع الدوله هنگام انتقال مشارالیه بروسیه تزاری ، در کشتی کاسپین(۱) اقدام بخودکشی کرده است .

یازدهم مه هزارونهصد ویازده ـ مسترو . مورگان شوستر و دیگر مستشاران مالی آمریکا به انزلی رسیدند.

پانزدهم مه هزارونهصد ویازده ـ مستر کینگستون، عامل آقایان برافز وویلکام را(۱) در نزدیکی کاشان غارتیدند .

هیجدهم مه هزار ونهصد ویازده ـ تظاهرات خصمانه‌ای در شیراز در مقابل کنسولگری انگلستان بعمل آمد .

نوزدهم مه هزارو نهصد و یازده ـ عباس ، که در اول فوریه در اصفهان بجان معتمد خاقان سوء قصد کرد وعمو زادهٔ ویرا بقتل رسانید ، مجرم تشخیص داده شد وبروسیه تزاری تبعید گشت . ـ سفارت روسیه تزاری تقاضای تبعید محمد امین رسول زاده ، ناشر روزنامهٔ مهم ایران نو را کرد .

سی ام مه هزار ونهصد ویازده ـ پیشنهاد اعطای اختیارات بسیار وسیعی به مسترمورگان شوستر ، مدیر کل نوین آمریکایی مالیهٔ ایران ؛ در مجلس مطرح گشت ، و در سیزدهم ژوئن باتفاق آرا تصویب شد ، سردار اسعد تهران را بقصد اروپا ترک گفت .

پانزدهم ژوئن هزار و نهصد وتازده ـ سپهدار در نتیجهٔ رنجشی تهران را ترک گفت وبکالسکه چی خویش دستورداد بسوی فرنگستان براند ؛ ولی در چهارم ژوئیه معظم له را وادار بمراجعت کردند .

---

(۱) Caspian (خزر،قزوین)

(۲) Kingston , Burroughs and Welcome

نهم ژوئیه هزار ونهصد ویازده ـ فرمان تشکیل سازمان جدید ضابطین مالیه (ژاندارمری دارایی) بدست کاپیتان س . ب . استوکس(۱) وابستهٔ نظامی سفارت انگلستان در تهران ، صدور یافت ؛ خدمت مشارالیه درتهران انقضاء یافته بود (؟) . مستر و . آ . مور (۲) که بتازگی سمت مخبری تایمز را در پایتخت ایران پیدا کرده بود ، این اقدام (مستر شوستر را) ستود .

شانزدهم ژوئیه هزار و نهصدویازده ـ سالارالدوله ، برادر شاه سابق ، همدان را تصرف و محمد علیشاه مخلوع را پادشاه کشور اعلام کرد .

نوزدهم ژوئیه هزار ونهصد و یازده ـ شاه سابق (محمد علیشاه مخلوع) بهمراهی پیروان خویش در افق ایران از نو نمودار گشت ؛ مشارالیه ازقراریکه میگفتند ، باریشی عاریتی ، و با یك نام ساختگی ، بدون اطلاع (؟) دولت روسیه تزاری ، با مقدار کثیری تسلیحات و وتجهیزات بعنوان « آب معدنی » ، بهمراهی یك صاحبمنصب تزاری بنام خابایف (۲) ، که وابستهٔ ویژهٔ وی بود ، آمده بود . ـ دولت روسیه تزاری بانتصاب کاپیتن استوکس اعتراض بعمل آورد .

نوزدهم تابیست ویکم ژوئیه هزارونهصد ویازده ـ حکومت ایران برای مبارزه با تاخت و تاز شاه سابق تصمیمات جدی گرفت ، و علیه نقض علنی قرار داد مورخ هفتم سپتامبر هزارو نهصد ونه (هزاروسیصد وبیست وهفت هجری قمری) بر سفارتین روسیه تزاری و انگلستان

---

(۱) Captain C.B. Staokes

(۲) Mr.W.A. Moorc

(۳) Khabayeff

اعتراض بعمل آورد .

سفارتین در دوم اوت جواب دادند که این قضیه مربوط بایشان نیست ، بلکه مسئله‌ای است منوط فقط بخود ایران .

بیست وپنجم ژوئیه هزار و نهصد ویازده - سپهدار ازهیأت دولت کناره گیری کرد ، وبه زرگنده ، دهکده‌ایکه مقرسفارت روسیه‌تزاری است ، حرکت نمود . مستر مورگان شوستر ، حکومت ایران راباتخاذ تصمیماتی علیه شاه سابق (محمد علیشاه مخلوع) برانگیخت .

بیست وهفتم ژوئیه هزار و نهصد و یازده - کنسول دولت روسیه تزاری درتبریز ، بهمراهی سیصد تن ازسپاهیان وقزاقان تزاری ، بازور رشیدالملك ، حکمران سابق‌اردبیل راکه‌باتهام خیانت بازداشت بود ، ازتوقیف گاه‌نایب‌الحکومهٔ تبریز ، مستخلص رفت ، واو رابکونسولگری روسیهٔ تزاری هدایت کرد . - ترکمانهای همدست شاه سابق شاهرود را غارتیدند .

بیست وهشتم ژوئیه هزار ونهصد ویازده - ناخدای کشتی بخاری کریستو فورس (۱) متعلق بدولت روسیه تزاری ، و معاون وی بعلت افشای خبرانتقال شاه سابق ازطریق دریای خزربایران درکشتی خویش به مطبوعات ، از فرماندهی برکنار شدند .

بیست ونهم ژوئیه هزار ونهصد ویازده - دولت روسیه تزاری‌باز هم علیه انتصاب کاپیتان استوکس (وابستهٔ سفارت‌بریتانیابریاست قوای انتظامی مالیه ایران) اعتراض بعمل آورد ، ومسیو ژان هربت (۲) که

---

(۱) Christophoros

(۲) M. Jean Herbette

ازطرف آکسیون و سی یکل (۱) برای چند ماهی مأمورمطالعهٔ اوضاع ایران بود ، بشدت تمام از این اعتراض ، پشتیبانی کرد و بدینمنظور یك رشته تلگرام که عبارت از چهار قسمت بود ، از بیست ونهم ژوئیه تا چهارم اوت ، برای انتشار درمطبوعات انگلستان مخابره کرد ، (۲)ولی باقتضای مصالح سیاسی از طرف رئیس خبر گزاریها انتشار آن موقوف ماند . ـ مجلس قرار داد استخدام کاپیتن س . ب . استوکس رابا شصت وسه رأی از هفتاد و دو نفرحاضر تصویب کرد ، وبا پنجاه و نه رأی از هفتاد نفرحاضر یك جایزهٔ صد هزارتومانی برای سرشاه سابق ،وبیست وبیست وپنج هزارتومان برای سر هریك از دوبرادروی شعاع السلطنه وسالارالدوله تعیین نمود .

سی و یکم ژوئیه هزار و نهصد و یازده ـ دولت روسیه تزاری میخواهدکه عایدات گمرکی بمسیو مورنارد (۳) پرداخت شود ، وبمستر شوستر تحویل نگردد ، ومابین این دو مأمور تصادم شدیدی پدید آمده است . سفارتین فرانسه وایتالیا از روسیه تزاری طرفداری میکنند ، و سفارت آلمان نیز ، گفته میشود ، که مخالف مستر شوستر میباشد ، و روزنامهٔ نوویاورمیا (۳) مستشار امریکائی را بشدت و خشونت مورد حمله قرار داده مینویسدکه (چهارم اوت) «اگرمعجزه‌ای بوقوع نه‌پیوندد، شاه سابق درپنج روزبتهران باز خواهدگشت » .

---

(۱) Actlon, Siècle

(۲) در منچستر گاردین مورخ هشتم اوت هزار و نهصد و یازده میلادی منتشر گشت براون.

(۳) M. Mornard

(٤) Novoe Vremya

چهارم اوت هزارونهصد ویازده ـ تایمز میگوید که «نه حکومت انگلستان و نه دولت (نایب‌السلطنه) هندوستان، هیچکدام حق ندارند مانع استخدام کاپتین استوکس، که ازطرف دولت ایران بمشارالیه پیشنهاد شده‌است، بشوند. ـ انگلستان طی یاد داشتی بدولت ایران گوشزد کرد، که در استخدام استوکس اصرار نورزند. ـ توافقی ما بین دولت روسیه تزاری و شاه سابق بعمل آمد که طبق آن پادشاه مخلوع موافقت کرد، در صورت توفیق آذربایجان و ولایات ساحلی دریای خزر را بآندولت واگذار کند (۱).

نهم اوت هزارونهصدویازده ـ کمیته ایران درلندن دوباره رونق یافت.

هفتم تا دوازدهم اوت هزار و نهصد و یازده ـ نویا ورمیا از نو «استوکس و کمپانی» راهدف حمله قرارداده، از «عجز علنی» وزارت امورخارجهٔ انگلستان اظهار شگفت میکرد.

دوازدهم اوت هزارونهصدویازده ـ نیروهای شاه‌سابق درفیروزکوه از بختیاریها شکست خورد، ورشیدالملك مرد.

بیست ویکم اوت هزار و نهصد و یازده ـ وزارت امور خارجه انگلستان بسفارت ایران اطلاع داد که استعفای کاپتین استوکس ازسپاه هندوستان پذیرفته نخواهد شد.

بیست‌ودوم اوت هزار ونهصدویازده ـ سپاه‌شاه سابق درسوادکوه شکست خورد.

سی ویکم اوت هزارونهصد و یازده ـ سومین پیروزی سپاهیان حکومت‌ایران دردماوند. ـ یپرم خان بیمار گشت. ـ وفاداری‌ضیاءالملك وامیر مفخم مورد تردید قرار گرفت.

---

(۱) گر او تبریز آید من بتهران روم جهان آفرین را جهان تنك نیست! م.ع

پنجم ـ ششم سپتامبر هزار ونهصد و یازده ـ ارشدالدوله بهترین وشجاع‌ترین سردار شاه سابق اسیر شد و اعدام گشت .

هفتم سپتامبر هزار ونهصد ویازده ـ شاه سابق بیك کشتی روسیهٔ تزاری در دریای خزر پناه برد .

یازدهم سپتامبرهزارونهصد ویازده ـ رحیم خان در تبریز بفرمان انجمن یا مجلس شورای ایالتی اعدام گشت . مابین مسترشوستر ومسیو مورنارد توافقی حاصل شد

دوازدهم سپتامبر هزارونهصد ویازده ـ شاه سابق ، بحالت فرار، باهفت تن از همراهان به گمش تپه رسید .

هیجدهم سپتامبر هزار ونهصدویازده ـ هلاکت صد و بیست تن ازترکمنان، قسمتی از سپاهیان ارشدالدوله درشاهرود انتشار یافت .

بیستم سپتامبرهزارونهصد ویازده ـ هفت تن دیگرازصاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری ایران استخدام گشت. انتصاب مسترنیو(۱) بسمت صاحبمنصب خزانه‌داری ایران ازطرف مجلس بعلت مخالفت دولت انگلیس بااستخدام کاپتین استوکس موقوف ماند، ولی بالاخره بخواهش مسترشوستر در چهارم اکتبر تصویب شد .

بیست و دوم سپتامبر هزار ونهصد ویازده ـ نایب حسین کاشان را اشغال کرد .

بیست وپنجم سپتامبرهزارونهصد ویازده ـ سالارالدوله ازسپاهیان دولت ایران در ساوه شکست خورد ، ودو روز بعد بازدرنوبران مغلوب گشت .

بیست و هفتم سپتامبر هزار و نهصد و یازده ـ ایتالیا التیماتوم

(۱) Mr. New

(اتمام حجتی) به ترکیه فرستاد. [درناسیون بسیار احتمال داده شده بود که ایتالیا باتبانی روسیهٔ تزاری باین اقدام مبادرت کرده است، ونقشهٔ روسیه آنستکه ترکها را گرفتار جنگ بسازد و مانع از مساعدت آنان با ایران باشد، یا اینکه اینان نتوانند با طرح استیلای شمالغرب ایران ازطرف قوای روسیه تزاری مخالفت ورزند.].

سوم اکتبر هزارونهصدویازده - حکومت هندوستان (نایب السلطنه انگلستان) تصمیم گرفت که قوای هندی خود را به جنوب ایران گسیل دارد.

ششم اکتبر هزار ونهصد ویازده - همدان ازطرف سپاهیان دولتی ایران تسخیر گشت، و سالارالدوله فراری شد.

هفتم اکتبر هزار ونهصد ویازده - حکومت ایران نسبت بدولت روسیهٔ تزاری روش مسالمت آمیزی پیش گرفت.

نهم اکتبر هزارونهصد ویازده - دارایی شعاع السلطنه، برادرشاه سابق چون از طرف حکومت ایران مصادره گشت، ژاندارمهای خزانه‌داری کل بدستورمستر مورگان شوستر برای تصرف آن گماشته شدند، کنسول روسیهٔ تزاری، مسیوپاخیتانف (۱) گروه بزرگتری ازقزاقان برای بیرون راندن مأمورین ایرانی اعزام داشت. روز دیگرقوهٔ عظیمی ازژاندارمها قزاقان را طرد کردند، و ازنو دارایی شعاع السلطنه را بتصرف خویش درآوردند. بیدرنگ خود مسیو پاخیتانف شخصاً بمحل واقعه شتافت ژاندارمها را ناسزا گفت، وبسیار کوشید تا «حادثه‌ای» بوجود آورد.

شانزدهم اکتبر هزارونهصد ویازده - نایب حسین ازکاشان رانده

---

(۱) M. pokhitanoff

شد . میس راس (۱) را در نزدیکی شیراز غارتیدند

هفدهم اکتبر هزار و نهصد و یازده ـ دولت روسیه تزاری از پس گرفتن مخالفت خود با انتصاب کاپتین استوکس بطور قطعی امتناع ورزید . یاد داشتهای وقایع روزانهٔ شاه سابق بدست افتاد .

هیجدهم اکتبر هزار و نهصد و یازده ـ تایمز طی سرمقالهٔ خود مستر شوستر را مورد حمله قرار داد . شاه سابق بعشق آباد واقع در خاک (ترکستان) روسیهٔ تزاری رسید .

نوزدهم اکتبر هزار و نهصد و یازده ـ دولت ایران نسبت باعزام سپاهیان هندی انگلستان بجنوب ایران اعتراض کرد.

بیستم اکتبر هزار و نهصد و یازده ـ مستر شوستر طی تلگرافی به تایمز ، ارسال پاسخ سر مقاله مورخه هیجدهم اکتبر آن روز نامه را باطلاع رسانید .

بیست و دوم اکتبر هزار و نهصد و یازده ـ دولت روسیه تزاری با انتصاب بیست تن صاحبمنصب سوئدی اضافی مخالفت ورزید .

بیست و سوم تا بیست و هفتم اکتبر هزار و نهصد و یازده ـ ایتالیائیها در طرابلس چهار هزار تن عرب ، از جمله زنان و کودکان را قتل عام کردند .

بیست و چهارم اکتبر هزار و نهصد و یازده ـ حکومت بریتانیا اعزام سپاهیان هندی انگلستان را بجنوب ایران طی یاد داشتی باطلاع دولت ایران رسانید، و نخستین قسمت این قشون در بیست و هفتم اکتبر در بوشهر از کشتی پیاده شدند . در همان روز دویست نفر از سربازان دیگر روسیه

(۱) Miss. Ross

تزارهای وارد انزلی گشتند ، واظهار شد که هزارو هفتصد تن دیگرهم خواهد آمد ، درضمن هزارو نهصد نفر هم از طریق جلفا بتبریز پیش خواهد آمد .

بیست و نهم اکتبر هزار و نهصد ویازده - مراجعت شاه سابق از عشق آباد به گمش تپه انتشار یافت .

پنجم نوامبر هزارو نهصد ویازده - نخستین التیماتوم (اتمام حجت) دولت روسیه تزاری صدوریافت وطی آن خواسته شد، حکومت ایران از توهینی، که میگفتند نسبت به آقای پاخی تانف (۱) کنسول تزار در نهم اکتبر روا داشته شده ، پوزش طلبد. تایمز از این تاریخ جریان پاخی تانف را بدقت تحت نظر قرار میدهد .

هفتم نوامبر هزار و نهصد ویازده - انتشار یافت که دولت سوئد تسلیم نظریه اعتراض آمیز مورخه بیست و دوم اکتبر حکومت روسیه تزاری شده، وازاعزام صاحبمنصبان دیگر سوئدی بخدمت دولت ایران امتناع ورزیده است (ولی چنانکه در پایین ، درهفدهم نوامبر ملاحظه میفرمایند ، حقیقت غیر از این بوده است) .

نهم نوامبر هزار و نهصد و یازده - پاسخ مورخه بیستم اکتبر مستر مورگان شوستر به سر مقاله مورخه هیجدهم اکتبر تایمز ، در همین روزنامه منتشر گشت .

یازدهم نوامبر هزارو نهصد ویازده - به کاپیتان استوکس ازطرف دولت انگلستان دستور مراجعت به هندوستان داده شد . دو اسکادرون (اسواران) از سپاهیان سواره نظام مرکزی هندوستان انگلیس وارد

---

(۱) M. Pokhitanoff

بوشهر شدند .

دوازدهم نوامبر هزار و نهصد و یازده ـ از طرف دولت روسیه تزاری یاد داشتی بحکومت ایران داده شد وطی آن بازهم خواسته شد که اعتذار منظور در اتمام حجت مورخه پنجم نوامبر، هرچه زودتر بعمل آید .

سیزدهم نوامبر هزار و نهصد و یازده ـ دواسکادرون (اسواران) اولیهٔ سپاهیان هندی انگلستان وارد شیراز شدند .

پانزدهم نوامبر هزارونهصد ویازده ـ لردکرزن درسرسفرهٔشامی که از طرف پرشیا سوشایتی (۱) در لندن داده شد ، نطق غرای محبت آمیزی ایرادکرد . ـ سپاهیان دولت روسیه تزاری آماده ورود به‌ایران هستند .

شانزدهم نوامبر هزار و نهصد ویازده ـ به‌نایب‌السلطنهٔ تزار در قفقازیه،دستور اعزام چهار هزار نفر سرباز دیگر روسی به‌ایران صدور یافت . در ملایرسه هزار تن ازسپاهیان دولتی ایران آمادهٔ عملیات علیه سالارالدوله گشتند .

هفدهم نوامبرهزارونهصد ویازده ـ هفت نفردیگرازصاحب‌منصبان سوئدی برای خدمت در ایران برگزیده شدند . ـ نوویه ورمیا(۲)نسبت به مسترشوستر بیحرمتی‌روا داشت ـ آوت لوك (۳ـ که سخت طرفدار روسیه تزاری بود ، بطورحیرت آوری ازیازدهم نوامبر تغییررویه داد و

---

(۱) Persia Society (جامعه دوستداران‌ایران؟)

(۲) Novoe Vremya (عصرجدید،روزنامه‌روسی)

(۳) Out look (چشم انداز،روزنامه انگلیسی)

با عتاب و خطاب ادوارد گری را « توفال منقش فورین اوفیس » (۱) خواند.

نوزدهم نوامبر هزار و نهصد و یازده - نامهٔ مستر شوستر در نیویورک سان (۲) منتشر گشت، و طی آن از دو رویی و تزویر سرجرج بارکلی (۳) خرده گرفت. - سالارالدوله در بروجرد شکست خورد و پانصد تن از قوایش تلف گشت. - دولت روسیه تزاری مناسبات سیاسی خود را با ایران قطع کرد، و حکومت ایران نیز برای میانجیگری بانگلستان متوسل شد.

بیستم نوامبر هزار و نهصد و یازده - ازطرف وزیر مختار انگلستان در تهران بدولت ایران اطلاع داده شد، درصورتیکه این دولت به التیماتوم تزار گردن بنهد، قوای روسی پیشروی نخواهد کرد.

بیست و سوم نوامبر هزار و نهصد و یازده - ژاندارمهای خزانه‌داری ازخانهٔ شعاع السلطنه فراخوانده شدند، وزیر امور خارجه ایران بسفارت روسیه تزاری رفت و پوزش نامه‌ای تسلیم کرد، و بدینطریق ایران بانخستین التیماتوم دولت روسیه تزاری موافقت نمود. بعقیدهٔ تایمز « سر جرج بارکلی درمصالحهٔ طرفین مساعدت بعمل آورد و ایرانیان را قانع کرد، درصورتیکه ایشان اعتذاریهٔ قابل قبولی تسلیم نمایند، سپاهیان روسیه بازپس خواهند گشت. » دراینموقع تعداد قوای روسی مقیم ایران بدوازده هزار تن تخمین میشد. یادداشت روسیه تزاری به دولتهای بزرگ

---

(۱) Foreign Office (وزارت امور خارجه انگلستان)
(۲) New York Sun (خورشید نیویورک، روزنامه امریکائی)
(۳) Sir George Barclay (وزیرمختار انگلستان در ایران)

وثوق الدوله وزیر امور خارجه، صمصام السلطنه نخست وزیر، مشیر الدوله وزیر فرهنگ، معاضد السلطنه وزیر پست و تلگراف گشت. سپس اشخاص زیر باینها افزوده شد: سردار محتشم وزیر جنگ، مستشار السلطنه وزیر دادگستری، وذکاء الملك وزیر دارایی. ـ سه باتالیون (گردان) دیگر ازسپاهیان روسیه تزاری درانزلی پیاده گشت.

بیست و پنجم نوامبر هزار و نهصد و یازده ـ روش تحکم آمیز کنسول دولت روسیه تزاری در رشت. سفارت روسیه مستر شوستر را متهم بانتشار ترجمه فارسی نامهٔ وی، مندرجه درروزنامه تایمز کرد. مستر شوستر (در بیست وهشتم نوامبر) هرگونه مسئولیتی دراینمورد ازخود سلب نمود.

بیست وهفتم نوامبر هزار ونهصد و یازده ـ در مجلس عوام و اعیان (بیست و هشتم نوامبر) انگلستان راجع به مسئلهٔ ایران بحث درگرفت. نوویه ورمیا تقاضاهای نوین دولت روسیه تزاری راپیشاپیش اعلام داشت.

بیست ونهم نوامبر هزار ونهصد ویازده ـ دومین اولتیماتوم (اتمام حجت) حکومت روسیه تزاری به ایران داده شد.

سی ام نوامبر هزار و نهصد و یازده ـ التیماتوم دوم رد شد، بازارها (بعنوان اعتراض) بسته گشت، هیجان عظیمی پدید آمد، از طرف حزب داشناکسیون (۱) ارامنه پیشنهاد کمك بایران داده شد. نقشه‌های سوء قصد بجان مستر شوستر مکشوف گشت.

---

(۱) Dashnaktsiyun (حزب ناسیونالیست ارامنه)

یکم دسامبر هزار و نهصد و یازده ـ شکایاتی از تبریز رسید ، دائر باینکه دولت روسیه تزاری علناً از مرتجع معروف صمد خان شجاع الدوله حمایت میکند . ـ بسپاهیان روسیه تزاری فرمان پیشروی داده شد .

دوم دسامبر هزار و نهصد و یازده ـ علاءالدوله که گمان میرفت برای باز گرداندن شاه سابق باسپهدار مشغول دسیسه است ، بقتل رسید . تظاهراتی علیه دولت روسیه تزاری بوقوع پیوست . ـ وثوق الدوله از وزارت امور خارجه استعفا کرد . ـ گفته شد که بختیاریها از دولت روسیه تزاری « رشوه » گرفته‌اند .

سوم دسامبر هزار و نهصد و یازده ـ سپاهیان دولت روسیه تزاری بسوی تهران پیشروی کردند . ـ یپرم خان طرفدار مقاومت مسلح بود . تظاهراتی از طرف توده مردم بوقوع بپیوست و ندای : مرگ یا استقلال طنین انداز گشت . مستر شوستر کاپیتن استوکس را مرخص کرد ، وقرار استخدام آقایان لیکافر ، هیکاك وشنیدلر (۱) را لغو نمود . سردار اسعد که از اروپا مراجعت میکرد ، وارد رشت گشت ، روسهای تزاری در این شهر نیروی نظامی محلی را خلع سلاح نموده ، تلگرافخانه رامتصرف گشتند .

چهارم تا ششم دسامبر هزار و نهصد و یازده ـ تلگراف اعتراض آمیزی علیه عملیات دولت روسیه تزاری از طرف متینگ توده مردم تبریز ، از طرف موتمن الملك رئیس مجلس شورایملی ، از طرف زنان ایرانی (خطاب بمجامع حق انتخاب زنان ـ ۲) و از طرف جمعیت دفاع ایران از کلکته مخابره گشت . احساسات عامه علیه انگلستان سخت تحریك

---

(۱) Lecoffre , Haycock و Shindler
(علي الظاهر صاحبمنصبان انگلیسی هستند) .

(۲) Women's Suffrage Societies

ملانصرالدین

№ 5 — МОЛЛА НАСРЕДДИНЪ — ۵



از مجلهٔ ملانصرالدین چاپ قفقازیه

Call No.........   Date........... ....

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

شد و ایرانیان عقیده پیدا کردند که بریتانیا آنها را بگیر انداخته است . ـ آقای سازانف(۱) در پاریس میباشد ـ وثوق الدوله از نوزمام امور وزارت خارجه را بدست گرفت(پنجم دسامبر) .

هفتم دسامبر هزار و نهصدو یازده ـ لرد کرزن در مجلس اعیان انگلستان نطق غرایی درباره ایران ایراد کرد، لردمورلی(۲) پاسخ گفت. ـ دولت روسیه تزاری به معولستان تعرض کرد و برای گرفتن بغازداردانل از ترکان عثمانی بکوشش پرداخت. میان دول متحده آمریکا وروسیه تزاری در بارهٔ وضعیت یهودیان آمریکا و گذرنامهٔ آنها مباحثاتی در گرفت.

یازدهم دسامبر هزار و نهصدو یازده ـ سردار اسعد با وزیران مختار انگلستان و روسیه تزاری در سفارت بریتانیا کنفرانسی ترتیب داد . مجتهدین نجف و کربلای معلی برای اعلان جهاد مقدمات کار را تهیه دیدند ـ احساسات توده مردم در تهران سخت اوج گرفته است . ـ بعقیده تایمز : دولت روسیه تزاری وجود مجلس شورایملی ایران را مخالف منافع خویش میدانند . » چهار هزار نفر از عساکر ترکیه وارد سلماس گشتند .

دوازدهم دسامبر هزارو نهصدو یازده ـ ملامحمد کاظم، مجتهد بزرگ مشروطه طلب مقیم نجف، شب روزی که میخواست به ایران عزیمت کند، ناگهانی فوت کرد. ـ مجلس شورایملی ایران در مقابل التیماتوم ـ (اتمام حجت) دوم حکومت روسیه تزاری استوار ایستاده و حاضر بقبول

---

۱ – M . Sazonoff . (وزیر امور خارجه روسیه تزاری)
۲ – Morely

آن وشناسایی هیئت دولت جدید(۱) نمی باشد. روسیه‌تزاری هشتصدتن سپاهی وده قبضه توپ به‌خوی اعزام داشت.

سیزدهم دسامبر هزارونهصدو یازده ـ ژنرال گابی‌اف(۲) با چهار هزارتن از سپاهیان روسیه‌تزاری درقزوین متمرکز گشتند.

چهاردهم دسامبر هزارونهصدویازده ـ در شیراز مصرف کالاهای انگلیسی تحریم گشت. ـ قطعنامهٔ اتاق بازرگانی منچستر صدور یافت. ـ مباحثاتی درمجلس عوام انگلستان در گرفت.

هفدهم دسامبر هزار و نهصدویازده ـ صمدخان ممتاز السلطنه، وزیرمختار ایران درپاریس، اظهارداشت که برای یك توافق مصلحت آمیز بین روس و ایران فعالیت میکند.

هیجدهم دسامبر هزار و نهصدویازده ـ ترکیه در سیرنائیك (۳) سولوم(٤)را بانگلستان (اسما بمصر) واگذاشت ـ مجلس شورایملی ایران پیشنهاد هیئت دولت‌را ـ راجع بقبول التیماتوم‌دوم دولت روسیه‌تزاری رد کرد.

بیستم دسامبر هزار و نهصد و یـازده ـ دولت ایران از استعفا خودداری نمود.

بیست‌ویکم دسامبر هزارونهصدو یازده ـ مجلس ایران باسی و نه رأی در مقابل نوزده، به‌تعیین کمیسونی مرکب از پنج‌تن از نمایندگان

۱ـ به بیست‌وسوم نوامبر در بالا مراجعه‌شود. براون

۲ - Gabieff

۳ - Cyrenaica

٤ - Sollum

برای مذاکره درباره التیماتوم روسیه تزاری بمعیت هیئت دولت رضایت داد. ـ میان سپاهیان روسیه تزاری و ایرانیان نایرهٔ جنك در یك آن در تبریز، رشت، و انزلی افروخته گشت. ـ ارتباطات تلگرافی با ایران قطع شد.

بیست و سوم دسامبر هزار و نهصد و یازده ـ ایران التیماتوم روسیه تزاری را پذیرفت و بآن گردن نهاد. اجتماعات سیاسی در تهران ممنوع گشت، واکثر روزنامه‌ها در بیست و ششم دسامبر توقیف شدند، بمردمان تبریز و رشت طی فرامینی دستور داده شد که دست از جنك باز دارند. مستر شوستر معزول واخراج گشت. ارتباطات تلگرافی با تبریز قطع شد. نیروهای تقویتی نوینی از روسیه باین شهر رهسپار گردید.

بیست و چهارم دسامبر هزار و نهصد و یازده. جنك سخت دیگری در تبریز درگرفت وشهر ازطرف روسهای تزاری بشدت بمباران گشت. کنسول روسیه تزاری در رشت، زمام امور شهر را بدست خود گرفت. نوویه ورمیا» تقاضای کیفر بی امان و «قلع وقمع فدائیان» کرده، مینویسد: «انسانیت واقعی ایجاب میکند که با بیرحمی رفتار شود». ـ نایب السلطنه بصوابدید هیئت دولت مجلس را منحل کرد. ارتباط تلگرافی با ایران فقط ازطریق سوئز امکان پذیر است، و رشتهٔ مواصلات بین تهران و تبریز بکلی منقطع میباشد.

بیست و ششم دسامبر هزار و نهصد و یازده ـ عمارت بهارستان که محل انعقاد جلسات مجلس شورایملی بود، بسته شد و قشونی آنجا گماشتند، روزنامه‌ها نیز توقیف گشت.

بیست و هفتم دسامبر هزار و نهصد و یازده ـ در شیراز یکتن نظامی

هندی (انگلیسی) که ملتزم رکاب مستر و. ا اسمارت(۱) بود، مورد حمله قرار گرفت، ابتدا شایع گشت که مستر اسمارت کشته شده، ولی مشارالیه مجروح گشته و بدست ایلات افتاده بود، و عشایر بعد از کشف هویت وی کمال مهربانی و محبت را درباره‌اش مبذول داشتند. - تلگراف تهران وتبریز برای مدت کوتاهی امروز دایر گشت.

بیست و هشتم دسامبر هزار و نهصد و یازده - امان الله میرزا، نایب الحکومه تبریز، که بعلت مخابره تلگرافهایی دایر بوحشیگریهای روسیه تزاری مغضوب ودرمعرض تعقیب قرار گرفته بود، بکنسولگری انگلیس پناهنده گشت. صمد خان شجاع الدوله، مرتجع مشهور و هواخواه شاه سابق، با تصویب روسیه تزاری آمادهٔ ورود به تبریز وقبضه کردن زمام امور حکومتی شد. شایع گشت که امیر مجاهد بختیاری نامزد اشغال مقام خزانه‌داریکل، که ازطرف مستر شوستر خالی شده بودم، میباشد.

بیست و نهم دسامبر هزار و نهصدیازده - در باره لشکرکشی انگلستان به جنوب ایران در مطبوعات امپریالیستی بریتانیای کبیر و هندوستان هووجنجالی کلی درگرفت. - سفارتین روسیه تزاری وانگلستان در تهران ازنامزدی مسیو مورنارد(۲) بمقامات خزانه‌داریکل ایران، با وجود عدم رضایت شدید عناصر ایرانی ومقام غیررسمی انگلیسی، پشتیبانی بعمل آوردند.

سی ام دسامبر هزارو نهصدویازده - اتحادیه مطبوعات از تبریز

---

۱ - Mr. W. A. Smart

۲–M. Mornrad

تلگرافی اطلاع‌داد که فدائیان یك روز دیگر هم جنك‌را ادامه‌دادندو
روسهای تزاری، [یعنی سپاهیان‌موجوددرشهرپیش‌ازرسیدن نیروهای‌نوین
کمکی]، درمانده‌شده‌اند » مستراسمارت‌صحیح وسالم به کازرون‌رسید
ادامه‌این‌تقویم‌التواریخ بسالهای‌هزارونهصدودوازده‌وهزارونهصدو
سیزده‌میلادی که‌درخلال‌این‌احوال‌طی شده، غیرلازم‌بنظرمیرسد، چون‌این
کتاب‌فقط‌ازوقایع‌وحوادث‌دوره‌چهارگانه‌سابق‌الذکربحث‌میکند، ودورهٔ
مشروطیت دوم فی‌الواقع باتعطیل‌اجباری مجلس‌شورایملی بتاریخ بیست
وچهارم‌دسامبرهزارونهصدویازده‌میلادی‌خاتمه پیدا مینماید.

وحشت واضطرابیکه با استیلای روسیه تزاری ، بویژه درتبریز با
آغازسال‌سیاه هزار نهصدودوازده آغازگشت ، دررساله‌ای بنام‌حکومت
ترور و وحشت درتبریز: مسئولیت انگلستان(۱) شرح داده‌شده و از
طرف اینجانب‌در اکتبر هزارو نهصدو دوازده انتشار یافته‌است؛ و اینك
با استفاده از کلیه‌سرچشمه‌های موجود، مشغول‌تهیه‌مجلدمفصلی‌مشتمل
بر جزئیات کامل‌حوادث‌میباشم .

درغرهٔ ژانویه هزارونهصد ودوازده میلادی که مصادف باعاشورا
یعنی دهم محرم، روز بسیارخطیر شیعیان‌مسلمان ، بسال‌هزاروسیصد وسی
هجری‌قمری بود، روسهای‌تزاری بچندرشته‌اعدامهای‌دستجمعی آغازکردند
وابتداهشت تن از بزرگان قوم و فدائیان را دستجمعی بدار آویختند ،
چوبهای‌دار بابیرق روسیه تزاری زرق‌وورق یافته‌بود. اکثرمعدومین از
روحانون محترم‌و عالم‌بودند ، ثقة‌الاسلام ، مجتهدمعروف آذربایجان ؛

---

۱ - The Reign of Terror inTabriz : England's - Responsibility.

ضیاء العلما ؛ صادق الملك که صاحب منصب جوانی بود؛ و شیخ سلیم از آنجمله است. ازمبرزین دیگر که بدست عمال تزار بدار کشیده شد ، حاجی علی دوا فروش فیلانتروپ (بشردوست)، میرزا احمدسهیلی شاعرو دوتن ازخواهرزادگان ستارخان را میتوان شمرد، که در ششم ژانویه اعدام گشتند ؛ و پطروس آندره آسیان ارمنی عالیمقام که چند روز بعد معدوم شد .

اکثراوقات خانه‌های قربانیان بادینامیت بدست روسهای تزاری ویران می گشت، دولت روسیه تزاری باپشتیبانی مسترشاپیلی (۱) کنسول انگلیس در تبریز، وموافقت فورین افیس (۲) (وزارت امور خارجه بریتانیا) صمد خان شجاع الدوله‌را بحکومت تبریز گماشت. این آدم پست‌فطرت بعذاب و شکنجه، قتل‌و کشتارمردم پرداخت وباروشهایی که مختصراً دررساله سابق الذکرشرح داده‌شده، ازاهالی اخاذی کردو پولها درآورد. اعدام‌و کشتاردرتبریز بطرق گوناگون تااوت سال هزارو نهصدودوازده ادامه‌داشت، ودرسرتاسر آذربایجان اوضاع بهمین منوال وچوبه‌های دار بلند بود.

دررشت چاپخانه‌ها ویران، وروزنامه‌های این شهر که ازبهترین مطبوعات ایران بشمار می آمدند، توقیف گشت‌و گروهی از مردم بدار کشیده‌شد .

بمباردمان بی‌علت وغارت مزارحضرت امام‌رضا در مشهد مقدس بدست عمال روسیه‌تزاری دربیست ونهم‌مارس هزارونهصد ودوازده‌میلادی صورت گرفت ، وطی این حادثه بسیاری ازمردم بیگناه، هم سکنهٔ شهر

---

۱ -Mr. Shiply

۲ - Foreign office

وهم زوار بقتل رسیدند ، اضطراب و وحشت باوج اعلای خود رسید و موجب بروزاحساسات دردناکی درسرتاسرعالم اسلامی گشت.

بعد ازتعطیل دومین دورهٔ مجلس‌شورایملی درپایان سال هزار و نهصد ویازده میلادی، که بیش ازدو سال از آن میگذرد ، بتواتر رسیده که انتخابات جدید بعمل آمده و مجلس تازه دعوت باجتماع شده است. اینک فعلا موضوع انتخابات ایران ، باستثنای آذربایجان ، انجام و احتمال میرود که سال‌جاری شاهد گشایش‌سومین دورهٔ مجلس‌شورای ملی باشد ، افتتاح این‌مجلس برای ایران ودوستان آن،اگرچه‌خوش آیند است، ولی‌دردورهٔ فعالیت خود باهمان معضلات سخت وهمان مشکلات صعب دورهٔ سلف خود مواجه خواهد بود .

ازطرفی بسیاری ازوطن‌پرستان پاکدل ، وقابل و صاحب اراده بقتل‌رسیده ، یا تبعیدگشته ویامخفی ومتواری شده اند ، ازطرف دیگر دردورهٔ فترت دوساله، که هیئت دولت باشکال توانسته ادارهٔ امورراتعهد کند و بیشتر اوقات بدون تصویب و تجویز سفارتین روسیه تزاری و انگلستان دست بکاری نمیتوانسته بزند ، دولت روسیهٔ تزاری باگرفتن امتیازات دامنه داری ازقبیل احداث راه‌آهن، استخراج معادن وشیلات ودیگرمواد ، استفاده های عظیمی کرده ، و روزگارنامساعدکشوررا، با اعطای قرضه‌هایی بربحهای‌سنگین، سیاه‌ساخته است.

اگرچه اوضاع کشوربدست ، ولی انکارنمیتوان داشت که ممکن بود بدتر از اینهم باشد ، تهران ازطرف روسهای تزاری اشغال نشده و اضطراب ووحشتیکه ازطرف آنها درتبریز بوجودآمده درمرکزموجود نیست اغتشاشات مدعیان سلطنت: محمد علی، شعاع السلطنه و سالار۔

الدوله فعلاموقوف گشته و میتوان امید داشت که برای همیشه خودشان نیزازصحنهٔ سیاست رانده شده‌اند؛ فعالیت ژاندارمری جدید بسرپرستی صاحبمنصبان سوئدی درمبارزه باراهزنی وایجاد امنیت درراهها شایان تقدیروتمجید بسیارمیباشد.

برای همینقدرنجات کشورازانهدام مطلق، بایستی ما سپاسگزار باشیم، واگرچه افق تیره‌وتار،ودورنمای مملکت شوم بنظرمیرسدمعهذا ایران هنوز دست کم‌اسماً استقلال‌وتمامیت خود را نگهداشته است(۱).

(۱۹۱۴میلادی)

پایان

---

(۱) باانقلاب کبیراکتبرهزارونهصد وهفده درروسیه‌وانهدام‌سلطنت تزارهاخطرات‌عظیم‌مزبوراز بین‌رفت.

تاریخ مطبوعات ایران

Date......................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

مقدمهٔ مترجم (۱)

دراین کتاب ازدوموضوع مختلف ولی‌مربوط بهم ، یعنی مطبوعات ایران ، بویژه روزنامه نگاری ایران ، و شاعری سیاسی ووطنی کنونی بحث شده است.

بعبارت دیگرفعالیت ادبی ایرانیان در سالهای اخیر، مخصوصاً بعد ازاعلان مشروطیت بسال هزارونهصد وشش‌میلادی (هزاروسیصدو بیست چهارهجری قمری) ازدوجهت مذکور مورد مداقه قرار گرفته. بنا براین کتاب‌ما،بدوقسمت مشخص تقسیم‌میشود: بخش‌نخست(۲) ترجمهٔاینجانب وقسمت دوم تألیف من است.

دربارهٔ هریك ازبخشهای مذکورلازم است شمه‌ای در اینجا گفته

---

(۱) منظور مقدمه ایست که پرفسور براون بترجمه انگلیسی کتاب «ورقی‌ازدفترتاریخ مطبوعات‌ایرانی‌وفارسی» تالیف‌دانشمندفقید محمدعلی تربیت بزبان‌انگلیسی نگاشته‌است،چنانکه‌در آغازجلداول کتاب‌متذکرشده‌ایم تالیف‌مزبوراساس کارمستشرق دانشمند دراین‌قسمت بوده است .

(۲) خوانندگان توجه دارند که درترجمه فارسی قسمت ادبیات‌متقدم برتاریخ مطبوعات قرارداده شده‌است. م.ع.

آید .

قسمت مطبوعات مشتمل است بر فهرست کامل وجامعی از روزنامه‌ های ایرانی، باذکر خصوصیات هریك از آنها ، تا آنجا که گرد آوردن آن مقدور بوده، بایك مقدمه ومدخل، ودرپایان خاتمه، مختصری راجع ببعضی ازمطبوعات مهم‌تر ایرانی، غیر از روزنامه نگاری ، بویژه کتابهائی که بطور مستقیم ویاغیر مستقیم در بیداری ایرانیان موثر بوده، آمده است . تمام این بخش ازیك تألیف چاپ نشده فارسی، که بدلایل مذکور درمقدمه مؤلف ، میرزا محمدعلی خان تربیت، بنام «ورقی ازدفتر تاریخ مطبوعات ایرانی وفارسی» نامیده شده ، ترجمه گردیده ، وکلیهٔ مطالبی که علاوه برمتن ترجمه از طرف اینجانب افزوده شده، عبارت است از اضافت یك رشته توضیحات پاورقی، اگرچه اغلب آنها هم بقلم مؤلف میباشد ، و الحاق بعضی نکات راجع بخصوصیات قطع وقیمت وغیرهٔ هریك از روزنامه‌ها که باحروف ریز طبع شده (۱) ، و اشارات مزبور محصول تحقیق در نسخی است که درتصرف من میباشد، ودرداشتن این مجموعه (کلکسیون) نسبة بزرگ مدیون سخاوت مستر ح. ل. رابینو هستم، که مختصری در بارهٔ مشارالیه بازخواهم گفت. قارئین بایستی درنظر داشته باشند، سلسله مطالبی که بدینطریق با حروف ریز از طرف اینحانب بمواد متن اصلی مولف افزوده شده، طوری ترتیب یافته، که خواننده را بااختلافات اتفاقی حاصله بامطالب متن اصلی که با حروف درشت مقدم برالحاقات طبع

۱ـ درطبع ترجمهٔ فارسی، قسمتهای الحاقی میان دوستاره، قرار داده شده است،

۲-Mr. H. L. Rabino

گشته، دچار زحمت وحیرت نکند. ازطرفی دست بردن در متن مولف را، جز در مواردی که اشتباه آن مسلم مینمود، جایز ندانستم، وازطرف دیگر در مواقعیکه مراجعه بنسخه اصلی روزنامه مورد بحث برایم ممکن بود نتیجه بررسیهای خود راچنانکه گفته شد با حروف ریز پس ازمتن اصلی درج کردم. این لغزشها نتیجه آنستکه مولف کتاب خودرا ، چنانکه در مقدمه خویش آورده، درتبعید (مهاجرت) نوشته، و در اغلب موارد از حافظه و یادداشتهای کوچك استفاده نموده، و از مراجعه بمواد مفصل و گرانبهایی که برای تألیف این کتاب فراهم آورده، وبدبختانه اکنون ازدست رفته، محروم مانده است.

مولف چنانکه درمقدمهٔ خودمیگوید، درطرح تألیف این کتاب بر رسالهٔ تاریخچه مطبوعات مستر ح. ل. رابینو تقدم داشته، اگر چه در ترتیب آن تأخیری برای مشارالیه رخ داده است. مستر رابینو تقریباً تادو سال پیش ویس کنسول (نایب قنسول) دولت انگلیس در شهر رشت در ایران بوده، و اینك درصافی (۱) واقع درمراکش انجام وظیفه میکند. مستر رابینو که سعادت زیارتش هرگز نصیبم نشده بود، یکی از آن صاحبمنصبان کنسولی است، که ازصرف اوقات خویش ضمن انجام وظیفه رسمی بتحقیق زبان، ادبیات، آثار باستانی، آداب ورسوم و منابع حوزهٔ مأموریت خود لذت می برند و جای تعجب و بسی تأسف است یك چنین شخصی که اینقدرخوب باایرانیان آشنا و بایشان محبت دارد، واینقدرخوب ازتمام خصوصیات ایران و مردمان آن آگاه میباشد ازآن سرزمین برداشته شده، وبمحلی که بعقیده من حوزهٔ ناسازگاری است انتقال یافته است. بهرصورت رابینو در رشت

---

۱ -Saffi

وقت خویش ببهترین وجهی استفاده کرده و کارهایش در اکثر موارد نتایج سودمند و گرانبهایی داشته، بویژه در قسمت تاریخ، جغرافیا و زمین شناسی، و رشتهٔ روزنامه نگاری ایرانی، که تقریباً تا کنون مطلقاً دست ناخورده مانده است. او در سال هزار و نهصد و یازده میلادی در رشت، تا آنجا که من اطلاع دارم، نخستین بحث منظم را در این رشته بعمل آورد، و تتبعات خویش را طی یك رساله فارسی در بیست و نه صفحه بزرك (۲۲/۵ × ۳۵ سانتیمتر) در چاپخانه عروة الوثقی بطبع رسانیده، عنوان کامل این رساله بفارسی و انگلیسی با ذکر بعضی خصوصیات آن، در مقدمه مولف و پاورقی صفحه مربوط آمده است (۱) رابینو در دیباچه کوتاه دو صفحه‌ای رسالهٔ خود، از تاریخ روزنامه نگاری ایران، یعنی از پیدایش آن، در حدود هزار هشتصد و چهل و هشت میلادی (هزار و دویست و شصت و پنج هجری قمری) تا زمان تألیف کتابچه، بیست و نهم اوت هزار و نهصد و یازده میلادی (هزار و سیصد و بیست و نه و سی هجری قمری) بحث کرده است.

پس از دیباچه فهرست دویست و چهل و سه روزنامه را که بزبان فارسی در ایران انتشار یافته، بترتیب الفبایی درج کرده است (۲) هر

---

(۱) مقصود مقدمه همین کتاب است، که از نظر خوانندگان میگذرد، و عنوان رساله رابینو بدینقرار میباشد: «صورت جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران بزبان فارسی طبع شده است» م.ع

(۲) در این رساله (که بقلم مستر رابینو نگاشته شده) از تمام روزنامه‌های ایرانی، اعم از آنکه در ایران و یا خارج از ایران منتشر گشته، و از کلیه نامه‌ها که بفارسی یا زبان دیگری فی المثل ارمنی، آسوری، ترکی، فرانسوی و غیره نشر شده، صحبت بمیان آمده است. از عنوان ایرانی کتاب مقصود مطبوعات منتشره در

صفحه‌ای بده ستون تقسیم گشته، بطوریکه درستون نخست شماره ترتیب عادی روزنامه در فهرست؛ در ستون دوم نام و عنوان نامه، در سوم محل چاپ آمده؛ چهارمی مشتمل است بر اوقات انتشار، یعنی اینکه روزانه است یا هفتگی و یا دو هفتگی و یا ماهانه، پنجمی بر طرز و ترتیب انطباع یعنی اینکه سربی است یا سنگی، ویا ژلاتینی، ششمی بر تاریخ آغاز انتشار، هفتی بر تاریخ پایان انتشار، هشتمی تمایلات سیاسی روزنامه، نهمی بر نام صاحب امتیاز یاناشر و در ستون دهم یعنی آخر ملاحظات اضافی آمده است. ازروزنامه‌هائیکه دراین فهرست آمده، از شمارهٔ یك تا دویست و بیست و شش فارسی، ترکی، یا عربی، و از دویست و بیست و نه تا دویست وسی فرانسوی، ازدویست وسی و یك تا دویست سی و شش ارمنی، وشماره‌های دویست و سی و هفت الی دویست و چهل و سه مشتمل است براسامی روزنامه‌هائیکه ذکر آنهادرجای خود فراموش شده‌است. بعلاوه‌از دویست و شصت و نه شماره گذاری شده و سفیدمانده تا برای ذکرو ثبت مطبوعات دیگرجاباشد، ودرخاتمه،دو صفحه آخر یعنی صفحات بیست و هشتم و بیست و نهم مشتمل است بر فهرست اغلاط.

ترجمه فرانسه‌رساله فارسی مستر رابینوتوسط مسیو ل. بوا(۱) بعمل آمده ودرصفحات دویست و هشتادو هفت تا سیصد و پانزده مجله جهان اسلام(۳) بسال هزارونهصدوسیزده منتشر گشته‌است. من گمان

کشور شاهنشاهی ایران و نیزروزنامه‌هائیست که بزبان فارسی انتشار یافته است (براون)

۲– M. L. Buvat

۳– Revu du Monde Musulman

دارم که این ترجمه بدون علم واطلاع یاموافقت مستر رابینو بعمل آمده ، و نظر باغلاط و اشتباهاتیکه در آن رخ داده، مورد اعتماد کامل مولف نمی باشد. نسخه‌ای از ترجمهٔ فرانسه مورد بحث که مشتمل بر توضیحات واصلاحات متعدد مستر رابینو، بخط خود ایشانست، در اختیار من میباشد. امتیاز عمده این نسخه اشتمال آنست بر یادداشتهای پاورقی (حواشی) اضافی که بشکل توضیحات عمدهٔ کتاب‌شناسی و شروح و تراجم راجع بآنچه که در مجله جهان اسلامی درباره روزنامه هـای ایرانی انتشار یافته ، آمده‌است .

در زبان انگلیسی ، تا آنجا که من آگاهی دارم، تاکنون راجع بمطبوعات ایران هیچ چیزی نگاشته نشده است، جزرساله کوچکی که بقلم من میباشد، ودر اصل بشکل خطابه‌ای خوانده شده و بعدا توسط انجمن ایران (۱) تحت عنوان مطبوعـات ایرانی و روزنـامه نگاری فارسی(۲) انتشار یافته ، که در حقیقت خلاصه ای بسیار مختصری از کتاب حاضر و همانند آن بود،وارزش واهمیت آن مدیون اقتباساتی است کـه از آثـار مستر رابینو و میرزا محمد علی خـان تـربیت بعمل آمده‌است .

---

۱ – Persia Society

۲ – Times

(۲) این خطابه‌در بیست‌وسوم ماه‌مه‌سال هزار و نهصدوسیزده‌میلادی خوانده شده، وبعداً از طرف انجمن، توسط جان هاك (John Hogg) در لندن انتشار یافته است. بهایش یك شیلینك ودارای بیست صفحه میباشد. بر اون

تایمز (۱) که پیروی از سیاست ارتجاعی و مخالفت با ترقیات اجتماعی در مسائل شرقی و امور کشورهای خاورزمین از صفات ممتازهٔ آنان بشمار میرود، راجع به «خطرات و مضرات آزادی مطبوعات در ایران» و «دیگر ممالک مشرق زمین» در شماره مورخه دوم ژوئیه سال هزار و نهصد و هشت خود بدرج بعضی اشارات توهین آمیزی مبادرت کرده بود، در شمارهٔ مورخهٔ بیست و نهم اکتبر سال هزار و نهصد و نه خود نیز مقاله مختصری در این موضوع منتشر ساخته است (۲). ولی استاندارد (۳) مورخهٔ پانزده نوامبر هزار و نهصد و نه میلادی، شرح خوب و محبت آمیزی در خصوص سید حسن، ناشر روزنامه یومیه حبل المتین تهران داشت، این شخص باتهام بی احترامی بآئین اسلام اخیرا بازداشت گردیده بود. مقارن پایان ماه مه هزار و نهصد و ده مطبوعات یومیه انگلستان بازشرحی از اعتراضات روزنامه نگاران ایرانی راجع بتوقیف روزنامه شرق، و

۱- Times

(۲) مقالهٔ توهین آمیز تایمز راجع بایران و آزادی مطبوعات ایرانی ده روز بعد از موفقیت محمد علیشاه مخلوع در تخریب نخستین مجلس شورایملی، که بکمک کلنل لیاخوف و دیگر صاحب منصبان روسیه تزاری مستخدم دربار صورت گرفت، انتشار یافت، ودر آنموقع شاه مخلوع فاتح بنظر میرسد. مقاله ثانوی؛ اگرچه خالی از محبت بود، ولی اقلا در موضوع مطبوعات ایران کم و بیش بحث جدی داشت و بعضی حقایق را کم و بیش درست موردمداقه قرار داده بود، این مقاله اخیر اندکی بعد از پیروزی ملیون و خلع شاه سابق (محمدعلیشاه) نگاشته شده بود. (براون)

۳-Standard

مشاجرات شدیدی که در اینمورد درمجلس شورایملی بعمل آمده بود، درج کرده بودند. تایمز مورخه بیست و هشتم ژوئن سال هزار و نهصدوده باز گزارشی راجع باعتصاب مطابع طهران داشت. منچستر گاردین بتاریخ بیست و هشتم سپتامبر هزار و نهصدوده مقاله‌ای در بارهٔ «روزنامه‌های ایرانی و مندرجات آنها» چاپ کرده بود. فی الجمله خبر توقیف دستجمعی مطبوعات طهران بتاریخ بیست و هشتم دسامبر سال هزار و نهصدویازده میلادی، که پس از تعطیل اجباری مجلس شورایملی بوقوع پیوست، در روزنامه‌های متعدد انگلستان درج و نشر شده بود. در کتاب تاریخ انقلاب ایران، تالیف من نیز مبلغی اطلاعات راجع به روزنامه‌های ایرانی با ترجمه مقالات بعضی از آنها بانگلیسی، آمده‌است.

چنانکه انتظار میرفت، مقدرات مطبوعات در ایران بستگی کاملی بسرنوشت نهضت مشروطیت داشت. پیش از اعطای مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه در اوت هزار و نهصد و شش، فقط معدودی روزنامه در ایران انتشار می‌یافت، که اینها نیز ازلحاظ سیاسی فاقد اهمیت بودند، و ارزش آنها بطور کلی فقط و فقط ازنقطه نظر ادبی، ازجنبهٔ داشتن اشعار و احتوای مقالات انتقادی بود که گاهگاهی درج میشد. در بخش آخر سال هزار و نهصدوشش، روزنامه‌های مهم متعددی با حروف سربی شروع بانتشار کرد، از قبیل مجلس (در بیست و پنجم نوامبر هزار و نهصدوشش) و ندای وطن که یک ماه بعداز آن نشر گشت. طی سال بعد (هزار و نهصدو هفت) دامنه انتشار مطبوعات توسعهٔ پیدا کرد، و تعداد آن رو بافزایش گذاشت، تا اینکه کودتای بیست و سوم ژوئن سال هزار و نهصدو هشت محمدعلیشاه پیش آمد که در ایران آغاز استبداد صغیر نامیده میشود،

محمدعلیشاه پیش آمد ، که در ایران آغاز استبداد صغیر نامیده میشود در این دوره آزادی مطبوعات عملا بطور موقت بمحاق تعطیل افتاد.

هنگامیکه نیروهای انقلابی در گیلان و اصفهان باز سربلند کرده پیشرفت آغاز نمودند، مطبوعات نیز در مناطق مذکور از نو زنده شدند ، تا اینکه با ورود پیروزمندانه ملیون بطهران و خلع محمد علیشاه در ژوئیه هزار و نهصد و نه ؛ دایرهٔ مطبوعات بسرعت زیاد توسعه یافت و حتی از «دوره نخست مشروطیت» گشت ، و (باستثنای مدت کوتاهی در اوت هزار و نهصد و ده ، که بعد از اشتعال نایره جنگ جهت خلع سلاح فدائیان در طهران دوام داشت ، وچندروزی فقط روزنامه استقلال ایران در پایتخت انتشار می یافت) این پیشرفت در شرایط مساعدی ادامه داشت ، تا اینکه حادثه تعطیل اجباری دومین مجلس شورایملی و تجاوزات خشونت آمیز روسیه تزاری در روزهای آخر سال هزار و نهصد و یازده پیش آمد کرد . از آنموقع ببعد ؛ باز مطبوعات بمحاق تعطیل افتاده : روزنامه های مهمی که در تهران انتشار می یابد ، تا آنجا که من آگاهی دارم ، فقط عبارتست از روزنامه رسمی یا نیمه رسمی آفتاب ، و روزنامه بالنسبه مستقل ایران کنونی(۱) ؛ اما در تبریز ، رشت و مشهد روسیه تزاری عملا ، نه تنها مطبوعات را سبعانه خفه کرده ، بلکه از هرگونه تظاهرات دیگر آزادی و تجلیات حیات ملی نیز ممانعت بعمل آورده است ، دو روزنامه رسوای

---

(۱) شمارهٔ یك سال پنجم برق بتاریخ دوازده اکتبر هزار و نهصد و سیزده از نو انتشار یافته . از بیست و هفتم نوامبر سال هزار و نهصد و سیزده این روزنامه اسم خود را عوض کرده و رعد گذاشته است . براون

مرتجع ضدملی : فکر و توفیق بدست روسان تزاری متوالیاً در تبریز تأسیس و ازحیث مخارج تأمین‌شده‌است ، ولی توصیف‌این دو نامه بی قدرو قیمت موجب اهمیت‌و اعتلای آنهاخواهدبود .

روزنامه های ایرانی که درخارج ازایران انتشاریافته‌اند،بالطبع از حیث آزادی و تمایلات سیاسی خیلی بیشتر از مطبوعات منتشره در داخلا‌کشوراستقلال‌داشته‌اند. مهمترین‌این‌نوع نامه‌هاعبارتنداز: روزنامه اخترچاپاستانبول (۱۸۹۵-۱۸۷۵) ، قانون طبع لندن (۱۸۹۰-۱۸۸۹) حبل‌المتین که در سال هزار وهشتصد ونود و سه درکلکته تاسیس‌شده و اینك نیز انتشار می‌یابد ، ثریا (۹ - ۱۸۹۸) و پرورش (۱۹۰۰) طبع قاهره ، حکمت وچهره‌نما که‌بترتیب طی سالهای ۳ - ۱۸۹۲ و۵-۱۹۰۴ تاسیس یافته‌اند وهنوز هم نشرمیشوند ، وشمس در استانبول که بسال هزار ونهصد و نه میلادی تاسیس یافته و هنوز انتشار می‌یابد .

درقسمت اعظم دورۀ مشروطیت مقدار معینی از روزنامه‌های عمده‌بطور مرتب بدست من رسیده است ، از جمله :

مجلس ، ندای‌وطن ، تمدن ، صوراسرافیل، مساوات، حبل‌المتین دردوره‌نخست مشروطیت، و ایران نو ، برق ، شرق، عصر ، وقت‌وغیره که دردورۀ دوم‌انتشار یافته . مبلغی از روزنامه‌های شیخ حسن تبریزی استاد سابق زبان فارسی در دانشگاه (کمبریج انگلستان) نیز پس از مراجعت مشارالیه به ایران نصیب من گردید . معهذا کله کلکسیون من هنوز نقص بسیار داشت ، اگر سخاوت خارق العاده مستر ح .ل. رابینو درمیان‌نبود ، مشارالیه هنگام انتقال خود از رشت به مراکش ، مجموعه مفصل‌و نفیس‌خود را بالتمام برایم‌پیشکش کرد ، این کلکسیون

دارای ادوار کامل یا بالنسبه جامع روزنامه‌های بسیار ، بویژه مطبوعات منتشره دررشت است، از جمله : نسیم شمال ، کنکاش ، صدای رشت، گیلان و خیرالکمال ، ونیز متضمن بعضی از نمونه‌های تقریباً دست کم کلیه روزنامه های مذکور درر ساله (تاریخچه مطبوعات) مشارالیه میباشد . در سایه این سخاوت ، عقیده دارم که من صاحب کامل‌ترین و جامع‌ترین کلکسیون روزنامه‌های ایرانی ، موجود در خارج ایران ، میباشم ؛ وهمین مجموعه کمك بسیار بزرگی درتهیه وتدوین کتاب کنونی بمن کرده است. (۱)

مراتب امتنان خود را قبلا نسبت به مستر ح. ل. رابینو و میرزا محمد علی‌خان (تربیت) اظهارداشته‌ام ، و اینك بایستی فقط ازسر آلبرت هاوتوم‌شندلر (۲) میرزامحمدقزوینی ، دکتراحمد خان، میرزکاظم‌زاده (ایرانشهر)ودیگر همدستان که‌درتصحیح نمونه‌های‌مطبعی، حل‌نکات‌مبهم ومشکوك متن مرا مساعدت کرده اند ، ونیز در تهیه تصاویر لازم کمك نموده‌اند ، سپاسگزاری کنم . بعضی از این تصاویر قبلا در کتاب انقلاب ایران انتشار یافته ، ولی اغلبشان تازه ، و مشتمل برتابلوهای مضحك ، کاریکاتورها و سرلوحه‌های بعضی از روزنامه‌های مهم ومعروف است که

---

(۱) از اینجا ببعد مربوط بادبیات مشروطیت ایران و انقلاب ادبی در مشرق زمین است کـه در صدر قسمت مربوطه (مقدمـهٔ جلد اول ، تاریخ ادبیات)

(۲) Sir Albert Schindler

ذکرشان در کتاب آمده است .

اهمیت و نفوذ عظیم مجله فکاهی ملا نصرالدین ، که بترکی (آذری) ملا نصرالدین تحریر و در تیفلیس بطبع رسیده (۱) ، در

---

(۱) موسس ومدیر مجله ملانصرالدین یکی از مشاهیر نویسندگان ومتفکرین آذربایجان میرزاجلیل محمد قلی‌زاده نخجوانی است ، و اشعار انتقادی وسیاسی عدیم‌النظیری که درآن منتشر شده اثر طبع شاعرشهیر آذربایجان صابرطاهرزاده شیروانی میباشد. تصاویر گرانبهای مورد بحث بخامه هنرمند معروف ، عظیم عظیم‌زاده باکویی ویکی‌دو نفر نقاش توانای دیگر بوجود آمده است ، این مجله نفیس در بیداری ایرانیان ونهضت آزادی شرق تاثیرخارق‌العاده‌ای داشته‌است . همینقدر متذکرمیشویم که بعضی از اشعار شیوای اشرف گیلانی ، ملك الشعرا بهار ، علامه دهخدا و اغلب تابلو های فکاهی انتقادی وسیاسی مجلات و روزنامه های صدر مشروطیت تحت‌تاثیر مستقیم مجله‌ملانصرالدین پدیدآمده است .

مجله پیمان که دراین‌اواخردرطهران انتشار می‌یافت اقتباسات کثیر مستقیمی‌از آثار نویسندگان نامه گرانبهای ملانصرالدین ، اما بدون ذکر ماخذ، کرده‌است . مجله ملانصرالدین مدتی نیز درتبریز انتشاریافته ، و این بعد ازوقوع انقلاب اکتبر روسیه بود ، ولی‌زعمای شوروی گروه کثیری ازبزرگان ودانشمندان‌را برای دعوت میرزا جلیل محمدقلی‌زاده بصوب‌تبریز اعزام‌داشتند ؛ وازآن‌تاریخ مجله ملانصرالدین درباکومنتشر میشده است .

نهضت‌مشروطیت ومطبوعات‌جدیدایران هما نطوریکه مرحوم براون گفته مدیون تأثیرات عظیم مجلهٔ‌ملانصرالدین‌ونویسندگان عالیمقام آن که همه آذربایجانی بوده اند ، میباشد . م‌ع

فهرست الفبایی مطبوعات ذکرنشده است ، ولی نفوذ و تأثیر این نامه‌در ایران بقدری عظیم ، و ارزش و اهمیت تصاویر مضحك آن باندازه‌ای مهم میباشد ، که من شش قطعه از نمونه‌های برجسته‌آنرادر این کتاب درج کرده‌ام .

ادوارد. گ . براون

هفتم فوریه‌هزارنهصدو چهارده

Call No..........

Account No..........

Date.......................

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

تاریخ مطبوعات ایران

فهرست روزنامه‌های ایرانی

بترتیب الفبایی

تالیف : میرزا محمدعلی خان تربیت

باتعلیقات و ترجمه‌انگلیسی

ادوارد براون

ترجمه بفارسی

بقلم

محمد عباسی

Date.......... ....

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

مقدمهٔ مولف

طی مدت چهارده سال، که ابتدا کتابخانهٔ تربیت و سپس ادارهٔ مجله گنجینه فنون، مراکز توزیع ومبادله اغلب مطبوعات فارسی، عربی و ترکی منتشره در ایران و وسیله مکاتبات ومبادلات با مقامات عمدهٔ فرهنگی بود، بجمع آوری نمونه نسخ روزنامه‌های فارسی اشتغال داشتم، ومجاهدت مینمودم که این مجموعه (کلکسیون) بقدرامکان کامل باشد(۱).

بسال هزارسیصد وهفده هجری قمری(۱۹۰۰ـ۱۸۹۹)مجله عربی الهلال منتشره درقاهره، طی نهمین سال انتشار خود یك مقاله تاریخی درج کرده و ضمن آن نتایج تأثیر تمدن جدید بویژه مطابع ومطبوعات(روزنامه‌ها)

---

(۱) کتابخانه تربیت « ازسال هزاروسیصدوشانزده تا هزاروسیصد بیست وشش هجری قمری(۱۹۰۸ـ۱۸۹۸) دوام داشت . « گنجینه فنون » بسال هزاروسیصدو بیست(۱۹۰۲) تأسیس یافته بود. (البته قارئین توجه‌دارند که قرائتخانه و کتابخانه عمومی تربیت کنونی تبریز غیر از« کتابخانه» مذکور است ، وبعدها بنام آن‌دانشمند فقید تأسیس یافته م٠ع)

و مدارس را در ایران تحریر وتعداد نموده بود(۱) اکثر اطلاعات مندرجه در مقاله مزبور از میرزا مهدی خان، ناشر مجله حکمت ، که اینك مقیم قاهره میباشد، کسب شده است .

قرائت این مقاله ، علیرغم نقایص آن ، موجب مسرت خاطر من گشت ، ولی چون اطلاعات غلط در مواضیع کلی و جزئی آن مشاهده کردم ، تصمیم بانتشار فهرست مختصری ازمطبوعات (روزنامه ، مجله، هفتگی ، ماهانه ، سالیانه) ایرانی گرفتم، و از آنوقت اوقات خود را با مداومت ثابت ومستمری بجمع آوری اطلاعات لازم در موضوع مذکور وقف کردم و بتکمیل مجموعه(کلکسیون) روزنامه خود پرداختم . اگر چه انقلاب سیاسی درایران، فرصتی برای اینکار جهت من باقی نمی گذاشت و بالاخره تمام اسناد، کتب و ادوار روزنامه، مجلات ونامه هائی که در تصرف داشتم ، در تبریز و تهران ماند، و اینك خارج از دسترس من میباشد(۲)وگرنه میتوانستم این وجیزه را بسی جامعتر وکاملتر تدوین نمایم.

---

(۱) مقاله مورد بحث درفوریه هزارو نهصد میلادی «الهلال،مجلد نهم صفحات ۲۶۳ - ۳۵۷ »منتشر شده است، شرح مربوط بمطبوعات، که سخت کوتاه میباشد در صفحات ۳ -۲۶۲ درج شده.

(۲)متأسفانه ، ازقراریکه اخیراً ازمؤلف ، که سالن استانبول میباشد، استماع کردم ، اینها برای همیشه از دسترس انسانی خارج شده اند ؛ تمام کتب ومجموعه هاو آثار دیگر ،هنگام ورود قشون تزار به تبریز دردسامبر هزارو نهصدویازده وشروع حکومت وحشت که بهیچوجه بر آزادیخواهان ابقا نمیکرد ، بدست خانواده تربیت معدوم شده است .

هرچنددر آغاز سال جاری(هزار و سیصد و سی هجری قمری - ژانویه هزاروتهصد دوازده میلادی) توسط بعضی از دوستان از انتشار رساله‌ای بفارسی دررشت ، در همین موضوع موردنظر تحت‌عنوان« صورت جراید ایران وجرایدی که‌در خارج ایران بزبان فارسی طبع شده‌است ، تألیف‌مستر ه . ل . رابینو،نایب کنسول‌دانشمندومطلع انگلستان‌دررشت اطلاع یافتم (۱) ، وبا وجود اینکه در اجرای این طرح تقدم و سوابق ممتدی داشتم ، و درتکمیل آن اوقات کثیری صرف تحقیق‌و تتبع نموده بودم، معهذا از مشاهده انتشـار یك چنین اثر ذیقیمتی سخت مشعوف گشتم، ودر قلب خود نسبت بمولف محترم رساله امتنان عمیقی‌احساس کردم ، وفی‌الفور نامه‌ای نگاشتم‌و نسخه‌ای از آنرا برای خودخواستار شدم. ایشان کمال محبت را نشان دادند ، وضمن ارسال نسخه مطلوب ، طی نامه‌ای اطلاع دادند که نسخ‌رساله مذکور نایاب گشته‌است .

پس‌از مطالعه رساله موردبحث، که فی‌الحقیقة یکی‌ازخدمات‌برجسته‌ای است که تاکنون توسط خارجیان نسبت به تاریخ ادبیات ایران انجام یافته ، وگنجینه واقعی از اطلاعات ، وموجب تحسین‌و تمجید ، بهت و حیرت ماست که چگونه دریك گوشه ایران چنین‌جزئیات دقیقی گرد - آوری‌شده‌است، ابتدا من در انتشار مجموعه‌اطلاعات خویش، که‌بشکل

---

(۱) این‌رساله نفیس در مطبعه عروةالوثقی در رشت بسال هزارو بیست‌و نه هجری قمری(۱۹۱۱میلادی) بطبع رسیده‌است‌ودارای سی‌صفحه بقطع چهارده درهشت و سه ربع است . «مقدمه» کوتاهی بقلم محمد رضا پور اسماعیل رشتی درآن درج شد . مستر رابینو اینك بمراکش انتقال یافته است .

یادداشتهای پراکنده‌ای در نزد خود دارم، تردید کردم، و در حقیقت تصمیم بترك نیت اولیه خود داشتم، ولی بعد از بررسی مختصر، ومقایسه محتویات هر دو رساله، از کنار نهادن مجموعه اطلاعات خویش که شخصاً بر کیفیت و کمیت آن آگاه بودم، منصرف گشتم، و مصمم شدم که بالاخره بهر طریقی که باشد، حتی بشکل یادداشتهای غیر مدون، آنرا انتشار دهم، تاشاید مورد استفاده محققین آینده، که قصد تدوین جزئیات و اطلاعات مقدماتی از موجبات بیداری ایران داشته باشند، قرار بگیرد، واین بهترین پاداش من خواهد بود.

ضمن سنجش مجموعه یادداشتهای خود با مندرجات رساله سابق الذکر، باختلاف وتفاوتهای معینی که جنبه افراط و تفریط داشت در هردو کتاب پی بردم، از جمله اختلافات عمده این بود که نام بیست و نه روزنامه در فهرست من فراموش گشته، و قریب صد نامه در رساله مستر رابینو ذکر نشده، ولی بقیه در هر دو آمده است. اگرچه ذکر اسامی مطبوعاتی که پیش از قرائت رساله مذکور، من از آنها آگاهی نداشته‌ام، ضرورتی نداشت، ولی معهذا بمنظور جامعیت و کمال این فهرست روزنامه های ایرانی، قصور و نقایص خودرا باطمینان اجازت وتصویب مولف محترم رساله، که قصدی جز انتشار حقایق واقع ندارد، با استفاده از تألیف مشارالیه رفع، واضافات آنرا بیادداشتهای خود الحاق کردم، ولی بهر حال منبع اطلاعات خود را ضمن ذکر روزنامه مورد نظر با علامت اختصاری ص. ج. ا، یعنی صورت جرائد ایران، که عنوان رساله مستر رابینو میباشد، ذکر نموده‌ام. بارعایت این اصل که: الفضل للمتقدم و السابقون السابقون اولئك مقربون.

بطوریکه مذکور افتاد قسمت اعظم موادی که برای فهرست خود گرد آورده بودم، ضمن نوشته‌های دیگرم در ایران مانده‌است، و هرچند امیدوارم که بتوانم در تجدید طبع این کتاب، بتکمیل و تجدید نظر در آن کامیاب گردم و خصوصیات لازم را اضافه نمایم، ولی بالفعل همین وجیزه مختصر را انتشار میدهم تا اقلا پایهٔ کوچکی برای تحقیقات بعدی فراهم آید.

بعلاوه لازم میدانم که نکات چندی را که ارتباط با متن این کتاب دارد، ذکر کنم:

نخست آنکه، مقصود از «تاریخ انتشار روزنامه» در این فهرست تاریخ تاسیس و آغاز آنست.

دوم، چون تقسیم بندی ادوار در تاریخ نوین ایران از لحاظ تاریخی ضروری می‌باشد تا بتوان انقلابات متوالی و تحولات متتابع و تغییرات مداوم و حوادث عظیم اجتماعی را که بوسیله آنها دوره های تاریخی توصیف میشود، تعیین کرد؛ و نظر باینکه، برای هر دوره و عهدی و جهت هر یك از وقایع مهم تاریخی که میتواند مرحلهٔ برجسته ای محسوب شود، نام و عنوان ثابت و خاصی لازم است، وقایعی که مبدأ دیگر حوادث مربوطه، که مبنای قضاوت در آنهاست، شمرده میشود؛ وچون چنین تقسیمات و اصطلاحات خاصی هنوز تاکنون برقرار نشده لذا برای کسی که وقایع متوالی را در ایران کنونی (صدر مشروطیت) بدقت تعقیب نکرده باشد، بسیاری از اعلام و اصطلاحات مذکور در این کتاب، مستلزم شرح و توضیح خواهد بود. از اینقرار اصطلاح:

دور استبداد، بعهد پیش از اعلام مشروطیت (چهارده جمادی

الثانی هزاروسیصدو بیست وچهار هجری قمری مطابق پنجم اوت هزار و نهصد و شش میلادی) اطلاق میشود ؛ واقعه ارتجاعیه (۱) ضرب حکومت (۲) یاتوپ بندی مجلس

(بیست و سوم جمادی الاولی هزار و سیصد و بیست و شش - بیست وسوم ژوئن هزارو نهصد وهشت) بحادثهٔ هائله تخریب وانهدام مجلس اول شورایملی بفرمان محمد علیشاه توسط کلنل لیاخوف گفته میشود . و استبداد صغیر ، یا دور انقلاب عمومی ، یا انقلاب کبیر (۳) ، یا انقلاب تبریز بدوره‌ای اطلاق میگردد که از بمباردمان مجلس آغاز و باعلان ثانوی مشروطیت ازطرف محمدعلیشاه بعداز مداخله دولتین روسیه تزاری و انگلستان ، همزمان با سقوط تبریز و ورود سپاهیان تزاری ، وتشکیل کابینه سعد الدوله پایان می‌یابد (ربیع الثانی هزار و سیصد وبیست وهفت هجری مطابق آوریل ومه هزارو نهصد ونه میلادی) . اعاده مشروطیت ثانی (۳)

بفتح تهران و خلع محمد میرزا گفته میشود (بیست و هشتم جمادی الثانی مطابق هفده ژوئیه هزارو نهصد ونه) . وقایع مهم دیگر عبارتست ازانقلاب رشت در شانزدهم محرم هزارو سیصدو بیست وهفت (هفتم فوریه هزارونهصدو نه) . انقلاب اصفهان ذوالحجه هزاروسیصد و بیست و شش (غره ژانویه هزار و نهصد و نه) ؛ التیماتوم روسیه تزاری ؛ تجاوزروسان تزاری در تبریز ، رشت و انزلی و ارتکاب عملیات

---

(۱) Reactionary Trumph

(۲) Coup d'Etat

(۳) این اصطلاحات عین عباراتی است که مرحوم تربیت آورده . م . ع

(نشر سال سوم) (۳)　　(عشق آباد روزنامهٔ مصور فارسی)　　(نشر سال سوم) (۳)

مجموعهٔ ماوراء بحر خزر

۱۳۲۲

قیمت اشتراک در روسیه
سالیانه ... ۳ منات
شش ماهه ... ۲ منات
(در بلاد خارجه)
سالیانه ... ۴ منات ۵۰ کاپیک
قیمت اعلان در صفحه اول هر سطری
۳۰ کاپیک در صفحه آخر ۲۵ کاپیک
عنوان مراسلات
عشق آباد اداره مجموعهٔ ماوراء بحر خزر
Аскабадъ „Закаспійское Обоз-“

№ 3 — شماره ۳ جمعه ۲۵ محرم سنه ۱۳۲۶ هجری مطابق ۱۵ مورال سنه ۱۹۰۸ میلادی شماره — 3 №



ازمطبوعات فارسی صدرمشروطه　(عشق آباد ـ ترکستان)

Call No..........

Account No..........

Date.......... ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

خونین ؛ انحلال مجلس دوم شورای ملی (در اوایل محرم هزاروسیصد و سی مطابق بیست ویکم و بیست و دوم و الخ دسامبرهزار و نهصد و یازده) ؛ بتوپ بستن مشهد (یازدهم ربیع الثانی مطابق سی‌ام مارس هزار و نهصد و دوازده) و دیگریها. بنابراین « دورهٔ نخست مشروطیت » بعهد آزادی پیش از بمباردمان نخستین دورهٔ مجلس شورایملی گفته میشود ، و « دورهٔدوم مشروطیت » بدوران بعد ازفتح طهران اطلاق میگردد .

سوم ، فهرست روزنامه‌های‌مذکور در این کتاب محدود باسامی مطبوعات منتشره در ایران نمی‌باشد ، بلکه مشتمل است بر ذکر کلیه روزنامه‌های ایرانی که‌درسرتاسرجهان‌بفارسی یا زبان‌دیگر (فرانسوی ارمنی ، آسوری ، ترکی و دیگریها) انتشار یافته .

چهارم ضمن ذکر و توصیف روزنامه های مختلف ، توضیحات و جزئیات گوناگونی که علی‌الظاهرخارج ازموضوع است؛ درج گردیده ، این یادداشتها اگرچه بطورمستقیم با ذکروتوضیح روزنامه مورد بحث ارتباطی‌ندارد، معهذا از آوردن آنها خودداری‌نشده، چون در تدوین تاریخ انقلاب ایران ممکن‌است مورد استفاده قراربگیرد ، و یا متضمن اطلاعات واجد خصوصیات ناشرین وسرگذشتهای آنان‌باشد، واگراینجا درج نمیشد احتمال فوت آن میرفت.

پنجم، چون بضمیمهٔ این‌وجیزه‌که قسمت اعظم آنرا روزنامه‌ها و مجلات اشغال‌کرده ، شمه‌ای درباره تاریخ عمومی‌صنعت چاپ درایران وکتب بسیارمفیدی‌که تاثیری درترقی وتعالی، تجدید حیات و بیداری ایرانیان داشته، گفته شده است ، بهمین‌جهت کتاب خود را « فهرست

روزنامه‌های ایرانی» نخوانده‌ام، بلکه «ورقی از تاریخ مطبوعات ایران» نامیده‌ام.

ششم، نظر باینکه، باوجود کوششی که برای درج نامه‌های منتشره درایران، وهمه روزنامه‌های منتشره درایران بزبان غیرفارسی، در این فهرست بعمل آورده‌ام، احتمال میرود که بعضی از آنها از نظرم فوت شده باشد (چون اغلبشان مدت قلیلی انتشار داشته، و بزودی کاملا فراموش شده، بمانند «ستاره سحری» که در سال هزار وسیصد و بیست و پنج قمری مطابق هزار و نهصد و هفت و هشت میلادی، در تبریز بوجود آمد و از بین رفت)، امید دارم قارئین کتاب در صورتیکه از روزنامه‌ای که ذکر آن دراین فهرست نیامده آگاهی داشته باشند، یا باشتباهی در مندرجات آن پی ببرند، یا از موادو خصوصیات تازهٔ مربوط بمطبوعات اطلاعی پیدا کنند، یاشرح حال طابعین وناشرین یا اعضای هیأت تحریریه، یا اسامی آنهارا (در صورتیکه در فهرست نیامده باشد) بدانند، یاتاریخ ومدت انتشار، و هرگونه مواضیع مشابهی رادریابند، که دراین کتاب ذکر آن فراموش شده باشد، با رسانیدن چنین اطلاعاتی بمن، خدمتی بعلم ودانش وتاریخ انجام خواهندداد، و موجبات صیانت یادگارهای زندگانی ملت را از آسیب حوادث فراهم خواهند آورد.

همین تمنی بمراتب بیشتر، درمورد فهرست اسامی وعناوین کتابهای سودمندی که درپایان کتاب آمده، تکرار میشود، چون تا آنجاکه من آگاهی دارم، این اقدام نخستین شالودهٔ محقر در موضوع مربوطه

است(۱).

قبل از خاتمهٔ تذکرات، بر من فرض است که مراتب امتنان و سپاسگزاری خویش را نسبت بدوست خوداد وارد براون... استاد زبانهای شرقی در دانشگاه کمبریج اظهار بدارم، همهٔ ایرانیان و کلیهٔ فارسی زبانان، تمام جامعهٔ اسلامی، و عموم عشاق عدالت در سرتاسر جهان، نسبت بخدمات موثر و مفید مشارالیه، در انتشار و احیای آثار ادبی و تاریخی ملل مسلمان، بویژه ایرانیان، و مساعی عظیم و مداوم ایشان، که ناشی از عشق بعدالت است، در دفاع از حقوق پایمال شدهٔ مردمان اسلامی درمقابل ستمگران وحشی (دول استعماری مغرب زمین)، با بنان و بیان، در انگلستان و درفرنگستان عموماً، سپاس-گزاری عمیقی احساس میکنند. علاوه بر همه گونه حقوقی که شخصیت ایشان در گردن عموم ایرانیان(۲) و بخصوص اینجانب دارند، در انتشار این اوراق نیز مرا تشجیع و تقویت فرموده‌اند.

اینک مقدمه را بادعای دوام مساعدت معزی الیه و طول استفادت جهان اسلامی از خدمات ایشان بپایان میرسانم.

محمدعلی تربیت

استانبول - پانزدهم جمادی الثانی هزار و سیصد و سی قمری مطابق اول ژوئن هزار و نهصد و دوازده میلادی.

---

(۱) البته منظور مرحوم تربیت «فهرست کتابهای مطبوعه فارسی» است وگرنه راجع باسامی و عناوین کتب بطور کلی آثار گرانبهای عالیقدری چون الفهرست ابن الندیم و کشف الظنون حاجی خلیفه و فهرست ریو موجود میباشد. م. ع

(۲) ما بنا بر دیانت ادبی عیناً نوشته مرحوم تربیت را نقل کردیم و ابداً و اصلا شریك افکار ایشان نمی باشیم. م. ع

Date.........................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

دیباچه

تاریخ مطابع در ایران

چاپ و چاپخانه تقریباً یك قرن پیش ، در دورهٔ سلطنت فتحعلیشاه قاجار، وولایت عهد عباس میرزا نایب السلطنه درحدود سال هزار و دویست و سی و دو هجری قمری (۱۸۱٦-۱۷ میلادی) وارد ایران گشته است (۱) . ماشین چاپ بمساعی نایب ـ السلطنهٔ مذکور وارد تبریز گردید و تقریباً درهمان اوان چاپخانه دیگری در تهران تحت نظارت عالیه میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله

---

(۱) از لحاظ تاریخی نظریه مولف علی الظاهر نا صواب مینماید ، چون دردورهٔ ایلخانان مغول صنعت طباعت ازچین وارد ایران گشت (راجع بچاپ وچاپخانه درچین رجوع شود به کتاب جهانگردی مارکوپولو ترجمه ونگارش م . محمد لوی عباسی طبع طهران) وپولهای کاغذی (اسکناس) بچاپ رسید که «چاو» خوانده میشد وهمین کلمه ترکی است که بعداً چاپ شده، واز طرف دانشمندان فرهنگستان بعنوان لغت فارسی؟ بجای کلمه مطبعه اختیار شده است، بعلاوه دردوره صفویه نیز صنعت طباعت سخت مورد نظر بوده است (رجوع فرمائید به سیاحتنامه شارد مجلد چهارم، ترجمه ونگارش م. محمدلوی عباسی طبع طهران) م.ع

نصب گردید. درمطبعه اخیر کتابهائی ازقبیل قرآن مجید، جلاء العیون حیوة‌القلوب، رسالات فقهی عملی، و دیگریها که معروف بطبع معتمد-الدوله است، چاپ شد.

یکی ازکتابهای اولیهٔ طبع ایران، تاریخ مآثر سلطانی تالیف عبدالرزاق بیك دنبلی، درشرح سلطنت فتحعلیشاه است، که به نایب-السلطنه اهداگردیده، ودرتبریز بسال هزارودویست وچهل ویك هجری قمری (۱۸۲۵-۲۶ میلادی) بچاپ رسیده؛ ونیز رسالهٔ آبله کوبی که در تبریزطبع گشته است (۱). نه باتحقیقات شخصی خود ونه ازتتبع درکتب فارسی موجود، نتوانستم اثری ازصنعت طباعت پیش ازتاریخ مذکورپیدا کنم، واگرچه دربعضی ازمجلات علمی خارجی آمده است که چاپخانه بسال هزاروهفتصد وهشتاد وچهارمیلادی (هزار ویکصد ونود و هشت ونود ونه هجری قمری) وارد ایران گشته وبه بوشهر آمده‌است، معهذا من‌ادعارا مقرون بصحت نمیدانم.

ایرانیان فن چاپ را در مسکو و پتربورک آموختند

بعد ازاین، بنا بر روایت بعضی اشخاص، نایب-السلطنه‌درحدودسال هزارودویست‌وچهل‌هجری قمری(۵ - ۱۸۲۴ میلادی) میرزا جعفرتبریزی‌را بصوب مسکو فرستاد، تا صنعت چاپ‌سنگی‌را بیاموزد ووسایل‌وابزار لازم‌را به‌تبریز آورد، وبدینطریق مشارالیه این‌فن‌را وارد کردومتداول

---

(۱) درزبان انگلیسی برای «چاپ سربی» (Print) وبرای «چاپ سنگی» (Lithograph) موجوداست، بنابراین درفرنگستان برای هرقسمت نام مخصوصی‌وجوددارد، ولی‌درزبان فارسی با اضافت «سربی یا سنگی» بکلمه «چاپ» این‌موضوع مشخص میگردد.

ساخت . مشهدی اسدی آقای باسمه‌چی(۱) تبریزی که شخصیت سخت مشهوری است (و پدر و برادر بزرگتر مشارالیه از بانیان و شریکان نخستین چاپخانه سنگی بودند ، وخود وی هنوز زنده و چاپخانه قدیمی اش، در تبریز باز کارمیکند) نیز حکایت میکند، که میرزا صالح شیرازی، وزیر تهران ، شخصی بنام میرزا اسدالله فارسی را با مخارج سنگینی به سنت پترسبورك فرستاد ، تا صنعت طباعت بیاموزد ، و مشارالیه هنگام مراجعت ، بکمك مرحوم آقارضا، پدر مشهدی اسد آقای مذکور، در تبریز چاپخانه سنگی را بنا نهاد ، ونخستین کتابی که در این مطبعه بطبع رسید، قران مجید بود که بخط میرزاحسین خطاط معروف نگاشته شده بود . پنج سال بعد، بفرمان پادشاه وقت ، چاپخانهٔ مذکور با وسایل و ابزار مربوطه بتهران انتقال یافت واولین کتابی که در آن به طبع رسید ، دیوان نشاط شاعر بود

چون تبریز نخستین شهر ایران بود که مطبعه وارد آن گشت ، لذا چاپخانه را بترکی «باسمه خانه» خواندند(۱). بعد از تبریز

(۱) «باسمه» لغتی است ترکی آذری بمعنی «چاپ» که آنهم ترکی است) و«باسمه‌چی» مترادف «مطبعه چی» و مفهوم «طابع» را میرساند احساس بسیار لطفی از طرف مشهدی اسد آقای مرحوم درمورد طبع تاریخچه انقلاب تبریز بامر ستارخان در محضر حاجی صمد خان شجاع الدوله از لغت «باسمه» بیان شده، که سخت معروف است م . ع

(۲) لغت «چاپ» را که اینك در ایران برای صنعت طباعت بسیار متداول است، مولف مشتق از«چاو» (چینی یا مغولی) میداند، واین همان پول کاغذی است که ازطرف کیخاتوخان (۵-۱۲۹۱ میلادی) مغول برای مدت کوتاه و نکبت باری در ایران متداول گشت. بیادداشت مولف در «ضمیمه» مراجعه شود.

وتهران صنعت طباعت برحسب ترتیب تاریخی ، درشهرهای زیر پدیدار گشت :

شیراز ، اصفهان ، مشهد ، انزلی ، رشت ، اردبیل، همدان، خوی یزد ، قزوین ، کرمانشاه ، کرمان، گروس وکاشان. دربقیه‌شهرهاوقصبات ایران فن‌چاپ هنوز بهیچوجه‌متداول‌نشده، باستثنای ارومی، که‌در آنجا صنعت طباعت پیش‌ازاغلب شهرهای‌مذکورپدید آمده‌است(۱).



---

(۱) هیأتهای تبلیغات مذهبی گوناگون مسیحی از هشتاد سال قبل باینطرف وارداورمی گشته‌اند :

اول مبلغین پرتستان انگلیسی و آمریکایی و سپس کاتولیکهای فرانسوی وبالاخره میسیونرهای کلیسای ارتدکس‌روسی برای تبلیغ کامل عقایدخود ، مؤسسات متعدد «مذهبی‌ودینی» ازقبیل مدرسه و مریضخانه و مطبعه،دراین ناحیه پدیدآوردند. درارومی قریب سی‌هزارکلدانی وسریانی نسطوری مسیحی(آسوریها) زندگی‌میکنند. مخصوصاً آمریکائیان که‌مدتی مدید یك دستگاه چاپخانهٔ مهمی برای انتشارآثار انگلیسی ، آسوری و فارسی در اختیار خود داشتند . براون. یکی ازاین‌مؤسسات «مذهبی» که متعلق به آمریکائیان بود، طی جنك‌جهانی اول آسوریها و کلدانیهای‌محل را تجهیزوتسلیح کرده بقتل‌عام مردم‌مسلمان بدبخت آذربایجان‌غربی کامیاب ساخت ، برای شرح بیشتر در این مورد مراجعه فرمایند بتاریخ مشروطه ایران، مجلد اول طبع‌جدید طهران. م. ع

کتابهائیکه دراوایل بطبع رسیده

از جملهٔ کتابهای اولیه که بطبع سنگی رسیده، آثاری است بسیار مفید (۱) که از فنون نظامی ریاضی، نجومی بحث میکند ودرتهران چاپ‌شده از جمله :

«خلاصه» بقلم میرزا جعفرخان، «جام‌جم» که بسال هزارودویست و هفتاد ودو هجری قمری (۱۸۵۵-۶ میلادی) طبع گشته ودیگریها ؛ وبعضی آثارتاریخی وادبی (۱) که درتبریز بطبع رسیده : ازقبیل تاریخ پطر کبیر منتشر بسال هزارودویست وشصت و دوهجری (۱۸۴۶ میلادی)، شارل دوازدهم (۱۲۶۳ هجری = ۱۸۴۷ میلادی)، و اسکندر کبیر که درهرسه کتاب بفرمان عباس‌میرزا نایب السلطنه ترجمه گردیده است، وکتاب جغرافی جهان‌نما تالیف میرزا رفائیل، وبرهان جامع (لغت فارسی به فارسی ملخص از برهان قاطع، با ذکرشواهد شوی از جهانگیری و سروری) تالیف میرزا عبدالکریم بن محمد مهدی تبریزی که بسال هزار و دویست و شصت هجری (۱۸۴۴ میلادی) بچاپ سنگی‌رسیده، کلیات سعدی بسال هزارودویست وشصت وچهارهجری قمری (۱۸۴۸

---

(۱) عبارت بسیارمفیدو توضیحات علمی‌وادبی‌وریاضی‌وتاریخی بسیار شایان توجه‌میباشد، مخصوصاً اگراین کتابها که‌صدسال پیش بطبع رسیده وچنان مفید و سودمند بوده، بامجلات هفتگی و کتابهای مزخرف نکبت‌باری که‌ازطرف‌یکی‌از مبطوعات معاصر بحق «ادبیادت شهوانی» خوانده شده، وامروزه سراپای فرهنگ ایران را سیاه ننگین و لکه دار ساخته، مقایسه‌شود. دانش‌آموزان ودانشجویان تیره‌بخت، واغلب افرادناس شب وروز دراین گرداب‌هلاکت بارمستغرق میباشند! م.ع

میلادی)، شاهنامهٔ فردوسی درسنه هزارودویست و هفتاد وپنج هجری (۹ـ۱۸۵۸ میلادی) ؛ دیوان ناصرخسرو بسال هزار و دویست و هشتاد هجری (٤ـ۱۸٦۳میلادی) سه کتاب اخیرالذکر بخط عسکرخان اردوبادی خطاط مشهورمیباشد ، ودیوان انوری درسنهٔ هزارودویست و شصت و شش هجری قمری (۵۰ـ۱۸٤۹ میلادی).

یك رشتهٔ دیگرازمطبوعات سنگی قدیم که فاقد اهمیت میباشد ، عبارتست از :

تقویمهای رقومی ونجومی ایران که در شهرهای مختلف انتشار یافته، ازقبیل تقویم مستخرجه محمدتقی اهری که بسال هزار ودویست و شصت ویك هجری (۱۸٤۵میلادی) تحت نظارت عالیه میرزا رضا خان درمطبعه ملانجف علی درتبریز بطبع رسیده ، تقویم استخراجی میرزاباقر مازندرانی که بسال هزارودویست وشصت وپنج هجری قمری (۹ـ۱۸٤۸ میلادی سنگی چاپ شده ، تقویم مستخرجه میرزا اسدالله مازندرانی در سنه هزار و دویست و شصت و شش هجری (۵۰ـ ۱۸٤۹ میلادی) و دیگریها .

یك نکته شایان توجه در تاریخ مطابع ایران

یکی ازنکات عجیب درتاریخ فن طباعت ایران ؛ ازبدوورود این صنعت بکشورتا بامروز، آنستکه با وجود تقدم تاریخی تاسیس مطابع سربی در ایران، این قبیل مطابع در مدت کوتاهی از «مد» خارج گشت ، و زمان درازی ؛ بیشتر ازپنجاه سال ، چاپخانه‌های ایران منحصراً سنگی بودند تااینکه پس ازجلوس مظفرالدین شاه (۱۹۰۷ ـ ۱۸۹٦) مطابع سربی مجدداً معمول ومتداول گشت.

روزنامه های اولیهٔ ایران روزنامه های اولیه در ایران، پیش از پیدایش مطبوعات دورهٔ کنونی، که شبیه روزنامه در باری دیگر ممالک و کشورهاست (۱)، عبارت بود از اطلاعیهٔ کوتاهی متضمن اخبار واعمال شخصی پادشاهان وقت. نویسندگان این روزنامه های درباری معروف بوقایع نگار بودند، که امروزه دیگر چنین مقاماتی وجود ندارد، اگر چه سبك وعنوان آن هنوز هم باقی میباشد.

امیر کبیر بانی روزنامه بسبك کنونی پیدایش نخستین روزنامه ایرانی بسبك و ترتیب کنونی، در سال سوم سلطنت ناصرالدین شاه (که بسال هزار و هشتصد وچهل و هشت جلوس کرد) بفرمان وهدایت میرزا تقی خان امیر نظام صورت گرفت. اولین روزنامهٔ فارسی که در سال مذکور در تهران انتشار یافت؛ عنوان روزنامه وقایع اتفاقیه داشت؛ وهفتگی منتشر میشد. از حیث قطع این روزنامه شبیه مطبوعات کوچك معمولی، ازقبیل حبل المتین طبع تهران، و بطورکلی دارای چهار و بعضی اوقات هشت صحیفه بود. نویسنده دوره ای از این روزنامه در تصرف خودش دارد، که مشتمل است بر شماره هفت تا چهارصد وچهل وچهار، وشماره اولی مورخ جمعه هفدهم جمادی الاولی سنه هزار ودویست و شصت و هفت هجری قمری، مطابق آخرین روز تنقوزئیل

---

(۱) منظور مرحوم تربیت روزنامه ها ومجلات صدر مشروطیت است، نه مطبوعات «کثیر الانتشار» امروزی، که جز غصب عنوان شریف و مقدس روزنامه و مجله بهیچوجه من الوجوه شباهتی باروزنامه های دیگر ممالك و کشورهای جهان ندارند، وغیر از اباطیل وترهات چیزی نمی نویسند، البته استثناهای جزئی هم موجود است. م. ع

(بیستم مارس هزار وهشتصد وپنجاه ویك میلادی) و آخرین شمارهٔ آن بتاریخ پنجشنبه هفدهم صفرسال هزار و دویست و هفتاد وشش هجری (پانزدهم سپتامبر هزار و هشتصد وپنجاه ونه میلادی) است (۱) . این نخستین روزنامهٔ سنگی منتشره درتهران بود (۲) .

روزنامه دولت‌علیه‌ایران بسال هزار ودویست وهفتاد وهفت هجری قمری (۱ـ ۱۸۶۰ میلادی) که نظارت عالیهٔ انطباعات

---

(۱) این روزنامه هفتگی وتااندازه‌ای بطورمرتب هرپنجشنبه منتشرمی شد . مولف منتظم ناصری آورده‌است که نخستین شماره آن درشهرربیع‌ـ الثانی سنهٔ هزارودویست‌وشصت وهفت‌هجری‌قمری (۱۸۵۱میلادی) نشر شده است . بعدازشمارهٔ چهارصدوپنجاه و شش انتشار آن‌نامنظم گشت،تا اینکه ، درشمارهٔ چهارصدوهشتاد ،(باشمارهٔ مسلسل) تحت‌عنوان روزنامه دولت علیه ایران‌انتشاریافت، که درمتن ذکرش آمده ، ویك نشریهٔ مصوری گشت .

(۲) ازاین‌حقیقت که بسال‌هزارودویست‌وهفتادوهفت‌هجری(۱ـ۱۸۶۰ میلادی) « انتشارروزنامه‌ها بعهده میرزاابوالحسن‌خان نقاش‌باشی گذارده شد» ممکن‌است استنباط‌شود که درآن‌تاریخ وحتی‌قبلا نیز یك روزنامه یا روزنامه‌های رسمی‌دیگری غیرازروزنامه‌های رسمی‌دیگری‌غیراز روزنامه وقایع اتفاقیه وروزنامه دولت‌علیه‌ایران وجودداشته‌است ،اگرچه نمیتوانم راجع بخصوصیات وعنوان آنها بطورتحقیق چیزی‌بگویم . جناب‌اعتماد ـ السلطنه مینویسد : میرزاابوالحسن خان صنیع الملك مذکور، فی‌الحقیقه ناشرروزنامه نبود بلکه هنرمندی بودکه بخصوص‌ساختن تصاویر « شیر خورشید» و نقاشی تمثالهای رجال‌دولت‌رابعهده‌داشت. مشارالیه ازآغاز٭

دولتی وطبع روزنامه‌ها بعهدهٔ میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی غفاری ملقب به صنیع الملک بود ، روزنامه دولت علیهٔ ایران، که ادامهٔ مصور

انتشار روزنامه تا موقعیکه اختیار انطباعات بدست اعتمادالسلطنهٔ سابق افتاد با آن بستگی داشت، ومرد هنرمندی بود که با مطبوعات ارتباط مستقیم داشت ونامه‌های مصور مختلفی دایر کرد ، که تك شماره‌هایی از آنها در تصرف من است » . درجای دیگری مینویسد :«از نخستین روزی که اختیار امور روزنامه (انطباعات) باوزارت علوم مشترك گشت، تاسال هزارودویست و هشتاد و هشت هجری قمری (۲-۱۸۷۱ میلادی) ، که اعتضادالسلطنه عهده‌دار وزارت علوم بود، روزنامه‌های مختلفی در دارالفنون انطباع یافت . این روزنامه‌های دولتی هرگز ناشرین معین ومرتبی نداشتند ، که مقالات منتشره راامضا کنند بلکه درصورت ادامه انتشار روزنامه ، طابعین مدام تغییر میکردند . همیشه اشخاص متعددی برای نگاشتن این روزنامه‌ها برگزیده میشدند وانتخاب آنها بهوی وهوس وزیر وقت بستگی داشت». جناب ذکاء الملك مینویسد : «مرحوم میرزا حسن خان صنیع الملک ، معروف به نقاش باشی، یك وقتی با انطباع روزنامه های دولتی مربوط بود ، و در نقاشی و ترسیم تصاویر بعضی از آنها شرکت داشت. این قبل از تقبل امور انطباعات ازطرف مرحوم اعتضادالسلطنه بود»، و نیز بایستی متذکر شوم که عنوان وزارت علوم خیلی بعداز پیدایش روزنامه (وزارت انطباعات) متداول گشت. ازملاحظه تواریخ شماره چهار صدوچهل وچهار (که در تصرف مولف است)، شماره چهارصدو پنجاه‌وشش (که محفوظ در بریتیش موزیم می باشد)،شمارهٔ چهارصدوهفتادوچهار (که در تصرف ذکاءالملك است)روزنامهٔ وقایع اتفاقیه، که تواریخ آنها بطورمرتب هفده‌صفر هزارودویست وهفتاد وشش هجری (پانزده سپتامبر ۱۸۵۹ میلادی)، نوزده٭

روزنامه سابق الذکر بود ، باتصاویر رجال وسران کشور شاهنشاهی منتشر گشت ، واین نخستین روز نامه مصور فارسی شمرده میشود . بعد از

جمادی الاولی سنهٔ هزارودویست وهفتاد وشش هجری (چهارده دسامبر هزارو هشتصدو پنجاه و نه میلادی)،وهیجده ربیع الثانی هزارودویست وهفتادوهفت هجری قمری (سوم نوامبر هزاروهشتصدوشصت میلادی) است ،واز گفتار رابینو که شماره چهارصد وهفتاد ویك این روزنامه مورخ بیست وهشتم محرم هزارودویست وهفتادوهفت هجری (شانزدهم اوت هزار و هشتصد وشصت میلادی) ، وکه شماره چهارصد وهشتاد و دو عنوان روزنامهٔ علیهٔ دولت ایران دارد ، و مصورمیباشد، وکه درسال هزارودویست وهفتاد وهفت هجری (۱-۱۸٦۰ میلادی) «نظارت عالیهٔ مطبوعات دولتی وانتشارروزنامه بعهدهٔ نقاش باشی غفاری گذارده شد ، «وروزنامهٔ دولتی» نامهٔ مصوری گشت» (که مقصود ازنامهٔ اخیر روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران مذکور میباشد) چنین نتیجه گرفته میشود که روزنامهٔ وقایع اتفاقیه تاشمارهٔ چهارصد و پنجاه و شش تقریبا بطور مرتب هر پنجشنبه انتشارمی یافته ، وبعد ازآن نامرتب وغالبا دچار تعویق بوده است، وکه درحدود شمارهٔ چهارصد وهشتاددررژیم صنیع الملك نام وطرح وشکل آن تغییر یافته و بعنوان روزنامهٔ دولت علیه ایران، با حفظ شماره مسلسل سابق ، انتشار یافته است ، و شماره پانصد وشصت وپنجم روزنامهٔ اخیر بنا برقول رابینو مورخ هفدهم جمادی الثانی هزار ودویست وهشتاد ویك (هفده نوامبر ۱۸٦٤) میباشد ، و همان نام وعنوان را حفظ کرده است. شاید بازهم همین روزنامه است که بعدا عنوان روزنامهٔ دولتی یافت ، و بر حسب مندرجات سالنامهٔ رسمی بضمیمهٔ روزنامهٔ علمی بعهدهٔ علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه گذارده شد. ازاین یك نسخه بشماره ششصد وبیست ودو مورخ هفتم جمادی الثانی هزارودویست وهشتاد وپنج هجری

انتشار، نام وعنوان همین روزنامه به‌روزنامهٔ دولتی تغییر یافت. نویسنده شماره ششصد و بیست ودوم نشریهٔ مذکوررا دیده‌است ،که مورخ هفتم جمادی‌الثانی هزارودویست وهشتاد و پنج هجری قمری (بیست و پنجم سپتامبرهزاروهشتصد وشصت وهشت میلادی) است ، ودر آن گفته شده که در«کارخانه مطبعه دولتی درمدرسه مبارکه دار الفنون بطبع رسیده است» .

بازانتشارهمین‌روزنامه تاروز های‌اخیر، ازهزارودویست‌وهشتاد وهشت هجری (۱۸۷۱-۲میلادی) تادورهٔ مشروطیت ، یعنی سال هزار وسیصد وبیست وچهارهجری قمری (۱۹۰۶ میلادی) تحت عنوان ایران انتشارش ادامه‌داشت ، وبازدر اوقات اخیر (یعنی هزاروسیصد و بیست و نه هجری قمری مطابق هزار ونهصد و یازده میلادی) باسم روزنامه رسمی دولت ایران ازنوزنده گشت ، و اخبار ومذاکرات مجلس شورای ملی‌را پخش میکرد .

(بیست و پنج سپتامبر ۱۸۶۸ میلادی) من دیده‌ام که دارای همین‌عنوان‌است. دراوایل‌وزارت میرزا محمد حسین خان سپهدار؛ بسال هزار و دویست و هشتاد وهشت (۱۸۷۱-۲) که اختیارمطبوعات دولتی ازدست وزارت علوم خارج گردید واداره کل انطباعات (بعداً به وزارتخانه ارتقا یافت) تاسیس وبعهده محمد حسن‌خان صنیع‌الدوله (بعداً اعتمادالسلطنه) واگذارشد،باز نام‌آن تغییر یافت وروزنامه ایران گشت. در۱۳۲۱ هجری (۱۹۰۳-٤) هنگامی که وزارت انطباعات بعهده ملا محمد ندیم السلطان گذارده شد؛ اسم‌آن مبدل به روزنامهٔ ایران سلطانی گشت. فی‌الجمله یکسال ونیم بعد، وزارت انطباعات باز بعهده محمدباقرخان اعتمادالسلطنه واگذارشد.

بنای دارالفنون مقارن پیدایش نخستین روزنامه فارسی

انتشار نخستین روز نامه در ایران همزمان با پیدایش دارالفنون تهران ، تاسیس پست در آذربایجان و فارس، و ایجاد پاسپور (گذرنامه) برای اتباع ایرانی عازم خارجه بوده‌است (۱).

روزنامه‌ملتی درمقابل روزنامه‌دولتی

درسال هزارودویست وهشتاد وسه هجری قمری (۷-۱۸۶۶ میلادی) روزنامه‌دیگری بنام روزنامه ملتی درتهران‌انتشاریافت. وجه‌تسمیه‌این‌روزنامه آن بود، که از روزنامه دولتی مشخص گردد .

شهرستانهایی که نخستین بار درآنهاروزنامه انتشار یافت

پس ازتهران که تقدم آن در داشتن روزنامه غیر قابل‌بحث‌است ، نخستین ومقدم‌ترین بلاد ایرانی از حیث انتشار روزنامه شیراز میباشد (۲)، روزنامه‌فارس دراین شهر بسال هزارودویست و هشتاد و نه هجری‌قمری (۳-۱۸۷۲میلادی) منتشرشده‌است. بعدازشیراز اصفهان وتبریز میباشد ، که مرکز اقامت دو فرزند ارشد ناصرالدین شاه ، دو رقیب سرسخت‌سلطان مسعود میرزای ظل‌السلطان وولایت‌عهد (بعداً پادشاه) مظفرالدین‌میرزا بوده‌است.

---

(۱) گزارش مفصلی ازپیدایش پاسپور (گذرنامه ومقرات مربوط آن‌در شماره‌دهم روزنامه وقایع اتفاقیه‌ها درج‌شده‌است.

(۲) در روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ سال هزار ودویست و هفتادو پنج هجری‌قمری (۹ -۱۸۵۸ میلاد) اشاراتی در خصوص طبع وانتشار روزنامه ای درتبریز وجود دارد ، که تقدم این شهر را برشیراز معلوم میدارد.



از کاریکاتورهای سیاسی مطبوعات صدر مشروطه

Call No......... *Date......................*

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

باین ترتیب که درسال هزارودویست و نود و شش هجری قمری (۱۸۷۹ میلادی) باشارت ظل السلطان و بنظارت و مدیریت میرزا تقی خان کاشانی (۱) روزنامه فرهنگ در اصفهان پدید آمد، و در همانسال

---

(۱) میرزاتقی خان در میان کسانیکه در اوایل عصر جدید بآموزش صنایع و علوم اروپایی پرداختند، مقام برجسته‌ای داشت. او در دورهٔ خودش دانشمندی فاضل بود، در رشته علوم طبیعی وهیأت تخصص بسزائی داشت میرزا تقی خان را درفنون مذکور تالیفاتی است که نسبت بدورهٔ خودش خوب ومشتمل بر اطلاعات ذیقیمت کثیری میباشد. روش بیان واسلوب نگارش وی سخت ساده و پرروشن میباشد. تا آنجا که من آگاهی دارم از نوشته‌های میرزا تقی خان کتاب حدیقة الطبیعیه درعلوم طبیعی و نجوم، و تربیة الاطفال در بارهٔ آموزش و پرورش کودکان طبع و نشر شده‌است.

برای توضیح کامل مقام مشارالیه درجهان علم ودانش واجتماع آن عصر، بیمناسبت نخواهد بود که صورت مفصل القاب و عناوین وی راکه بقلم خودش درروی کتاب حدیقهٔ مذکور آمده، عیناً دراینجا درج نمائیم. بدینقرار: سردارمیرزا تقی خان کاشانی؛ دارای نشان و نوارسرخ درجه دو ازردیف سرهنگی، مدال طلایی ازمدرسه نظام، نشان سنت آن (St Anne) از درجه دوم، ونشان سن- ستانیسلاس (St Stnislas) ازدرجه‌دوم، هردو اعطایی دولت امپراطوری روسیه، مدیروسردبیرروزنامه سابق فارس و روزنامه کنونی فرهنك، رئیس انجمن پزشگی وعضوشورای نجبای اصفهان (قسمت فواید عامه)؛ رئیس افتخاری آکادمی نژاد شناسی (اتنوگرافی) بوردو(Bordeaux , - Gironde)، رئیس افتخاری آکادمی بیزانس استانبول؛ عضومخارجامعه صنایع شرقی وتحقیقات علمی سنت بارتلمی؛ عضوافتخاری انجمنهای جراحی، پزشگی وداروسازی، ودیگریها»

عین همین صورت القاب وعناوین درنخستین صفحه، یعنی روی جلد، کتاب حدیقة الطبیعیه؛ چاپ مطبعه فرهنك، مورخ هزار و سیصد هجری قمری (۳-۱۸۸۲ میلادی) اصفهان دیده میشود.

روزنامه‌ای بنام تبریز، در تبریز انتشار یافت. هر دو روزنامه مدتی مدید طبع و منتشر میشد، و من از روزنامه‌های تبریز شماره هائی دیده‌ام که سومین سال انتشار آنرا نشان میداد.

خلاصة الحوادث نخستین روزنامهٔ یومیه ایرانی

نخستین روزنامه یومیه ایرانی خلاصة الحوادث بوده‌است که در تهران بسال هزار و سیصد و شانزده هجری قمری (۹-۱۸۹۸ میلادی) بقطع کوچك چهار صفحه‌ای طبع و نشر میشده‌است، یکطرف آن با حروف سربی چاپ میشد و مشتمل بوده‌است بر اخبار تلگرافی خارجی، که از خلاصه های وقایع جاری تلگرافی، که از اروپا توسط خبرگزاری رویتر بعنوان اخبار عمومی توسط تلگرافخانه هند و اروپایی برای انتشار در هندوستان و دیگر روزنامه‌ها مخابره میشده، و نسخه‌ای از آن بسفارت انگلستان در تهران و به‌شاه داده میشده، گرفته میشده‌است.

نخستین روزنامهای ایرانی بعد از اعلان مشروطیت

بعد از اعلان مشروطیت چهار روزنامه یومیه بنام: مجلس، ندای وطن، حبل‌المتین و صبح صادق شروع بانتشار کردند، بعضی از اینها در اوایل هفتگی بودند، تا اینکه بتدریج توسعه یافته روزانه شدند. از اینها روزنامه مجلس در انتشار مذاکرات مجلس شورای ملی تقدم داشت. این نشریه را میرزا محمد صادق طباطبایی (فرزند سید محمد طباطبایی، مجتهد، یکی از بانیان و حامیان عمده مشروطیت ایران) در هشتم شوال هزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری (بیست و یکم نوامبر هزار و نهصد و شش میلادی) پدید آورد.

باز بعد از خلع محمد علی میرزا، روزنامه‌های یومیه متعددی، از

جمله ایران نو ؛ بقطع بزرك نیم ورقی ، مطابق معمول روزنامه های خارجی، که ازحیث شکل واسلوب نگارش نیز بدانها شباهت داشت ، انتشاریافت . شماره نخست این روزنامه دریوم شنبه هفتم شعبان هزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری (۲٤ اوت ۱۹۰۹) منتشرشد.

اولین روزنامه‌های علمی در ایران نشریه‌علمی بزبان‌فارسی درایران باانتشارروزنامه علمیه دولت علیه ایران آغازیافت ؛ این نامه‌از تاریخ هزارو دویست وهشتاد هجری‌قمری (٤ ـ ۱۸٦۳ میلادی) برای اداره دارالفنون‌تحت‌نظارت عالیه علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه منتشر گشت. یك‌روزنامه‌دیگر نیز بنام روزنامه‌علمی درسال هزارو دویست‌و نودوسه هجری(۱۸٦۷میلادی)انتشارداشت(۱)

---

(۱) ایجاد وتاسیس روزنامه دولت علمیه ایران را مستررابینو به میرزا محمدحسین‌خان‌مشیرالدوله؛ مشهوربه سپهسالاراعظم نسبت میدهد. اما این‌نظریه سخت نامعقول مینمایند ، چون میرزا محمد حسین خان در سال هزارودویست وهشتادوهفت‌هجری قمری (۱ـ۱۸۷۰میلادی) هنگامی که ناصرالدین‌شاه بزیارت عتبات عالیات یعنی کربـلا ونجف رفته بود ، بایران مراجعت کرد وسپهسالار گشت، وبنابراین اگرچه مشارالیه درهمان سال انتشارروزنامه مذکوریعنی‌هزارودویست وهشتاد هجری (٤-۱۸٦۳) پس‌ازکسب اجازه سفرکوتاهی ازاستانبول بتهران کرد وبعضویت‌شورای شاهنشاهی برگزیده شد وپیش ازعودت باستانبول چند ماهی در تهران ماند ، درآنموقع هنوزسپهسالارنبود، واین مقام به‌میرزا محمدخان‌قاجار تعلق داشت. بنابراین ممکن است که روزنامه منتسب به میرزا حسین‌خان روزنامه علمی بوده، که دردوره‌ای که مشارالیه عملا سپهسالاربود، شروع بانتشارکرد؛ یانشریهٔ دیگری بنام روزنامه نظامی ؛که شرح هردودراین تاریخچه آمده‌است. بانی‌روزنامه علمیه دولت علیه‌ایران‌شاید خوداعتضاد- السلطنه بود، که تاآخرماموریت وی انتشاریافت.

نخستین مجله علمی ایران اولین مجله (جنگ ـ ۱) علمی که در ایران انتشار یافت، گنجینه فنون بود، که در تبریز بسال هزار و سیصد و بیست هجری قمری (۳ـ۱۹۰۲ میلادی) بوجود آمد. نخستین شمارهٔ آن مورخ غرهٔ ذوالقعده سال مزبور (سی ام ژانویه ۱۹۰۳) است، و با نهایت نظم و ترتیب یکسال تمام انتشار یافت. این مجله توسط چهار تن از اهل علم و دانش در تبریز اداره میشد، یکی از آنها نویسنده این سطور، و سه دیگر عبارتند از سید حسن تقی زاده، نماینده نخستین و دومین دوره مجلس شورای ملی، میرزا سید حسن خان مدیر و ناشر روزنامه های حدید، عدالت، صحبت و خبر و میرزا یوسف خان اعتصام دفتر، آشتیانی الاصل، که با مضای «ی.ی» مقالات خود را مینوشت، و بعدها اعتصام الملك، مدیر مجله بهار و نماینده دورهٔ دوم مجلس شورای ملی گشت، گنجینه فنون بسرعت قبول عامه یافت. اگر چه بعضی روزنامه های علمی، چنانکه در بالا مذکور افتاد، پیش از مجله مزبور وجود داشته، و همچنین مفتاح الظفر طبع کلکته از انتشارات حبل المتین، ولی اینها بشکل و قطع روزنامه و جریده بوده، و بترتیب مصطلح و معمول اروپائیان هیأت مجله نداشته است.

---

(۱) در اروپا Review (مجله) نشریه ای را نامند که مشتمل بر مقالات دراز، علمی، ادبی، سیاسی و تاریخی، مفصل تر از اخبار وقایع جاری (روزنامه) باشد. معمولا این قبیل نشریات جلد شده بشکل و قطع کتاب در مدتهای متناوب بافواصل معین انتشار مییابد. در لسان عربی معاصر آنرا «مجله» و در ترکیه «مجموعه» مینامند. بعقیدهٔ من در زبان فارسی «جنگ» یا «سفینه» بهترین نام برای چنین نشریه ای تواند بود. این دو کلمه در کتب قدیمه بهمین قسم مجموعه های یاد داشت، اطلاق میشده، و «جریده» نوع دیگری از آن بوده است.

مجلات علمی، ادبی اخلاقی، مذهبی نشریات دیگری بعداز مجله علمی مزبور انتشار یافت، ازقبیل: فلاحت‌مظفری (علمی)، مجمع‌الاخلاق (اخلاقی)، دعوت‌الحق (مذهبی)، بهار (ادبی)، و آفتاب (ادبی و علمی) هر یك دررشته خود شایان تحسین و تجلیل میباشند، وگزارش انتشار آنها دراین‌تاریخ مختصر طی‌فهرست روزنامه‌ها ومجلات آمده است.

نخستین مطبوعات انتقادی ـ فکاهی اولین‌روزنامه هجایی، فکاهی که بشیوهٔ ریشخند منتشرشده، نامه‌طلوع است که درسال‌هزاروسیصد‌وهیجده هجری‌قمری (۱۹۰۰ـ۱ میلادی) ازطرف عبدالحمید خان متین‌السلطنه که بعدها نماینده دورهٔ دوم مجلس‌شورایملی گشت، تاسیس و انتشار یافت.

بعدازآن (مجله) آذربایجان است که توسط علیقیخان‌معروف به صفروف، ناشر سابق‌نامه احتیاج، در سال هزارو سیصد و بیست و پنج هجری قمری (۸ـ۱۹۰۷ میلادی) درتبریز تأسیس و با حروف‌سربی‌وتصاویر رنگی و تمثالهای مضحك (کاریکاتور) انتشاریافت(۱).

---

(۱) علیقلیخان صفروف درسال هزاروسیصد وشانزده هجری (۹ـ۱۸۹۸ میلادی) روزنامه احتیاج را منتشرساخت؛ ولی این نشریه بعد از انتشارشماره هفتم آن، بعلت درج مقاله‌ای که طی آن از احتیاج ایرانیان درتمام شئون زندگی بکالاهای‌خارجی، حتی‌قوری چایی و نظایر آن، بطرز مسخره‌آمیزی انتقاد شده بود، از طرف حسنعلی خان گروسی امیر نظام (عامل وحکمران آذربایجان دردورهٔ ولایت‌عهد محمدعلی‌میرزا) توقیف گشت، وناشررا بکیفرتوهین‌آمیزچوب وفلك محکوم ساختند، ولی بعد از

مطبوعات انتقادی   در دوران مشروطیت روزنامه‌ها و مجلات استهزایی در دوره و فکاهی تنوع و کثرت پیدا کرد، ازقبیل: کشکول مشروطیت تنبیه، حشرات الارض، بهلول، شیدا، شیخ چغندر ودیگریها. از این نشریه‌ها اولی، سومی و چهارمی خوشمزه و ظریف و قابل مطالعه بود. در این رشته از مطبوعات بخش استهزایی و انتقادی صوراسرافیل که تحت عنوان چرندپرند انتشار می‌یافت، مقام اول راحایز است، وخوبست دراینجا متذکر شویم، مجله ملانصرالدین که بسال هزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری (۱۹۰۶-۷) در تفلیس بزبان ترکی آذربایجانی بمدیریت میرزا جلیل محمد قلی‌زاده نخجوانی، یك شخصیت کاملا آشنا با آداب و عادات ایرانیان، شروع بانتشار کرد، یکی از

اندك مدتی مشارالیه نام روزنامه را تغییرداد، و بنام اقبال آنرا منتشر ساخت، اما این نشریه نیزدیری نپائید، وفقط چندشماره از آن انتشاریافت نکتهٔ بسیارعجیب آنستکه علیقلیخان صفروف مذکور بعد از تعطیل روزنامهٔ خود؛ عهده دار یك خدمت منفورومشئومی گشت، ورئیس ومدیر پلیس خفیه ولیعهد جابروستمکار (محمدعلی میرزا) شد، تشکیل این سازمان یکی از علل اولیه نفرت وعدم رضایت مردم تبریز نسبت بتاسیسات قدیم یعنی رژیم استبدادی، ویکی ازعوامل مهم استحکام اساس انقلاب در تبریز بود. ولی پس از استقرارمشروطیت، علیقلیخان ازاعمال خود اظهار ندامت کرد، اما چیزی نگذشت که درهزاروسیصدو بیست وشش هجری قمری (فوریه ۱۹۰۸ میلادی) درحالیکه‌در خدمات ملی سخت کوشا بود؛ درگذشت.

بهترین و پرسودترین مطبوعات فکاهی - انتقادی بوده است (۱) این مجله فی الحقیقه در مشرق زمین عدیم النظیر بوده، و چون در موضوعات و مسائل ایران نیز وارد بحث میده، تأثیر تاریخی مهمی در ایالات و ولایات ایرانی همسرحد با قفقازیه و حتی خود تهران داشته است، چنانکه ستون چرند پرند مجله صوراسرافیل کاملا تحت تاثیر و الهام و سبك و شیوهٔ ملانصرالدین نگاشته شده، و نویسنده آن میرزاعلی اکبرخان قزوینی معروف به دخو، یا دهخدا، با زبان آذربایجانی آشنا بوده است (۱).

پیدایش مطبوعات مصور در ایران پیدایش روزنامه‌های مصور در ایران از سال هزار ودویست و هفتاد هجری قمری (۱- ۱۸۶۰ میلادی) است؛ وچنانکه سابقاً مذکور افتاد، روزنامه رسمی به مدیریت نقاش باشی مصور طبع گشت. تصاویر نامه‌های شرف و شرافت از حیث نفاست و زیبائی

---

(۱) مرحوم تربیت بمجله ملانصرالدین بقید ماضی اشاره میکند، و مترجم انگلیسی کتاب مرحوم براون نیز آنرا بفعل ماضی ترجمه نموده و بدون ایرادی طبع کرده است، در صورتیکه جریده مزبور دهها سال بعد هم انتشار داشت، در اینمورد رجوع فرمائید بحاشیهٔ اینجانب که در پایان مقدمه پرفسور براون بطبع رسیده م.ع

(۱) علامه فقید دهخدای قزوینی حتی بـا شعرا و گویندگان معروف ملانصرالدین، بویژه با میرزاعلی اکبرصابر طاهرزاده شیروانی مشاعره و مناظره سیاسی داشته و قطعه شعر بسیار شیرین و شیوایی بزبان آذری در این مقوله از آنمرحوم بیادگار مانده است که در دیوان اشعارش بطبع رسیده م.ع

چاپ، و آذربایجان وحشرات‌الارض ازلحاظ تنوع رنك شایان توجه و تذکرمیباشد.

نخستین مطبوعات ایرانی که بزبانهای بیگانه انتشار یافته

اولین نشریه‌ای که‌در ایران بزبان خارجی انتشار یافته، روونامه فرانسوی وطن (۲) بوده است، که فقط یك شماره از آن درپنجم فوریه هزار و هشتصدوهفتادوشش (۱۲۹۳ هجری قمری) منتشر شده‌است. مدیرونویسنده این نامه بارون لویی دو نورمان بلژیکی (۳) درسال هزاروهشتصدوهفتاد وپنج میلادی بهمراهی ناصرالدین‌شاه بتهران آمده‌بود، ولی اشاره‌ای که در شماره نخست آن راجع بآزادی درج شده‌بود، بشاه‌خوش نیامد، و بدینجهت روزنامه بمحاق تعطیل افتاد، ومدیرونویسنده‌آن نیز اخراج گشت.

وبعد از آن صدای ایران(۱) است که‌مدتی انتشارداشته، و مدیر و نویسنده‌آن دکترمورل فرانسوی(۲) بوده‌است. این‌روزنامه از بیست‌و یکم‌مارس‌هزاروهشتصدوهشتادوپنج میلادی (۱۳۰۲ هجری قمری) تا پانزدهم فوریه‌هزاروهشتصد وهشت دایر بوده(۳)

---

۲ – Patrie
۳ – Baron Louis de Norman
۱-Echo de Perse
۲– Dr. Morel

(۱)دکترمورل‌مذکور، بعدها زندگی‌خود رادر خدمت دولت ایران درطهران گذرانیدو مشغول تدریس درمدارس بود، وبالاخره هنگام مراجعت بفرانسه، در حدود پنجاه پنج سالگی، درسنه هزارونهصدو ده میلادی در گذشت.

اولین روزنامه‌ای که در ایران از طرف زنان منتشر شده

یکی از روزنامه‌های شایان توجه دیگر که لایق ذکر وحایز اهمیت میباشد ، نشریه‌ای بوده است راجع بزنان بنام دانش، که در تهران بسال هزار وسیصد و بیست وهشت هجری قمری (۱۹۱۰ میلادی) توسط زوجه میرزاحسین خان کحال انتشار یافته است .

تاریخ آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات در ایران تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه وجود خارجی نداشت ، ولی در خارج از ایران نشریات متعددی طبع وتوزیع میگشت که مدتی در بیداری و ایقاظ افکار و اندیشه‌های ایرانیان موثر بوده است.

مطبوعات ایرانی در خارج از ایران

مدیران و نویسندگان این قبیل انتشارات متحمل همه گونه خسارات و مصایب و شدایدی می‌شدند .

بعضی از مطبوعات مزبور گاهگاهی تحریم و از ورودشان بداخل ایران ممانعت بعمل می‌آمد، ولی با وجود این درضمن اوراق یا درمیان بسته و لفافی آنها را وارد کشور میکردند ، و بدینطریق بفعالیت خود ادامه میدادند .

اختر نخستین روزنامه ایرانی است که در خارج از ایران طبع و منتشر شده است . بانی وناشر آن آقامحمدطاهر تبریزی بود، که هنوزهم زنده است و نشریه مزبوررا بتشویق میرزا نجفقلی خان، یکی ازمأمورین دولت ایران در پایتخت ترکیه عثمانی، و مولف کتاب میزان الموازین ، در شهر استانبول پدید آورد.

اختر بیش از بیست سال انتشار یافت، و بالاخره در سال هزار و

سیصد وسیزده هجری‌قمری (٦ ـ ١٨٩٥ میلادی) توسط دولت ترکیه عثمانی توقیف گشت . این روزنامه چنان اهمیتی درایران کسب کرد که کلمهٔ«اختر» بموزعین اطلاق میشد، ودر مجامع و محافل اخبار وقایع جاری باستناد روزنامه مزبور مورد بحث قرار میگرفت . برق تمدن از صفحات اختر بر قلوب مردم می‌تابید؛ وذوق روزنامه‌خواندن را در جامعه‌این روزنامه‌پدید آورد . نکته عجیب آنکه اختر بمرورزمان چنان شهرتی در قفقازیه، ایران ، ترکیه، هندوستان ، عراق و دیگر نقاط بهم زد کـه در بعضی از نواحی قفقازیه مردم عوام که روزنامه خواندن را نجس وگناه دانندخواص راکه‌بخواندن روزنامه‌مذکور اشتیاق داشتند اختری‌مذهب می‌نامیدند، و بدینطریق«اختر»را آیینی میدانستند.

اختر درتمام ادوارانتشار خودمشعل‌فروزان محافل روشنفکران ومرکزاجتماع افاضل ودانشمندان تبعیدشدهٔ ایران ، وازمساعدت ادبی فضلای وطن پرست برخوردار بوده‌است. فی‌المثل این شخصیتهادرتحریر اخترهمکاری نزدیك داشته‌اند: موحوم میرزا آقاخان کرمانی ، مصنف آثاربسیار، وشیخ احمد روحی کرمانی (١) ،که هردو از شهدای اولیه آزادی میباشند ؛ میرزا مهدی تبریزی (ناشر کنونی حکمت‌درقاهره-٢)

---

(١) درخصوص این دو شخصیت بااستعدادتیره بخت درکتاب انقلاب ایران(١٩٠٩ ـ ١٩٠٥) صفحات ٩٥- ٩٣ شرحی آمده‌است . هر دو نفر بهمراهی میرزاحسن‌خان‌خبیرالملك‌درهفده‌ژوئیه ١٩٩٦ ،درتبریز (بدست محمدعلی‌میرزا) کشته‌شدند.

(٢) اوزعیم‌الدوله لقب‌دارد، وکتابی در تاریخ وردبابیه بنام مفتاح باب الابواب بعربی نگاشته‌است.

میرزا علیمحمدخان کاشانی ناشر ثریا و پرورش ، و حاجی میرزا مهدی تبریزی که بعدها سر دبیر و مدیر مسئول روزنامه بود ، تا موقعیکه تعطیل گشت .

قانون بعد از اختر، پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله فرزند میرزا یعقوب خان ، از ارامنه جلفای اصفهان ؛ که اخیراً از مقام سفارت ایران در دربار انگلستان عزل گشت ، روزنامه قانون را بسال هزاروسیصد وهفت هجری قمری (۱۸۹۰ میلادی ـ ۱) درلندن پدید آورد. نویسندهٔ قانون خود ملکم خان بود ، این روزنامه درعقاید وافکار مردم انقلاب عظیمی بوجود آورد ، و سبك سادهٔ نگارش ویژهٔ آن ، موجب علاقه و اشتیاق جامعه بقرائت قانون بود . اصطلاحات نوین بسیار ، از قبیل لغات : قانون ، تنظیمات ، اصول اداره ودیگریها ازاین روزنامه درزبان رایج فارسی نشأت کرد ، ومورد استفاده عموم قرار گرفت .

قانون درسایهٔ اسلوب بیان و شیوه کلام میرزا ملکم خان که در زبان فارسی عدیم النظیر بود، بهترین روزنامه فارسی گشت، و ازلحاظ نتایج حاصله وتأثیرات حادثه دارای مقام وموقعیت تاریخی مهمی در نهضت بیداری ایران میباشد. فی الجمله، نوشته های میرزا ملکم خان ، بطور کلی درانقلاب سیاسی وادبی، وتجدید حیات (رنسانس) اخیر ایران حایز اهمیت تاریخی مضاعفی است. آثاروی ازلحاظ سیاسی مأخذعمدهٔ بانیان انقلاب وتجددایران وپدیدآورندگان نهضت آزادی بشمارمیرود،

---

(۱) بصفحات ۳۵ـ٤۲ انقلاب ایران مراجعه فرمایند . نخستین شماره قانون در بیستم فوریه ۱۸٦۰ انتشار یافته، وتاشماره چهل ویك تقریبا ماهیانه ادامه داشته است

وازنقطه نظرادبی مبدع منحصر بفرد سبک ساده وروان میباشد.

بعد ازاین دوروزنامه ، حبل‌المتین است که درسال هزار وسیصد ویازده هجری قمری (٤-۱۸۹۳میلادی) درکلکته شووع بانتشار کرد؛و حکمت که بسال هزاروسیصد وده هجری قمری (۳-۱۸۹۲ میلادی) در قاهره پدید آمد. هردونشریه مذکوراینك نیزبانتشارخود ادامه‌میدهند.

۲

بعضی از انتشارات قدیمه ، رسالات وکتب و مخصوصاً برخی از روزنامه‌ها، صرف‌نظر ازجنبه‌های دیگر ، واجد اهمیت تاریخی خاصی میباشند که شایان تحقیق دقیق است ، چون‌مطبوعات مزبور در انقلاب ایران تاثیراتی‌داشته‌اند، وواجد ارتباط نزدیکی با اینموضوع میباشد، هنگام تتبع و تحقیق علل و موجبات پیدایش مقدمات انقلاب مشروطه معلوم‌خواهد شد که انتشارات مذکور ازعوامل‌عمده بوده ، ودرمیان موجبات متعدد دیگر‌مقام‌شامخی‌دارند.

واضح است که‌ما بایستی‌علل‌و مقدمات انقلاب بزرك‌تاریخی‌هزار و سیصدو بیست‌وچهار هجری قمری(۱۹۰۶میلادی) و دوره مابعد آنرا در اوضاع و احوال مقدم‌بر آن ، جستجو کنیم، وکسانیکه در اینموضوع بتحقیق‌وتتبع پرداخته‌اند، مشاهده کرده ودریافته‌اند که نهال انقلاب در دوره بیست‌سال‌پیش کاشته شده‌است .

در سلسله عوامل و موجبات انقلاب ، یعنی انتشاراتیکه موجب بیداری‌مردم‌وتحریك افکارعمومی شده، یك‌رشته‌را میتوان اقلا درسی سال

قبل از نهضت مشروطه، پیدا کرد. درمیان این طبقه، ما بخصوص مطبوعاتی را در نظر داریم که مشتمل بر انتقادات سبك یا سخت از اصول اداره استبدادی قدیم، شکوه و شکایت از روش حکومت، و انقلاب علیه سلطنت مطلقه معدوم کنندهٔ آزادی عقاید و افکار است، هم از لحاظ تاثیر فصاحت و علو نظر، و هم از نقطه نظر تقدم تاریخی، مقام اول در اینمورد متعلق برسالات پرنس میرزا ملکم خان است، که ابتدا در تهران بشکل نسخه های خطی در محافل درباری و مجامع اشراف و اعیان کشور شاهنشاهی منتشر میشد، و سپس در سرتاسر ایران دست بدست میگشت(۱)؛ ولی از این

---

۱ از دایره بحث این کتاب، که فقط در باره انتشارات چاپ شده صحبت میدارد، خارج نخواهد بود که در بارهٔ بعضی از رسالات خطی و نوشته‌های مصلحین اولیه ایرانی اشاراتی بمیان آید، این آثار در میان جامعه انتشار داشت و برای نخستین بار ترقی و تجدد را بمردم الهام میکرد، و بهمین جهت خالی از اهمیت تاریخی نبود. ازجمله نامه‌های کمال الدوله، ملاحظات انتقادی در بارهٔ روضه الصفای ناصری از آثار میرزا فتحعلی آخوندوف تفلیسی، مولف نمایش نامه‌های متعدد ترکی (آذری) که بزبان فارسی ترجمه شده است، رسالات دیگری از پرنس ملکم خان که کمتر معروفیت دارد، بعضی نوشته‌های خطی میرزا آقاخان ازقبیل صد خطابه، رضوان و دیگر یها، سیاحتنامه فرخ خان امین الدوله، محبوب و هاشم که کتابی است بشکل کمدی و بقلم میرزا عبدالحسین خان مولف الدوله نگاشته شده، و نظایر اینها، که ملاحظه محل مانع بحث بیشتر و مشبعی در اینمورد است. براون

نامه‌های کمال الدوله و مکاتبات تاریخی بسیار مهم میرزا ملکم خان با میرزا فتحعلی آخوندزاده ضمن کلیات مشارالیه در بادکوبه بطبع رسیده است. م. ع

رسالات متعدد، که‌شاید ازحیث شماره بیشتر ازسی باشد(و اغلب آنها را نویسنده دیده است)، فقط‌چندتائی، از قبیل اصول مذهب دیوانیان، حب‌الوطن‌من‌الایمان، ومقدمه بر گلستان سعدی، که باحروف‌اختراعی جدید بطبع رسیده و مولف مدعی‌ضرورت تغییردر الفبای‌کنونی است، در اروپا چاپ ومنتشر شده(۱).

پیدایش شب نامه بعد ازنوشته‌های پرنس ملکم خان؛ روزنامه **درمطبوعات ایران** اختر؛ نوشته‌های‌مرحوم‌میرزایوسف‌خان‌مستشار-الدوله تبریزی؛ که در قزوین‌شهید گشت، ونشریه قانون، بایستی بعضی انتشارات ژلاتینی راکه ابتدا درتبریز بنام‌شب‌نامه‌شناخته‌شد، وازطرف علیقلیخان، مدیروناشر احتیاج و بعضی مطبوعات دیگر طبع و توزیع گشت، ذکر کرد؛ و تلقین‌نامه ایران‌که بشکل اندرزو اخطار در تبریز در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه انتشار داشت، وبعدها در دورهٔ آزادی نسخه تحریف‌شده‌ای از آن در روزنامه ارشاد درباکو منتشر گشت، و

۱- پرنس‌ملکم‌خان رسالات متعددی در باره تجدید و تغییر الفبا نگاشته‌است، ازجمله: مبدأ ترقی وشیخ‌وزیر، که‌هرگزچاپ نشده،و برای آشنا ساختن اذهان باالفبای‌جدیداختراعی‌خود کتابهای بسیاری‌چاپ کرد، که گلستان‌سعدی، کلمات قصارعلی علیه‌السلام: خطوط آدمیت و دیگر بها از آنجمله‌است. بعداز اعلان‌مشروطیت مجموعه‌ای‌از این‌رسالات‌درطهران بطبع رسید، ولی بسیاربدچاپ‌شده‌و محتوی اغلاط‌زیاداست. براون

میرزا فتحعلی آخوندزاده‌نیز الفبای جدیدی‌ابداع کردو برای ترویج آن بسیارکوشیدومکاتبات تاریخی پرنس‌ملکم‌خان ومیرزا فتحعلی درهمین موضوع‌مهم‌صورت گرفته‌است .م. ع

مطلع آن بدینقرار است :

« ای بنده و بنده زاده خداوند ، گوش دار و فرمان کن ! اگر فرستادگان مخصوصی از روسیه، انگلستان وخاندان عثمان رسیدند واز تو درباره مدارس تو ، سپاه تو ، طرق وشوارع تو ، صنایع تو، تجارت وعلوم توسئوال کردند ... ترس نداشته باش، دلگیر مباش، ودر جواب بایشان بگو که ...» والخ (۱)

شبنامه‌های شاهسون ونیزیك نشریه‌ژلاتینی دیگری در استانبول بنام **لسان الغیب** ، **غیرت** شاهسون(نام ایلات معروف درشمالغرب ایران ۲) انتشار می‌یافت ، وزیرعنوان آن قیدشده بود که«در هرچهل سال یك شماره منتشر میشود». این نامه‌از روش دیرین واصول اداره حکومت انتقادمیکرد و اسلوبی دلپذیروشیوه خنده آوری داشت. ونیز نشریات مخفی روزنامه مانندی‌در تهران منتشرمیشد، که لسان‌الغیب و غیرت(۳) وغیره نام‌داشت

---

(۱) بدبختانه متن اصلی تلقین نامه یاارشاددرطهران دردسترس نبود، که‌عیناً نقل‌شود م.ع

(۲) شاهسونان ازعشایر آذربایجان میباشند؛ واین لغت علی‌الظاهر ازدورهٔ صفویه متداول شده‌است ، و درمتون تاریخی عهد مزبور جملات : «شاهسونی کردند» بسیار آمده‌است. م. ع

(۳) این نشریات (شبنامه‌ها) طی سالهای هزاروسیصد و نوزده‌و بیست هجری قمری (۲-۱۹۰۱ میلادی) ازطرف یك کمیتهٔ نهانی عبارت ازمیرزا محمدعلیخان، که در راه آزادی شهید گشت ؛ شیخ عبدالعلی موبد ، حاجی میرزا حسن‌رشدیه؛ شیخ یحیی کاشانی ودیگرینها انتشارمی‌یافت. مندرجات اینها بطورکلی عبارت بوداز‌حملاتی‌علیه امین‌السلطان (اتابك اعظم) و

شب نامه (نوامبر هزارو نهصدوشش میلادی)

Call No......... *Date........................*

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

وروزنامهٔغیبی که در اصفهان نگاشته‌میشد، ودرسن پترسبورگ طبع می-
گشت. نشریه اخیر بشادروان ملك‌المتکلمین(یکی از قربانیان عزیز-
الوجود کودتای بیست‌وسوم ژوئن هزارونهصدوهشت-۱) نسبت‌داده‌میشد،
و بطور کلی علیه مظالم و ستمکاریهای ظل السلطان مبارزه داشت و
نیزازجمله شبنامه‌های ژلاتینی بایستی‌نشریهٔ حمام جنییان ذکر شودکه
در آخرین ایام استبداد درتهران انتشارمی‌یافت.

کتب انقلابی چون در خاتمهٔ این تالیف ازکتب و رسالات منتشره از
اوایل امر تا ایام کنونی‌که باروش مسالمت‌آمیزی در ترقی و تکامل
کوشیده، یا بطریق اعتدال در مقولات علمی‌وسیاسی صحبت‌کرده‌اند، یا
بشیوه انقلابی حملاتی علیه دولت وطبعات دیگر انجام داده در بیداری

اصول‌ادارهٔ مشارالیه‌و مقالاتی که فروش کشوررا از طرف وی به روسیهٔ
تزاری‌افشا می‌ساخت.دریکی ازشماره‌های اخیر، قطعه شعری با تضمین از
حافظ وبشیوهٔ اشعاروی انتشاریافته بودکه شایان توجه میباشد. ملاحظهٔ
موقعیت اجازه نمیدهدکه ما قطعه مذکور را عیناً در اینجا درج نمائیم،
ولی بیتی ازآن‌رامی آوریم که تقریباً با الهام غیبی ازخاتمهٔ صدارت امین-
السلطان سخن میگوید (مشارالیه درسی ویکم اوت هزارونهصد و هفت،
در روز انعقاد قرارداد تقسیم ایران از طرف روسیهٔ تزاری و انگلستان،
بدست عباس آقای آذربایجانی بقتل‌رسید).

ای‌کان شهوت مخور ! درد جام روسان!

این‌جام تیره هلاك سازدآخریکروز مهمان!

(متن اصلی شبنامه درتهران دردسترس نمیباشد، مفهوم آن از روی
ترجمهٔ انگلیسی‌مرحوم براون نگاشته شده‌است. م.ع)

(۱)مقصود کودتای محمدعلیشاه مخلوع است، که با بمباران‌مجلس
آغاز گشت. م.ع

افکار مردم تاثیری داشته‌اند، باختصار گفتگو خواهد شد ؛ لذا در اینجا فقط از مطبوعاتی که بطور مستقیم و آشکار با رستاخیز اخیر و جریان نهضت آزادیخواهی و تجدید حیات انقلابی ارتباط داشته، و مخصوصاً متضمن سرزنش و انتقاد از اصول ادارهٔ حکومت بوده‌اند، بحث خواهیم کرد.

تالیفات حاجی میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی ، و مخصوصاً کتاب احمد، یا سفینهٔ طالبی، دردو مجلد ، تاثیر عظیم خاصی در افکار داشته که غیرقابل انکار است. ونیز سیاحت نامهٔ ابراهیم بیك که انتشار آن همزمان با دوران طغیان مادهٔ عدم رضایت بود ، ودر تحریك حس - نفرت و انزجار مردم ایران نسبت باصول حکومت مخرب و افتضاح آمیز مخصوص دورهٔ سلطنت مظفرالدین شاه نقش بزرگی داشته ، و شهرت بسزایی در میان عامه بهم زده است.

از جملهٔ کتابهاییکه در بیداری ملت ایران تاثیر داشته‌اند، بایستی ترجمهٔ کتاب حاجی بابای سرجان موریه(۱) ، بقلم میرزا حبیب اصفهانی و شیخ احمد روحی کرمانی را نام ببریم .

ترجمه خاطرات مادموازل مون پانسیه(۲) که بضمیمهٔ سالنامه هزاروسیصدوسیزده هجری قمری (۱۸۹۵-۶ میلادی) انتسار یافته بود ، موجب خشم وغضب شدید ناصرالدین شاه گشت و دستور توقیف و تدفین کلیه نسخ آن صدور یافت ؛ ترجمهٔ فارسی داستانهای آلکساندر دوما،

۱- Sir John Morier
۲- Memoirs de Madmemoiselle de Montpensier

وچند کتاب دیگر که در ایام اخیر سلطنت مظفرالدین شاه ترجمه و منتشر شد.

قانون، ثریا و پرورش

ولی عمدهٔ نهضت انقلابی، بـدون هیچ گمان روزنامه‌ها بودند که، منادی شکایات و مظهر عدم رضایت و نفرت عامه از اصول ادارهٔ موجود شمرده میشدند، ودر آنمیان (صرف نظر از اختر که بالنسبه اعتدالی بود) روزنامهٔ قانون مقام اول راحایز است. بعد از آن روزنامه‌های ثریا وپرورش است که بقلم میرزا علیمحمدخان شیبانی کاشانی نگاشته میشد ونفود عظیمی درافکار عمومی داشت، حتی نتایج حاصله از تاثیر آنها خیلی عمیق‌تر و وسیع‌تر از قانون بود، و طی سالهای هزار و سیصدوشانزده تا هیجده هجری قمری (۱۹۰۱ ـ ۱۸۹۸ میلادی) انقلاب فکری عظیمی درمیان جوانان پدیدآورد، و افکار عامه‌را سخت تهییج و درباریان‌را مات و مبهوت ساخت.

گرفتاری انگلستان درجنگ بویر و اعتلای مطبوعات ایران

انتشاراین روزنامه‌ها همزمان بـا جنگهای انگلستان و بویر(۱) نیز نکته‌مهمی بشمار میرود دراین زمان حبل‌المتین ء حکمت نسبت بثریا

---

(۱) چنانکه از تاریخ عمومی آلبرماله (جلد ششم وهفتم طبع کمیسیون معارف) برمی آید، انگلستان برای غارت کانهای الماس افریقای جنوبی این جنگ وحشتناك را با بویرها برپا ساخت؛ و مقصود مرحوم تربیت آنستکه نویسندگان ایرانی ازگرفتاری بریتانیا در افریقا استفاده کرده درانتشار مطبوعات یومیهٔ موثر ومهیج انقلابی که مظهر افکار عمومی ومنادی نظریات ایرانیان بود کوشیدند. اتفاقا این قاعدهٔ کلی در تمام حوادث تاریخی جهان صادق بوده‌است، فی‌المثل درنتیجهٔ شکست تزارها در جنگ با ژاپن نهضت آزادی در روسیه اوج گرفت، و حتی مجله ملانصرالدین مورد بحث درمتن کاریکاتور تزار را بشکل خروس جنگی شکست خورده‌ای ترسیم کرد والخ وغیره. م.ع

مقام دوم را حایز بودند، و نفوذ شایان توجهی داشتند. گذشته از این روزنامه های فارسی، چهار نشریه ترکی قفقازی (آذری): شرق روس، ملانصرالدین، منتشره در تفلیس، و ارشاد وحیات چاپ باکو در قاطبهٔ طبقات روشنفکر آذربایجان بی تأثیر نبودند.

توسعهٔ مطبوعات موجبات ترقی و تکامل افکارعمومی را فراهم آورد

در دورهٔ مشروطیت بیداری افکارعمومی بسرعت وشدت اوج گرفت، وروزنامه‌ها نفوذ عظیم، و سهم مهمی درتجدیدحیات افکارعمومی داشتند بویژه گزارش مذاکرات مجلس شورایملی، که‌در روزنامه‌ای بنام‌مجلس و دیگر ارگانهای مطبوعات انتشار می‌یافت وتاثیر بسزایی در اجتماع داشت. صور اسرافیل و ایران نو هم در توسعه و تکامل افکار عمومی خوب‌خدمت کردند، و شرافت، الجمال، و چنتهٔ پابرهنه ودیگر یهانیز در بیداری تودهٔ مردم فعالیت مثبتی داشتند.

تحقیق انتقادی در سبك و ارزش روزنامه‌ها

با یك مطالعه کلی در روزنامه ها و مجلات، بمنظور تحقیق ارزش انتقادی متقابل آنها، عقیدهٔ ما آنستکه، از لحاظ شیوهٔ بیان و سبك ادبی بهترین مطبوعات قدیم (یعنی مقدم بر انقلاب ۱۳۲٤ هجری قمری = ۱۹۰٦ میلادی) «قانون» میرزا ملکم‌خان، و «ثریا» و «پرورش» میرزا علیمحمد خان بودند، و از مطبوعات جدید (یعنی نشریه های بعد از انقلاب مشروطیت) میتوان صور اسرافیل، تمدن، حبل‌المتین یومیهٔ طهران، ایران نو و تیاتر را شمرد. روزنامه ها و مجلات مبارز وجسور: روح‌القدس، مساوات، جهاد اکبر، شرق،

برق ، صوراسرافیل وصحبت بودند ، در میان اینها شجاعت اخلاقی صور اسرافیل در انتقاد از مقامات روحانی ، و صحبت در مبارزه با عادات و رسوم متداول شایان توجه مخصوص میباشد .

مطبوعات فکاهی و انتقادی

از روزنامه های فکاهی یا هجایی (متضمن انتقادات نیش دار) ستون چرند ـ پرند مجلهٔ صور اسرافیل ، زشت و زیبای مجلهٔ ناقور ، و ستون ادبی شرق و نسیم شمال ، وروزنامه‌های آذربایجان ، حشرات الارض، کشکول و بهلول بسیار مطبوع و مشغول کننده بود .

چنتهٔ پابرهنه و اهمیت خاص آن ساده‌ترین روزنامه‌های ایرانی ازلحاظ شیوهٔ بیان قانون ملکم خان ، الجمال ، حکایت جانگداز، و چنتهٔ پابرهنه است، ولی نامهٔ اخیر ازجهت اشاعه و انتشار اندیشه‌های آزادیخواهی در میان دهقانان و تودهٔ مردم ، و توفیق در بیداری افکار عامه بزبان سهل و سادهٔ مفهوم عوام النـاس حایز اهمیت خاصی می‌باشد .

اختر و حبل المتین استوارترین و بختیارترین روزنامه‌های ایرانی ، غیر از مفرح القلوب ؛ اختر (استانبول) و حبل المتین کلکته بودند ، که خدمـات عظیم آن در ایـام اخیر بـا هیچ نـامهٔ دیگـری قـابل قیاس نیست .

بهترین نامه‌های مصور ایرانی نفیس‌ترین روزنامه‌های مصور ایرانی از نقطه نظر تصویر ونقاشی شرافت وشرف و بعد از آن ادب

و آذربایجان است .

روزنامه‌های ادبی

تربیت ، ادب و بهار از لحاظ ادبی از مطبوعات طراز اول ایران بایستی بشمار آید .

فقط سه نامهٔ ارتجاعی از میان اینهمه روزنامه‌های ایرانی تنها سه نشریه یعنی : اقیانوس ، آی ملاعمو وفکر مدافع علنی و آشکار استبداد بودند ، واعلامیه‌های شیخ فضل‌الله نوری و پیروان وی راکه بسال هزار و سیصد و بیست و هشتم هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) درزاویهٔ مقدسه حضرت عبدالعظیم تحصن داشتند، و برضد مجلس شورای ملی آنهارا منتشر میساختند، در صورتیکه اینهارا روزنامه بدانیم ازمهمترین ارگانهای ارتجاع بود و اهمیت خاصی در تاریخ انقلاب ایران داشت.

روزنامه‌های فارسی که درمیان روزنامه‌ها دونشریه وجود دارد که مربوط بایران نبودند شباهتی بادیگریها ندارند ، واگرچه بفارسی نوشته‌شده‌اند ،ولی هیچگونه ارتباطی باایران وامور مربوط بآن نداشته‌اند، این دو نامه عبارتند از سراج الاخبار منتشره در کابل افغانستان و بخارای شریف منتشره در بخارای نو ترکستان ، وبعضی روزنامه های فارسی که در هندوستان و نقاط دیگر انتشار داشته‌است .

انگاره (تیراژ) پیش از مشروطیت انتشار روزنامه و تعداد خواننده روزنامه‌های ایران در ایران بسیار محدود بود . کثیرالانتشارترین مطبوعات پیش از انقلاب شاید اینها بودند : ثریا ، حبل‌المتین و ناصری و انگارهٔ روزنامه اخیر اندکی بیش ازهزار بوده‌است.

در دوره مشروطیت دایرهٔ انتشار روزنامه‌ها توسعه یافت چنانکه

تیراژ هریك بالغ بردو تا سه‌هزار گردید ، فی‌المثل مساوات سه هزار ، صوراسرافیل پنجهزار تاپنجهزاروپانصد ؛ مجلس بتدریج از هفت‌هزارتا ده‌هزار بالارفت ، انجمن‌درتبریز پنج‌هزار شماره‌انتشارداشت .

در دوران دوم‌مشروطیت(ژوئیه۱۹۰۹ تا اواخر ۱۹۱۱ میلادی) قطع‌روزنامه‌های‌یومیه‌افزایش‌یافت،ولی‌تیراژ آنهاکاهش‌پیدانمودفی‌المثل استقلال ایران ازهشتصد تا هزارنسخه چاپ میشد ،وایران‌نو که‌کثیر - الانتشارترین مطبوعات بشمارمیرفت ازدوتا دوهزاروپانصد تیراژ داشت و بندرت بسه‌هزار میرسید. تقلیل تعداد قارئین بطور کلی نتیجهٔ توسعه فقرعمومی بعلت وقوع حوادث‌هولناك‌بوده‌است ، و بهمین جهت معمولا چندین نفریك شماره را بشراکت خریده، از آن مشترکاً استفاده میکردند .

بیداری سیاسی علمای روحانی

یك نکته‌شایان تذکر آنکه، روزهای آخر دوران استبداد،حاجی زین‌العابدین تقی‌اف باکویی ، ثروتمند مشهور (قفقازیه)؛که یك‌شخصیت انساندوستی بود ، سالیانه از حبل المتین کلکته قریب پانصدنسخه را مشترك بود و پول آنها را میپرداخت و دستور میداد که برایگان خدمت‌مجتهدین‌شیعه‌وطلاب‌علوم‌دینیه‌مقیم کربلا ، نجف ودیگرحوزه‌های مقدس ،مستقیم و مرتب ازاداهٔ رروزنامه ارسال دارند . این خدمت‌عظیم مشارالیه موجب تنویر افکار علما شد و بیداری سیاسی روحانیون‌منجر بانتشار کثیر روزنامه‌ها در حوزه‌ها ومجامع دینی گردید.

خصوصیات خط و طبع مطبوعات

قدیمترین روزنامه‌های فارسی ، و بطور کلی قسمت اعظم آنها ، بخط نستعلیق بوده است ، وتحول به نسخ یك مرحلهٔ ترقی در موضوع روزنامه‌شمرده‌میشود . پرواضح است که تعداد روزنامه های‌طبع‌سنگی بنامه‌های چاپ سربی ، که اختر نخستین آنهاست ، فزونی داشت (١)

قطع روزنامه های ایرانی تاتاسیس ایران نو بسال هزاروسیصدو بیست وهفت‌هجری قمری (١٩٠٩) قطع‌روزنامه‌های فارسی‌بطور کلی ، باستثنای‌سیدالاخبار چاپ‌هندوستان ، وضمیمه‌فارسی ارشاد طبع باکو، کوچك بوده ، و عموماً ببزرگی کوچکتریی اوراق کاغذروسی متداول در ایران ، و بندرت اندکی عریض‌تر از آن بوده است(٢) . ایران نو نخستین روزنامه فارسی میباشد که بقطع بزرك‌و ازهرحیث شبیه‌روزنامه‌های‌اروپایی منتشر شده‌است . بعد از آن ، شرق، برق، استقلال ایران ، وقت ، مجلس ، سروش وبالاخره آفتاب‌نیز‌بهمان قطع انتشاریافت.

---

(١)دردورهٔ مشروطیت ،انتشارات‌است ژلاتینی بیشماری باشکال‌و ترکیبهای گوناگون، خارج‌ازحداحصاء ، منتشر گشته است، ولی مادراین کتاب‌فقط آنهایی‌راکه ازحیث شکل‌وترتیب وعنوان‌شبیه روزنامه‌بوده‌اند ذکر کرده‌ایم،بعضی‌دیگر نیزمکرر بنام واحدوثابتی‌طبع‌و توزیع گشته،ولی اکثرشان‌فاقد امضاءو نهانی بوده‌است

(٢)قطع‌دقیق هریك‌ازروزنامه‌ها ومجلات ومطبوعات‌دیگررامرحوم براون بااستفاده ازرساله رابینو و«مجموعه»خودتوضیحاً بمتن اصلی اضافه کرده‌است م.ع

اوج اعتلای روزنامه‌های ایرانی و تعداد آنها

طی سالهای اخیر ، در هزارو سیصد و بیست و پنج هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) انتشار روزنامه‌ها باوج اعلای خود رسید ، در این سال هشتادوچهار روزنامه پدید آمد . بعد از آن سنهٔ هزاز و سیصد بیست وهشت هجری قمری (۱۹۱۰ میلادی) میباشد که سی وشش روزنامه طی آن انتشار می یافت، سپس سال هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری (۱۹۱۱) میباشد که سی وسه روزنامه ، و سنوات هزارو سیصد و بیست وشش هجری قمری (۱۹۰۸ میلادی) وهزارو سیصد و بیست وهفت هجری قمری (۱۹۰۹) که در هریك سی ویك روزنامه انتشار داشت .

سنجش شهرهای ایران از لحاظ روزنامه حیث کثرت تعداد روزنامه طهران اول (صد و چهل وهشت) ، تبریز دوم (پنجاه ویك) ،و رشت (بیست و پنج) اصفهان بیست ومشهداست (ده) است.

تاریخچهٔ پیدایش احزاب لازم است دقت خوانندگان را بیك نکتهٔ کوچك شایان توجهی جلب نماییم ، و این آنست که احزاب سیاسی رسمی از قبیل دمکرات ، اتحاد و ترقی ، اعتدالیون و غیرهم ، فقط از دوهٔ دوم مشروطیت پدیدار گشتند ، و بطور کلی بعد ازافتتاح مجلس دوم (پانزدهم نوامبر هزار و نهصد میلادی) برسمیت شناخته شدند . بنابر این انتساب روزنامه ای پیش از دورهٔ مذکور بیکی از احزاب مزبور ناصواب خواهد بود . در دورهٔ اول مشروطیت یگانه حزب متشکل سوسیال - دمکرات (اجتماعیون - عامیون) بود ، ومجاهد ارگان مطبوعاتی آن درتبریز انتشار داشت .

بعد ازاین ملاحظات مختصر کلی، فهرست مفصل عموم روزنامه‌-های منتشره درایران ، بهر شکل وزبانی، اعم ازفارسی وغیرفارسی، به ترتیب الفبایی درج میشود، ونامه‌های فارسی منتشره درخارجه، که بنظر مولف رسیده نیزضمیمهٔ آن است.

ورقی از دفتر

تاریخ مطبوعات ایرانی و فارسی

Call No..........

Account No..........

Date.......... ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

۱

آدمیت

روزنامه هفتگی است که در طهران بسال هزاروسیصدو بیست و پنج هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) بمدیریت میرزا عبدالمطلب یزدی انتشارمی یافت، مشارالیه درمعرض سوء ظن مشروطه‌خواهان قرارداشت و با ارتجاعیون متحدبود. پس از استیلای ارتجاع در بیست‌وسوم جمادی الاول سنهٔ هزاروسیصدوبیست‌وشش هجری قمری (بیست‌وسوم ژوئن هزار ونهصدوهشت میلادی) میرزا عبدالمطلب یکی از اعضای محکمهٔ غیر - قانونی باغشاه بود، که بباز پرسی وشکنجه و کشتار آزادیخواهان اشتغال داشت .بعد از استقرارمجدد مشروطه‌وگشودن طهران بدست مجاهدین (ژوئیه۱۹۰۹)مشارالیه بازداشت‌شدو بادیگر متخلفین سیاسی بمدت یك سال زندانی گردید.

٭برحسب رسالهٔ رابینو ، ردیف دوازده ، شمارهٔ سوم از روزنامهٔ آدمیت مورخ بیست‌وهشتم جمادی الثانی هزاروسیصدوبیست وپنج هجری

قمری(٨ اوت١٩٠٧)، وشمارهٔ یازدهم سیزده رمضان بیستم اکتبر همان سال بوده‌است. شماده‌های سه، هشت ویازده درمجموعهٔ ملکی اینجانب (براون)موجود میباشد.دوهفتگی؛٤ـ٨صفحه ؛ ٥ر٧یا ٧ د ر١٣یا١٢ (١) درطهران سالیانه‌پانزده‌قران،درولایات‌هیجده،ه‌برای‌خارج‌دوازده‌فرانک☆

---

(١) واحدعلي الظاهر(پنج) است م.ع

۲

آذربایجان

روزنامه فکاهی هفتگی چاپ تبریز، دارای کاریکاتورهای (تصاویر مضحك) رنگی، از آغاز سال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) بمدیریت علیقلیخان معروف به صفروف، نویسندهٔ نامهٔ احتیاج و اقبال انتشار یافته است. این روزنامه بفارسی و آذری (ترکی) نگاشته میشد.

روش سیاسی آذربایجان آزادیخواهی و مشروطه طلبی کامل بود. (۱)

✡ مطابق رابینو، ردیف سیزده، شماره نخست این روزنامه مورخ دوم محرم هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (پانزدهم فوریه ۱۹۰۷ - میلادی) بوده، ولی شمارهٔ اول مجموعه اینجانب، بتاریخ ۱۹۰۶ - ۱۳۲٤ «در روی جلد، و در صفحه دوم، ششم محرم هزار و سیصد و بیست و پنج است بنا براین «دوم» مستر رابینو اشتباه و صحیح «شش» میباشد. هفتگی؛ هشت صفحه؛ هر شماره چهارده شاهی یا سالیانه چهار تومان در تبریز $7\frac{3}{5}$ در ۱۲ از شمارهٔ یك تا بیست و دو، در مجموعهٔ من موجود است، ولی بعضی نمره ها کسر میباشد.

---

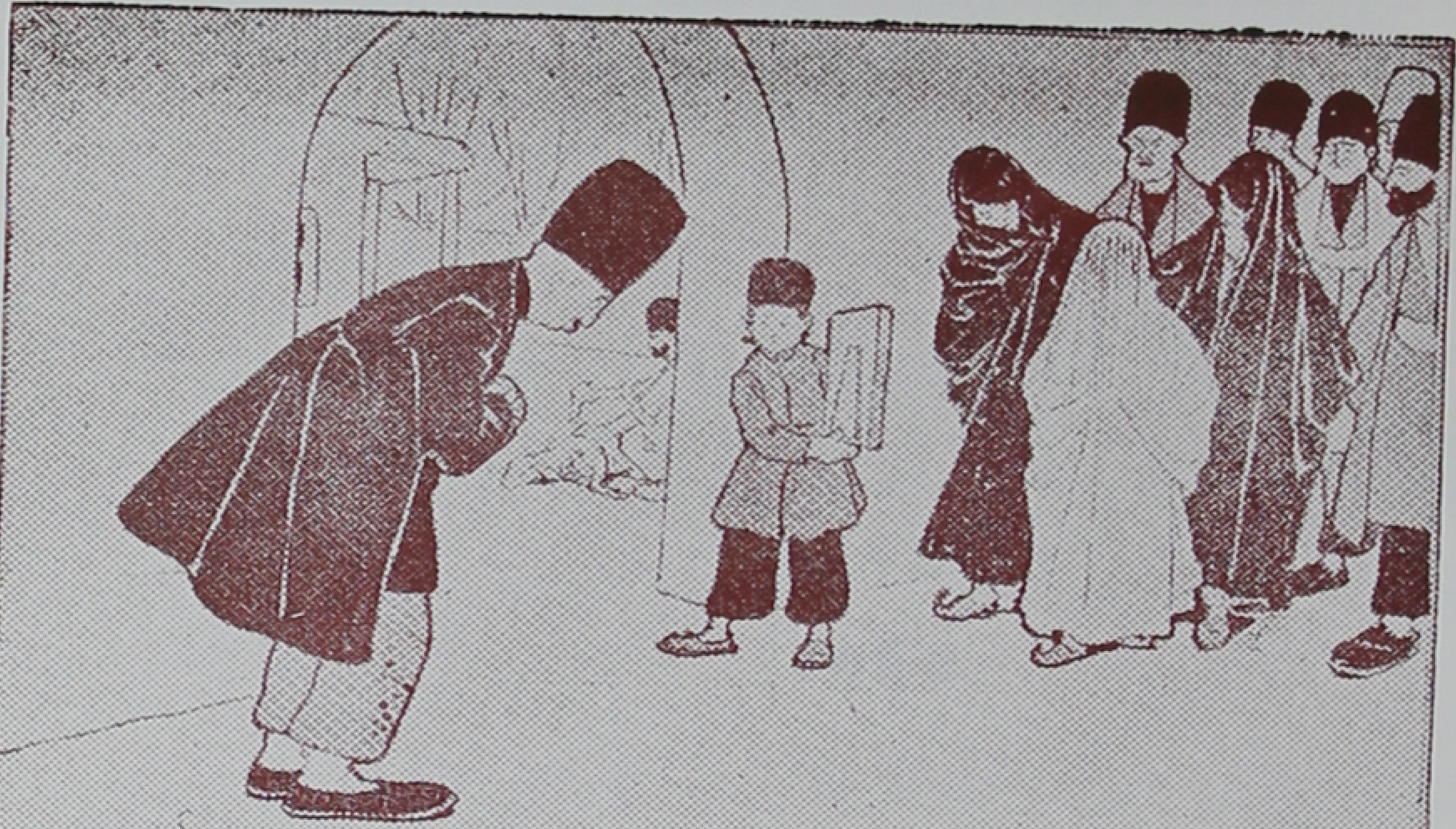
(۲) رجوع بمقدمه شود.

(۳)

آراود **Arawod**

روزنامه هفتگی بزمان ارمنی بود ، ارگان حزب داشناکسیون ارامنه بشمارمیرفت، ودرتبریز انتشار داشت . این نامه بسال هزاروسیصد وبیست هفت هجری قمری (۱۹۰۹ میلاد) پدید آمد و تامحرم هزار و سیصدو سی (ژانویه ۱۹۱۰۲) کـه روسیه تـزاری بقتل عام آزادیخواهان پرداخت ، منتشرمیشد . آراود درنتیجه عقاید آزادی طلبی نفوذ شایان توجهی درقفقازیه داشت ، و بهمین جهت از ورود آن بروسیهٔ تـزاری ممانعت بعمل می آمد ؛ وبعدها موجبات تشدید شکایات روسان تزاری راکه همیشه برای توقیف آن تلاش داشتند فراهم آورد . این روزنامه ازلحاظ درج اخبارمهم وتازهٔ تلگرافی که ازطهران واز خارجه بدست می آورد وهم ازنظرمبارزه قلمی با روزنامهٔ فارسی شفق که آن نیزدرتبریز انتشار داشت ، حایزشهرت بسزایی بود .

☆ بردیف دویست وسی ودوم از رسالهٔ رابینو مراجعه فرمایید . بر حسب رساله مذکور، شمارهٔ صدونوزدهم این روزنامه ،که من هرگز ندیده‌ام مورخ هیجدهم اکتبرهزاروسیصدو یازده میلادی است .





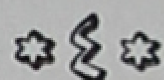
احترام به نوعروس (ازمجلهٔ ملانصرالدین چاپ قفقازیه)

Call No......... *Date*..........................

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

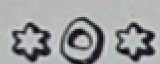


آزاد

روزنامه‌ای است که درهندوستان ، دردهلی‌سال هزاروهشتصد و هشتاد وپنج میلادی (۳ ـ ۱۳۰۲ هجری قمری) انتشار داشته ، و ما فقط ازطریق روزنامه سیدالاخبار(منتشره درحیدرآباد دکن) ازوجود آن اطلاع یافته‌ایم ، درمیان این دونامه مشاجرات ادبی وجود داشته است.



دقت: درصفحهٔ ۱٦۸ (صفحهٔ‌مقابل) سطردوم«بزبان»خوانده شده



آزاد

روزنامه هفتگی است که درکلکته (هندوستان) با چاپ سنگی دراوایل سال هزاروسیصد وهفده هجری قمری(۱۸۹۹ میلادی)بمدیریت میرزا سید حسن کاشانی (برادر سید جلال الدین مؤید الاسلام ، مدیر معروف حبل المتین کلکته)که بعد ها مدیرروزنامه حبل‌المتین طهران گشت ، انتشارداشت . میرزا سید حسن مذکور ؛ بجرم نمایندگی حبل‌-المتین‌کلکته درطهران ، دردورهٔ صدارت ثانوی امین السلطان (یااتابك اعظم) ، وبگناه حملات‌روزنامه‌مزبوربصدر اعظم مذکور، بعدازقرضه-های روسیهٔ تزاری (مورخ ۱۹۰۰ و۱۹۰۲) وصدورحکم توقیف‌روزنامه های پرورش ، حکمت وحبل المتین (طهران) ، درمعرض انتقام‌این‌صدر اعظم مقتدر واقع شد ، وبعد ازمدتی تحمل زندان و غل وزنجیر تبعید گشت ، وازطریق مصر، پیش برادرخود ، بکلکته رفت . در ایام توقف خود درآنجا بانتشارروزنامه های مفتاح الظفرو آزاد پرداخت .

٭ مراجعه شود برديف پانزده ازرساله رابینو. برحسب این‌رساله روزنامهٔ آزاد درهشتم ربیع الثانی سنه هزاروسیصد وهفده‌هجری‌قمری

(۱۵ اوت ۱۸۹۹) شروع بانتشار کرد . شمارهٔ اول آن در مجموعهٔ من موجود است . وجه اشتراك سالیانه برای‌هندوستان ، برمه‌وخلیج‌فارس ده روپیه ، برای ایران وافغانستان بیست وپنج قران ، برای چین ، ژاپن واروپا بیست‌وپنج فرانك، برای ترکیه ،عربستـان ترکیه (۱) ومصرپنج مجیدیه بوده است . دارای چاپ سنگی بسیار خوب ، وقطع هر صفحه تحریر ۷ در۱۲ ، وهرشماره هشت صفحه میباشد .



(۱) پیش ازجنك جهانی نخست(۱۹۱۸-۱۹۱٤)عربستان تحت تصرف ترکیه عثمانی بوده‌است .

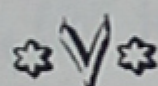
۶

آزاد

روزنامه هفتگی چاپ سنگی تبریز، دارای تصاویروطن پرستان نامی اوایل وایام اخیربود ، ومقارن پایان سال هزاروسیصد و بیست و چهارهجری قمری (آغاز هزار ونهصد و هفت میلادی) تحت نظارت کتابفروشی تربیت ، و مدیریت مستقیم میرزا رضا خان تربیت ، برادر نگارنده ومدیر کتابفروشی مذکور، و میرزا محمود خان اشرف زاده پدید آمده بود . کتابفروشی تربیت درسال هزاروسیصد وشانزده قمری هجری (۹ ـ ۱۸۹۸ میلادی) توسط نویسنده ودویا سه تن از دوستان تأسیس گشت ، ودرتاریخ بیداری آذربایجان حایزاهمیت عظیم خاصی بوده است، ودرانقلاب اخیر(مشروطه) سهم بسزایی داشته‌است. کتابفروشی مذکور، که نخستین نمونهٔ کتابفروشی باسلوب نوین در آذربایجان بود ابتدا بسیار کوچك ومحقر بود ولی بتدریج روز بروز درنتیجهٔ زحمات متمادی ومجاهدات متوالی ، دامنهٔ عملیات خویش را وسیع کردوموقعیت خود را بالابرد ، چنانکه کتابهای مفید بهرزبانی ازهرطرف دنیاازطرف این کتابفروشی (ازخارج وارد) و درتبریزانتشار می یافت ، بدینطریق کتابفروشی تربیت درحقیقت بهترین ومهمترین وجامع ترین کتابفروشی

سرتاسر تمام ایران گشت، وهمه ساله فهرستی بسبک اروپا ازطرف این مؤسسه نشرمیشد؛ بدین ترتیب، کتابفروشی مذکوریکی ازمراکزفعالیت سیاسی آزادیخواهی درآذربایجان بود، تا حادثهٔ هائلهٔ ارتجاع (بیست و سوم جمادی الاول سنهٔ هزاروسیصد وبیست وشش هجری قمری مطابق بیست وسوم ژوئن هزارونهصد وهشت میلادی - کودتای محمد علی شاه) پیش آمدودرغائلهٔ مزبور مؤسسهٔ مذکوررا ارتجاعیون واوباش واراذلی که پیرو رحیم خان قره داغی بودند، غارتیدند و سوزاندند. روزنامهٔ آزاد از لحاظ روش سیاسی آزادیخواه ومشروطه طلب کامل بود.

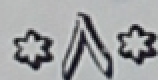
☆ رجوع فرمائید برساله را بینو، ردیف چهاردهم. شماره های دوم وسوم وچهارم این روزنامه درتصرف من میباشد. شمارهٔ نخست مورخ بیست وچهارم ذی الحجه سنهٔ هزاروسیصد وبیست وچهارهجری قمری (هشتم فوریه هزارونهصد وهفت میلادی) است. شمارهٔ دوم دارای تصویر محمد علی (که در آن ایام شاه بود) میباشد، ودرشمارهٔ سوم تصویر سید جمال الدین است و این آخری بقلم سید عباس الحسینی رسم شده هرشماره درتبریزسه شاهی ووجه آبونمان سالیانه هفت قران؛ ولی در شهرستانها وخارجه پانزده قران میباشد. صفحات هرشماره چهاروقطع آن ۱۳ درشش ونیم است. دارای خط وچاپ سنگی خوب میباشد.



آزاد

روزنامهٔ هفتگی است که درطهران بسال هزاروسیصد وبیست و هفت هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) انتشارداشت .

☆ رابینوچیزی دراین باره ندارد ونسخه‌اش دیده نشده است .



آزادی

روزنامهٔ دوهفتگی طبع استانبول بسال‌هزاروسیصدوبیست‌وهفت هجری قمری (۱۹۰۹ میلادی) بمدیریت حسن ناجی خویی . فقط یک شماره ازاین روزنامه بتاریخ هشتم محرم (۳۰ ژانویه ۱۹۰۹) انتشار یافته است .

☆ رابینوچیزی دراین باره ندارد ونسخهٔ آن دیده نشده .

۹

آزادی

روزنامه‌ای است که درطهران انتشارداشته، ومستررابینو بدون ذکر هیچگونه خصوصیاتی آن را (درردیف شانزده) رسالهٔ خود آورده است نویسنده اطلاعی ازاین روزنامه ندارد .

۱۰

آزادی چه چیزاست

این روزنامه‌درطهران بسال هزار وسیصد و بیست وشش هجری قمری (۱۹۰۸میلادی) طبع شده است .

✲ برديف هفده‌ازرسالهٔ رابینومراجعه‌شود. شمارهٔدوم‌این‌روزنامه مورخ پانزده ربیع‌الثانی هزاروسیصد وبیست‌وشش هجری‌قمری (هفدهم مه ۱۹۰۷) بوده است .

۱۱

آزد - آرار - ۱ (Azd-Arar)

روزنامهٔ هفتگی بزبان ارمنی کـه درتبریز انتشار داشته است . مستر رابینو بدون ذکر هیچگونه خصوصیاتی آن را (درردیف دویست وسی وشش)دررسالهٔ خود درآورده است .

۱۲

آستك آریویلان -۱ (Astgh -Arevean)

روزنامهٔ هفتگی بزبان ارمنی بود که‌درطهران بسال‌هزاروهشتصد ونود وسه‌میلادی (۱۱ ـ ۱۳۱۰ هجری قمری) انتشارداشته است .

✲ برديف دويست وسى ويك‌ازرسالهٔ‌رابينو مراجعه‌شود.مشاراليه نيزازذكرجزئيات‌خودداری کرده‌است .

---

(۱) آژیر

(۲) ستارهٔ شرق

۱۳

آفاق

روزنامه‌ای است که بسال‌هزاروسیصد وبیست وهفت هجری‌قمری (۱۹۰۹ میلادی) درشیرازمنتشرمی شده‌ودر(ردیف‌بیست وچهار)ازرسالهٔ مسترراابینو ذکرشده است . نویسنده هیچگونه اطلاعی از آن ندارد .

۱۴

آفتاب

مجلهٔ ادبی وعلمی است که دراصفهان بمدیریت میرزامحمودخان س . طهرانی انتشارمی یابد•شیخ محمد باقر(فرزند حاجی شیخ محمد تقی اصفهانی ، مشهوربه آقا نجفی) یکی‌ازروحانیون روشنفکرمعاصر درتأسیس و ترویج این نامه که شماره نخست آن دربیستم ربیع الاول هزار وسیصد ونه هجری قمری (۲۱ مارس ۱۹۱۱ میلادی) نشرشده ،

مؤثر بوده است ، روش سیاسی آفتاب دموکراتیك می باشد وهنوز هم انتشار می یابد.

☆ بردیف بیست وپنجم ازرسالهٔ رابینو مراجعه‌فرمائید. دوشمارهٔ نخست از این مجله درمجموعهٔ اینجانب موجود میباشد. شمارهٔ اول با جلد کاغذی‌سرخ‌رنگی‌تجلیدشده، ومحتوی پنجاه‌وشش‌صفحه بقطع‌شش و نیم درسه وسه‌ربع است.

بهای هرشماره دراصفهان یك قران ودرنقاط دیگرسی شاهی‌می باشد. وجه اشتراك سالیانه برای اصفهان یك تومان ، ودرنقاط دیگر ایران دوازده هزار؛ وبرای خارجه چهارده قران است.



(۱۵)

آفتاب

این روزنامه بقطع بزرگ یك روزدرمیان درطهران بسال هزارو سیصد وسی هجری قمری (۱۹۱۲ میلادی) بمدیریت میرزا عبدالحسین ابن‌عبدالوهاب منتشرمی شده است. آفتاب بهزینه و حمایت دولت وقت بعد از کودتای اول محرم هزاروسیصد وسی هجری قمری (بیست و دوم دسامبر ۱۹۱۱) وتوقیف تمام روزنامه های آزاد تهران ، انتشار داشت‌و ارگان نیم رسمی دولت بود. این روزنامه از اقدامات دولت دفاع می‌کرد وازمخالفین انتقاد بعمل می آورد وسعی درجلب موافقت سفارتین روسیهٔ تزاری وانگلستان داشت. سرمقاله های مهم آفتاب بشخص‌وزیر امورخارجه وثوق الدوله اسناد داده می شد. مدیر آن دراوایل یکی‌از مخبرین ایران نوبود. مشی سیاسی آفتاب اعتدالی بود.

☆ درفهرست رابینو که پیش ازپیدایش آفتاب‌انتشار یافته، نیامده است.

(۱٦)

آگاهی

روزنامهٔ هفتگی است که بسال هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) درطهران باچاپ سنگی منتشر گشته.

☆ رابینو این نامه را ذکرنکرده ومن ندیده‌ام .

(۱۷)

آموزگار

روزنامهٔ دوهفتگی که درطهران بسال هزاروسیصدوبیست وشش هجری قمری (۱۹۰۸ میلادی) بمدیریت شیخ علی عراقی منتشرشده‌است

☆ برديف سی ویك ازرسالهٔ رابینو مراجعه شود. شمارهٔ سوم که مورخ نوزدهم ربیع الاول هزار وسیصد وبیست و شش هجری قمری و بیست ویکم آوریل هزارونهصد وهشت میلادی است ، در مجموعه من موجود است.

وجه اشتراك سالیانه چهار قران برای ایران ، پنج فرانك برای خارجه، بقطع یازده وربع درشش وسه ربع می باشد .

(۱۸)

آموزگار

روزنامهٔ هفتگی که بسال هزار سیصد وبیست نه هجری قمری (۱۹۱۱ میلادی) بمدیریت میرزا محمد تقی شیرازی دررشت چاپ‌می‌شده است •

☆ بردیف سی ازرسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید• برحسب این‌رساله آموزگاردرتاریخ هفتم جمادی الثانی هزار و سیصدوبیست ونه هجری قمری (پنجم ژوئن ۱۹۱۱ میلادی) تأسیس شده وخط مشی دموکراتیک داشته است•ازشمارهٔ یك تا بیست وچهاردرمجموعهٔ من‌موجود میباشد. هرشماره دارای چهارصفحه بقطع ۱۲ در۷ است• آبونمان سالیانه‌برای رشت شش قران نقاط دیگر ایران هشت قران ، و برای خارجه دوازده هزار است •

☆☆☆☆☆

☆☆☆

☆

(۱۹)

آنادیلی (زبان مادری)

روزنامه‌ای است که درتبریزبزبان آذری (ترکی آذربایجـانی) بعنوان بخشی ازروزنامهٔ عدالت ، بضمیمهٔ آن ازطرف همان اداره‌منتشر میشده است .

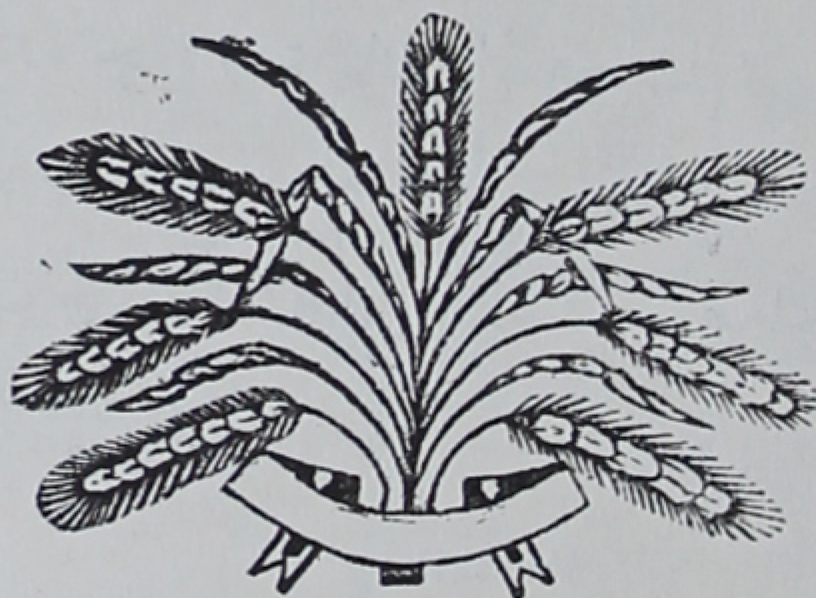
☆ رابینوذکری ازاین‌روزنامه‌نکرده است .

(۲۰)

آئینهٔ غیب نما

روزنامهٔ مصوردوهفتگی است که درطهران بسال‌هزاروسیصد و بیست وپنج هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) با چاپ سنگی بمدیریت‌سید عبدالرحیم کاشانی منتشرمیشده . آئینه غیب نما دردورهٔدوم مشروطیت ازنودررجب هزاروسیصد وبیست ونه هجری‌قمری(ژوئیه ۱۹۱۱میلادی) انتشاریافت.

☆ بردیف چهل و دوم ازرساله رابینو مراجعه شود • شماره های
هفت ، دوازده ، بیست ، بیست ویک وسی ویک تـا سی وسه ازسال اول،
وشمارهٔ ششم ازسال دوم درمجموعهٔ من موجوداست . اولی بتاریخ بیست
ودوم جمادی الاولی هزاروسیصدوبیست وپنج هجری قمری وچهارم ژوئیه
۱۹۰۷ میلادی میباشد • وجه اشتراك سالیانه در طهران بیست و پنج
قران ، برای شهرستانها سه تومان وبرای خارجه هفده فرانك میباشد•
هرشماره دارای چهارصفحه بقطع ۱۲ درهفت وربع است• شمارهٔ آخر
ازمجموعهٔ اینجانب مورخ ببست و ششم رجب هزاروسیصد وبیست ونه
هجری قمری مطابق بیست وسوم ژوئیه ۱۹۱۱ میلادی میباشد •
آئینه غیب نما دارای کاریکاتورها وتصاویر خشنی ازوطن پرستان
معروف است•



(۲۱)

آی ملاعمو

روزنامه‌ای است که بزبان آذری (ترکی آذربایجانی) و ازقرار مسموع بقطع خشتی ، بقلم ومدیریت میرزا احمد ، مدیرمدرسهٔ بصیرت ومدیر روزنامه های اخوت، اتحاد، واسلامیه ، با چاپ سنگی در تبریز انتشارداشته است. بنابگزارش دیگر، آی ملاعموبمدیریت میرزا حسن وسعید السلطان‌منتشرمیشده.این روزنامه درسال هزاروسیصد وبیست‌و شش هجری قمری (۱۹۰۸ میلادی) بوسیلهٔ ارتجاعیون واعضای انجمن اسلامیه مقیم دوه چی (شتریان) از محلات تبریز ، برای تحریک مردم علیه مشروطیت نشرمیشده است.

☆ بردیف چهل وسه ازرساله رابینومراجعه شود.

☆☆☆☆☆

☆☆☆

☆

حشرات الارض

نمره ۱۲





ازمجلهٔ (ملا نصرالدین)

Call No..........   *Date*.........................

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

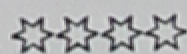
This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

«۲۲»

ابلاغ

روزنامهٔ هفتگی است که بسال هزاروسیصدوبیست وچهارهجری قمری (۱۹۰٦ میلادی) در تبریز بمدیریت مشهدی محمود اسکندانی، نویسندهٔ نامهٔ نظمیهٔ تبریز، باچاپ سنگی منتشرمی شده.

☆ ردیف یك ازرساله رابینو ملاحظه شود٠ بر حسب این رساله شماره های اول وششم(که فقط آنها دیده شده) فاقد تاریخ می باشد٠ شمارهٔ اول ابلاغ درمجموعهٔ من موجود است، ودارای چهارصفحه بقطع یازده‌ونیم درشش وسه ربع باخط نسخ ممتازی نگاشته شده٠ آبونمان سالیانهٔ درتبریزهفت قران وبرای نقاط دیگرایران یك تومان است.







٭۲۳٭

اتحاد

این روزنامه باچاپ سنگی بسال هزاروسیصدوبیست وچهارهجری قمری (١٩٠٦ میلادی) بمدیریت میرزا احمد کاتب تبریزی معروف به بصیرت درتبریزانتشارداشته ، مشارالیه سابقاً مدیرمدرسهٔ بصیرت بوده ونام آن عنوان وی شده است. فقط چندشماره ازاتحادمنتشرشده.

٭۲٤٭

اتحاد

روزنامهٔ دوهفتگی است که درطهران بسال هزاروسیصدوبیست وپنج هجری (١٩٠٧ میلادی) بمدیریت معتمدالاسلام رشتی انتشارداشته ٭ برديف سه ازرساله رابينومراجعه شود . ازشمارهٔ دوم تابیستم درمجموعهٔ اینجانب موجود است. ابتدای این دوره مورخ پنجم ربیع - الثانی سنهٔ هزاروسیصد وبیست پنج هجری قمری (١٨مه١٩٠٧میلادی) میباشد. معمولادارای چهار صفحه بقطع یازده‌در شش و سه ربع است. وجه اشتراك سالیانه درطهران پانزده قران ، برای ولایات دو تومـان درروسیهٔ تزاری پنج روبل ، برای هندوستان‌هشت روپیه میباشد .

«۲۵»

اتحاد

روزنامهٔ دوهفتگی است که بسال‌هزاروسیصدوشش هجری‌قمری (۱۹۰۸ میلادی) درتبریز تحت نظرانجمن اتحاد ، یکی از انجمنهای غیررسمی مشروطه خواهان ، انتشارداشته . ازاین انجمنها دردورهٔ اول مشروطیت در اغلب شهرهای ایران بسیار وجود داشته است. مجامع مزبورابتدا درطهران پدید آمد وازآنجا بنقاط‌دیگرشیوع یافت.انجمن اتحاد یکی ازانجمنهای ایالتی غیررسمی مذکوربودکه توسط‌نگارنده پس ازمراجعت ازطهران ، مقارن پایان سال هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری (۸ ـ ۱۹۰۷ میلادی) اولین بار (درتبریز) پدید آمد. روزنامهٔ اتحادکه ارگان این انجمن بود ، درآغازصفرسنهٔ هزاروسیصد وبیست وشش هجری قمری (مارس ۱۹۰۸میلادی) شروع بانتشار کرد. پس ازآشوب کوچك (اختلال صغیر) تبریز (یعنی ستیزه و کشمکش ارتجاعیون مجتمع در کوی دوه چی ، بامشروطه‌خواهان کویهای‌دیگر شهر،درذوالحجهٔ هزار وسیصد وبیست و پنج هجری قمری مطابق با ژانویه ۱۹۰۸ میلادی) این روزنامه بدفاع از آزادیخواهان و مخالفت

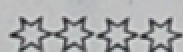
بامر تعجین دوه‌چی پرداخت ، ارتجاعیون نیزانجمن اسلامیه را پدید آورده ، روزنامهٔ آی ملاعمو(شماره بیست ویك ازاین فهرست)رابزبان آذری (ترکی آذربایجانی) دردوه‌چی ارگان خود قرارداده بودند ۰ روزنامهٔ اتحادمختصری را که میرزاملکم خان بشکل درام تحت عنوان اشرف خان ، حکمران عربستان (۱) نگاشته بود بطور ضمیمه بترتیب پاورقی منتشرمی ساخت ، این اثردارای چهارپرده وبایك اسلوب بسیار شگفت انگیزوجذابی حکام رژیم قدیم استبدادی را انتقاد میکرد .

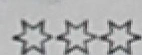
اتحاد تاآغازبلوای بزرك (انقلاب کبیر) تبریزانتشارداشت . این روزنامه درسیاست آزادیخواه یا رادیکال ومشروطه طلب بود .

☆ بردیف دوم ازرسالهٔ رابینومراجعه فرمائید . شماره های۱و۲ و۵و۷و۸ اتحاد درمجموعهٔ اینجانب موجود است۰هرشماره دارای چهار صفحه بقطع یازده وربع درهفت ونیم می باشد۰ وجه اشتراك سالیانه درتبریزدوازده قران، برای نقاط دیگرایران شانزده هزار،وبرای خارجه دوتومان بود۰

---

(۱) منظورازعربستان ایالت خوزستان است . م ۰ ع







«۲۶»

اتحاد

روزنامه‌ای‌است که بسال هزاروسیصدوبیست وهشت‌هجری‌قمری (۱۹۱۰ میلادی) دریزد با چاپ سنگی منتشرمیشده است.

☆بردیف چهارازرساله‌رابینومراجعه‌شود.مشارالیه متذکرمیشود که‌فقط دویا سه شماره ازآن انتشاریافته.



«۲۷»

اتحادیهٔ سعادت

روزنامه هفتگی که در طهران بسال هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) نشرشده است.

☆ رابینوذکری از آن بمیان نیاورده .

«۲۸»

اتفاق

این روزنامه بطور هفتگی درارومیهٔ آذربایجان بسال هزارو سیصد وبیست هشت هجری قمری (۱۹۱۰ میلادی) بمدیریت حاجی میرزا ابراهیم طهرانی انتشاریافته است.

☆ رابینواین روزنامه را ذکرنکرده .

۲۹

اتفاق

روزنامهٔ دوهفتگی است که دررشت بسال هزاروسیصدوبیست‌ونه هجری (هزارو نهصدو یازده میلادی) بمدیریت معصوم زادهٔ شکوری و ح. (جمشیدزاده)باچاپ سربی‌انتشار داشت . این نشریه ارگان‌حزب « اتحاد وترقی » بوده است .

* مراجعه بردیف پنج ازرسالهٔ‌رابینو شود ،که طبق آن شمارهٔ نخست اتفاق مورخ شانزده جمادی‌الثانی سال هزارسیصدوبیست و نه هجری مطابق چهاردهم ژوئن هزارو نهصدو یازده میلادی بوده است. من نیز یك‌شماره (نمرهٔ یك) روزنامهٔ هفتگی بچاپ سنگی بهمین‌نام دارم ،که آن‌نیز در رشت منتشرشده، ومورخ بیست‌ویکم ربیع‌الاول هزارو سیصدو بیست‌وهفت هجری ودوازدهم آوریل هزار و نهصدونه میلادی است ،و بوسیلهٔ میرعبدالباقی وعلی‌آقا نظمی ، بانیان مدرسهٔ اتفاق‌بطبع رسیده است .

این نامه مشتمل بریك قطعه شعرلطیفی است کـه خطاب بـه محمدعلی، که در آن ایام شاه ایران بوده ، سروده شده است .

۞۳۰۞

اتفاق کارگران

روزنامه ایست که درتهران بوسیلهٔ شورای متحدهٔ طابعین (اتحادیهٔ کارگران مطابع) انتشار یافته ؛ ومولود اعتصابی بوده است که بمنظور حصول ووصول تقاضاهای نه گانهٔ کارگران از صاحبان و کارفرمایان چاپخانه‌های سربی ترتیب داده شده بوده است . این نامه طی مدت اعتصاب بسال هزاروسیصدو بیست‌وهشت هجری قمری (هزار و نهصدو ده میلادی) انتشار داشته است .

این اعتصاب واین روزنامه ، هردوحایز اهمیتی تاریخی خاصی است ، ازلحاظ اینکه نخستین تظاهرات جنبش اجتماعی یا اشتراکی در ایران بشمار میرود .

اگر چه پیش از نهضت مزبور اعتصابات دیگری صورت گرفته بود، ولی اینها صورت اعتصابهای اروپائی را نداشته است، ازاتفاق کارگران بیش ازچهار یاپنج شماره انتشار نیافت . روش سیاسی آن اجتماعی (سوسیالیست) بوده است .

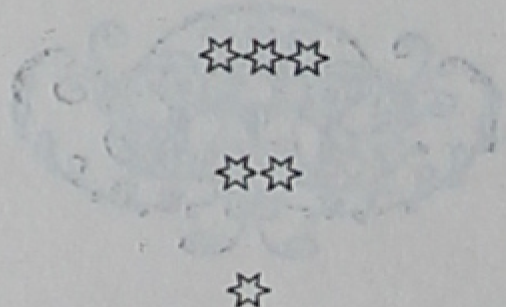
۞ رابینو ذکری از این روزنامه نکرده ، و دیده نشده است .

﴿۳۱﴾

احتیاج

روزنامه‌ایست هفتگی که در تبریز بسال هزار و سیصد و شانزده هجری قمری (۹ـ۱۸۹۸ میلادی) بمدیریت علیخان، معروف به صفروف باچاپ سنگی انتشاریافته ، و ما در مقدمه شده ای در بارهٔ مشارالیه و نامه‌اش صحبت کردیم (ص و) .

☆ ردیف شش ازرسالهٔ راینو ملاحظه شود . برحسب این رساله فقط هفت شماره(که نخستین آن مورخ شانزدهم محرم هزار و سیصد و شانزده هجری قمری مطابق ششم ژوئن هزار وهشتصد و نود و هشت میلادی است) ازروزنامهٔ احتیاج منتشرشده ، بنا بخواهش امیر نظام نام روزنامهٔ مورد بحث باقبال تبدیل یافته ، وهشت شماره بدین‌نام منتشر گردیده‌است .



٭۳۲٭

احیاء

روزنامهٔ هفتگی است، که بمدیریت حاجی میرزا عبدالحسین در شیراز بسال هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری (۱۹۱۱ میلادی) انتشار یافته.

٭ ردیف هفتم از رساله رابینو مطالعه شود. شمارهٔ چهار این روزنامه، مورخ دوشنبه سوم ربیع الثانی سنه هزاروسیصد وبیست و نه هجری قمری (۳ آوریل ۱۹۱۱). در مجموعهٔ اینجانب موجود است، ودارای چهار صحفه بقطع ۱۳در۷ویکربع میباشد. وجه آبونمان سالیانه برای شیراز شش قران است.



«۳۳»

اخبار امروز

روزنامه‌ای است که درطهران بتاریخ شوال هزار وسیصد وبیست ونه هجری قمری (سپتامبر- اکتبر ۱۹۱۱) انتشاریافته. نام ناشردرپائین صفحه فقط علی آمده است.

✡ رابینو این روزنامه را ذکرنکرده است.

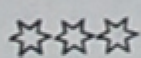


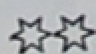
«۳۴»

اختر

روزنامهٔ هفتگی است که در استانبول چاپ میشده . انتشار این نامه بسال هزار و دویست و نود و دو هجری قمری (۱۸۷۵ میلادی) تحت‌مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی، که هنوزحی است، آغاز یافته.

☆ ردیف هشتم ازرساله رابینو دیده شود. دورهٔ شایان توجهی از شماره‌های اختر، ازسالهای چهاردهم وهفدهم درمجموعهٔمن موجوداست(مه ۱۸۸۸، فوریه ۱۸۹۱) . این روزنامه درحدود سال هزاروهشتصد ونود و پنج یا نود و شش میلادی تعطیل گشت . وجه اشتراك سالیانه برای ترکیه پنج مجیدیه ، در ایران بیست وپنج قران ، برای اروپا بیست و پنج فرانك والخ ، میباشد. هرشماره معمولا دارای هشت صفحـه بقطع ۱۳ در۸ونیم است. ☆







۳۵

اخوت

روزنامهٔ هفتگی که در تبریز بسال هزار و سیصد و بیست وچهار قمری (۱۹۰۶میلادی) بمدیریت میرزا احمد مشتهر به بصیرت ، که ناشر نامه اتحاد (ردیف بیست وسه ازاین کتاب) نیز بود. باچاپ سنگی انتشار یافته است.

☆ رابینو ذکری ازاین نامه نکرده ، ودیده نشده .



اخوت

روزنامه‌ای است هفتگی که دررشت (نه دریزد، چنانکه درنسخهٔ خطی اصلی آمده) بسال هزاروسیصدوبیست وهشت هجری قمری انتشار یافته.

☆ ردیف ده ازرسالهٔ رابینودیده شود . برحسب این رساله ، فقط سیزده شماره از اخوت بطورغیرمرتب منتشرشده است. شمارهٔ نخست مورخ هشتم شعبان هزاروسیصد وبیست وهشت هجری قمری (پانزدهم اوت ۱۹۱۰) ونمرهٔ آخربتاریخ بیست وچهارم جمادی‌الثانی هزاروسیصد وبیست ونه هجری قمری (بیست ودوم ژوئن ۱۹۱۱) میباشد. مدیرنامه ابتدا مویدوبعدمولوی‌است. هرسیزده شماره درمجموعه اینجانب‌موجود میباشد. نمرهٔ دوم وسوم عنوان اخوت عالی دارد.

این روزنامه ادبی ومحتوی بحث خوبی در بارهٔ اشعار میباشد. هرشماره دارای چهارتاشش‌صفحه بقطع ۱۲در۸ونیم است. وجه آبونمان سالیانه دررشت یك تومان وبرای نقاط دیگرایران ۱۲ قران میباشد.☆

«۳۷»

اخوت

روزنامهٔ هفتگی است که در بغداد بسال هزار و سیصد و بیست و هشت هجری قمری (۱۹۱۰ میلادی) بمدیریت محمد تقی یزدی انتشار یافته. این نامه درسیاست آزادیخواه ومشروطه طلب بوده است.

☆ ردیف نهم از رساله رابینو ملاحظه شود. بر حسب این رساله شمارهٔ نهم اخوت مورخ ششم ربیع الثانی هزاروسیصد وبیست و هشت هجری قمری (۲۷ آوریل ۱۹۱۰) میباشد. شماره هیجدهم از این نامه درمجموعهٔ اینجانب موجوداست که بتاریخ چهارم شعبان هزاروسیصدوبیست وهشت هجری قمری (یازدهم اوت ۱۹۱۰) انتشار یافته، و دارای هشت صفحه بقطع ۹ ویکربع در۶ونیم است. وجه آبونمان سالیانه در بغداد سی پیاسترمیباشد، وبرای نقاط دیگر (امپراطوری) ترکیه چهل؛ برای ایران دوتومان، برای روسیه پنج روبل. جهت اروپا ده فرانك ودرهندوستان شش روپیه میباشد.

«۳۸»

ادب

روزنامهٔ هفتگی است که بخط تعلیق باچاپ سنگی بسال هزار و سیصد وشانزده هجری قمری (۹_۱۸۹۸میلادی) در تبریز انتشار یافته. صاحب وناشراین نامه میرزا صادق خان‌ادیب الممالك ، یکی ازسادات قایم مقامی ، از اخلاف میرزا ابوالقاسم فراهانی ، مشتهر به قایم مقام ، صدراعظم محمد شاه قاجار بوده است . روزنامهٔ ادب مزین بتصاویر دانشمندان معروف ومردان بزرك جهان ومشتمل بربعضی مقالات‌علمی ترجمه یا تحریر میرزا نجفقلی‌خان قایم مقامی ، طبیب بود . پس از انتشار شمارهٔ هفدهم مدتی این روزنامه تعطیل گشت ، تا اینکه مدرسهٔ لقمانیه بمدیریت ادیب‌الممالك تأسیس وافتتاح یافت، ودر این موقع ادب نیز دوباره بنظارت وهزینهٔ مدرسه مزبور شروع بانتشار کرد. فقط سه یا چهارشماره بخط نسخ با چاپ سنگی مزین بتصاویر قایم مقام ، میرزاتقی خان‌امیرنظام(امیر کبیر)ودیگریهامنتشرشد، چون‌ادیب‌الممالك از مدیریت مدرسه استعفا کرد . مشارالیه يك شماره دیگر (نمرهٔ آخر) نیز ازروزنامهٔ خودرا درتبریز انتشارداد ، واندکی بعداز تعطیل ثانوی

ملا نصرالدین

N° 36. | قیمتی ۱۳ قپیک | ۳۶



از مجله ملانصرالدین چاپ قفقازیه

Date...........................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

نامه ، بصوب مشهد رهسپار گشت . بعضی قطعات نظم و قصاید خود ادیب الممالك ، که یکی از شعرای بسیار بزرك معاصر ایران است ، معمولا در این روزنامه درج میشد . ازشعرهای نفیس ادیب الممالك فقط یکی - رثایی درچهارده بند - در تبریز طبع شده بود.

☆ردیف دویست وسی وهفت از رساله رابینو دیده شود . برحسب این رساله تاریخ شمارهٔ اول پانزده شعبان هزار وسیصد و هفده هجری قمری (بیست وهشتم دسامبر ۱۸۹۸ میلادی) می باشد، و گفته شده که فقط سه شماره انتشار یافته . ازروزنامه ادب تبریز نسخه‌ای در مجموعه من نیست .



۳۹

ادب

روزنامه هفتگی است که در مشهد بسال هزار و سیصد و هجده هجری قمری (۱ـ۱۹۰۰ میلادی) با چاپ سنگی انتشار یافته. ناشر این نامه نیز ادیب الممالك مذکور است، و در مشهد تا سال هزار و سیصد و بیست هجری قمری (۳ـ۲ـ۱۹۰۲ میلادی) نشر ادب ادامه یافته.

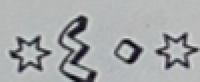
☆بردیف یازده، از رساله رابینو مراجعه شود. برحسب این رساله روزنامهٔ ادب مشهد از چهارم رمضان هزار و سیصد و هیجده هجری قمری (بیست و ششم دسامبر ۱۹۰۰ میلادی) تا بیست و هشتم شوال هزار و سیصد و بیست (بیست و هشتم ژانویه هزار و نهصد و سه) ادامه داشته. نام ادیب ـ الممالك، میرزا صادق خان فراهانی است (۱). شماره‌های یك تا نه در مجموعهٔ اینجانب وجود دارد. هر نمره دارای هشت صفحه بقطع ۱۲ در

---

(۱) شرح حال ادیب الممالك بقلم خود وی (اتوبیوگرافی) از طرف مترجم و محشی این سطور در قسمت «تاریخ ادبیات» درج شده است. م. ع

۸ ونیم، وبخط نسخ درشت است که با سنگ بطبع رسیده . وجه اشتراك سالیانه درمشهد دوتومان، درنقاط دیگرایران بیست وپنج قران ، برای قفقازیه وروسیه شش منات، برای ترکیه سه مجیدیه ، در هندوستان ده روپیه ، وبرای اروپا دوازده فرانك است.





ادب

روزنامهٔ هفتگی ادب بعداً در طهران بسال هزار وسیصد وبیست دوهجری قمری (۱۹۰۵ـ۵ میلادی) باچاپ سنگی انتشاریافته. این روز-نامه ابتدا بمدیریت وقلم ادیب‌الممالك مذکور، بانی‌دودوره ازروزنامه بهمان نام ادب در تبریز و مشهد، وسپس ازطرف مجدالاسلام کرمانی، مدیروناشر ندای وطن، کشکول ومحاکمات، انتشار داشته‌است.

ادیب الممالك پس از تأسیس و انتشار ادب (طهران)، کمی بعد آنرا بمجدالاسلام منتقل ساخت، وخودش بباکورفت، و درآنجا بنشر ضمیمه فارسی روزنامه ترکی‌ارشاد متعلق به‌احمدبیك آقایف پرداخت. بعد ازانتشاریازده شماره از این ضمیمه دردورهٔ نخست مشروطیت به-طهران مراجعت کرد، ودراین‌موقع انجمنهای بسیاری از طرف مشروطه خواهان بوجودآمده بود.

ادیب الممالك پس از برگشت بپایتخت روزنامهٔ عراق عجم را پدیدآورد، که ارگان‌مطبوعاتی انجمنی بهمین نام بود.

☆ ردیف یازده از رساله را بینو را ملاحظه فرمائید. برحسب این رساله شماره سوم (ادب طهران) مورخ هشتم صفر سنه هزار و سیصد و بیست ودوهجری (۲٤ آوریل 1904) و نمرهٔ صدوهشتاد ونهم بتاریخ چهارده ربیع الثانی سال هزارو سیصد وبیست وچهار هجری قمری (۷ ژوئن ۱۹۰٦) است شماره‌های چهل ، چهل وشش وصدوهشتاد وهشت که همه چاپ سنگی‌میباشد ، درمجموعهٔ اینجانب موجود است . هرشماره دارای چهارتاهشت صحیفه بقطع $8\frac{1}{2} \times 12\frac{1}{2}$ و بطور کلی دارای تصویری درصفحه نخست وکاریکاتوری درآخراست . وجه آبونمان سالیانه درطهران بیست وچهارقران ، برای محصلین درطهران و مشهد دوتومان ، برای نقاط دیگر ایران سه تومان ، درروسیه وقفقازیه هشت منات ، برای ترکیه ومصرچهارمجیدیه، درهندوستان وچین پانزده روپیه وبرای اروپا وآمریکا بیست فرانك است .

شماره‌های صدوشصت ویك (سال چهارم) مورخ هجدهم رجب هزارو سیصدوبیست وسه هجری قمری = سیزدهم سپتامبر هزار و نهصدوپنج میلادی،صدوهشتادوچهار (سال پنجم) بتاریخ دوم ربیع‌الثانی سنه‌هزاروسیصدوبیست وچهار = بیست وششم مه هزارونهصدوشش ، وشماره صدوهشتادونه مورخ شانزده روز بعد ؛ که هرسه در تصرف من میباشد، سربی چاپ‌شده است .

اینها درچاپخانه خورشید طهران طبع شده،اولی فاقد نام طابع میباشد . بهای اشتراك اندکی گرانتر ازچاپ سنگی مذکور است .

۴۱

ارشاد

ضمیمهٔ فارسی نیم ورقی روزنامهٔ یومیه ترکی ارشاد طبع باکو بسال هزاروسیصدوبیست وسه هجری نمری (۶ ـ ۱۹۰۵)میلادی است

این ضمیمه را ادیب‌الممالك مذکور می‌نگاشت ومدیریت آن با احمد بیك آقایف قراباغی بوده .

۴۲

ارمیا ارتدوکسیاتا (Urmiya Orthodoxyaita)

روزنامه‌ای‌است که‌درارومی بزبان کلدانی (سریانی) برای‌پیشرفت آئین ارتدوکس انتشارداشته .

* ٤٣ *

استقلال

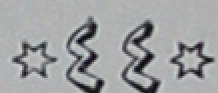
روزنامه‌ای‌است که‌یك روزدرمیان‌در تبریز بسال هزارو سیصدو بیست وهفت هجری قمری (۱۹۰۹ میلادی) بمدیریت میرزا آقا تبریزی مشهور به نالهٔ ملت منتشر میشده ، وجه تسمیهٔ مشارالیه بدین عنوان آنکه ، اورا روزنامه دیگری بوده بنام نالهٔ ملت ، که برحسب مرسوم ایران ، بهمین نام خوانده میشده است . این روزنامه (استقلال) نتیجهٔ اجتماع مشروطه‌خواهان‌ومدافعین تبریز بسرپرستی ستارخان وباقرخان درکنسولگری عثمانی تبریزبود که بعلت تجاوزات مداوم سپاهیان تازه رسیدهٔ روسیه تزاری درجمادی الاولی هزاروسیصدوبیست وهفت‌هجری قمری ، درآنجا تحصن اختیار کرده بودند . پناهندگان‌هیأتی(کمیته‌ای) از مردان مجرب ودانشمندرا ازمیان خودبرگزیده بودند، که انتشار و اداره روزنامه با هدایت ونظارت آن انجام میشد . ازجملهٔ اعضای‌هیأت مزبورسیدمحمد رضای شیرازی ، مدیرروزنامهٔ مساوات ، که درآن‌ایام درتبریزاقامت داشت ، ومیرزااحمد قزوینی بودند ، کـه هر دو بعداً در

(دورهٔ دوم) مجلس شورای ملی از تبریز بنمایندگی برگزیده شدند ، استقلال تا سنهٔ هزاروسیصدوبیست وهشت هجری قمری (۱۹۱۰ میلادی) انتشارداشت . این روزنامه درسیاست آزادیخواه (۱) و مشروطه طلب بود ولی چنانکه مستررابینو آورده ، روش دموکراتیك نداشت .

☆ ردیف هیجده ازرساله رابینو ملاحظه شود . برحسب مندرجات این رساله ، شمارهٔ هفتم استقلال مورخ بیست ودوم رجب هزاروسیصد وبیست وهفت هجری (نهم اوت هزارونهصدونه میلادی) ، وشمارهٔ چهل وهفتم بتاریخ پنجم ربیع الثانی سنه هزار وسیصد وبیست وهشت هجری بوده است . شماره های هفتم تاسی ونهم ، چهل وپنجم . تا پنجاه وچهارم درمجموعهٔ اینجانب موجودمیباشد. هرشماره دارای چهارصحیفه بقطع ۱۲ در۸ وربع است . وجه اشتراك سالیانه درتبریز شانزده هزار، وبرای نقاط دیگر ایران دو تومان ، وبرای خارجه پانزده فرانك است .

---

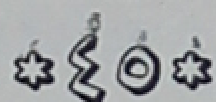
(۱) درهمه جای این کتاب «آزادیخواه» ترجمهٔ لیبرال Libral میباشد، والبته مفهوم آزادیخواهی برحسب ادوار تاریخی وتحولات اجتماعی کاملا فرق میکند. آزادیخواهان صدرانقلاب مشروطیت بطورکلی نمایندهٔ طبقهٔ سرمایه دار تازه بدوران رسیدهٔ ایران در مقابل رژیم ملوك الطوایفی قدیم بودند م . ع



استقلال ایران

روزنامهٔ یومیه بزرگی بوده است که درطهران بتاریخ جمادی‌الاول سنهٔ هزاروسیصدوبیست وهشت (مه ـ ژوئن ، ۱۹۱۰ میلادی) انتشار یافته . این نامه ارگان مطبوعاتی حزب اتحادوترقی بوده ، وابتداتوسط دکتر حسین خان کحال ، وسپس بمدیریت محمدخان مهندس همایون وبالاخره ازطرف دکترابوالحسن خان تبریزی نشرشده است . استقلال ایران تا شعبان هـزاروسیصدوبیست ونه هجری قمری (اوت ۱۹۱۱) انتشارداشته .

✡ بردیف نوزده از رسالهٔ رابینو مراجعه شود .شماره‌های هشتم دوازدهم ، نوزدهم ، سی‌ونهم ،چهلم ، هفتادودوم ، هشتادو ششم ،هشتاد وهشتم ، نودونهم صدوهشتاد وسوم و صدونودودوم ، دویست وهشتم ، دویست ودوازده ، دویست‌وشانزده ، ودویست وسی‌و چهار در مجموعه اینجانب موجود است.هر شماره‌دارای چهار صفحه بقطع ۱۴ر۵در ۲۰ میباشد. وجه آبونمان سالیانه درطهران پنج‌تومان ، درولایات پنجـاه و پنج قران ، وبرای خارجه هفت تومان ونیم است .



الاسلام

نامهٔ ماهیانهٔ (مهنامه) مذهبی است که در اصفهان بسال هزارو سیصد و بیست هجری قمری (۳ ـ ۱۹۰۲ میلادی) باچاپ سنگی انتشار یافته و بطور کلی بیشتر به گفتگوی صفاخانهٔ اصفهان شهرت دارد .مدیر این نشریه سیدمحمدعلی معروف به داعی الاسلام اصفهانی بوده است که یك نامهٔ دیگری نیز بنام دعوت الاسلام در بمبئی انتشار داده است.

✡ بردیف بیستم از رساله را بینو مراجعه شود . ازاین روزنامه در مجموعهٔ اینجانب وجود ندارد .







☆٤٦☆

اسلامیه

نامهٔ هفتگی‌است که‌بسال هزار وسیصدوبیست‌وچهار و هجری قمری (۷ ـ ۱۹۰٦میلادی) درتبریز، بمدیریت‌میرزابولقاسم ضیاءالعلمای تبریزی ، فرزند شمس‌العلما و باچاپ‌سنگی انتشار داشته . مدیر این نامه از خانواده‌های بزرگ وفاضل تبریز ، واز اولین مشروطه‌خواهان شهر مزبور بوده ، ویکی ازکسانیست که‌دربیست‌ونهم رجب هزار و سیصدو بیست و چهار هجری قمری (نوزده دسامبر هزار و نهصد شش میلادی) درکنسولگری انگلستان اجتماع کردند، واعلام مشروطیت‌و امضای ولیعهد (محمد علی میرزا)را خواستند .مشارالیه در تحصیلات قدیم وجدید کامیاب ، بازبانهای فرانسه وروسی آشنا ، ویکی ازوطـن پرستان ومشروطه خواهان صدیق‌ووفادار ،و دوست صمیمی نگارنده بوده‌است.فکرتاسیس‌روزنامهٔ اسلامیه، هنگام احتماع مادرکنسولگری انگلستان‌پدید آمد،وصحبت‌ازانتشار روزنامه‌ای در میان بود .

مرحوم ضیاءالعلما در تمام دورهٔ شش‌سالهٔ مشروطیت خویشتن‌را

کاملا وقف خدمت به‌ملت کرد . ومدتی مدید عضو نجمن معارف تبریز، و رئیس دادگستری دردورهٔ انقلاب بود، ودراواخر ریاست محکمهٔ استیناف را داشت . مشارالیه در جنگ وپیکار ملیون آزادیخواه با مرتجعین نیز شخصاً باکمال شجاعت شرکت داشت ، بدبختانه طی حادثهٔ هائلهٔ اخیر تجاوزات روسیهٔ تزاری ، که منجر بقتل عام آزادیخواهان در تبریز گشت (محرم هزاروسیصدو سی هجری قمری ـ ژانویه هزار ونهصدودوازده میلادی) ، ضیاءالعلمارا روسان تزاری با هفت تن دیگر در یوم عاشورا (دهم محرم هزاروسیصد و سی ویکم ژانویه ۱۹۱۲) بدون هیچگونه تقصیری بدار کشیدند .

☆ رابینو از این روزنامه ذکری نکرده ، ودیده نشده‌است.



☆٤٧☆

اسلامیه

روزنامهٔ هفتگی بقطع کوچك وچاپ سنگی است. کـه بسال هزاروسیصدو بیست وچهار هجری قمری (۱۹۰٦ـ۷ میلادی) درتبریز بمدیریت‌میرزا احمدبصیرت ، ناشر نامهٔ اخوت و اتحاد انتشار یافته .

☆رابینو از این روزنامه ذکری‌نکرده ، ودیده نشده است .

☆☆☆☆☆

☆☆☆☆

☆

☆۴۸☆

اشراق

روزنامه هفتگی است که باچاپ سنگی درطهران بسال هزارو سیصدوبیست وشش هجری قمری (۹ـ۱۹۰۸ میلادی) انتشار داشته .

☆ راینو از این روزنامه ذکری نکرده ، ودیده نشده است.



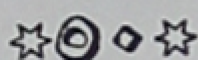
٤٩٠

اصفهان

روزنامهٔ هفتگی است که دراصفهان بسال هزاروسیصد و بیست وپنج هجری قمری (۸ـ۱۹۰۷ میلادی باچاپ) سنگی انتشار یافته .

☆ بردیف بیست‌ویکم از رساله .رابینو مراجعه شود .





اصلاح

روزنامه‌ای است که‌درپاریس بخط نستعلیق بترتیب پلی کپی در اوایل‌سال هزارو سیصدو بیست‌وشش هجری قمری(اوایل بهارهزارو نهصدوهشت میلادی) بمدیریت دکتر جلیل خان انتشار یافته . اکثر محتویات‌این نامه‌مشتمل‌بر ترجمهٔ مقالاتی‌است که‌درمطبوعات‌فرنگستان راجع به ایران نگاشته میشده .

☆برحسب ردیف بیست‌ودوم‌ازرسالهٔ‌رابینو،اصلاح‌پانزده‌روزیکبار انتشار می‌یافته . شمارهٔ‌های اول و دوم وششم و هفتم آن در مجموعهٔ اینجانب موجود میباشد. در نمرهٔ هشتاد ودو(ازعمارات)بولوارسن- مارسل(۱) پاریس آمادهٔ‌چاپ میشده‌است .هرشماره‌داری‌چهار تاهشت صفحه بقطع ۵ر۱۱در۸وربع میباشد .

۱-N82، Boulevard St. Marcel،Paris

☆۱۵☆

اصلاح

نامهٔ هفتگی است که باچاپ‌سنگی بخط نسخ در بمبئی بسال هزار وسیصدو بیست‌هفت هجری قمری(۱۹۰۹ میلادی) انتشار یافته.

رابینو ازاین روزنامه‌ذکری نکرده‌است، شمارهٔ سی ویکم ازسال دوم، و شماره‌های یکم وششم وهشتم ازسال سوم آن درمجموعهٔ اینجانب موجود میباشد،اولی مورخ سوم محرم سنهٔ هزاروسیصدو بیست نه‌هجری قمری(٤ژانویه ۱۹۱۱) است . هر شماره معمولا دارای هشت صحیفه بقطع نه ونیم در هشت‌ونیم میباشد . مدیر اصلاح بمبئی محمدرضای بوشهری بوده است. وجه اشتراك سالیانه برای ایران ده‌قران ، در هندوستان‌پنج روپیه ، و برای نقاط دیگر شش‌روپیه‌ونیم.

***

**

*

☆۵۲☆

اصلاح

نامهٔ هفتگی است که در خوی بسال هزار و سیصد و بیست و نه هجری (۱۹۱۱ میلادی) بمدیریت علی حسین زاده انتشار یافته.

شمارهٔ نخست آن مورخ بیست و نهم شعبان سال مزبور است (بیست و پنجم اوت ۱۹۱۱).

☆رابینو ازاین روزنامه ذکری نکرده است.



۵۳

اطلاع

نامه دوهفتگی است که درطهران بسال هزار ودویست‌ونودوپنج هجری قمری (۱۸۷۸میلادی) ابتدا سربی وبعدباچاپ سنگی نشر شده.

اطلاع ارگان نیمه‌رسمی دولت‌ایران ، برادر دوقلوروزنامهٔ‌رسمی ایران بوده ، وتحت‌نظر وزارت انطباعات و سرپرستی محمد حسن خان اعتمادالسلطنه ، فرزند حاجی علیخان حاجب‌الدوله مقدم مراغه‌ای ، و سپس بسرپرستی خواهرزاده وی ، محمد باقرخان اعتمادالسلطنه تاسال هـزار و سیصد وبیست وپنج هجری قمری (۸ـ۱۹۰۷ میلادی) انتشار داشته است.

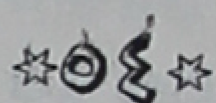
این روزنامه ، برحسب روابطی که با دولت داشت ، عاری از مقالات مفید سیاسی‌یانوشته‌های موجب بیداری بود، وبهمین‌جهت‌همیشه درمعرض انتقاد شدید آزادیخواهان ایرانی‌وفضلا ودانشمندان کشورقرار داشت. تنها اهمیت اطلاع دراشتمال آن برمتون قراردادهای مربوط به امتیازات‌دولتی واسناد مشابه دیگرمیباشد. روزنامه اطلاع‌ونامهٔ‌همگام

آن ایران، یگانه روزنامه‌هایی بوده‌اند که مدتی مدید در کشور ایران انتشار داشته‌اند ، بدون اینکه واجد ارزش واهمیتی در نظر عامه مردم باشند ، ولی کارمندان دولت ، ملاکین وصاحبمنصبان حکومت مجبور با بتیاع آنها بوده‌اند ، ووجه اشتراك را نیز از حقوقشان کسر میکرده‌اند.

✡بردیف بیست‌وسوم ازرسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید. شماره‌های پانزده تا نوزده از سال بیست و نهم (بیست و نهم نوامبر هزار و نهصد و شش تا یازدهم آوریل هزار ونهصد و هفت) در مجموعه، من موجود است .

هرشماره دارای چهارصفحه بقطع چهارده‌ونیم درهشت وسه‌ربع میباشد . وجه اشتراك سالیانه‌درطهران‌هیجده‌قران ، درنقاط دیگرایران دو تومان، برای‌روسیه و قفقازیه چهارمنات ، برای ترکیه چهل‌پیاستر ، وبرای هندوستان وچین هفت روپیه است.





اطلاعات مهمه

روزنامهٔ یومیه طبع طهران بسال هزارو سیصدوبیست ونه هجری قمری (۱۹۱۱ میلادی) است که بمدیریت حسن الحسینی و رضابن احمد نوری (مازندرانی) انتشار داشته .

☆رابینوذکری ازاین نامه نکرده است .



اطلاعات روزانه

بردیف صدوشش، عنوان تمدن از همین کتاب رجوع فرمائید .

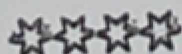
٥٦

افلاطون

روزنامهٔ مصور رنگی است که در رشت طبع شده، وفقط یك شماره از آن بتاریخ بیست وششم رجب سنه هزار و سیصد و بیست وهشت هجری قمری (سوم اوت هزار ونهصد وده میلادی) انتشاریافته است.

☆بردیف بیست وشش ازرسالهٔ رابینو مراجعه شود. یك شماره از آن درمجموعهٔ اینجانب موجود است. دارای هشت صحیفه بقطع دوازده و نیم درهفت یك و ربع، وچهار صفحهٔ آن دارای تصاویر مضحك میباشد، وجه اشتراك سالیانه بیست وپنج قران برای رشت، بیست وهفت هزار برای نقاط دیگر ایران، وشش منات برای خارجه است.





✿✿✿✿✿

٭۵۷٭

اقبال

نامهٔ هفتگی است که در تبریز بسال هزارو سیصدوشانزده‌هجری قمری(۹ ـ ۱۸۹۸میلادی) بمدیریت‌علیقلیخان، مشتهر به‌صفراف، که‌ناشر روزنامه‌های احتیاج و آذربایجان (سابق الذکر) نیز بوده ، انتشار یافته است ٠

٭ بردیف بیست‌وهفت از رسالهٔ رابینو مراجعه شود. برحسب‌این رسالهٔ شمارهٔ نخست ، بانام جدیدآن (اقبال) شمارهٔ هشتم احتیاج قدیم بوده ، واقبال جای احتیاج‌راگرفته است٠

این شماره‌مورخ بیست‌ونهم‌ربیع‌الاول هزاروسیصدوشانزده‌هجری قمری (هفدهم اوت هزاروهشتصدونودوهشت میلادی) میباشد٠



✿۵۸✿

اقیانوس

نـامهٔ‌هفتگی است که در طهران بسال هزار وسیصدوبیست‌وشش هجری قمری (۹_۱۹۰۸ میلادی) بمدیریت سید فرج‌الله کاشانی ، مدیر سابق ثریا درمصروطهران ، انتشاریافته . بانی حقیقی ، نویسنده‌وصاحب اقیانوس‌میرزا عبدالرحیم قراجه داغی ، مشتهر به حکیم الهی (فیلسوف) بوده‌است.

این روزنامه یگانه‌نشریهٔ ایرانی بوده‌که آشکارا از اصول‌استبداد شاه سابق (محمدعلی علیشاه مخلوع) ودرباریان وی، و رژیم ارتجاعی دفاع میکرد، وبهمین جهت بعدازکودتای (محمد علیشاه) دربیست‌وسوم جمادی الثانی هزاروسیصدوبیست‌وشش هجری قمری(بیست وسوم‌ژوئن، ۱۹۰۸ میلادی) نیز کمافی‌السابق انتشار داشت • پس‌از گشودن طهران بدست مشروطه‌خواهان(ژوئیهٔ هزارونهصد ونه میلادی) ناشر آن میرزا عبدالرحیم بازداشت‌شد، وبمدت یکسال در میان دیگر مخالفین سیاسی درزندان ماند.

✿بردیف بیست‌وهشت ازرسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید•

٥٩

اکباتان

روزنامه‌ای است که در همدان بسال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (۸ ـ ۱۹۰۷ میلادی) منتشر شده ، ولی نگارنده هرگز آن را ندیده است . اکباتان بجای عدل مظفر (رجوع بهمین ماده شود) ، بمدیریت همان نامه ، تا این اواخر انتشار داشت.

رابینو ذکری از این روزنامه نکرده است .



اگودو پرس Echo de Perse

روزنامه‌ای است که درطهران بسال هزار وهشتصد وهشتاد و پنج میلادی (٧ ـ ١٣٠٢)هجری‌قمری منتشر گشته.

☆ بـردیف دویست و بیست وهشت از رسالهٔ راباینو مـراجعه شود.



☆٦١☆

الفت

نامهٔ هفتگی است که در همدان بسال هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری (٨ ـ ١٩٠٧میلادی) بمدیریت میرزا سیدمحمد همدانی انتشار یافته .

☆ برديف بيست ونه از رسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید . شمارهٔ ششم الفت مورخ بیست وششم ربیع‌الاول سنه هزاروسیصدوبیست وپنج هجری قمری (مه هزار ونهصد و هفت میلادی) در مجموعهٔ من موجود است. دارای‌چهار صحیفه بقطع یازده وسه ربع درهفت میباشد . وجه اشتراك سالیانه یك‌تومان برای همدان ، وپانزده هزار برای‌نقاط دیگر ایران .

☆☆☆☆☆

☆☆☆

☆

☆۶۲☆

امید

نامهٔ مصور هفتگی است که در تبریز بسال هزاروسیصدوبیست و چهار هجری قمری (۷ ـ ۱۹۰۶ میلادی) انتشار یافته. امید از نخستین روزنامه‌هائیست که بعداز استقرار مشروطیت انتشاریافت، وبدست پنج یاشش تن ازمحصلین مدرسهٔ لقمانیه تاسیس‌شده‌بود. قریب‌هشت‌ماه نشر آن ادامه‌داشت.

☆ بردیف سی‌ودوم ازرسالهٔ راببنو مراجعه شود. شماره‌های هفت وچهارده در مجموعهٔ اینجانب موجود است. اولی مورخ بیست وهشتم شوال سنهٔ هزاروسیصدوبیست‌وچهارهجری قمری (پانزده دسامبر هزارو نهصدوشش میلادی) است. دارای چهار صحیفهٔ بقطع دوازده وسه‌ربع در هفت میباشد.







۶۳

امید ترقی

نامه‌ای است که دررشت بسال هزاروسیصدوبیست‌ونه هجری‌قمری (۱۹۱۱ میلادی) منتشر شده است . این نشریه مشتمل‌بر جزئیاتی‌ازقبیل عایدات ومخارج بعضی نمایشهای تئاتری میباشد .

✲ ردیف سی وسه از رسالهٔ راپینو دیده شود . شمارهٔ اول آن که مورخ بیست‌ونهم جمادی‌الاولی سنهٔ هزارو سیصدوبیست ونه هجری قمری(بیست وهشتم مه‌هزارونهصدو یازده میلادی)است ، درمجموعهٔمن موجود، ودارای شش صفحه‌بقطع‌دوازده‌ونیم درشش‌ونیم میباشد . بهای هرشماره یك‌شاهی است .



✲٦٤✲

انجمن

نامه‌ای است که در تبریز طی هفته دو تاچهار بار، نخست باچاپ سنگی و سپس سربی، در اوایل سال هزار وسیصدو بیست وپنج هجری قمری (فوریه، مارس ۱۹۰۷ میلادی) انتشار یافته. به روزنامه ملی مراجعه شود.

✲ بردیف سی و چهار از رسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید. تعداد زیادی از شماره های انجمن هم چاپ سنگی وهم سربی، در مجموعهٔ اینجانب موجود است. قسم اول باشمارهٔ چهل و چهار ازسال نخست، مورخ چهارم محرم هزاروسیصدوبیست وپنج هجری قمری (هفتم فوریه هزارونهصدوهفت میلادی) شروع، وبانمرهٔ سه ازسال سوم، بتاریخ پنجم شعبان هزاروسیصدوبیست وشش (دوم سپتامبر هزارونهصت وهشت) خاتمه می‌یابد؛ وهرشماره دارای چهارصحیفه بقطع دوازده در شش وسه ربع بخط نسخ روشن ودرشت است. وجه‌اشتراك سالیانه در تبریز یك‌تومان (برای صد شماره)؛ برای نقاط دیگر ایران پانزده هزار؛ برای روسیه چهار منات؛ در اروپا وترکیه پانزده‌قران. دورهٔ چاپ سربی شمارهٔ اول

از سال دوم ، مورخ چهارم صفر سنه هزار وسیصد وبیست‌وشش هجری قمری (هشتم مارس هزارونهصدوهشت میلادی) تاشمارهٔ سی‌ویك‌ازهمان سال ، بتاریخ دوازدهم جمادی‌الاولی هزاروسیصدوبیست وشش (دوازده ژوئن هزارونهصدوهشت)می‌باشد. هرشماره دارای چهار صفحه بقطع دوازده درشش‌ونیم ، ووجه آبونمان سالانه کمی باچاپ سنگی اختلاف دارد . بعضی اشتباه کاری ورویهم افتادگی در شماره‌های چاپ سربی و سنگی مشاهده می‌شود .



٦٥

انجمن اصناف

نامهٔ هفتگی‌است، که در طهران بسال هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری (۸ ـ ۱۹۰۷ میلادی) باچاپ سربی، بمدیریت سیدمصطفی طهرانی، تحت نظارت‌انجمن اصناف انتشار یافته.

☆ بردیف‌سی‌وپنج ازرسالهٔ‌رابینومراجعه‌شود، وبرحسب‌مندرجات این رساله، شمارهٔ سوم انجمن اصناف مورخ هشتم رمضان هزاروسیصد وبیست‌وپنج هجری‌قمری (پانزده اکتبر هزارونهصدوهفت میلادی)است. آخرین شماره یایك شماره پس‌از آن، بنام بامداد(مراجعه باین‌عنوان شود) انتشار یافته. شمارهٔ سوم‌این روزنامه در تصرف‌اینجانب‌میباشد ودارای چهارصحیفه بقطع چهارده ونیم درهشت و سه ربع است. وجه اشتراك سالیانه در طهران یك تومان، برای خارحه پنج فرانك.



ازمجلهٔ ملانصرالدین - چاپ قفقازیه

Call No......... *Date.........................*

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

(۶۶)

انجمن اصفهان

نامهٔ هفتگی است که با چاپ سنگی در اصفهان بسال هزار و سیصدوبیست وپنج هجری قمری (۸_۱۹۰۷میلادی) بمدیریت سید سراج-الدین انتشار یافته .

این روزنامه ارگان رسمی انجمن ایالتی اصفهان وناشر مذاکرات آن بوده است .

☆ بردیف سی‌وشش از رسالهٔ راببنو مراجعه شود . تعداد زیادی از شمارهٔ انجمن اصفهان، ازتاریخ سیزده‌ربیع الثانی هزاروسیصدوبیست وپنج هجری قمری (بیست‌وششم مه۱۹۰۷ میلادی) که شمارهٔ بیست‌ویکم از سال اول است ، تا نمرهٔ سی وهشت ازسال‌چهارم مورخ هفتم ربیع الثانی هزار و سیصدو بیست‌ونه هجری (۷ آوریل ۱۹۱۱ میلادی) در مجموعهٔ اینجانب موجود میباشد . هرشماره دارای هشت صحیفه بقطع دوازده‌و نیم درهشت ونیم است .

شماره‌های اوایل بخط نستعلیق ولی نمره‌های اخیر نسخ، وبعضی سطور پاورقی نستعلیق میباشد . وجه‌اشتراك سالیانه در اصفهان‌هیجده قران، نقاط دیگرایران‌بیست، خارجه‌بیست‌ودوقران است .

«۶۷»

انجمن اخوت

نامهٔ هفتگی است، که باچاپ سنگی در شیراز بسال هزاروسیصدو بیست وشش هجری قمری (۹ـ ۱۹۰۸ میلادی) انتشار یافته .

☆رابینو ذکری از این روزنامه نکرده ، ودیده نشده است.



٭۶۸٭

انجمن بلدیه

نامه‌ای است که در اصفهان بتاریخ پنجم شوال سنه هزاروسیصدو بیست‌وپنج هجری قمری(یازده نوامبر هزارونهصدوهفت میلادی)انتشار یافته وپنج‌ماه نشر آن ادامه داشته است .

٭ردیف‌دویست‌وسی‌وهشت‌از رسالهٔ‌رااینودیده شود.



(۶۹)

انجمن ملی ولایتی گیلان

نامه‌ای است که دررشت بسال هزار وسیصدو بیست‌و پنج هجری قمری (۸ ـ ۱۹۰۷ میلادی) بمدیـریت دبیرالممالك بـاچاپ سربـی انتشار یافته .

چهار شماره از این روزنامه هفتگی منتشر شده ، ولی بطورکلی ظاهراً فقط چهار نمره انتشار یافته است .

☆ ردیف سی‌وهفت ازرسالۀرابینودیده شود . چهار شماره(٤ ـ ۱) در تصرف اینجانب است ، نمرۀ اول مورخ‌بیست‌ودوم رجب هزاروسیصد وبیست و پنج هجری قمری (سی‌ویکم اوت ۱۹۰۷) وشمارۀ اخیربتاریخ بیست‌ودوم شعبان (سی‌ام سپتامبر) همان سال می‌باشد . هریـك دارای چهار صحیفه بقطع یازده‌ونیم درهفت .

وجه آبونمان سالیانه (برای دویست شماره) سه‌تومان دررشت‌و گیلان، چهار تومان‌ونیم در نقاط دیگر ایران ، وبرای روسیه و قفقازیه نه منات است.

(۷۰)

انجمن ولایتی یزد

نامهٔ هفتگی است که در یزد در اوایل سنه هزاروسیصد وبیست و هشت هجری قمری (ژانویه-فوریه ۱۹۱۰) بمدیریت میرزامحمدصادق قمی انتشار یافته.

☆ بردیف سی وهشت ازرسالهٔ رابینو رجوع شود. برحسب این رساله، شمارهٔ دوم مورخ پنجم محرم سنه هزارو سیصدو بیست وهشت (۱۷ ژانویه ۱۹۱۰) است. شماره‌های دوم وچهارم در مجموعه اینجانب موجود می باشد. اولی درهشت صحیفه بقطع کوچك هشت درپنج؛ آخری چهارصفحه بقطع دوازده درشش است.

وجه اشتراك سالیانه برای یزد دوازده هزار، و برای نقاط دیگر ایران چهارده قران میباشد.

(۷۱)

اندپانداس پرس

نامهٔ هفتگی بزبان فرانسه طبع طهران است که بسال هزارونهصد وده میلادی(۱۳۲۸هجری قمری)بمدیریت دکترحسین‌خان کحال بضمیمهٔ استقلال ایران (مراجعه برديف چهل‌وچهار شود) انتشار یافته ٠

☆ردیف‌دویست‌وسی از رسالهٔ رابینودیده‌شود٠ برحسب‌مندرجات این رساله ، فقط سه‌شماره از روزنامه مورد بحث انتشار یافته ، و نمرهٔ نخست آن بتاریخ چهار ژوئن وسوم هفده ژوئن سال هزار و نهصد وده میلادی می باشد ٠



(۷۲)

انسانیت

نامه‌ای است که درطهران بسال هزاروسیصدوبیست و پنج هجری قمری (۸ـ ۱۹۰۷ میلادی)انتشار یافته•علی‌الظاهر ارگان‌انجمن‌انسانیت بوده،که بالاختصاص از طرف آشتیانی‌هاوتفرشیهای (مقیم‌طهران)تاسیس یافته ، وریاست آن بامستوفی‌الممالك بوده است•

✲ رابینوازاین روزنامه ذکری نکرده، ودیده نشده‌است•





انصار

نامه‌ای است بقطع کوچك باچاپ سنگی بخط نسخ ، که‌دراصفهان بسال هـزارو سیصدو بیست و پنج هجری قمری (۸ ـ ۱۹۰۷ میلادی) انتشار یافته• شمارهٔ دوم ایـن روزنامه بنام گنجینهٔ انصار نشر شـده است .

✡رابینوذکری‌ازاین روزنامه‌نکرده، ودیده‌نشده‌است.



٭٧٤٭

انصاف

نامه‌ای است که در طهران بسال هزاروسیصدوبیست وشش هجری قمری (۹ ـ ۱۹۰۸ میلادی) بمدیریت حاجی سید اسمعیل، معروف به سلطان‌المداحین کرمانشاهی، انتشار یافته.

٭ بردیف سی‌ونه ازرسالهٔ رابینو رجوع شود. برحسب‌مندرجات این رساله، شمارهٔ دوم انصاف مورخ بیست‌وششم ربیع‌الاول سنه‌هزارو سیصدو بیست وشش هجری قمری (۲۸ آوریل ۱۹۰۸)میباشد. ازشماره های دوم تا چهارم در مجموعهٔ اینجانب موجود است. هر نمره دارای چهار صفحه بقطع یازده‌ونیم درشش‌ونیم.

وجه اشتراك سالیانه هشت قران درطهران، یك تومان درولایات سی‌پیاستر در ترکیه، دو منات برای روسیه وقفقازیه، پنج فرانك برای ممالك خارجی دیگر.

«۷۵»

اردوی همایون

نامه‌ای است که طی حرکت به خراسان، در سفر دوم ناصرالدینشاه به مشهد در سال هزار و سیصد هجری (۳ ـ ۱۸۸۲ میلادی)، هنگام مسافرت در ایستگاههای مختلف راه نگاشته شده، و در میان اعضای موکب شاهی انتشار یافته، و عموماً بنام اردوی همایون خوانده شده است. شمارهٔ نخست آن در دماوند بتاریخ یازده شعبان (هزار وسیصد هجری قمری مطابق هفده ژوئن هزار و هشتصد و هشتاد و سه میلادی) و نمرهٔ آخر در طهران هنگام مراجعت شاه بپایتخت، در دوازدهم ذی‌الحجه همانسال (چهارده اکتبر هزار و هشتصد و هشتاد و سه) طبع گشته، و بطور کلی دوازده شماره انتشار یافته است.

مدیر اردوی همایون محمدحسن خان اعتمادالسلطنه بوده، و منشی وی میرزا محمدحسین ذکاءالملک، مدیر روزنامهٔ تربیت، سمت معاونت داشته، و نویسندهٔ آن میرزا محمد رضای کلهر، خوشنویس بوده است.

☼ رابینو این روزنامه را فراموش کرده ، اما در کتاب المآثر و الآثار درضمن روزنامه‌هایی که در دوره سلطنت ناصرالدینشاه انتشار یافته ذکر شده است . تفصیلات‌مذکوررا مولف ازجناب آقای ذکاءالملك گرفته است.



۷۶

ایران

روزنامه‌ای است که‌درطهران ، ابتدا باچاپ‌سنگی وسپس باطبع سربی ، نخست‌یك‌روز درمیان وبعددوهفته یکبار ، بسال‌هزارودویست هشتادوهشت هجری قمری (۲ ـ ۱۸۷۱ میلادی) انتشار یافته .

این نامه اول بمدیریت محمد حسن‌خان اعتماد السلطنه ، وزیر انطباعات ، وسپس تحت ادارهٔ محمدباقرخان اعتمادالسلطنه ،که او هم وزیرانطباعات‌بوده، تا آغازدورهٔ مشروطیت نشر شده است .

شرح مختصری از تاریخ روزنامهٔ ایران‌درآغاز این وجیزه‌آمده است . شمارهٔ نخست آن مورخ یکشنبه ، یازدهم محرم سال مذکور (هزارودویست وهشتادوهشت هجری‌قمری مطابق دوم آوریل هزار و هشتصدوهفتاد ویك میلادی) میباشد ، وابتدا درهرهفته سه‌شماره مرتب منتشر شده است . درآغاز شمارهٔ اول اعلامیه‌ای بامضای محمدحسن ، درج شده که درآن بترتیب راجع بتعطیل روزنامه‌های: دولتی، ملتی‌و علمی اشارت رفته و گفته شده که ایران بجای آنها،که هفته‌ای فقط یك شماره داشته ، هفته‌ای سه‌بار انتشار خواهد یافت .

دربنگاه کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا (۱) در بخش روزنامه‌ها و مجلات تحت شمارهٔ هفتصدوپنجاه‌وهفت؛ ردیف یك، قسمت یازده) شماره‌های یك‌تاده ، نودتا نودودو ، ونودوچهار تاصدوبیست وپنج از این روزنامه موجود، وازنظر نگارنده گذشته است .

روزنامهٔ ایران ارگان رسمی دولت ومشتمل‌بر اخبار دربار ، فرمانهای شاهی ، احکام عزل‌و انتصابات ، تعیین عناوین ومقامات ، بویژه شرح کارهای پادشاه از قبیل‌سلام وبارعام ، صیدوشکار ، عزاداری مذهبی (درماه محرم)، سیروسیاحت، وامور همانند اینها ، ونیز کارهای دیگر دولتی بوده است . وظیفهٔ این‌روزنامه‌تمجید ازاعمال‌شاه‌و کارهای درباریان ، تجلیل امنیت کشور وترقیات دولت بوده‌است، بطوریکه نامهٔ ایران ، بیشتر از تمام مطبوعات دیگر ، در معرض انتقاد آزادیخواهان ایرانی وروزنامه‌های ایرانی منتشره درخارجه قرار گرفته . در اوایل روزنامهٔ ایران یك قسمت علمی داشت، که درآن ازعلوم جدیدصحبت میشد، وضمناً قطعاتی از کتاب انگلیسیان درقطب شمال(۲) تألیف‌ژول ورن ترجمهٔ محمدحسن درپاورقی درج می گشت .

اعتمادالسلطنه مینویسد : روزنامهٔ ایران‌ابتدابسال هزارودویست وهشتادوهشت (۲ ـ ۱۸۷۱) هنگامیکه سرپرستی چاپخانه بعهدهٔ عموی من ، اعتمادالسلطنهٔ بزرك، وصدارت عظمی‌بامیرزا حسین‌خان‌سپهسالار بوده انتشار یافته است .».

۱- British Buseum Library
۲- Aventures du Capitaine Hatteras

ذکاءالملك می‌نگارد: در آغاز سال هزارودویست‌وهشتاد وهشت (مارس ـ آوریل هزاروهشتصدوهفتادویك) بطور کلی انتشارروزنامه‌ها بعهدهٔ محمد حسن‌خان، فراش (دربار) که بعدها عنوان صنیع الدوله‌و بالاخره اعتمادالسلطنه یافت، بوده است.

مشارالیه سه روزنامهٔ دولتی، علمی وملی را(که تاآنوقت تحت نظر وزارت‌علوم ومدرسه دارالفنون،ونظارت عالیه‌اعتضادالسلطنه‌انتشار داشته) بیك‌روزنامه‌بنام ایران مبدل ساخت؛ این روزنامه در اوایل هفته‌ای سه‌شماره انتشار می‌یافت، ولی بعدها بتدریج از ترتیب خارج گشت. روزنامهٔ ایران را ابتدا میرزا علیخان نائینی می‌نگاشت؛ بعدها تاحدودسال هزاروسیصدهجری قمری (٣ ـ ١٨٨٢ میلادی) نگارش آن بعهدهٔپدر، من‌بود؛ وبعد میرزا علی‌محمد خـان، که دراین اواخر لقب مجیرالدوله یافت، آنرا می‌نوشت (١).

---

(١) مؤسس ومدیر این‌نامه مرحوم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، فرزند حاجی‌علیخان حاجب‌الدوله، ازخانوادهٔ مقدم مراغه، بود، ومؤسس روزنامهٔ اطلاع (مراجعه بهمین ماده شود) نیزمشارالیه بود، وادارهٔ نشریهٔ اخیر هنگام مرك‌وی، به‌خواهرزاده‌اش، محمد باقرخان، اعتماد السلطنهٔ کنونی که مدتی‌مدید پست وزارت انطباعات رابعهده‌خویش‌داشت؛ محول گردید.

سردبیر نامه محمدحسین اصفهانی، متخلص بفروغی، ملقب بذکاء ـ الملك (میرزا محمدعلی خان) فعلی‌بود.

چون‌دربارهٔ نخستین روزنامه‌های رسمی‌وعلمی منتشره ازطرف‌دولت ایران بعضی نکات‌مبهم ومشکلی درمیان‌بود؛ من‌بعداز اتمام‌طرح اولیهٔاین کتاب وهنگامیکه هنوز نسخهٔ آن‌در دست مترجم (براون) بود، نامه‌ای بجناب آقای اعتمادالسلطنه نگاشتم، ومراسلهٔ دیگری بحضورجناب آقای☆

٭ بردیف چهل از رسالهٔ رابینو مراجعه شود ، یک شماره (نمرهٔ ۹۳٤) بچاپ سنگی ، مورخ پانزدهم ذی‌الحجه هزار وسیصدو پانزده هجری وهفتم مه هزار وهشتصد و نود وهشت میلادی ، در تصرف من موجود است ، بخط نسخ ممتازی نگاشته شده ، و دارای چهار صفحه بقطع شانزده درده میباشد .

وجه اشتراك سالیانه در طهران سی وشش قران ، در خارجه سی و

٭ذکاءالملك (میرزا محمد علیخان رئیس دومین دورهٔ مجلس شورای ملی) ارسال داشتم، ومکتوب سومی نیز برای میرزا قلی‌خان رضا مدیردارالفنون فرستادم وسئوالاتی ازایشان کردم، چون این سه شخصیت جانشینان فعلی رجالی می باشند، کـه اولین روزنامه های منتشره در ایران دردست ایشان بوده، وپیشوای کلیه‌مقامات ومحافل علمی وتربیتی بشمارمیروند. اعتماد۔ السلطنه باکمال لطف‌علاوه برحل بعضی‌از ازمشکلات، سه یاچهار نسخه از روزنامه های کمیاب رانیز که هم قدیمی وهم‌تازه بودند، برایم ارسال داشت .

ازذکاء الملك نیز ، هنگامیکه کتاب در شرف انتشار بود ، پاسخ مفصلی دریافت داشتم، که مشتمل بر تحقیقات‌دقیقی بود، ولی متأسفانه ازمیرزا رضا قلی خان که ممکن بود از لحاظ ادارهٔ دارالفنون و موقعیت خویش اطلاعات کاملی از بعضی مسائل مخصوص برایم بفرستد. هیچگونه جوابی دریافت‌نکرده‌ام. ازمکاتبات مذکور بعضی‌اقتباسات بعمل‌آمده، واصلاحاتی نیز کـه برای تهذیب و تکمیل کتاب ضروری بنظر میرسید ، انجام شده است.حتی ورموارد مهم‌نیز ازنظریات ایشان بدقت‌تمام استفاده کرده‌ام و طابق‌النعل بالنعل آنهارانقل‌نموده‌ام، تابامراجعه بمراجع دیگر موردتأیید قرار بگیرد، چنانکه درهمین مورد مانحن‌فیه نیز بترتیب مذکور عمل‌شده است. براون، معهذاکلیه‌اطلاعات‌همه‌رجال مزبور راجع بنخستین روزنامه۔ های ایرانی ناقص بوده‌است رجوع‌شود بتعلیقات‌مترجم‌درپایان‌کتاب م . ع

هشت هزار و دهشاهی است. از نمرات طبع سر بی شماره های ده، هفده، هیجده، بیست و دو، بیست و سه، بیست و چهار بیست و پنج و بیست و شش از سال پنجاه و نهم انتشار، تاریخ بیست و ششم ژوئیه هزار و نهصد و شش تا هفتم فوریه هزار و نهصد و هفت است. اینها چهار صحیفه بقطع پانزده و ربع در هشت و نیم میباشد، وجه اشتراك تقریباً همانست، بضمیمهٔ قیمتهای متناسب برای اروپا و ترکیه و روسیه. شماره بیست و دوم بتاریخ ده ژانویه هزار و نهصد و شش، صبح انتشار یافته، و مشتمل است بر اعلامیهٔ فوت مظفر الدین شاه، و نظامنامهٔ مجلس جدید التاسیس شورای ملی در پنجاه و یك ماده، و مورخ چهارده ذی الحجه سنه هزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری (سی دسامبر هزار و نهصد و شش میلادی) است.

ایران سلطانی

پائین‌تر، بعنوان روزنامهٔ ایران سلطانی، که نام حقیقی روزنامه است، رجوع فرمائید).





ازمجلهٔ ملانصرالدین چاپ قفقاز یه

Call No.........

Date........................

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

۷۷

ایران نو

روزنامهٔ یومیهٔ بزرگ‌ورقی است که در تهران بسال هزار و سیصد و بیست و هفت هجری مطابق هزار و نهصد و نه میلادی چاپ میشده، و شمارهٔ نخست آن بتاریخ هفتم شعبان سال مذکور، مطابق بیست و چهارم اوت هزار و نهصد و نه انتشار یافته است.

مالك و ناشر این روزنامه (اسماً) سید محمد شبستری آذربایجانی مشهور به ابوالضیاء، ناشر سابق «الحدید» و «مجاهد» بود، ولی ناشر حقیقی و سردبیر عملی آن «محمد امین رسول‌زادهٔ باکویی» و امور مالی روزنامه بعهدهٔ بازیل ارمنی تهرانی بوده است.

ایران‌نو بزرگترین و مهمترین و مشهورترین نشریهٔ یومیه ایرانی است، که برای نخستین بار بقطع روزنامه‌های متداول فرنگستان انتشار یافته است. نشر این روزنامه در «دورهٔ مشروطیت ثانی» پس از فتح تهران بدست آزادیخواهان (ژوئیه هزار و نهصد و نه) آغاز یافت، و بطور منظم

منتشر گشت، سبک روزنامه‌نگاری اروپایی را وارد ایران کرد ، وسرمشق مطبوعات دیگر شد .

بعضی از سرمقاله‌های ایران‌نو از خامهٔ «امیرحاجبی» (غلامرضا) تراوش میکرد ، این شخص «گرجی» بود، وادعا داشت که بآئین اسلام گرویده است ، ونوشته‌های خودرا بفرانسه می‌نگاشت ، سپس بفارسی ترجمه می‌شد . برخی‌ازمقالات فکاهی ، که‌بامضای «نیش»انتشارمی‌یافت بقلم رسول‌زاده نوشته میشد .

ایران‌نو در دورهٔ انتشار خود، برای‌دفاع‌از خط مشی آزادی‌طلب (لیبرال) خویش، حوادث‌حیرت آوری درپشت سر گذارده ، وهمیشه در معرض حملات شدید مطبوعات مخالف قرار گرفته است ، بطوریکه اکثر اوقات بمشاجرهٔ قلمی پرداخته، هم‌قهرمان‌وهم‌قربانی وقایع‌سیاسی عمده‌بوده است .

از جمله انتشار افسانهٔ تمثیلی شاعر شهیر روس کریلف (1 . A. Kriloff) بنام « کنسرت حیوانات » ، حاکی از فقدان حس‌هم آهنگی درمیان بهایم ،که مربوط بحوادث جاری کشور بود ، هیاهوی عظیمی پدید آورد .

نشر منظومهٔ مزبور تعریضی‌بود ، به کابینهٔ سپهدار، که مدام تصمیمات وزارتخانه‌ها،و وزیران‌در آن‌تغییروتبدیل می‌یافت واحکام‌ناسخ‌ومنسوخ صادر میشد .

از موقعیکه ایران‌نو مخالف دولت یعنی هواخواه وارگان اقلیت (یعنی دموکراتها) شد ، مدام در معرض فشار وتوقیف قرار گرفت‌وهدف

هجوم وحملات طرفداران حکومت گشت. انتشار این روزنامه باکمك مادی «بازیل ارمنی» سابق‌الذکر، تاشهر جمادی‌الثانی سنهٔ هزاروسیصد وبیست‌وهشت‌هجری (ژوئن - ژوئیه هزار ونهصد و ده میلادی) ادامه داشت، ولی بالاخره درتاریخ مذکور در نتیجهٔ مشکلات مالی نشرآن متوقف گشت.

چندماه بعد، درتاریخ بیست‌ویکم شوال سال‌مزبور (بیست‌وششم اکتبر هزارونهصدوده)، «ایران‌نو» مجدداً انتشار یافت، وارگان‌رسمی «حزب دموکرات» گشت، بودجهٔ آن ازطرف حزب‌مذکور تأمین‌میشد، و«سید مهدی» فرزند «سیدجمال افجه‌ای» عهده‌دار ادارهٔ آن بود.دراین دوره ایران‌نو بیش‌ازپیش درمعرض هجوم وحملات مخالفین ومعارضین، و«دولت»، ومطبوعات طرفدار حکومت قرارگرفت، چنانکه بالاخره رسول‌زاده، سردبیر آن درنتیجهٔ اصرار سفارت روسیهٔ تزاری درنیمهٔ‌دوم جمادی‌الاول هزاروسیصدوبیست‌ونه هجری (سلخ‌مه‌هزارونهصد وپانزده میلادی) از تهران تبعید گشت.

پس‌ازعزیمت مشارالیه،روزنامه‌بطورمرتب‌ازطرف«حزب‌دموکرات» انتشارداشت، تااینکه دربیست ودوم شعبان هزاروسیصد بیست‌ونه‌هجری (هیجدهم اوت هزار ونهصد ویازده میلادی) از طرف دولت وقت توقیف شد.

«ایران‌نو» درتاریخ هیجدهم‌ذی‌الحجه (بیست‌ویکم‌دسامبر هزارو نهصدویازده) ازنو انتشار یافت، ولی باز ده‌روز بعد، توقیف گشت، و نسخهٔ اخیر آن، شمارهٔ صدوبیست یك‌سال سوم بود.

این روزنامه سپس بنام «ایران نوین» شروع بانتشار کرد ، ولی بعداز نشر تنها یك شماره توقیف شد.

وبعد باسم «رهبر ایران‌نو» منتشر شد ، اما بازهم بعداز نشر دو شماره توقیف گشت .

اهمیت عمدهٔ ایران‌نو آنست ،که در دورهٔ تجاوزات روسان تزاری انتشار می‌یافت ؛ آنهارا رسوا می‌ساخت؛ ونیزاین روزنامه بندوبست‌های بیگانگان را افشا میکرد ، وبهمین جهت مغضوب آنان بود .

✡ بشمارهٔ چهل‌ویك راپینو مراجعه فرمائید . یك مجموعهٔ وسیع حسابی از شماره‌های این روزنامه ، از جمله شماره‌های ۲۳۰ ـ ۱ (با بعضی نواقص) سال نخست ، از تاریخ بیست‌وچهار اوت هزارونهصدونه تاچهاردهم ژوئن هزارونهصد و ده ؛ وشماره‌های ۱۲۱ ـ ۴۱ ازسال‌دوم، مورخ هشتم دسامبر هزارونهصدوده تابیست‌ویکم مارس هزار ونهصد و یازده : وشماره‌های ۱۱۰ ـ ۱ از سال سوم بتاریخ بیست‌وششم مارس تا شانزده اوت هزارونهصدویازده میلادی . هرشماره دارای چهار صفحه بقطع بیست‌ونیم‌در چهارده ونیم میباشد . وجه اشتراك سالیانه پنجاه قران در تهران ، پنجاه‌وپنج قران برای ولایات ، وهفتاد و پنج‌قران برای خارجه .

✲۷۸✲

ایران نوین

روزنامهٔ یومیه‌ایست که بسال هزار ونهصد وبیست و نه هجری قمری (مطابق هزارونهصدویازده‌میلادی) درتهران چاپ می‌شد.

نخستین ویگانه شمارهٔ آن‌مورخ بیست‌ونهم ذی‌الحجهٔ‌سال‌مذکور (بیست‌ویکم دسامبر هزارونهصدویازده) است. این روزنامه بجای‌ایران نو منتشر می‌شد (رجوع به‌بخش هفتاد وهفت مزبورشود)، و ناشر آن سید مهدی افجه‌ای بوده است.

✲رابینو ذکری از این‌روزنامه نمی‌کند، ودیده‌نشده است.



☆۷۹☆

بامداد

روزنامهٔ هفتگی است کـه بسال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (مطابق هزار و نهصد و هفت و هشت میلادی) توسط غلامعلیخان قاجار از طرف انجمن اتحادیهٔ اصناف در تهران چاپ می‌شد، بیشتر سرمقاله‌های این روزنامه بخامهٔ حاج میرزا یحیی دولت آبادی نگارش می‌یافت.

☆بشمارهٔ چهل و چهار رابینو مراجعه شود. شمارهٔ بیستم این روزنامه مورخ دوازده ربیع الثانـی سنهٔ هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری (چهاردهم مه هزار و نهصد هشت میلادی) است ، و دارای چهار صحیفه بقطع چهارده و یک چهارم درهشت می باشد . وجه اشتراک سالیانه برای تهران ده قران (یکتومان) ، جهت خارجه پنج فرانک است . به بخش شصت و پنج سابق الذکر رجوع نمایند .

☆۸۰☆

بخارای شریف

روزنامهٔ یومیه‌ایست که بقطع بزرك در بخارای نـو (ترکستان) بسال هزاروسیصدوسی هجری قمری (مطابق هزارونهصدودوازده میلادی) چاپ می‌شد .

نخستین شمارهٔ آن مورخ چهارم ربیع‌الثانی سال مذکور (بیست وسوم مارس هزارونهصدودوازده) است .

دارندهٔ این روزنامه ك . ل . لیوین(۱) ، و ناشر آن میرحیدر-پور خواجه قاسم مریدوف، وسردبیرش م . ت . جلال یوسف‌زادهٔ قفقازی-الاصل بوده است .

☆ رابینو ذکری ازین روزنامه نمی‌کند ، ودیده نشده است .

۱- K.Livine

☆۸۱☆

برق

روزنامهٔ یومیه‌ایست که در تهران ، درشوال سنهٔ هزار وسیصدو بیست‌وهشت‌هجری قمری چاپ شده‌است(اکتبر هزارونهصدوده‌میلادی) دارنده وناشر آن‌سیدضیاءالدین پور سیدعلی یزدی ، ناشر نـدای‌اسلام وشرق بوده است .

هنگام توقیف نشریهٔ اخیر الذکر، بجای آن انتشار یافته(رجوع به‌شرق فرمائید). روش سیاسی برق انقلابی‌بوده است .

☆بردیف چهل وپنج راببنو رجوع فرمایند که ، برحسب آن‌در حدود بیست‌شماره انتشار یافته است .

شماره‌های سه‌تاشش وهشت درتصرف من می‌باشد، اولـی‌مورخ بیستم اکتبر ، وآخری بیست‌وسوم نوامبرسال هزارونهصدوده است. هر نسخه دارای چهار صفحه است ،که صحیفهٔ‌اخیر آن بفرانسه،وبقطع‌بیست درچهارده ویـك‌چهارم می‌بـاشد . وجـه اشتراك سالیانـه درتهران چهل‌وپنج قران ، در شهرستانها پنج تومان ، وبرای خارجه‌شش‌تومان‌و نیم است .

۸۲

برگ سبز

نشریهٔ دوهفتگی است، که بسال هزاروسیصد وبیست وشش هجری قمری (هزار ونهصد وهشت میلادی) توسط آقاامیراحمد در اردبیل (آذربایجان) باچاپ سنگی انتشار یافته است.

☆ بردیف چهل وشش رابینو مراجعه فرمایند. شماره‌های چهار، هفت، نه، ده ودوازده آن درتصرف من می باشد، که اولی مورخ بیست و هفتم ربیع الثانی سنه هزاروسیصدوبیست وشش هجری قمری (بیست نهم مه هزارونهصدوهشت میلادی) است. هرنسخه دارای چهارصحیفه و بقطع یازده درهشت ونیم می باشد، وبخط نسخ زیبا ودرشتی بچاپ سنگی رسیده است.

وجه اشتراك سالیانه در اردبیل یك تومان در نقاط دیگر ایران پانزده قران، برای روسیه چهار منات (روبل)، برای ترکیه چهل پیاستر وبرای اروپا ده فرانك.

☆۸۳☆

بشارت

نشریه‌ایست که درسال هزار و سیصد و بیست چهارهجری قمری (هزار ونهصدوشش وهفت میلادی) در مشهد (خراسان) بمدیریت شیخ محمدعلی چاپ می‌شده ، وبیش‌از دوسال انتشار داشته است .

☆بردیف چهل‌وهفت رابینو رجوع شود ،که برحسب آن نشریهٔ مذکور هفتگی‌بوده است .

شمارهٔ چهارمورخ بیستم‌ذی‌الحجه سنهٔ هزاروسیصدوچهارهجری قمری (چهارم فوریه هزارونهصدوهفت‌میلادی)، وبنظر میرسدکه انتشار آن درسال هزارو سیصدو بیست‌وشش هجری‌قمری (هزارونهصدوهشت میلادی) پایان یافته است .

شماره‌های چهار ، سیزده ، چهارده ، هیجده وبیست‌ودو این نامه در تصرف من می‌باشد . هرنسخه دارای چهار صفحه ، وبقطع سیزده‌در شش‌ونیم است .

وجه اشتراك سالیانه در مشهد دوازده‌قران، در نقاط‌دیگرایران پانزده هزار ، برای روسیه و تـرکستان چهار منات (روبل) ، برای هندوستان و چین بیست‌وچهار قران ، افغانستان دو تومان‌ترکیه ومصر دو تومان .



٭۸٤٭

بصیرت

نشریهٔ هفتگی است ،که در تهران بسال هزاروسیصد وبیست و پنج قمری (هزارونهصدوهفت میلادی) انتشار یافته است .

٭ رابینو ذکری ازین نامه نکرده ، ومنهم ندارم .



۸۵

بلدالامین

نامهٔ هفتگی است .که درمشهد ، در اوایل سنهٔ هزار وسیصد و بیست وهشت هجری قمری (ژانویه وفوریه هزارو نهصدوده میلادی) ، بمدیریت میرزا محمدصادق ، باچاپ‌سنگی انتشار یافته است .

☆ بردیف چهل وهشت رابینو رجوع فرمایند . شماره‌های دو ، شش ، دوازده ، پانزده وهفده را من دارم . شمارهٔ دوم مورخ بیست و هشت محرم هزاروسیصدوبیست وهشت هجری قمری (نه فوریه هزارو نهصدوده) است .

برحسب رسالهٔ رابینو ، این نامه برای ادارهٔ بلدیه (شهرداری) مشهد ، انتشار یافته ، ودربیست وچهارم جمادی‌الثانی هزار و سیصد و بیست و هشت (سوم ژوئیه هزارو نهصد و ده) نشر آن متوقف شده است .

هرشماره دارای چهار صحیفهٔ بقطع سیزده درهفت‌ونیم ، و بخط نسخ روشن ودرست بچاپ سنگی رسیده است . وجه اشتراك سالیانه در مشهد یك تومان برای نقاط دیگر ایران‌دوازده‌هزار ، برای خارجه پانزده قران .



☆۸۶☆

بلدیه

نامه‌ایست که در تهران بسال هزار وسیصدو بیست و پنج قمری (هزارونهصدوهفت میلادی) انتشار داشته است

☆ بردیف چهل‌ونه راپینو مراجعه نمایند، که برحسب آن‌ازطرف ناشرین مختلف ، بطور غیر مرتب نشر یافته است. شماره‌های هفت،ده، شانزده ، بیست‌ویك ، چهل‌وسه ، چهل‌وشش وچهل‌و هفت این‌روزنامه در تصرف من می‌باشد . شمارهٔ هفتم مورخ سوم ربیع‌الثانی سنهٔهزار و سیصدوبیست وپنج هجری قمری(شانزده مه هزارونهصدو هفت) است ، ودارای چهارصحیفه‌بقطع‌یازده‌نیم‌درشش‌وسه‌چهارم می‌باشد .

وجه اشتراك سالانه در تهران هیجده هزار، در نقاطدیگرایران بیست و سه قران ، برای روسیه وقفقازیه پنج منات (روبل) ، برای هندوستان نه‌روپیه ، ترکیه ومصر سهٔ مجیدیه ، اروپا بیست ویك فرانك .

☆۸۷☆

بلدیه

نشریهٔ هفتگی است، که در تبریز بسال هزاروسیصدوبیست‌وهفت هجری قمری (هزارونهصدونه‌میلادی) بمدیریت احمدمیرزا، باچاپ‌سنگی انتشار داشته، وناشر مذاکرات انجمن بلدی (شهرداری) بوده، وازطرف بلدیه اداره می‌شده است.

☆ رابینو ذکری ازین نسامه نمی‌کند، و منهم نسخه‌ای ازآن ندارم.



تصدیق مباشر مالیهٔ خوی

بندهٔ درگاه حاجی میرزا علی خان که عملی خوی مداخله کرده ام حساب مالیاترا متقبل هستم ملزوم برده حضرت آقای حاجی محتشم السلطنه حکمران کل ... رد کرده بوصول اسناد خرج فهرست گرفته آورده بجناب آقای سالار اسعد تسلیم نمایم احتمالاً تشخیص امر حساب مانده است شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۲۷ (علی)

و حال آنکه بنده مسؤل حساب مالیات نبودم و دیناری هم برای خود از حقوق حکومتی برداشت نکرده ام بطوریکه محض رسیدگی در مشروطیت مبلغ یکصد و بیست تومان بجناب آقای میرزا سید محمدخان مأمور دفتر مالیه پول داده قبض رسید هم گرفتم که سواد حکم باخط خود میرزا سید محمد خان را مستدعیم بعد از ملاحظه درج فرمائید

تصدیق ماموریت میرزا سید محمدخان از ریاست مالیهٔ آذربایجان

جناب میرزا سید محمد خان چون عمل مالیه ولایات خوی و سلماس و خالصجات انجا در سنوات ماضیه قوی ئیل و ییجی ئیل و بچی ئیل بواسطهٔ انقلابات از هرجهة مهمل و معطل مانده بود و تصفیه و تفکیک محاسبات سنوات ماضیه لازم است و شمارا که از ادارهٔ اجری مالیه برای تحقیق و تعیین محاسبات سنواتی و لاتیق و خالصگی آنجا منتخب نموده اند لهذا من هم ماموریت شمارا تصویب نموده مینویسم که باهمراهی حاجی میرزا علی خان مباشر سابق خوی عاجلا بمحل ماموریت رفته و در تشخیص سنواتی ولایتی و خالصگی اقدامات لازمه نموده و قبوض با خودی انجارا اعم از دولتی و ملتی هرچه باشد جمع کرده تا اوایل شوال نتیجهٔ ماموریت خود را باداره محاسبات بیاورید

(معتمد السلطنه)

قبض الوصول حق الزحمهٔ میرزا محمد خان

مبلغ یکصد و بیست تومان موافق قرار داد حضرت آقای معتمد السلطنه وزیر مالیه مدظله از بابت حق الزحمهٔ اقل السادات در حین ماموریت خوی بتوسط جناب اجل آقای سالار اسعد واصل و عاید اقل محمد گردید شهر شوال المکرم تخاقوی ئیل ۱۳۲۸ (محمد الحسینی)

بنده مراتب را بحضرت ایالت جلیلهٔ سابق عرض کردم ایشان مرقومهٔ ذیل را بریاست مالیه مرقوم فرمودند مستدعی است عیناً درج فرمائید

از ایالت جلیلهٔ سابق بریاست مالیه

ادارهٔ جلیلهٔ مالیه سالار اسعد اظهار میکند که در مشروطیت چه روانه یکصد و بیست تومان بسید محمدی از اجاکز پول بگیرند مامور دفتر بدهد در صورتیکه مامور رفته رسیدگی کرده بجا کرسند نوشته داده هستند که دعوی دیناری ماخوذ نکرده و مالیات را حقیقت معلوم نکرده ام) در این باب چه میگوئید راپورت کنید ملاحظه شود (مخبر السلطنه)

آقا میرزا سید محمد خان مدتی در خوی مانده ماخوذی مردم را جمع کرده بدفتر مالیه آورده به بنده هم سند داده و در حضور سرکار والا آقای ضیاءالدوله نایب الایاله روبرو شود که سالار اسعد دست بمالیات خوی نزده دیناری ماخوذ نکرده مستدعی است مرقومهٔ آقای ضیاءالدوله را هم عیناً درج فرمائید

از ریاست ایالت جلیله بریاست مالیه

سالار اسعد سابقاً که حکومت خوی را بعهده جناب آقای محتشم السلطنه قرارداده اند ماهی دویست تومان از بابت شهریه برداشت نماید سواد نوشتهٔ آقای محتشم السلطنه را اماً فرستادم در این صورت اگر ایرادی هم باشد لازم است از خود آقای محتشم السلطنه سوال نمود در هر حال سالار اسعد اظهار ... حق است (ضیاءالدوله)

تلگراف از طهران به تبریز

جواب جناب مستطاب اجل ایالت آذربایجان دامت شوکته ... تلگرافات جنابعالی واصل گردید در باب تنخواه برای تدارکات قشونی و سایر مخارجات بوزارت جلیله مالیه تاکید شد که بیست هزار تومان فوری حواله بدهند البته خواهند رسید باز هم در موقع ضرورت حواله میشود در باب عدم حرکت قزاق ساخلو هم بوزارت جنگ نوشته شده که اقدامات لازمه نمایند و تلگراف عدم حرکت انهارا مخابره نمایند نمره ۶۷۸ ریاست وزرا

سواد راپورت ادارهٔ تفتیش

بتقریرات اشخاص ذیل اینکه امروز چهار نفر سالدات از دکان علی اکبر بقال پنج چارک خیار گرفته براه افتاده پول ندادند از انجا رد شدند بدکان کربلائی حسن بقال رسیدند دو عدد هندوانه برداشته براه افتادند کربلائی حسن مزبور خواست ممانعت کند ... طپانچه کشیده بیچاره بقال عاجز شده عقب ایشان نادر باغ رفت سالداتها بباغ رفتند مشار الیه را مانع شدند

LES RUSSES en PERSE

La diplomatie russe, très-peu scrupuleuse dans le choix des moyens qu'elle met en œuvre pour arriver à ses fins, emploie tout l'art qu'on lui connait à enflammer la Perse de tous côtés, afin d'avoir un motif plausible pour ne pas retirer ses troupes, afin de pouvoir mieux pecher en eau trouble.

Chaque fois que le pays s'appaise et va entrer dans sa voie normale, une nouvelle émeute éclate, comme par enchantement, sur un point quelconque du territoire et tout le monde sait que ces troubles sont dûs tous aux provocations étrangères.

Presque toujours c'est un provocateur quelconque, recruté parmi les Persans servant la politique russe qui est mis en jeu; mais les Russes ne craignent pas d'agir quelquefois directement sans l'intermédiaire de leurs serviteurs zélés.

Ils nous en donnent récemment une bonne preuve.

Le 27 juillet, une patrouille de soldats russes fait irruption dans le palais du gouvernement à Tauris. Elle le cerne et en retire et emmène, tambour battant, l'ancien gouverneur d'Ardebil, Rachidul-Mulk, un type de traître - tyran qui avait été arrêté, il y a plus d'un mois, dans un appartement particulier du Palais et que maintenant les Russes appellent leur "protégé".

Il y a eu par suite quelques meetings contre cet acte de pure violence; mais, bien entendu, dans le seul but de protester, dernier remède des faibles opprimés.

Le 28, à 5 heures du soir, nouvelle apparition de soldats russes dans une rue très-fréquentée de la ville.

Les cosaques font mine d'attaquer les passants en braquant sur eux leurs fusils chargés; puis, ils les dispersent à coups de crosse. Au milieu d'une panique générale des femmes et des enfants se blessent en se laissant piétiner par la foule en fuite.

Après quoi Messieurs les "pacificateurs" rentrent tranquillement chez eux, c'est-à-dire au Jardin Baghe-Chémal.

⁂

Le fait de cette provocation est tellement criant et il montre avec tant de clarté le rôle joué par les Russes en Perse que tout commentaire nous semble superflu.

Et on ne prévoit pas de fin à cette terrible tragi-comédie qui bouleverse le pays!

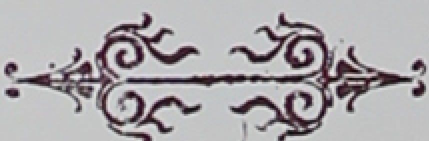
Il y aura, peut-être, quelque chose de plus nouveau, de plus tragique et de plus horrible encore à voir et à raconter; nous devons bien l'attendre.

Voilà comment les Russes, apôtres de la paix, prêchent l'humanité chez les Persans.

Et voilà la signification, dans le langage diplomatique, du verbe "pacifier".

A. E.

P. S. Nous prions tous nos confrères de vouloir bien faire reproduire le texte ci-dessus ou sa traduction dans leurs journaux respectifs.



Call No.........   Date..........................

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.



بلدیهٔ اصفهان

نشریهٔ هفتگی است، که در اصفهان، در آخر سال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (ژانویه هزار و نهصد و هشت میلادی) بچاپ سنگی رسیده است.

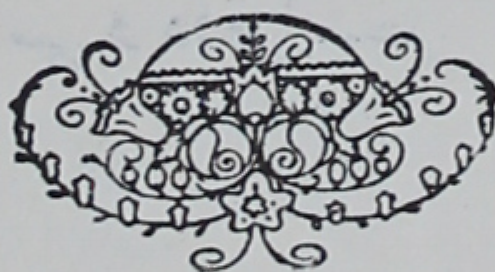
☆ بردیف پنجاه راپینو رجوع فرمایند، که برحسب آن نشریهٔ دو هفتگی است و در چهارم ذی‌الحجهٔ سنهٔ هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (هشتم ژانویهٔ هزار و نهصد و هشت میلادی) شروع بانتشار کرده است. هر شماره دارای چهار صحیفه، بقطع دوازده و نیم در هفت می‌باشد، و بخط نسخ روشن و درشت بطبع حجری رسیده است. وجه اشتراك سالیانه برای اصفهان بیست و پنج قران، برای نقاط دیگر ایران سه تومان، و برای خارجه سی و دو قرانست.

❁۸۹❁

بوقلمون

نشریه‌ایست که بقطع کوچك در تبریز بسال هزار و سیصد و بیست و هفت هجری قمری (هزار و نهصد و نه میلادی) بمدیریت میرزا محمدغنی زادهٔ سلماسی، ناشر انجمن، فریاد و شفق انتشار داشته‌است

❁ بردیف پنجاه‌ویك رابینو رجوع فرمایند، که برحسب آن، شمارهٔ دوم مورخ بیست و چهارم هزار و سیصد و بیست و هفت هجری قمری (یازده اوت هزار و نهصد و نه میلادی) . می‌باشد. من نسخه‌ای از این نامه ندارم .



٭۹۰٭

بهلول

نامهٔ هفتگی مصور مضحکی است ،که در تهران در اوایل سال هزاروسیصدوبیست‌ونه هجری قمری(مطابق هزارونهصدو یازده‌میلادی) ابتدا بمدیریت شیخ‌علی عراقی ، وسپس اسدالله‌خان معروف‌به‌پارسی ، با چاپ سنگی انتشار داشته است .

این نامه مدافع نظریات و روش حزب دموکرات بود ، وفرق و احزاب رقیب ، و دولت را موردحمله وانتقاد قرارمی‌داد، همانطوریکه تنبیه(مراجعه فرمائید) حامی‌اعتدالیون، وهمچنین‌شیخ چغندر (رجـوع فرمائید) وابسته به‌حزب اتحاد و ترقی بود و از خط مشی آن دفـاع می کرد .

٭ بردیف پنجاه‌ودو از رسالهٔ رابینومراجعه‌شود. شماره‌های‌شش، ده ، سیزده ، بیست‌ونه‌و سی‌وچهار بهلول در تصرف من می‌باشد. اولی مورخ بیست ویکم جمادی‌الاول سال هزاروسیصد وبیست و نه هجری

قمری (بیستم مه‌هزارونهصد ویازده میلادی) است. هرشماره‌دارای‌چهار صحیفه بقطع دوازده‌ونیم درشش ونیم ، و صفحه‌های آغاز و انجام مصور می‌باشد . هرشماره صد دینار (یك‌دهم‌قران) .



۹۱۰

بیداری

نامه‌ایست که درتهران بسال هزارو سیصد وبیست وپنج هجری قمری (هزارونهصدوهفت میلادی) یك روز درمیان ، بمدیریت فتح‌الممالك باچاپ سنگی منتشر شده است .

*بردیف پنجاه وسه ازرسالو رابینو مراجعه فرمائید، که‌برحسب آن آغاز انتشار نامهٔ بیداری دربیست‌وسوم جمادی‌الاخرهٔ هزاروسیصد وبیست وپنج هجری‌قمری (سوم اوت‌هزارونهصدوهفت میلادی)میباشد. شماره‌های یك‌وسه در تصرف من می‌باشد. هرنسخه دارای چهارصفحه، بقطع دوازده در هفت ، وبخط تعلیق بطبع حجری‌رسیده است. وجه اشتراك سالیانه‌سی‌قران.

٭۹۲٭

پایتخت

روزنامهٔ هفتگی است که در تهران بسال هزاروسیصد وبیست‌و نه‌هجری قمری (مطابق‌هزار ونهصدو یازده میلادی) باچاپ‌سنگی انتشار یافته است .

٭ رابینو ازین نامه‌ذکری نمی کند ، ودیده نشده است .



«۹۳»

پروانه

نامه‌ایست که بسال هزار و سیصد و بیست و هشت هجری قمری (هزار و نهصد و ده میلادی) بمدیریت سیدحسن مومن‌زاده، در اصفهان بطبع رسیده است.

چهل شماره طی یکسال انتشار یافته، و آغاز آن بتاریخ هفتم شوال سنهٔ هزار و سیصد و بیست و هشت (دوازده اکتبر هزار و نهصد و ده) بوده است.

☆ بردیف پنجاه و پنج رابینو مراجعه فرمایند، که در آنجا می‌افزاید روش سیاسی پروانه دموکراتیک بوده است. شماره‌های هشت، ده و بیست و یک آن در تصرف من می‌باشد، اولی مورخ دهم ذی‌الحجهٔ سال هزار و سیصد و بیست و هشت هجری قمری (یازده دسامبر هزار و نهصد و ده) است. هر نسخه دارای هشت صحیفه بقطع سیزده در شش و نیم است. وجه اشتراک سالیانه در اصفهان پانزده قران.

-۹۴-

پرورش

روزنامهٔ هفتگی است ،که در قاهره (مصر) در اوایل سال هزارو سیصدوهیجده هجری قمری (هزارو نهصد ـ یك میلادی) بطبع رسیده و شمارهٔ نخست آن مورخ دهم صفرسال مذکور (نهم ژوئن هزارو نهصد میلادی) می‌باشد . دارنده ونگارنده ومدیر پرورش میرزاعلی‌محمدخان کاشانی ، برادر (میرزا عبدالحسین‌خان) وحیدالملك ، نمایندهٔ مجلس دوم است .

پرورش یکی از مهمترین روزنامه‌های فارسی است ،که ازلحاظ نفوذ درمیان نسل جوان ایرانی مقام اول‌را حایزست، و موجب تهییج افکار ومحرك احساسات تودهٔ مردم کشور بوده است، وبعلاوه از جهت اسلوب بیان وشیوهٔ نگارش دارای زیبایی خاصی‌می‌باشد .

این روزنامه ، بعداز انحلال شرکت سابق میرزاعلی‌محمدخان وسید فرج‌الله کاشانی ، بجای ثریا (مراجعه بهمین‌ماده فرمائید) انتشار یافت .

آهنك آتشين ، وشيوهٔ شيرين وفصيح وسليس پرورش تأثيرفوق‌العاده‌ای در افكار عمومی ايرانيـان داشته ، وفی‌الحقيقه موجد انقلاب فكری دركشور بوده است .

بعضی از مقالات مخصوص آن : از قبيل دختر حاجـی نمدمال ؛ خـواب وخيال ، مقالـهٔ مصـاحبه ، دور وتسلسل ، مجلس‌محاكمه يـا محضر قاضی وجدان سرمشق فصاحت وبلاغت در زبان فارسی شمرده می‌شود .

پرورش بعداز قانون ، آزادمنش‌ترين‌روزنامهٔ ايرانی‌درميان‌تمام مطبوعات فارسی درعصر استبدادبوده‌است ، وبجهت آهنك‌تند، وحملات شديد خويش به‌اصول اداره وتشكيلات دولت ايران ، مخصوصاً بعلت انتقاد سخت‌از روش‌وعمليات مخالف‌ميهن‌پرستی امين‌السلطان،موجبات تهييج‌افكار عامه ونفرت مردم را ازدربار پديدآورد . درنتيجهٔ‌انتشار مقاله ای درمقايسهٔ امين‌الدوله و امين‌السلطان ، درشمارهٔ بيست‌وسوم روزنامه ، از ورود پرورش بداخلهٔ ايران ممانعت بعمل آمد ، معهذا تاشمارهٔ سی‌وسه منتشر گشت، وبطريق مخفی واردكشور مـی‌شد. در شمارهٔ اخير آن مقاله شيوايی تحت‌عنوان‌زاری بـرشكستگی‌قلم : بای ذنب قتلت ؟ درج‌شده‌بودكه دارای اهميت‌خاصی‌است .

بعداز توقيف پرورش ، ميرزا علی محمدخـان مدتی مبتلای‌سل گشت ، وبالاخره درسال هزاروسيصدوبيست هجری‌قمری(هزارونهصد ودو ـ سه ميلادی) در حلوان نزديكی قاهره بهمان‌درددرگذشت ، و نيز به ثريا رجوع فرمايند٠

☆ برديف پنجاه‌وپنج‌ازرسالهٔ رابينو مراجعه شود٠ازشمارهٔ‌يازده

تانوزده درتصرف اینجانب موجودست• هرشماره دارای شانزده صحیفه، بقطع نه‌ونیم درشش‌است• وجه اشتراك سالانه برای ایران چهار تومان برای قفقازیه ده‌منات (روبل)، درترکیه‌ده‌مجیدیه، در اروپا بیست‌وپنج فرانك، در چین‌وهندوستان دوازده روپیه. ازمقالات مخصوص‌مذکور دور وتسلسل درشماره نوزده‌درج شده وراجع به‌اخاذی واجحافات کنسولهای ایران بزایرین‌مکهٔ‌معظمه می‌باشد، ومقالهٔ‌مجلس‌محاکمه‌در شماره‌هیجده‌انتشار یافته‌است •



۹۵

پلیس ایران

روزنامهٔ یومیه‌ایست، که در تهران بسال هزاروسیصد وبیست و هفت هجری (هزارونهصدونه میلادی) توسط سیدجواد تبریـزی طبع و منتشر شده، ومالك آن مرتضی قلیخان مویدالممالك قاجار بوده‌است. این نامه یکی از مطبوعات وابسته به‌حزب حایز اکثریت ومدافع روش دولت، یعنی اعتدالیون بوده است.

☆ بردیف پنجاه‌وشش از رسالهٔ رابینو مـراجعه فرمائید. عـدهٔ کثیری از شماره‌های این‌نامه در تصرف‌منست، وشمارهٔ نخست آن‌مورخ چهارم ذی‌الحجه سال هزار وسیصد وبیست‌وهفت هجری قمری (هیجده نوامبر هزارونهصد ونه‌میلادی) ونسخهٔ اخیر، شمارهٔ چهارصدوهشتاد، بتاریخ بیستم محرم سنهٔ هزاروسیصدوبیست ونه (بیست‌ویکم‌ژانویه‌هزار ونهصدویازده) می‌باشد. قطع پلیس ایران در اوایـل چهارده ونیم در یازده است، ولی بعدها بزرگتر شده، وهیجده دردوازده و یك چهارم گشته است.

وجه اشتراك سالیانه در تهران سه تومان ونیم ، در نقاط دیگر ایران چهار تومان ، برای روسیه ده منات (روبل) ، برای اروپا بیست و پنج فرانك ، و برای ترکیه دو لیرهٔ ترك بوده ، ولی بعداً افزایش یافته است .



٭۹٦٭

پیامبر باختر

مجله‌ایست که درواشنگتن (ممالك متحدهٔ امریکا) ازطرف بهایی‌-های امریکا درهر نوزده روز یك‌بار، بقطع کوچك ، بمنظور تبلیغ آیین بهایی انتشاریافته‌است، بعدهانام این نشریه به‌نجم باختر تغییریافت.

٭بردیف پنجاه‌وهفت ازرسالهٔ رابینو رجوع فـرمایند. جلد دوم نجم باختر ، از شمارهٔ یك تاچهار، هفت‌ـهشت، وچهارده تاشانزده، من دارم . نخستین مورخ بیست‌ویکم مارس هـزارونهصد و یازده، وواپسین بتاریخ سی‌ویك دسامبر همانسال است . این مجله به‌دوزبانست ، وبخش بزرك آن (درحدود دوسوم)درانگلستان ، وبقیه درایران بچاپ سنگی رسیده است .

در اکتبر سال هـزار و نهصدویازده میلادی ، یك‌مجلهٔ ماهیانـه دیگری (تمامـاً انگلیسی) بنام مجلهٔ مصور ماهیانـهٔ جمعیت آموزشی

ایران وامریکا (۱) ، وابسته به‌همان جمعیت آموزشی ایران و آمریکا (۲) انتشار یافته است، که شماره‌های یك ، پنج وهشت آن‌در تصرف‌من می‌باشد ، ونسخهٔ اخیر آن مورخ مه ـ ژوئن هزارونهصد و دوازده میلادی‌است .



۱ - Bulletin of the Persian - American Fducational Society.

۲ - Parsian-Amrican Educational Socity.

☆۹۷☆

پیکار

روزنامه‌ایست که در طهران بسال هزار وسیصدوبیست‌ونه‌هجری قمری (مطابق هزار ونهصد ویازده میلادی) بمدیریت میرزا حیدرعلی کمالی انتشاریافته است .

این نشریه ارگان حزب اجتماعیون اتحادیون بوده‌است، که‌در درآنموقع بتازگی تشکیل یافته بود.

☆☆☆

☆☆

☆

۹۸

تازه بهار

نشریهٔ هفتگی است که در مشهد بسال هزار وسیصد وبیست‌ونه هجری قمری (مطابق هزارونهصدویازده میلادی) بمدیریت‌ملك‌الشعراء بهار باچاپ‌سربی انتشار یافته است ، وبجای نوبهار(درپایین مراجعه بهمین ماده شود) که‌توقیف‌شده بود،نشرمی‌شده‌است . تازه‌بهاردرسیاست دموکرات بوده است .

✲ دررسالهٔ رابینوذکری ازین نشریه‌نشده است . شمارهٔ سوم‌تازه بهار ، مورخهٔ بیست‌ودوم ذی‌الحجه سنهٔ هزاروسیصدوبیست‌ونه‌هجری قمری (چهاردهم دسامبر هزارونهصدو یازده میلادی) می‌باشد ؛ ودارای چهارصفحه بقطع شانزده درده‌وربع است .

وجه اشتراك سالیانه در مشهد بیست و پنج قران ، ودر نقاط دیگر ایران سه‌تومان ، وبرای خارجه شش روبل (منات روسی) است .



از کاریکاتورهای سیاسی مطبوعات صدر مشروطه

Date........................

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

☆۹۹☆

تبریز

نامهٔ هفتگی است که در تبریز بسال هزارودویست و نـودوشش هجری‌قمری(هزاروهشتصدوهفتادونه‌میلادی) بمدیریت کمال نامی انتشار یافته است.

شمارهٔ سوم این نشریه که درتصرف اینجانب‌است، بتاریخ پنجشنبه بیست‌وپنجم محرم سنهٔ هزار ودویست‌ونودوهفت هجری قمری مـوافق توشقان ایل(مطابق هشتم ژانویه هزاروهشتصدوهشتاد میلادی)می باشد. نسخ سال سوم انتشار تبریز دیده شده است. ذکر این نامه آمـده در مقدمهٔ کتاب آمده است.

☆رابینو ذکری ازین نشریه‌نمی کند.

☆۱۰۰☆

تبریز

نشریه‌ایست که هفته‌ای سه‌بار از اواخر سال هزاروسیصدوبیست وهشت هجری‌قمری(مطابق هزارونهصدوده میلادی) بمدیریت میرزا اسمعیل یکانی، وسپس میرزاحسین طبیب‌زاده، مشهور به کمال،ناشرسابق نامهٔ کمال، باچاپ‌سربی انتشاریافته است.

ناشرروزنامهٔ تبریز، کربلایی حسین، مشهور به‌فشنگچی، عضو انجمن ایالتی تبریز بوده است. این نشریه بمانند تمام‌مطبوعات دیگر منتشره در تبریز، دردورهٔ تجاوزروسیهٔ تزاری درمحرم سنهٔهزاروسیصد وسی‌هجری قمری (نوئل هزارونهصد ویازده میلادی) توقیف گشت، و مدیر آن زندانی شد. روزنامهٔتبریزدرسیاست محافظه کارومشروطه‌طلب اعتدالی بوده است.

☆ بشمارهٔ پنجاه‌وهشت‌ازرسالهٔ رابینورجوع فرمائید. شماره‌های هفتادو دو، وهشتادونه، اولی مورخ بیست‌وسوم جمادی‌الآخره سنهٔ هزارو سیصدوبیست‌ونه‌هجری قمری.) مطابق‌بیست‌ویکم ژوئن هزارو

نهصد ویازده میلادی) ، وثانوی بتاریخ هفتم شعبان (چهارم اوت همان سال می باشد ، هرشماره دارای چهارصفحه بقطع پانزده ونیم درنه و ربع است .

وجه اشتراك سالیانه ، در تبریز بیست ویك قران ، ودرنقاط دیگر ایران سه تومان ، وبرای خارجه چهارتومان ودوهزار است .



☆۱۵۱☆

تدین

نشریهٔ مذهبی هفتگی است، که درطهران بسال هـزار وسیصدو بیست‌وپنج هجری قمری (مطابق هزارونهصدوهفت میلادی) بمدیـریت ملاصادق، ملقب‌به فخرالاسلام، که اصلا یک‌نفر کلدانـی از مسیحیان سوریه یا ارومیهٔ، و جدیدالاسلام بوده، با چاپ سربـی انتشار داشته است.

☆ بشمارهٔ پنجاه ونه ازرسالهٔ رابینو مراجعه شود. شمارهٔ یازده از سال نخست، مورخ اول شعبان سنهٔ هزاروسیصد وبیست وپنج‌هجری قمری (نهم سپتامبر هزارونهصدوهفت میلادی)، وشمارهٔ دوم ازسال‌سوم مورخ شانزدهم رجب سال هـزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری (مطابق سوم اوت هزار و نهصد ونه میلادی) در تصرف اینجانب است. هـر شماره دارای چهـار صحیفه بقطع دوازده در شش و سه چهـارم می‌باشد.

وجه اشتراك ساليانه ، درطهران دوازده قران ، براى نقاط ديگر ايران پانزده‌هزار ، وبراى روسيه وقفقازيه چهار منات (روبل)،وبراى هندوستان‌هفت روپيه .



۱۰۲

تربیت

نشریهٔ هفتگی‌است ،که با چاپ سنگی بخط نستعلیق‌بسیارزیبایی در طهران بسال هزار و سیصد و چهارده هجری قمری (مطابق هزار و هشتصدونود وشش - هفت میلادی) انتشار یافته است. صاحب ، مدیر و سردبیر تربیت، میرزا محمد حسین اصفهانی،ملقب به‌ذکاءالملك، متخلص به فروغی ، مؤلف آثار بسیار درتاریخ وادبیات،پدرمیرزا محمدعلیخان ذکاءالملك کنونی ، که نمـایندهٔ دورهٔ دوم مجلس شورای ملی بوده ، بوده است .

این نشریه اهمیت خاصی ازلحاظ ادبی وسبك و شیوه ، و انشای فصیح وبلیغ داشته است ، واما مرحوم ذکاءالملك ،که در عهد خود از ادیبان وشاعران طرازاول ایران بوده ، معمولا اشعار خویش را در این مجله چاپ میکرده‌است، وبجهات مذکور، مجلهٔ تربیت‌درمیان‌مطبوعات دورهٔ استبداد دارای مقام مهم وممتازی بوده ، و نفوذ قابل ملاحظه‌ای داشته است ،ولی روش تملق‌آمیز وچاپلوسانه، وشیوهٔ ستایش وتمجید از اشراف واعیان معاصر از ارزش ادبی آن می کاهد .

اهمیت عمدهٔ این نشریه از جهت مجادله با مجلهٔ ثریا (در پایین بهمین ماده رجوع‌شود) دربارهٔ تقویم‌حاج نجم‌الدوله بوده‌است. درمقابل انتقادات منطقی میرزا علی محمد خان کاشانی مدیر ثریا، علیه ترهات تقویم ایرانی (۱) تربیت دو شمارهٔ خود را از آغاز تا انجام، بدفاع از حاج نجم‌الدوله، وحمله به‌ثریا اختصاص داد.

در نتیجهٔ این حمله، هواخواهان ثریا احساسات خود را (علیه تقاویم نجومی و احکام فلکی) ظاهر ساختند، و مقالات متعددی در رد مندرجات مجلهٔ تربیت ازکلیهٔ نقاط ایران، و از خارجه، در ثریا و دیگرمطبوعات انتشار یافت.

اغلب اوقات ترجمهٔ مباحث مفیدی از السنهٔ خارجی در تربیت بطور پاورقی انتشار می یافت، از جمله: کلبهٔ هندی (۱) از برناردن دوسن‌پیر، عشق وعفت (۲)، که ترجمه‌ایست از شاتوبریان، وجزاینها. تربیت تا پایان دورهٔ استبداد، وتقریباً تا عهد مشروطیت نشر شده‌است.

✡ بردیف‌شانزده از رسالهٔ رابینو مراجعه شود، که برحسب او، تربیت در یازدهم رجب سنهٔ هزاروسیصدوچهارده هجری قمری (مطابق شانزدهم دسامبرهزار وهشتصد ونود و شش‌میلادی) آغاز یافته است. این نشریه تا شمارهٔ۳۷۹چهارصدوبیست‌وچهار، مورخ چهارم ذی‌الحجه

---

۱ - منظور احکام‌نجومی مستخرجه درتقاویم رقومی‌است-م.ع

۱- Chaumiere Indienne, par Bernardin de Saint-Pierre.

۲- Aventures du dernier des Abencéreges par Chateaubriand.

سنهٔ هزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری (بیستم دسامبر هزار و نهصد وشش میلادی) مرتب منتشر شده است. مبلغ کثیری از شماره‌های تربیت در تصرف اینجانب می‌باشد، که با نمرهٔ پنجاه و هشت از سال دوم، مورخ بیست وششم شعبان سال هزار و سیصد و پانزده هجری (مطابق بیستم ژانویه هزار وهشتصد ونود وهشت میلادی) آغاز ، وبا شماره چهارصد سی وسه ، مورخ بیست و دوم محرم سنهٔ هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (موافق هفتم مارس هزار و نهصد و هفت میلادی) پایان می‌یابد. هرشماره دارای هشت صفحه بقطع دوازدهٔ در شش و سه ربع است ، وصفحات آن بمنظور تجلید شمارهٔ مسلسل خورده است. وجه اشتراك سالیانه در تهران دو تومان ، در نقاط دیگر ایران بیست و پنج هزار ، برای روسیه پنج منات (روبل) ، برای هندوستان ده روپیه ، و برای اروپا ، ترکیه ومصر دوازده فرانك.



۱۰۳

ترقی

نشریهٔ دو هفتگی است ،که درطهران بسال هزار وسیصد وبیست وپنج قمری هجری (هزار ونهصد و هفت میلادی) بمدیریت میرزا محمد علیخان طهرانی، مشهور به اسلامبولی (استانبولی) که یکی اززندانیان باغ شاه‌در کودتای محمد علیشاه مخلوع بتاریخ بیست‌وسوم جمادی‌الاول سنهٔ هزار وسیصدوبیست وشش هجری قمری(مطابق بیست وسوم ژوئن هزار ونهصد وهشت میلادی) بوده ، با چاپ سربی انتشار یافته است .

٭ بردیف شصت و یك از رسالهٔ راینو مراجعه فرمائید که برحسب او ، ترقی در هفدهم صفر سنهٔ هزار وسیصد و بیست و پنج هجری قمری (اول آوریل هزار ونهصد وهفت میلادی) آغاز یافته‌است شماره‌های‌شانزده، بیست ویك‌وبیست ودو‌م‌این نشریه درتصرف اینجانب است . هر نمره دارای چهار صحفه بقطع دوازده در شش و سه چهارم

می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه در طهران دوازده هزار ، در نقاط دیگر ایران پانزده هزار، برای روسیه وقفقازیه پنج منات (روبل)، برای ترکیه سه مجیدیه ، وبرای هندوستان ده روپیه است .



۞۱۰٤۞

تشویق

نشریهٔ هفتگی است ،که در طهران بسال هزاو وسیصد و بیست وپنج هجری قمری (هزارونهصدوهفت میلادی) بمدیریت میرزا سید علی طباطبایی با چاپ سربی انتشار یافته است . این نشریه بمانند مطبوعات دیگر،کوشش داشته که ازچرند ـ پرندصوراسرافیل تقلید ضعیفی بکند. تشویق قسمت فکاهی وهجایی بنام «شروور» داشته است .

۞ برديف شصت و دو از رسالهٔ راپینو مراجعه فرمایند ، که بر حسب او فقط هشت شماره از تشویق منتشر شده است، و نخستین آن مورخ نوزده شعبان هزار وسیصد وبیست و پنج هجری قمری (بیست و هفتم سپتامبر هزار ونهصد وهفت میلادی) و آخرینش بتاریخ بیست و ششم شوال (دوم دسامبر) همانسال می باشد . از شمارهٔ دو تا هشت در مجموعهٔ اینجانب موجوداست.هرشماره دارای‌هشت صفحه بقطع دوازده

ونیم درشش وسه‌چهارم می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه درطهران پانزده قران ، در نقاط دیگر ایران دو تومـان ، و برای خـارجه بیست و پنج هزار است .



✿۱۰۵✿

تفکر

نشریهٔ هفتگی است، که در طهران بسال هزار وسیصد و بیست و پنج هجری قمری (هزار ونهصدوهفت میلادی) بمدیریت نظام‌الذاکرین با چاپ سربی انتشار داشته است.

✿ بردیف شصت وسه از رسالهٔ رابینو رجوع شود، که بر حسب او، فقط یك شماره بتاریخ سوم ربیع‌الاول هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری (شانزده آوریل هزار ونهصدوهفت میلادی) ازتفکرمنتشر شده است. این شماره در مجموعهٔ اینجانب موجود می‌باشد، که دارای چهار صفحه بقطع یازده‌ویك چهارم‌درشش وسه‌چهارم‌است.وجه‌اشتراك سالیانه را درطهران سه تومان، برای نقاط دیگرایران سی و پنج قران وبرای اروپا بیست وپنج فرانك می‌باشد.

۱۰۶

تمدن

نشریهٔ هفتگی است، که در طهران بسال هزار وسیصد و بیست و چهار هجری قمری (مطابق هزار ونهصد وشش و هفت میلادی) با چاپ سربی انتشار داشته است. صاحب وسردبیر تمدن، مدبرالممالک هرندی بوده است، که اصلا منسوب بطبقهٔ متالهین و طلاب علوم دینیهٔ اصفهان بوده ، وبعدها در طهران بروزنامه‌نگاری پرداخته است.

تمدن یکی از بهترین مطبوعات دورهٔ مشروطیت بوده، وازلحاظ ادبی وسبك انشاء و هم از جهت ثبات و استواری و علاقه شدید باصول مشروطیت امتیاز داشته است. پس از کودتای ارتجاعی محمد علیشاه مخلوع ، وبمباردمان مجلس شورای ملی (بیست و سوم ژوئن هزار و نهصد و هشت میلادی) مدبرالممالك باکمال مهارت جان خود را از چنگال کینه جویانهٔ طرفداران استبداد نجات داد ، و از طریق بوشهر بهندوستان فرار کرد ، ودرآنجا بانتشار مجدد تمدن در بمبئی پرداخت. مدبر بعضی اوقات که در کلکته بسرمی برده، همچنین بنشر مقالات متعددی

در حبل‌المتین مبادرت کرده است .

مدبرالممالك سپس به استانبول رفت ، ولی در دوران انقلاب(۱) (هزار ونهصد ونه میلادی) از نو بایران مراجعت کرد، ودر رشت بانتشار مجلهٔ خود پرداخت. پس از فتح طهران (بدست ملیون) در سال هزار و سیصد وبیست و هفت هجری قمری (ژوئیه هزار و نهصد و نه میلادی) مشارالیه به پایتخت بازگشت ، و از نو بنشر تمدن پرداخت ، و تا سال هزار وسیصد وسی هجری قمری (هزار ونهصد ودوازده‌میلادی) انتشار آن دوام داشت .

تمدن در دورهٔ اخیر انتشار خود درطهران ، ازمشاجرات‌احزاب متخاصم کناره گیری کرده ، خویشتن را طرفدار سیاست‌اصلاحات اساسی (رادیکال) معرفی نمود. در دورهٔ اول انتشار ، هشتاد شماره در یکسال منتشر شد،ولی بعدها هفته‌ای یك‌شماره چاپ گشت. درقسمت اخیرازسال هزاروسیصدوبیست ونه‌هجری قمری(هزارونهصد ویازده‌میلادی)روزانه شد ، و بقطع کوچك خشتی ، تحت عنوان « اطلاعات روزانهٔ تمدن » انتشار داشت .

این نشریه‌بطرزمطبوعی حوادث و اخبار ایران ، و کشورهای خارجی را خلاصه می کرد، وبهمین جهت در میان مطبوعات فارسی‌مقام ممتاز ومخصوصی داشت.

✡ بردیف شصت وچهار از رساله رابینو مراجعه شود. عدهٔ کثیری از شماره‌های سالهای اول ودوم تمدن‌درتصرف من‌می‌باشد، درمجموعهٔ

۱ـ علی‌الظاهر مقصود دوران استبداد صغیراست.م. ع

اینجانب شمارهٔ نخست از سال اول، مورخ هفدهم ذی‌الحجه سنه هزار وسیصد و بیست و چهار هجری قمری (یك فوریه هزار ونهصد و هفت میلادی) وشمارهٔ اخیر از سال دوم، که نمرهٔ چهارده است، بتاریخ یازده جمادی‌الاول سنه هزاروسیصد وبیست وشش (یازده ژوئن هزار ونهصد وهشت) می‌باشد. هرشماره دارای چهار صفحه بقطع یازده ونیم درشش وسه ربع است. وجه اشتراك سالیانه در تهران بیست وچهار قران، در نقاط دیگر ایران سه تومان، برای روسیه وقفقازیه هفت منات (روبل)، وبرای هندوستان چهار روپیه است. در یك شمارهٔ ضمیمه مورخ اول رمضان هزار وسیصد وبیست وشش (بیست وهفت سپتامبرهزار و نهصد وهشت)، در سر آغاز بالای عنوان چنین آمده است: «نالهٔ ملت»، ودر بالا این آیهٔ قرآنی درج شده:

«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عندربهم یرزقون» (آل‌عمران-۱٦۹)

بجای بهای اشتراك معمولی، نوشته شده: «یك ذره فعالیت» (یك جو غیرت!)، واز خوانندگان در ایران تقاضا شده است، که پس ازمطالعه روزنامه را بدیگران بدهند؛ و مشتمل بر بیانیه‌ایست که، از محضر مجتهدین کربلا علیه محمد علیشاه بنفع مشروطیت صدور یافته، و در مطبعهٔ حبل‌المتین کلکته بچاپ رسیده است.



از مجلهٔ ملانصرالدین (چاپ قفقازیه)

Call No.........   Date........................

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

❁۱۰۷❁

تمدن

نشریه‌ایست که در بمبئی بسال هزار وسیصد وبیست وهفت هجری (مطابق هزار ونهصد ونه میلادی) از طرف مدبر الممالك سابق الذکر، هنگام توقف مشارالیه در هندوستان ، انتشار یافته است . فقط یك شماره از این نامه منتشر شده است.

❁ در رسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده است .



۱۰۸

تمدن

نشریه‌ایست که در رشت بسال هزار وسیصد وبیست‌وهفت‌هجری قمری (هزار ونهصد ونه میلادی) از طرف مدبر الممالك سابق الذکر ، هنگام مراجعت مشارالیه از هندوستان به طهران، نگارش یافته ونشر شده است .

فقط یك شماره از آن انتشار یافته ؛ که‌مورخ بیست‌ونهم ربیع‌الثانی سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری (نوزده مه هزار ونهصد ونه میلادی) است.

* بردیف شصت‌وچهار از رسالهٔ راینو رجوع شود، که برحسب آن یگانه شمارهٔ منتشره در رشت ، نمرهٔ پانزده (مسلسل) ازسال دوم بوده است. ما علاوه بر آن ، شمارهٔ چهارده از سال دوم را نیز دیده‌ایم، که در تاریخ یازدهم ژوئن هزار ونهصد و هشت ، دوازده روز پیش از کودتای محمد علیشاه انتشار یافته ، و در اینصورت شمارهٔ بعد ،

منتشره در رشت ، نمرهٔ پانزده ، بایستی قریب سیزده ماه بعد ، در ژوئیهٔ هزار ونهصد ونه میلادی، درست پیش از تسخیر تهران بدست ملیون انتشار یافته باشد.



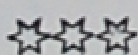
۞۱۰۹۞

تنبیه

نشریهٔ فکاهی است ، که یك قسمت از آن با چاپ‌سنگی، وقسمت دیگر بطبع سربی ، در تهران بسال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (هزار و نهصد و هفت میلادی) باکاریکاتورهای رنگینی ، بمدیریت معتضدالاطباء، انتشاریافته‌است. پس‌ازاستقرارمجدد مشروطیت (ژوئیه هزار ونهصد ونه) این نشریه بازهم انتشار یافت ، وتا این اواخر چاپ آن ادامه داشت (پایان هزار ونهصد و یازده میلادی) . در قسمت سیاست تنبیه ، منتسب به اعتدالیون بوده است.







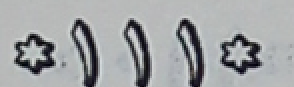
☆۱۱۰☆

تهذیب

نشریهٔ هفتگی است ،که درطهران بسال هزار وسیصد وبیست و هشت هجری قمری (هزار ونهصد وده میلادی) انتشار یافته است.

☆ در رسالهٔ رابینو ذکری این نشریه نیامده ، ودیده نشده است





التودد

نشریه‌ایست که در پاریس بسال هزاروهشتصد ونود ویك میلادی (هزار وسیصدوهشت ـ نه‌هجری‌قمری) بمدیریت‌شیخ ابونظاره ، انتشار یافته است .

این نشریه درچهار زبان : عربی ، فارسی ، ترکی و فرانسه نشر می‌شده ، ومصور بوده‌است. چون التوددارای بخش‌فارسی بوده، بنابرین نام آن درمیان روزنامه‌های‌فارسی ذکرشده‌است. بعضی‌ازمقالات‌فارسی این نشریه ، بقلم شیخ محمد حسن سیرجانی (نزدیك‌کرمان) ملقب به‌ـ شیخ الملك بوده است

✲ در رسالهٔ رابینو ذکراین نامه نیامده ، ودیده نشده‌است. شیخ ابونظاره ، یکی از افراد سیاستمدار مصری تبعید شده بپاریس بوده، و بیشتر بمدیریت نشریهٔ فکاهی عربی،بهمان‌نام(ابونظاره)منتسب بمشارالیه که با چاپ‌سنگی انتشار می‌یافته ، نامبردار بوده است .

☆١١٢☆

تیاتر

نشریه‌ایست دو هفتگی ،که بسال هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری (هزار و نهصد و هشت میلادی) از طرف میرزا رضا خان طباطبائی نایینی ،که بعدها نمایندهٔ دورهٔ دوم مجلس شورای‌ملی گشت. درتهران با چاپ سربی انتشار می‌یافته‌است. محتویات این‌نشریه عبارت از صحنه‌های داستان مانند (دراماتیك) مربوط بروش دولت در دورهٔ استبداد ، وطرز عمل حکام و شاهزادگان در رژیم قدیم است . تیاتر را می‌توان یکی از بهترین مطبوعات ایران بشمار آورد .

☆ بردیف شصت وشش از رسالهٔ رابینو رجوع شود، که برحسب آن آغاز تیاتر در تاریخ چهارم ربیع‌الاول سنهٔ هزار وسیصد و بیست و شش قمری (ششم آوریل هزار ونهصد وهشت میلادی) بوده است. رابینو می‌افزاید که شمارهٔ اول سال سوم این نشریه دیده است، که فاقد تاریخ بوده است از شمارهٔ یك تا چهار از تیاتردرتصرف اینجانب‌است، هر نسخه

دارای چهار صفحه بقطع یازده درهفت است . وجه اشتراك سالیانه در تهران دوازده هزار ، در نقاط دیگر ایران شانزده هزار ، برای روسیه وقفقازیه چهار منات (روبل) ، وبرای ازوپا هشت فرانك .



۱۱۳

ثریا

نشریه هفتگی است، که در قاهرهٔ مصر، بسال هزار و سیصد و شانزده هجری قمری (هزار و هشتصد و نود و هشت - نه میلادی) با چاپ سربی انتشار یافته است. شمارهٔ نخست آن مورخ چهارده جمادی الاخرهٔ سال مذکور (سی ام اکتبر سال هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی) است، و ابتدا بوسیلهٔ میرزا علی محمدخان کاشانی، وسپس بتوسط سید فرج الله کاشانی نشر شده است. در تمام مدتی که مدیریت و تحریر ثریا با شخص نخست، یعنی میرزا علی محمد خان کاشانی (مدیر پرورش - مراجعه بهمین ماده شود) بوده، این نشریه بسیار مطلوب و مطبوع، و دارای شهرت عظیمی بوده است، چنانکه طی دوره استبداد (پیش از مشروطیت) هیچیك از مطبوعات فارسی چنان گرانقدر و ارزشمند نبوده است. ثریا در کلیه خصوصیات و مزایایی که برای پرورش ذکر کردیم، و تمجید و تعریف نمودیم، شریك می باشد، وفی الحقیقة در نتیجهٔ طول مدت انتشار، از آن نامبردارتر است.

یکی از مقالات مشهور ثریا، «مقالهٔ مصاحبه» می باشد، و یکی از

حوادث مهم درحیات این مجله ، مباحثهٔ ممتدی است ، راجع به تقویم حاج نجم‌الدوله (به مادهٔ تربیت رجوع شود) ، که بین او وروزنامهٔ تربیت درخصوص آن مشاجرهٔ قلمی درگرفته بود.

دفاع از«مدرسهٔ تربیت» ، که توسط نگارندهٔ این سطورودیگران در تبریز بوجود آمده بود ، وحملات متمادی به حاج سید محمدیزدی دسیسه ساز مشهور ، که وسایل تعطیل مدرسهٔ مذکور را فراهم آورده بود ، یکی دیگراز کارهای مهم ثریا بشمار میرود . حملات سخت ثریا باین مرد ، که در شماره های سی و شش و سی وهفت سال اول انتشار یافت ، بالاخره منجر بتبعید حاج سید محمد یزدی از تبریز گشت.

در اواسط سال انتشار ، میرزا علیمحد خان « ثریا » را بـه سید فرج‌الله واگذار کرد ، وخودش بنشر « پرورش» پرداخت (رجوع بمادهٔ پرورش شود). از آن تاریخ اهمیت‌سابق ثریا بکلی‌ازمیان‌رفت ، ودیگر شهرت قدیم را نداشت؛ ولی بمدیریت‌سید فرج‌الله همچنان‌درمصر انتشار داشت ، تا بالاخره تعطیل گشت ، ومدیر آن به تهران رفت ، و در آنجا بنشر مجدد آن مشغول شد.

☆ برديف شصت وهفت از رسالهٔ رابينو رجوع فرمائيد. يك دورهٔ تقريباً كامل از ثريا درتصرف اينجانب است ، ازشمارهٔ يك تا پنجاه ويك از سال نخست ، شمارهٔ اول مورخ چهاردهم جمادی‌الاخرهٔ سنهٔ هزار و سیصد وشانزده هجری قمری (مطابق سی‌ام اکتبرهزار وهشتصد ونودو هشت) میلادی است ؛ ونیز از شمارهٔ یك تا سی وشش از سال دوم ، که تاریخ شمارهٔ اخیر بیستم جمادی‌الاول سنهٔ هزار وسیصد وهیجده هجری (پانزده اکتبر هزار ونهصد میلادی) است.

شمارهٔ نخست «پرورش» مورخ دهم صفر هزار وسیصد و هیجده هجری قمری (هشتم ژوئن هزارونهصد میلادی) می‌باشد. هرشمارهٔ ثریا دارای شانزده تا هیجده صفحه، بقطع نه در پنج و سه ربع است. وجه اشتراك سالیانه در ایران سی وشش قران، درترکیه چهار مجیدیه، در روسیه وقفقازیه ده روبل (منات)،برای اروپا بیست وپنج فرانك، وبرای هندوستان دوازده روپیه.

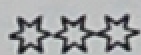


٭۱۱٤٭

ثریا

روزنامهٔ (مجله ـ نشریه) هفتگی است ،که درتهران بسال هزار وسیصد وبیست ویك هجری قمری (هزار ونهصد وسه ـ چهار میلادی) بمدیریت سید فرج‌الله کاشانی سابق‌الذکر، با چاپ‌سربی انتشار یافته‌است.

٭ بردیف شصت‌وهفت‌ازرسالهٔ رابینو مراجعه فرمایند،که‌برحسب او ، شمارهٔ بیست ویك از سال ششم (تاریخ مسلسل از بدو تأسیس در قاهره ومصر) مورخ بیست ودوم رجب سنهٔ هزار وسیصد وبیست و یك هجری قمری (مطابق چهارده اکتبرهزار ونهصد وسه میلادی) است.







۱۱۵

ثریا

نشریه‌ایست که در کاشان بسال هزاروسیصد وبیست وهشت‌هجری قمری (هزار ونهصد وده میلادی)، توسط‌همان سیدفرج‌الله سابق الذکر، انتشار یافته.

☆ رابینو ذکری ازین‌نشریه نمی کند، ودیده نشده است.



۱۱۶

جارچی ملت

نشریهٔ هفتگی است که در تهران، در حدود اواخر سال هزار و سیصد و بیست و هشت هجری‌قمری (هزار و نهصد و ده میلادی)، بمدیریت آقا سید حسین، با کاریکاتورهای مضحکی بچاپ سنگی رسیده است.

✡ بردیف شصت و هشت از رسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید، که بر-حسب او، شمارهٔ پنجم مورخ پنجم محرم سنهٔ هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری (ششم ژانویه هزار و نهصد و یازده میلادی) می‌باشد.

شماره‌های پنج تا هشت از «جارچی‌ملت» درتصرف اینجانب است، شمارهٔ ششم بتاریخ بیست و سوم محرم سنهٔ هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری می‌باشد، وصفحهٔ نخست آن با تمثال م. پانف (۱)، انقلابی نامدار بلغاری، که توسط روسان تزاری ازتهران نفی‌بلد شده، وبعداً در جنك نزدیك استرآباد شرکت جسته بود، زینت یافته است. بتاریخ انقلاب ایران من، صفحات دویست و چهارده تا دویست و بیست و

۱- M. Panoff

هشت و چهار صد و هیجده مراجعه شود. هرشماره دارای چهارصفحه
قطع دوازده ونیم درشش ونیم است. وجه اشتراك سالیانه، در تهران
هشت قران، در نقاط دیگرایران یك‌تومان، وبرای خارجه شش فرانك
می‌باشد.



☆۱۱۷☆

جارچی وطن

نشریهٔ هفتگی‌است، که در تهران بسال هزار و سیصد و بیست و هشت هجری قمری (هزار و نهصد و ده میلادی) انتشار یافته .

☆ در رسالهٔ رابینو ذکری ازین نشریه نشده ، و دیده نشده‌است.



12.

روزنامهٔ یومیه سوای ایام یکشنبه وجمعه همه روزه بطبع میرسد

محل فروش چاپخانهٔ (فراکوپرسان)

(درخیابان علاء الدوله)



ربیع عشر دویم جمادی الاولی ۱۳۲۰

مطابق هفتم اوت ماه فرانسه

(سنه ۱۹۰۲ میلادی)

(قیمت ابونه دو ماهی سه قران)

خلاصة الحوادث

№ 574

نمرهٔ ششصد و هفتاد و چهارم

هرگونه مقالهٔ مفیده و اعلاناتیکه منافی بصلاح دولت وملت نباشد باداره روزنامه خلاصة الحوادث بفرستند بکمال امتنان طبع ونشر خواهد شد

افغانستان

روزنامه های انگلیس هندوستان چنین مینگارند که تولب امیر جدید افغانستان در مواظبت ومراقبت در انتظام امور عسکریه میکوشد قشون حاضر رکاب افغانستان در زمان صلح مرکب از هشتاد هزار نفر وامیر معظم مترصد است که قشون حاضره را از تفنگهای پنج تیره مسلح نماید

انتیل

یک رشته زلزله مجددا در حدود انتیل اتفاق افتاده وآنچه از ابنیه وعمارات در جزیره سن ونسن باقی مانده بود از این حادثه جدیده منقرض ومنهدم گردید

در حین یکی از حملات زلزله آب دریا خود را از ساحل قریب یکصد ذرع کنار کشیده مانند دیواری در میان دریا توقف نموده بعد از چند لحظه بمحل خود مراجعت نموده و موافق حدس علماء طبیعی چنین تصور میشود که وقوع این حادثه بواسطه ایجاد دهانه آتش فشان تحت البحری میباشد زیراکه بعد از مشاهده این حادثه تغییر انقلاب و تغییری در آب دریا مشاهده شد

بدین طور که رنگ آب گل آلوده شده انواع کثافات مختلفه در آن دیده شد و سطح دریا از اجساد ماهیهای مرده و نیم پخته پوشیده گردید

قبل از بروز واقعه وحادثه چشمه های آب گرم از جریان افتاده

عقیده علماء طبیعی بر اینست که جزیره سن ونسن عنقریب معدوم و منهدم خواهد گردید زیرا که پایه آن بواسطه صخور از هم گسسته و بنیاد آن خالی گردیده

سکنه بواسطه بروز حوادث متوالیه راه مهاجرت را پیش گرفته بنقاط دیگر راه سپار شده اند

پاریس

بواسطه بستن مکاتب و مدارسیکه متعلق بروسای روحانیین بود جمعی بخیال افتاده که بر ضد دولت برخاسته اجتماع نموده بعضی تعرضات نمایند در این هنگامه احتمال میرفت پارهٔ مخاطرات اتفاق بیفتد ولی از حسن مراقبت پلیس و مستحفظین بلدیه اغتشاشی در وضع امور رخ نداد و انتظام شهر بر قرار بود

روزنامه خلاصة الحوادث (چاپ تهران)

Call No......... *Date........ ....*

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

۱۱۸

جام جم

روزنامهٔ (مجله ـ نشریه) هفتگی است ، که در تهران بسال هزار وسیصد وبیست وپنج قمری (هزار ونهصدوهفت میلادی) بمدیریت حاج سیدرضا (خواهرزادهٔ حاج سید محمد صراف) ، یکی از ثباتان مجلس شورایملی، با چاپ سنگی انتشار داشته، ودارای تصاویر پادشاهان گذشتهٔ ایران بوده است.

* بردیف شصت ونه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمایند، که برحسب او ، (جام جم) نخست درچهاردهم جمادی‌الآخرهٔ سنهٔ هزار وسیصد و بیست وپنجم هجری قمری (بیست‌وپنجم‌ژوئیهٔ هزارونهصدوهفت‌میلادی) انتشار یافته است. ازشمارهٔ یك تا ده، دوازده تا هیجده، بیست تا بیست وسه ، بیست وشش تا بیست وهفت ، درتصرف من می‌باشد. هرشماره معمولا دارای چهار صفحه بقطع دوازده درشش وسه چهارم است، و در صفحهٔ اول صورت یکی از پادشاهان باستان ایران ، از سلسلهٔ کیانی و

ساسانی، که نخستین کیومرث و آخرین بهرام دوم می باشد ، آمده است .
وجه اشتراك سالیانه دوازده هزار درتهران، پانزده هزار در نقاط دیگر ایران،
برای روسیه وقفقازیه سه منات (روبل) ، برای ترکیه یك مجیدیه ونیم،
وبرای اروپا هفت فرانك است.



٭۱۱۹٭

جام جمشید

نشریهٔ هفتگی است، که در بمبئی بسال هزار ودویست وشصت و دو هجری قمری (هزار وهشتصد وچهل‌وشش میلادی) دوشنبه‌ها انتشار می‌یافته است.

٭این نشریه ، با بعضی روزنامه‌های دیگرفارسی، در «کتابخانهٔ شرقی» تسینکر(لایپزیك۱۸٤٦ـ۱)، تحت شمارهٔ هزار وهشتصد وسی و یك ذکرشده است ؛که برحسب او ، روزنامه‌های (فارسی) منتشره در هندوستان ، دست‌کم پنج‌سال زودتراز«روزنامهٔ وقایع اتفاقیه»، قدیم‌ترین روزنامهٔ فارسی‌منتشره در ایران، انتشار یافته‌است(۲)؛ چون‌روزنامه‌های

۱ـ Zenker,s Bibliotheca Orlientalis (Leipzig1845)

(۲) روزنامهٔ« کاغذ اخبار» که بسال هزارودویست‌وپنجاه‌ودو هجری قمری‌توسط‌میرزاصالح‌شیرازی انتشار یافته، صریحاًده‌سال مقدم برقدیمترین روزنامه فارسی منتشره درهندوستان است » م ۰ ع

فارسی هندوستان، بسال هزار ودویست وشصت‌ودو هجری قمری‌مطابق تاریخ انتشارتألیف‌تسینکر،وبعضی دیگرشاید سالها پیش‌ازتاریخ‌مذکور بوجود آمده است. در رسالهٔ رابینوذکری ازجام جمشید نشده، ومنهم ندیده‌ام.



☆۱۲۰☆

جام جهان نما

نشریهٔ هفتگی است ،که درکلکته بسال هزار ودویست وشصت ودو هجری قمری (هزار و هشتصد و چهل وشش میلادی) پنجشنبه‌ها انتشار می‌یافته است.

☆ درکتاب تسینکرسابق‌الذکر، ذکراین نشریه تحت شمارهٔ‌هزار وهشتصد وسی وسه آمده است. رابینو ازجام جهان‌نما چیزی نگفته ، ودیده نشده است.

☆☆☆

☆☆

☆

٭۱۲۱٭

جریدهٔ نجات

نشریهٔ هفتگی است ،که بخط نسخ با چاپ سنگی، بسال هزار و دویست ونود وهفت هجری قمری (هزار وهشتصد وهشتاد میلادی) در تهران انتشار داشته است.

٭ در رسالهٔ رابینو ذکری ازین نشریه نشده ، ودیده نشده‌است



٭۱۲۲٭

جریدهٔ کرمان

نشریه‌ایست که بخط نسخ با چاپ سنگی ، هر ده روزه یکبـار ، بمدیریت میرزا غلامحسین کرمانی، بسال هزاروسیصد وبیست‌ونه هجری قمری (مطابق هزار ونهصد ویازده میلادی) انتشار یافته است. شمارهٔ نخست مورخ هفدهم ربیع‌الاول (هیجده مارس) سال مذکور است.

٭ در رسالهٔ رابینو نیامده. شمارهٔ اول جریدهٔ کرمان را من‌دارم، که دارای هشت‌صفحه بقطع دوازده‌ویکربع درشش‌وسه ربع است.وجه اشتراك سالیانه درکرمان دو تومان، درنقاط دیگر ایران بیست وچهار هزار ، وبرای خارجه پانزده فرانك می‌باشد.

٭٭٭٭

٭٭٭

٭

۱۲۳

جریدهٔ ملی

نشریهٔ هفته‌ای دوبار است، که بسال هزار وسیصد و بیست و چهار هجری قمری (هزار ونهصد وشش میلادی) در تبریز بمدیریت میرزا علی اکبرخان با چاپ سنگی انتشار یافته است. به مادهٔ «روزنامهٔ ملی» در صفحات آینده مراجعه فرمائید.

☆ ردیف هفتاد از رابینو دیده شود. شماره‌های سی ودو تا سی و هفت در تصرف منست ، که نخستین مورخ چهارم ذی الحجهٔ سنهٔ هزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری (نهم ژانویهٔ هزار و نهصد وهفت میلادی) است ، ودارای چهار صفحه بقطع دوازده در شش ونیم می‌باشد که با خط نسخ روشن درشتی با چاپ سنگی بطبع رسیده‌است، وجه اشتراك سالیانه (صد شماره) یك تومان درتبریز، برای نقاط دیگر ایران پانزده قران ، وبرای روسیه سه منات ونیم (روبل) است.

۱۲۴

الجمال

نشریهٔ هفتگی است ،که بسال هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری (هزار ونهصدوهفت میلادی)درطهران بمدیریت میرزا محمدحسین اصفهانی با چاپ سربی منتشرشده است ، و ناشر مواعظ و خطابه های ناطق نامدار شهید آقا سید جمال‌الدین اصفهانی(۱) بوده است.

☆ بردیف‌هفتاد ویك ازرسالهٔ رابینو مراجعه فرمایند. شماره‌های سه ، ده ، دوازده ، چهارده وهفده تا بیست و شش این نشریه در تصرف منست. نخستین مورخ سیزده صفرسنهٔ هزار وسیصدوبیست وپنج هجری قمری (بیست وهشت مارس هزارونهصد وهفت میلادی)، وآخری بتاریخ پانزده شوال (بیست ویکم نوامبر) همان‌سال است. هرشماره دارای چهار

۱- برای شرح‌احوال، وحوادث حیات وداستان مرك سیدجمال‌الدین اصفهانی به‌تاریخ انقلاب ایران ، تألیف اینجانب‌صفحات ۱۱۳/۱۱۶ رجوع فرمایند . مشارالیه‌را اندکی بعداز کودتای محمد علیشاه بیست وسوم ژوئن هزارونهصد و هشت درنزدیکی همدان گرفتارساخته ، شهید کردند .

صفحه بقطع یازده درشش و سه ربع می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه در طهران هشت قران ، برای نقاط دیگر ایران یك تومان ، برای ترکیه و مصر یك مجیدیه ونیم ، برای روسیه وقفقازیه دو منات (روبل)، وبرای اروپا وآمریکا شش فرانك.



☆۱۲۵☆

جمالیه

نشریهٔ هفتگی است، که در همدان بسال هزار وسیصد وبیست و هشت هجری قمری (هزار ونهصدوده میلادی). بمدیریت حاج محمدحسین و بقلم مؤید حضور برای مخلد ساختن نام وخاطرهٔ شهادت مرحوم آقا سید جمال الدین درهمدان (بسال هزار و سیصد وبیست و شش هجری قمری مطابق ژوئن ـ ژوئیه هزار ونهصد وهشت میلادی) با چاپ سربی انتشار یافته است.

☆بردیف هفتاد و دو ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمایند. ازین نشریه هیچ شماره‌ای من ندارم.

☆۱۲۶☆

الجناب

نشریه هفتگی است، که در اصفهان مقارن اواخر سنهٔ هزار وسیصد وبیست وچهار هجری قمری (دسامبر هزار و نهصد و شش میلادی)، بمدیریت میرسید علی جناب، با چاپ سنگی انتشار یافته است.

☆ بردیف هفتاد وسه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او با چاپ سربی انتشار یافته، درصورتیکه فی الحقیقه سنگی طبع شده است. شماره‌های یك تا یازده درتصرف منست، که نخستین مورخ بیستم شوال هزاو وسیصد وبیست وچهار هجری قمری (نهم دسامبر هزار ونهصد وشش میلادی) است. هرشماره دارای هشت صفحه بقطع سیزده ونیم در هفت ونیم می باشد. وجه اشتراك سالیانه در اصفهان بیست وپنج قران است، شمارهٔ نخست بخط نستعلیق بسیار بدی بطرز نامطبوعی بچاپ حجری رسیده، ولی شماره های بعد بسیار خوب است.

۱۲۷

جنگل مولا

نشریهٔ فکاهی هفتگی است، که در طهران بسال هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری (هزار و نهصد و یازده میلادی)، بمدیریت حسین انتشار یافته است. شمارهٔ نخست مورخ بیستم رجب سال مذکور می باشد. (هفدهم ژوئیه هزار و نهصد و یازده میلاد).

* رابینو ذکری ازین نامه نمی کند، و دیده نشده است.



٭۱۲۸٭

جنوب

نشریهٔ هفتگی است، که در طهران بسال هزار وسیصد وبیست و هشت هجری قمری (هزار ونهصد و ده میلادی)، بمدیریت تنگستانی، بسردبیری سید یعقوب شیرازی، با چاپ سربی انتشار یافته است.

این نشریه ارگان مطبوعاتی حزب «ترقی خواهان» بوده، که طالب ترقیات ایالات جنوبی ایران بوده، وبوسیلهٔ گروهی ازنمایندگان جنوب کشور در دورهٔ دوم مجلس شورای ملی تأسیس و اداره می‌شده است. مهمترین قسمت مندرجات «جنوب» بانتقاد از بختیاریها تخصیص یافته‌است.

٭ بردیف هفتادوچهار ازرسالهٔ رابینومراجعه‌فرمایند. شماره‌های سه، نه، ده ویازده این نشریه درتصرف منست، که نخستین مورخ پنجم محرم سنهٔ هزار وسیصد وبیست ونه هجری قمری (ششم ژانویه هزار و نهصد ویازده میلادی)است. هرشمارهٔ دارای هشت صفحه بقطع چهارده ونیم در هشت ونیم می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه درتهران هیجده‌قران در نقاط دیگرایران دوتومان، وبرای خارجه بیست ودوهزار است.

☆۱۲۹☆

جهاد اکبر

نشریهٔ هفتگی است، که در اصفهان بسال هزار وسیصد وبیست و پنج هجری قمری (هزارونهصد وهفت میلادی) ، بمدیریت میرزا علی آقا خراسانی با چاپ سنگی انتشار یافته‌است. شمارهٔ نخست درششم محرم سال مذکور (نوزدهم فوریه هزار ونهصد وهفت) نشر شده است.

این نشریه‌یکی از مطبوعات بسیار شدیداللحن‌بوده، وگستاخی‌و شهامت فوق‌العاده و مقالات آتشین آن یکی از موجبات خاص شکایت محمد علیشاه بوده است. طهران کوشش داشته آنرا خفه کند و توقیف نماید، ولی معهذا بیش از یکسال بانتشار خود ادامه داده است . روش سیاسی جهاداکبر آرمانهای آزادیخواهانه ومشروطیت‌اعتدالی بوده‌است.

☆ بردیف هفتاد وپنج ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمایند، که برحسب او ، جهاد اکبر ازششم محرم سنهٔ هزار وسیصد و بیست و پنج هجری قمری (نوزده فوریه هزار ونهصدوهفت میلادی)تا چهارم ربیع‌الثانی‌سال هزار وسیصد وبیست وشش (ششم مه هزار ونهصد وهشت) ادامه داشته است. هیچ شماره‌ای ازین نشریه من ندارم.

☆۱۳۰☆

جهان آرا

نشریهٔ هفتگی است، که در طهران بسال هزاروسیصد وبیست و پنج هجری قمرت (هزار ونهصد وهفت میلادی)، بمدیریت میرزا عباس خان ومیرزا سلیمان خان انتشار یافته است.

☆ بردیف هفتاد وشش ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او آغاز این نشریه بیستم رجب سنهٔ هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری (بیست ونهم اوت هزارونهصدوهفت میلادی) بوده است. هیچ نسخه‌ای از جهان آرا من ندارم.





از مجلهٔ ملانصر الدین چاپ قفقازیه

Call No..........

Date........... ....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

☆۱۳۱☆

جوگاری لرابر (۱)

روزنامه‌ایست بزبان ارمنی، که درجلفا واصفهان، بمدیریت بکیر آدوار تازاریانس (۲) نمایندهٔ کارگزار ارمنیان، انتشار یافته است.

☆☆☆☆☆

☆☆☆

☆

۱- Jugharyi Lraber. (جلفای روشنفکر)

۲- Bakir Adwar Tazaryans.

✿۱۳۲✿

چاپك

نشریهٔ هفتگی‌است، که پنجشنبه‌ها دربمبئی بسال هزار ودویست وشصت ودو هجری قمری (هزار وهشتصد وچهل وشش میلادی) انتشار یافته است.

✿ تسینکر(۱) تحت شمارهٔ هزار وهشتصد وسی ودو آورده‌است، ولی رابینو ذکری از آن نکرده ، ودیده نشده است.

۱- Zenker .

☆۱۳۳☆

چنتهٔ پا برهنه

نشریهٔ مصور هفتگی‌است، که در طهران بسال هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری (هزار و نهصد و یازده میلادی) تحت مدیریت میرزا محمود افشار دواساز، با چاپ سنگی انتشار یافته است.

چنتهٔ پا برهنه مقالاتی بزبان بسیار ساده وعامیانه درفواید اصول مشروطیت، واوضاع واحوال کارگران و دهقانان، منتشر می‌ساخته، و تأثیر بسزایی درافکار عامهٔ مردم ودهاتیان داشته است.

این نشریه مدافع روش سیاسی دموکراتها بوده است.

☆ بردیف هفتاد وهفت از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. ازشمارهٔ یازده چنتهٔ پا برهنه یك‌نسخه‌من دارم، که‌دارای چهار صفحه بقطع سیزده درهفت وسه ربع می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه درطهران پنجهزاراست، بخط نستعلیق روشن ودرشت،ولی نامطبوعی تحریرشده‌است. یك‌قسمت ازآن بشعر تخصیص یافته، وعنوان «ادبیات بابا احمد» دارد.

✲ ۱۳۴۰ ✲

چهره‌نما

نشریهٔ مصوریست، که در اسکندریه، بسال هزار وسیصدوبیست ودو هجری قمری (هزار ونهصد وچهار وپنج میلادی) هرده روزه‌یکبار بمدیریت میرزا عبدالمحمد اصفهانی، با چاپ سربی انتشار یافته است. بعداز مدتی چهره‌نما هفتگی گشت، وبه قاهره انتقال یافت.

✲ بردیف هفتاد و هشت از رسالهٔ رابینو رجوع فرمایند، که در آنجافقط ذکرچاپ قاهره آمده‌است. ازشماره‌های منتشره دراسکندریه هیچ نسخه‌ای من ندارم.

✲✲✲✲✲

✲✲✲

✲

۱۳۵

چهره‌نما

نشریهٔ مصور هفتگی‌است، که درقاهره (مصر) با چاپ سربی‌هنوز انتشار دارد.

☆ بردیف هفتاد وهشت ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. یك دورهٔ کامل درست ازسال دوم تا نهم (اوت هزار ونهصدوشش تا دسامبرهزار ونهصد و دوازده میلادی) در تصرف اینجانب می‌باشد . هرشماره دارای شانزده صفحه بقطع نه وربع درشش وربع است. وجه اشتراك سالیانه درمصر سه دلار، برای ایران سه تومان ، در ترکیه چهار مجیدیه، برای انگلستان‌وهندوستان ده روپیه ، درترکستان‌وقفقازیه‌هشت‌منات(روبل)، برای اروپا وچین بیست فرانك.

۱۳۶

حبل المتین

روزنامهٔ (نشریهٔ) هفتگی است، که در کلکته ، نخست با چاپ سنگی وسپس سربی، بسال هزار وسیصد و یازده هجری قمری (هزار و هشتصد ونود وسه وچهار میلادی) انتشار یافته، ومرتب تا زمان حاضر بانتشارخود ادامه داده‌است؛ مدیرونویسندهٔ حبل‌المتین سید جلال‌الدین کاشانی ، ملقب به مؤیدالاسلام می‌باشد.

این نشریه قدیمی‌ترین روزنامهٔ (مجله) مرتب فارسی است ، که هنوز هم انتشار می‌یابد ، ودارای موقعیت مهمی، بخصوص درمیان افراد تحصیلکرده ، ودر محافل مذهبی می‌باشد؛ وصاحب نفوذ ومقام ممتازی دربین طبقات مذکور است.

قسمتی از حبل‌المتین همیشه به‌مواضیع مذهبی اختصاص دارد، و قهرمان «اتحاد اسلامی» بشمار می‌رود.

یکی‌از حوادث بسیار مهم در عمر این نشریه ، ادامهٔ انتشار آن بعد از توقیف جراید فارسی‌منتشره درخارجه توسط امین‌السلطان بسال

هزار وسیصد وهیجده هجری قمری (هزار ونهصدویك میلادی)، ومساعی مبذوله توسط حبل المتین درراه انفصال مشار الیه، بخصوص ازطریق طبع ونشر نسخ عکسی «تکفیرنامهٔ» امین السلطان بامضای مجتهدین نجف درتمام ممالك عالم است، اما روزنامهٔ «مجموعهٔ ماورای بحرخزر» (بهمین ماده درصفحات آینده رجوع فرمائید) بیهوده کوشید، تا تکفیرنامهٔ مذکور را مجعول وغیر معتبر قلمداد کند.

ونیز باید مساعی جمیله ومؤثر حبل المتین کلکته، طی دورهٔ استبداد صغیر، در راه استقرار مجدد رژیم مشروطیت، ووادو کردن علماء (مراجع تقلید مذهبی) بفعالیت (در راه آزادی) تذکر داده شود.

ادارهٔ این روزنامه، درنتیجهٔ عمر طولانی وخصوصیات ترقیخواهانه ثابت واستوار، ناشر مطبوعات متعدد دیگر و بانی مؤسسات (مفیدی) بوده است، ازجمله کتب سودمند گوناگون فارسی، که بوسیلهٔ مطبعه حبل-المتین با چاپ سربی طبع وانتشار یافته است؛ ونیز روزنامه‌های فارسی مفتاح الظفر و آزاد، وملك وملت بانگلیسی، که همگی درکلکته بوسیلهٔ حبل المتین بوجود آمده است؛ وهمچنین حبل المتین روزانهٔ طهران، و نیز مطابع سربی متعددی که بنام آن درطهران، نجف، اصفهان وغیرهم پدید آمده است.

☆ بردیف هشتاد از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. یك دورهٔ کامل درست از هفت یا هشت سال اخیر حبل المتین (ژوئیه هزار ونهصد وپنج تا دسامبر هزار ونهصدودوازده) ومقداری ازنسخه‌های کهنهٔ آن، ازجمله شمارهٔ نهم از سال هفتم، که سنگی است، ومورخ بیست و هشتم شعبان هزار وسیصدوهفده هجری قمری (اول ژانویه هزارونهصدمیلادی) می باشد

در تصرف اینجانب است. تاریخ تحول این نشریه ازچاپ سنگی بطبع سربی برای من مجهول می باشد، ولی بهرحال از سال هزارونهصد وپنج میلادی این تغییرصورت پذیرفته است

نسخ چاپ سنگی بزرگتر، ودارای دوازده صفحهٔ بقطع پانزده و نیم در نه ونیم می باشد. وجه اشتراك سالیانه برای هندوستان ده روپیه برای ایران وافغانستان سی وپنج قران، درترکیه ومصر پنج مجیدیه، در اروپا وچین بیست وپنج فرانك، وبرای روسیه ده روبل (منات) بوده است شماره‌های اخیر که سربی چاپ شده، دارای شانزده صفحه بقطع دوازده وسه چهارم درشش ونیم (۱) است، وجه اشتراك آن اندکی بیشترمیباشد



(۱) چنانکه درآغاز کتاب متذکر شدیم ، علی الظاهر مقیاس «اینچ» است که معادل ۲/۵٤ سانتیمترمی باشد . م ع

۱۳۷

حبل المتین

نشریهٔ روزانه‌ایست که درطهران ، در اوایل سال هزار وسیصدو بیست وپنج هجری قمری(هزار ونهصد وهفت‌میلادی) بمدیریت‌سیدحسن کاشانی، برادر مؤیدالاسلام، با چاپ سربی انتشاریافته است.انتشارحبل‌المتین طهران درنتیجهٔ وقوع کودتای ارتجاعی (محمد علیشاه مخلوع) و بتوپ بستن مجلس شورای‌ملی (بیست وسوم ژوئن هزار ونهصد وهشت میلادی) متوقف گشت، ولی بعد از استقرار مجدد مشروطیت، وگشودن طهران بدست ملیون، باز چندین شماره از آن منتشر شد. لیکن بعلت نشر مقاله‌ای راجع به‌اعدام شیخ فضل‌الله نوری (۲) ، که متضمن مطالب ضد مذهبی بوده است، از نو این روزنامه توقیف گشت ، مدیر آن تحت محاکمه‌قرار گرفت،وبجرم انتشار مقالهٔ مذکور، بدوسال زندان،محکوم گردید. حبل‌المتین طهران مهمترین روزنامهٔ یومیهٔ دورهٔ مشروطه بوده

---

(۲) به«تاریخ انقلاب ایران» من ، رجوع‌شود ، صفحات ٥-٤٤٤ ، شیخ فضل‌الله نوری رادرسی‌ویکم‌ژوئیه هزارو نهصد و نه بدار آویختند.

است، مخصوصاً مقالات سیاسی آن راجع به‌وزارت امور خارجه ، و بویژه انتقادات آن از قرارداد سال هزار و نهصد و هفت انگلیس و روس راجع به ایران ، از خصوصیات شایان توجه این نشریه می باشد(۳).



۳- بعضی از قسمتهای بسیار مهم این مقالات منتشره در سپتامبر هزار و نهصد و هفت، در تاریخ انقلاب من، با نگلیسی ترجمه شده‌است ، صفحات :۱۷۵-۹۲

۱۳۸

حبل المتین

روزنامه یومیه‌ایست که در رشت، در اوایل سال هزار و سیصد وبیست وهفت هجری قمری (هزار ونهصد ونه میلادی) بمدیریت میرزا سید حسن کاشانی، ناشر حبل‌المتین سابق‌الذکرطهران، با چاپ سربی انتشار یافته‌است. مشارالیه را پس‌ازوقوع کودتای (محمدعلیشاه) بتاریخ بیست وسوم ژوئن هزار و نهصد وهشت میلادی، تبعید کرده بودند، و بقفقازیه رفته بود؛ تا اینکه انقلاب رشت در محرم سنهٔ هزار وسیصد و بیست وهفت‌هجری قمری پیروزگشت، ومیرزا سید حسن کاشانی به‌این شهرشتافته، ازنو بانتشار روزنامهٔ خویش مشغول‌گشت، و نشر آن در رشت چهار ماه ونیم ادامه داشته است.

* بردیف هفتاد ونه ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که مشارالیه این روزنامه، و حبل‌المتین سابق‌الذکر (۱۳۷) را بین‌الهلالین قرار داده است، چون درحقیقت بطورکلی، صرف نظر از محل انتشار، روزنامه واحدی هستند، جزاینکه حبل‌المتین کلکته هفتگی است نه روزانه،

ومدیر آن دیگری می‌باشد.

از حبل‌المتین طهران و رشت، تقریباً یك دورهٔ کامل در تصرف اینجانب می‌باشد. شمارهٔ نخست مورخ پانزدهم ربیع‌الاول سنهٔ هزار و سیصد و بیست‌وپنج هجری‌قمری (بیست و نه آوریل هزار و نهصد و هفت) است، وسال نخست با شمارهٔ‌دویست وهفتاد وچهار (شانزده آوریل‌هزار ونهصد وهشت) خاتمه می‌یابد. ازسال دوم شماره‌های یك تا پنجاه ویك را دارم، که نسخهٔ اخیر بتاریخ هیجده ژوئن هزار ونهصد وهشت، یعنی فقط پنج روز پیش‌ازوقوع کودتای محمدعلیشاه وبمباردمان‌مجلس‌است، شمارهٔ دیگر که درتصرف من می‌باشد، مورخ پانزده مارس سال هزار و نهصد ونه میلادی‌است، که ازانتشارات رشت‌است، وعنوانش شمارهٔ پنجاه وشش سال دوم می‌باشد، بدینطریق معلوم میشود که درمدت‌نه ماه سابق چهار شماره نشر شده است. این نسخه دارای مقاله‌ایست تحت عنوان «فراق پایان یافت»، و بدین ترتیب ممکن است نخستین شمارهٔ منتشره در رشت باشد. شمارهٔ هفتادویك (پنجم آوریل‌هزار ونهصد ونه میلادی) آخرین نسخهٔ سال دوم‌است. شماره‌های یك تا پنجاه وهشت ازسال‌سوم در رشت انتشار یافته، ونسخهٔ اخیر آن مورخ بیست ویك ژوئیه هزار ونهصد ونه می‌باشد. شمارهٔ دیگر (شمارهٔ یك ازسال سوم، دورهٔ‌جدید منتشره درطهران) بتاریخ بیست وپنجم ژوئیه هزار ونهصد ونه است، و شماره پنج از همین دوره، مورخ بیست ونه ژوئیه هزار و نهصد و نه می‌باشد، واین آخرین نسخه‌ایست که درتصرف اینجانب است. مقاله‌ای که انتشار آن منجر بتوقیف روزنامه و حبس مدیر حبل‌المتین طهران

گشت، احتمال میرودکه سه یا چهار روز بعد از تاریخ مذکور منتشر شده است. هرشماره دارای چهار صفحه بقطع یازده ونیم درهفت می باشد وجه اشتراک سالیانه درطهران چهارتومان، برای نقاط دیگر ایران چهل وپنج قران، برای روسیه وقفقازیه دوازده منات (روبل)، ودرممالک دیگر سی فرانک است.



☆۱۳۹☆

الحدید

نشریهٔ هفتگی است، که در تبریز بسال هزاروسیصد وپانزده هجری قمری (هزار وهشتصد ونود وهفت وهشت میلادی) پدیدآمده، وبوسیلهٔ میرزا سید حسین‌خان ، ناشر روزنامهٔ صحبت ، عدالت وخبر، با چاپ سنگی انتشار یافته است. بعداز نشرسه شماره ازالحدید، قنسول روسیهٔ تزاری درتبریز، میرزا سیدحسین‌خان،مدیرالحدید، را دردایرهٔ گذرنامهٔ قنسولخانه استخدام کرد، وبدینطریق انتشار آن موقوف گشت. ولی بعد از مدتی، بسال هزار وسیصد وبیست وسه هجری قمری (هزار ونهصدو پنج وشش میلادی) این‌روزنامه بمدیریت آقا سید محمد صاحب‌اختیار، ناشر روزنامه های مجاهد و ایران نو ، مجدداً انتشار یافت ، و نشر آن تا نخستین رستاخیزعمومی درتبریز واعلام مشروطیت ادامه داشت، وبعد از انقلاب نامش به‌عدالت تغییر یافت. بعضی از شماره‌های الحدید ، بنام «حدید» بدون حرف تعریف منتشر شده است.

☆ بردیف هشتادویك ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او چاپ این روزنامه سربی بوده است نه سنگی ، و فقط بذکر انتشار

مجدد آن در سالهای هزار وسیصد وبیست وسه وچهار اکتفا شده‌است. مبلغ کثیری ازشماره‌های الحدید درتصرف اینجانب می باشد، که عبارتست از شمارهٔ دوم از سال دوم، مورخ هشتم جمادی‌الاول سنهٔ هزار وسیصد وبیست وچهار هجری قمری (سی‌ام ژوئن هزار ونهصد وشش میلادی) تا شمارهٔ چهل ونه از سال مذکور، بتاریخ دوم جمادی‌الاول سنهٔ هزار و سیصد وبیست وپنج هجری قمری (که بغلط هزاروسیصد وبیست وچهار چاپ شده) مطابق سیزده ژوئن هزارونهصد وهفت میلادی.

علی‌الظاهر «الحدید» با «عدالت» ادامه یافته‌است، وشمارهٔ پانزده از روزنامهٔ سابق، مورخ یازده شعبان سال هزار وسیصد و بیست وپنج هجری قمری (که‌هزار وسیصد وبیست وچهار طبع شده) مطابق نوزده سپتامبر هزار ونهصد وهفت میلادی، با اعلام تغییر نام‌آغاز شده است. هرشماره دارای هشت صفحه بقطع دوازده در شش وسه ربع می‌باشد. وجه آبونمان سالیانه در تبریز هفده قران، برای نقاط دیگر ایران دو تومان، در روسیه چهار منات (روبل)، و برای اروپا ده فرانك است.



☆۱۴۰☆

حریت

درردیف هشتادودوم ازرسالهٔرابینو بدون ذکرهیچگونه خصوصیاتی آمده است، وباعتماد مشارالیه دراینجا درج شد. من هیچگونه اطلاعی ازین نشریه ندارم.



محمد علیشاه مخلوع (ازمجلهٔ «ملانصرالدین» - چاپ قفقازیه)

Call No.........

Date.........................

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

۱٤۱

حرف حق

نشریهٔ هفتگی است،که در تبریز در اواخر سال هزار و سیصد و بیست وپنج هجری قمری (زمستان هزار ونهصد وهفت وهشت میلادی) بوسیلهٔ ادارهٔ سابق روزنامهٔ عدالت، بمدیریت و نگارش سید نعمت الله اصفهانی با چاپ سربی انتشار یافته است.

این روزنـامه در سیاست محافظه کار و مشروطه‌طلب اعتـدالی بوده است.

✡ بردیف هشتاد وسه ازرساله رابینو رجوع فرمایند،که برحسب اوشمارهٔدوم‌حرف‌حق، مورخ پنجم‌ذی‌الحجهٔ‌سنهٔ‌هزاروسیصدو بیست‌و‌پنج هجری‌قمری(نهم‌ژوئیه‌هزارونهصدوهشت‌میلادی)می باشد.ازاین‌شماره یك نسخه درتصرف اینجانب است،که دارای چهار صفحه بقطع یازده ونیم می‌باشد. وجه اشتراك سالانه درتبریز یك تومان، بری‌نقاط دیگرایران پانزده قران، در خارجه دوتومان. چاپ «حرف‌حق» بخصوص‌خوب‌است.

☆۱۴۲☆

حشرات‌الارض

نشریهٔ فکاهی (کمیك) است ، که در تبریز در اوایل سنهٔ هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری (هزار و نهصد و هشت میلادی) با کاریکاتورهای (تصاویر مضحك انتقادی) رنگین بچاپ سنگی رسیده است. این نشریه بوسیلهٔ حاجی میرزا آقا بلوری تأسیس وانتشار یافته،و توسط «میرزا آقا» ، معروف به «نالهٔ ملت» طبع گشته است ، و یکی از بهترین مطبوعات فکاهی می‌باشد.

در دورهٔ دوم مشروطیت (پایان ژوئیه هزار و نهصد و نه میلادی) حشرات‌الارض از نو منتشر گشت، ولی بیش از یك شماره انتشار نیافته بود، که بوسیلهٔ حکومت توقیف‌شد. مشی‌سیاسی‌این‌روزنامه آزادیخواهی (لیبرال) ، ومشروطهٔ اعتدالی بوده‌است.

☆ بردیف هشتاد و چهار از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید ،که بر حسب او ، شمارهٔ نخست حشرات‌الارض در چهارده صفر سنهٔ هزار و سیصد وبیست وشش هجری قمری (هیجده مارس هزار ونهصد وهشت)

منتشر شده‌است. چندشماره از اوایل دورهٔ انتشاراین روزنامه درتصرف اینجانب می‌باشد. هرشماره دارای چهار صفحه بقطع سیزده درهفت‌است وصفحات یك و چهار آن بطور کلی تصاویر مضحك (کاریکاتور) است . وجه اشتراك سالانه درتبریز دوازده قران، برای نقاط دیگر ایران شانزده قران ، ودر خارجه ده فرانك می‌باشد.



٭۱۴۳٭

حفظ الصحه

نشریه‌ایست که در طهران انتشار یافته ، ودر ردیف هشتاد وپنج از رسالهٔ رابینو ذکر شده‌است، وهیچگونه اطلاع دیگری از آن‌دردست نمی‌باشد .

٭ دکتر احمد خان می گوید، که «حفظ الصحه» بسال‌هزاروسیصد ونوزده هجری قمری (هزار ونهصد ویك ودو میلادی) پدید آمده ، و با «انجمن صحیه» که چهار یا پنج سال پیشتر تأسیس یافته بود ، پیوستگی داشته است.

٭٭٭٭٭

٭٭٭

٭

✡١٤٤✡

حقایق

مجله‌ایست مصور که در باکو، دراوایل سال هزاروسیصدوبیست وپنج هجری قمری (هزار ونهصدوهفت‌میلادی) بمدیریت ونگارش‌میرزا علی محمد خان اویسی، نایب‌قنسول ایران‌درباکو، بچاپ سربی رسیده است . هفت شماره از حقایق انتشاریافته‌است.

✡ بردیف هشتاد وشش‌از رسالهٔ رابینورجوع‌فرمائید، که‌برحسب او، شمارهٔ نخست مورخ هفتم صفر سنهٔ هزاروسیصدوبیست وپنج (بیست ودوم مارس هزارونهصد وهفت) است.هیچ شماره ازحقایق‌را من‌ندارم.

✡ ✡ ✡
✡ ✡
✡

۱٤٥

حقوق

نشریهٔ هفتگی است، که در طهران در اوایل سال هزار وسیصد و بیست وپنج هجری قمری (هزارونهصد وهشت میلادی) بمدیریت سلیمان میرزا ، یحیی میرزا، ومیرزا محمدخراسانی ناشر نامهٔ «نجات» ،نمایندگان دورهٔ دوم مجلس شورای ملی، انتشار یافته است.

حقوق را نخست سلیمـان میرزا و یحیی میرزا ، دو برادر پدید آوردند ، وبعداً میرزا محمد خراسانی بآنها پیوست .

این نشریه در سیاست آزادیخواه ومشروطه‌طلب‌معتدل بوده،ولی بطوریکه رابینو متذکرشده ، دموکرات نبوده است.

* بردیف هشتاد وهفت‌ازرسالهٔ رابینو رجوع‌فرمائید، که برحسب او شمارهٔ دوم مورخ بیست ودوم ربیع‌الاول سنهٔ هزار وسیصد وبیست و شش هجری قمری (بیست وچهار آوریل هزار و نهصد وهشت میلادی)

است . شماره‌های چهار و پنج «حقوق» در تصرف اینجانب است. هر شماره دارای هشت صفحه بقطع یازده و نیم در شش و نیم می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه در طهران دوازده قران ، برای نقاط دیگر ایران هفده قران، و در خارجه پانزده فرانك است.



٭۱٤٦٭

حقیقت

نشریهٔ هفتگی‌است، که در طهران بسال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری (هزار ونهصد وهفت میلادی) انتشار یافته است.

٭ در رسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده است.



۱٤۷

حقیقت

نشریهٔ هفتگی است، که در اصفهان در اوایل سال هزار و سیصد بیست و پنج هجری قمری (هزار و نهصد و هفت میلادی) بمدیریت حاجی سید احمد، با چاپ سنگی منتشر شده است.

☆ بردیف هشتاد و نه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. که خصوصیات مذکور از او اخذ شده است. رابینو می‌افزاید، که شمارهٔ دوم «حقیقت» در بیست و دوم محرم سنهٔ هزار و سیصد و بیست و پنج (هفتم مارس هزار و نهصد و هفت) انتشار یافته. از «حقیقت» هیچ شماره‌ای من ندارم.

٭١٤٨٭

حقیقت

نشریه‌ایست، که در رشت بسال هزار وسیصد وبیست وشش هجری قمری (هزار ونهصد وهشت میلادی) ازطرف شعبه اجرائیهٔ انجمن حقیقت با ژلاتین بطبع رسیده است.

٭ بردیف هشتاد و هشت از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که خصوصیات مذکور از او اخذ شده است. هیچ نسخه‌ای ازین نشریه در تصرف من نمی‌باشد.

٭٭٭

٭٭

٭

☆۱۴۹☆

حکایت جانگداز وقایع یزد الی شیراز

روزنامهٔ (نشریه) سیاری‌است،که با چاپ سنگی درشیراز وطرق وشوارع فارس بسال هزار و سیصد و بیست ونه هجری قمری (هزار و نهصد ویازده میلادی) انتشار یافته است.

در صدر این نشریه ، در نخستین صحیفه ، چنین آمده : « ناشر اخبار ، حاج فتح‌الله ، متخلص به مفتون ، نجل مرحوم آقا عبدالرحیم یزدی ، معروف به نجفی ، مقیم عربستان (خوزستان) ایران».

این روزنامه از لحاظ اصالت و خصوصیات ممتازهٔ آن ، شایان توجه می باشد.

☆ در رسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده است .

٭١٥٠٭

حکمت

روزنامهٔ (نشریه) هفتگی است، که در قاهره بسال هزار وسیصد وده هجری قمری (هزار وهشتصدونود ودو،وسه میلادی) بمدیریت میرزا مهدی تبریزی، ملقب به زعیم الدوله و رئیس الحکومه، با چاپ سربی انتشار یافته است. این نشریه اندکی نامرتب،ولی بطور کلی تقریباً ماهی سه‌شماره نشرشده‌است.

حکمت نیز یکی ازمطبوعات قدیمی است، که در روزگارپیشین شهرت شایان توجهی داشته، ودرتشویق‌شیوهٔ نگارش پارسی‌سره،بدون ترکیبات عربی، تعمد می‌ورزیده است. یکی از فصول قابل توجه این نشریه، اشعاری در بحر طویل، بنام فریاد وطن بوده است.

٭بردیف نود ازرسالهٔرابینو مراجعه‌فرمائید، مقداری‌ازشماره‌های حکمت، از نمرهٔ دویست و چهل و هشت، سال هفتم، مورخ اول صفر سال هزار وسیصد و شانزده هجری قمری (بیست و یکم ژوئن هزار و هشتصد ونود وهشت میلادی) تا شمارهٔ‌هشتصدوهشتاد ویك،سال‌پانزدهم

بتاریخ اول صفر سنهٔ هزار وسیصد وبیست و پنج هجری (پانزده مارس هزار ونهصد وهفت) در تصرف اینجانب می‌باشد . شماره‌های اوایل در قطعی بزرگتر از نمرات اخیر بطبع رسیده ، ودارای هشت صفحه بقطع چهارده در نه است. شماره‌های اخیر، بهرحال از سال هشتم ببعد،دارای شانزده صفحه بقطع نه‌ونیم درهشت می‌باشد. وجه‌اشتراك سالیانه چهار تومان ، برای روسیه و قفقازیه ده منات (روبل) ، در هندوستان پانزده روپیه ، برای مصر واروپا یك لیرهٔ استرلینگ .



☆۱۵۱☆

حیات

روزنامهٔ (نشریه) هفتگی است،که در طهران بسال هزار وسیصد وبیست وهشت هجری قمری (هزار و نهصد وده میلادی) با چاپ سربی انتشار داشته است.

☆ در رسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده است.

☆☆☆

☆☆

☆

۱۵۲

حیات

نشریه‌ایست که در شیراز بسال هزاروسیصد وبیست وهشت‌هجری قمری (هزار ونهصد وده میلادی) با چاپ سنگی انتشار داشته است.

حیات را یك‌شخصیت وطن‌پرست آزادیخواه هندی، ملقب به‌صوفی که از دست انگلیسان فرار کرده‌بوده، انتشارمی‌داده‌است؛ ولی بلافاصله در ایران نیز، در نتیجهٔ تعقیب شدید قنسول بریتانیا در شیراز، مجبور به فرار شده، وبدینطریق روزنامه بعدازانتشارفقط هشت شماره، تعطیل وتوقیف گشته است.

نام وعنوان کامل‌نویسنده‌وناشرحیات‌چنینست: صوفی آنبابارشا(۱) متولد در مرادآباد دکن.

* بردیف نود ویك از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. شماره‌ای که رابینو وصف آنرا آورده (نمرهٔ دو، مورخ یازده جمادی‌الاول سنهٔ هزار وسیصد وبیست و هشت هجری قمری، مطابق بیست و یکم مه هزار و نهصد وده میلادی) در تصرف اینجانب موجود است، ولی یقین ندارم که

۱- Anbebarsha

عین نسخهٔ موصوفه در رسالهٔ مذکور باشد، چون از یك طرف قراین موجود نشان می‌دهد که نویسنده وناشر آن هندی است، فی المثل بجای انگلیس، انگریز آمده است، اما نام وعنوان مدیر وطابع محمدحسین خادم الشریعه چاپ شده ، ومحل انتشار، میدان توپخانه ذکر گشته ؛ که از لحاظ تداعی معانی بیشتر از شیراز ، طهران را بیاد می آورد (اگر چه دکتر احمد خان برایم اطلاع داده ، که میدانهایی بهمان نام در شیراز ومشهد «ودر تبریز» ، نیز هست ، ولی دراصفهان میدان توپخانه وجود ندارد)، بهر حال این نشریه دارای چهار صفحه بقطع دوازده درشش ونیم است، وبا چاپ سنگی بخط نستعلیق خوشی نگاشته شده است . وجه اشتراك سالیانه ده تومان .





از مجلهٔ ملانصرالدین (چاپ قفقازیه)

۱۵۳

خاورستان

نشریهٔ روزانه‌ایست، که در طهران بسال هزار وسیصد وبیست و هفت هجری قمری (هزار و نهصد ونه میلادی) بمدیریت مرتضی خان اعتضادالمله با چاپ سربی انتشار یافته است.

☆ بردیف نود ودو از رسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید. شماره‌های یك ودو ازخاورستان درتصرف اینجانب است، که نخستین مورخ بیستم شوال سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهفت‌هجری قمری (چهارم نوامبرهزار ونهصد ونه میلادی) می‌باشد. هرشماره دارای چهار صفحه بقطع یازده وربع در شش وسه وبع‌است. وجه اشتراك سالیانه در طهران سی‌وپنج قران، در نقاط دیگر ایران چهار تومان ، وبرای خارجه چهارتومان و نیم است.

☆ ۱۵۴ ☆

خبر

روزنامهٔ یومیه‌ایست، که در طهران بسال هزار وسیصد وبیست و هشت هجری قمری (هزارونهصدوده میلادی) بمدیریت میرزا سید حسین خان، ناشرسابق روزنامه‌های الحدید، عدالت وصحبت (بهمین عناوین رجوع فرمایند) با چاپ سربی انتشار داشته است.

☆ بردیف نود وسه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او شمارهٔ پنج خبر بتاریخ پنجم شوال سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهشت هجری قمری (دهم اکتبر هزار ونهصد وده میلادی) می‌باشد.

☆☆☆☆☆

☆☆☆☆

☆

☆ ۱۰۰ ☆

خراسان

نشریهٔ هفتگی است ،که در مشهد (خراسان) بسال هزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری (هزار و نهصد ونه میلادی) با چاپ سربی انتشار داشته است

☆ بردیف نود وچهار ازرسالهٔ رابینورجوع فرمائید،که برحسب او، آغاز این نشریه بتاریخ بیست وپنجم صفر سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری (هیجده مارس هزار ونهصد ونه میلادی) بوده‌است

شماره‌های متعددی ازخراسان، از نمرهٔ دو ، مورخ سوم ربیع‌الاول سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهفت مطابق بیست وپنجم مارس هزار و نهصد و نه ؛ تا شمارهٔ بیست وچهار، مورخ بیست وپنجم رجب‌سال هزاروسیصد بیست وهفت مطابق دوازده‌اوت هزارونهصد ونه،درتصرف اینجانب‌است.

هرشماره دارای چهار صفحه بقطع سیزده درشش وربع می‌باشد . وجه اشتراك ، درمشهد دوازده قران ، درنقاط دیگر ایران پانزده هزار، برای خارجه هیجده هزار است. ناشر ومدیرخراسان م . س . حسین‌می‌باشد.

☆۱۵۶☆

خرم

نشریهٔ دو هفتگی‌است ،که درطهران بسال هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری (هزار ونهصد وهفت وهشت میلادی) بمدیریت حاج میرحسین ، با چاپ سربی انتشار داشته است .

☆ بردیف نون وپنج از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید . شمارهٔ دوم مورخ بیست‌ونه ربیع‌الاول سنهٔ هزار وسیصدوبیست وپنج هجری قمری (دوازده مه هزار ونهصد وهفت میلادی) در تصرف‌منست ، دارای چهار صفحه بقطع یازده ونیم درشش وسه ربع است. وجه اشتراك سالیانه‌در طهران وحومه پانزده قران،برای نقاط دیگر ایران‌بیست‌وچهارهزاراست

☆ ☆ ☆

☆ ☆

☆

۞۱۵۷۞

خلاصة الحوادث

روزنامهٔ یومیه‌ایست ،که درطهران بسال هزار وسیصد وشانزده هجری قمری ، مطابق هزار وهشتصد ونود و هشت ونه میلادی ، بطبع سربی رسیده است. این نشریه ،که بشکل یك‌ورقه یا صفحهٔ ساده‌انتشار می‌یافته، مشتمل بوده‌است برخلاصهٔ اخبار تلگرافی، ونخستین روزنامهٔ یومیه در ایران بوده است، وبیش ازپنج سال دوام داشته است. خلاصة‌ـ الحوادث بدست محمد باقرخان اعتمادالسلطنه ، هنگام اشتغال وزارت انطباعات مشارالیه ، بوجود آمده است.

۞ برديف نود وشش از رسالهٔ رابینو رجوع فرمایند،که برحسب او ، آغاز انتشار این روزنامه ، درشهرجمادی‌الاخره سنهٔ هزار وسیصد وشانزده هجری قمری ، مطابق اکتبر ـ نوامبر هزار و هشتصد ونود و هشت میلادی ، بوده است ، و شمارهٔ اخیر آن ، یعنی هزار و یکصد و هفت ، مورخ هیجدهم ربیع‌الثانی سنهٔ هزار وسیصد وبیست‌ویك هجری مطابق سیزده اوت هزار ونهصد وسه میلادی است . شماره‌های هشتصد

وهفتاد وچهار ، مورخ هفتم اوت هزار ونهصد ودو ، تا هشتصد و هفتاد و نه در تصرف اینجانب است . هرنسخه عبارت از یك برگ ، یعنی دو صفحهٔ بقطع دوازده وسه ربع درشش ونیم می باشد. وجه اشتراك ماهانه سه قرانست.



۱۵۸

خلافت

نشریهٔ دو هفتگی است ،که درلندن بسال هزار وسیصد وبیست وچهار هجری ، مطابق هزار ونهصدوشش میلادی ، بمدیریت حاج شیخ حسن تبریزی بطبع سربی رسیده است.

خلافت توسط شیخ حسن مزبور، بشرکت واتفاق یك شخصیت فراری مصری (نجیب هندیهٔ شامی، برادر طابع وناشرشهیرقاهره ، امین هندیه) بوجود آمد ، وبتناوب گاهی فارسی، گاهی عربی ، وگاهی ترکی انتشار می‌یافت. نسخ فارسی خلافت، که اکثرشان وقف حمله به پرنس ارفع الدوله سفیر ایران در قسطنطنیه ، می‌شد ، بخامهٔ شیخ حسن تبریزی نگارش می‌یافت.

* بردیف نود وهفت ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمایند، که برحسب او ، تاریخ آغاز این نشریه ، نهم جمادی‌الاول سنه هزار وسیصدوبیست چهار هجری قمری ، مطابق اول ژوئیه هزار ونهصد وشش میلادی، بوده است. نسخ کثیری از شماره‌های ترکی ، عربی وفارسی خلافت درتصرف

منست ، چون با هر دو ناشر آشنایی داشتم ، وشیخ حسن مدتی، یعنی طی سالهای هزار ونهصد وهفت تا نه ، استاد فارسی کمبریج بود . اقدم نسخ ترکی این نشریه ،که درتصرف من موجودست ، شمارهٔ چهل وسه سال دوم ، مورخ پنجم آوریل هزار ونهصد ویك میلادی ، و اقدم نسخ عربی شمارهٔ صد وشصت وسه سال هفتم ، مورخ اول نوامبر سال هزارو نهصد وشش میلادی است. بدینطریق بایستی خلافت پیش از سال هزار ونهصد میلادی بوجود آمده باشد.

از نسخ فارسی ، شماره های یك تا سیزده در دست منست ،که نخستین بتاریخ اول ژوئیه هزار ونهصد وشش ،وآخرین مورخ پانزدهم فوریه هزار ونهصدوهفت‌میلادی‌است. هرشماره دارای چهار صفحه‌بقطع چهارده درهشت ونیم می‌باشد. وجه‌اشتراك سالیانه، درانگلستان‌هشت شیلینگ ، برای ایران دو تومان ، برای ترکیه و مصر پنجاه پیاستر، در روسیه چهار روبل (منات) ، در اروپا وچین ده فرانك.



☆۱۵۹☆

خورشید

روزنامه‌ایست ، که درطهران بسرپرستی مدیر دارالفنون ٬ یعنی رئیس دانشگاه وقت انتشار یافته است.

☆دررسالۀرابینونیامده، ودیده‌نشده‌است.



۱۶۰

خورشید

نشریهٔ هفتگی‌است، که در مشهد بسال هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری ، مطابق هزار ونهصد وهفت میلادی، بمدیریت میرزامحمد صادق خان تبریزی با چاپ سنگی وسربی انتشار یافته است.

بعداً هفته‌ای چهار شماره از خورشید نشرشده‌است. مشی‌سیاسی این روزنامه اعتدالی بوده، نه دموکرات، چنانکه رابینو گفته است.

* بردیف‌نود وهشت ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او ، این روزنامه در محرم سنه هزار وسیصد وبیست‌وپنج هجری قمری مطابق فوریه ـ مارس هزار ونهصد وهفت میلادی، آغاز یافته است، و تا هنگام تحریر رساله ، یعنی هزار و سیصد و بیست ونه هجری قمری مطابق هزار ونهصد ویازدهٔ میلادی مرتب منتشر می‌شده است.

نسخ کثیری از خورشید در تصرف منست، که نخستین آنها شمارهٔ یك ، مورخ بیست ویکم محرم سال هزار وسیصد وبیست وپنجم هجری مطابق ششم مارس هزار ونهصد وهفت میلادی‌است. این نسخه ، بمانند

شمارهٔ سه ، بخط نسخ درشت‌خوشی نگاشته‌شده،وبچاپ سنگی رسیده است ، ولی شمارهٔ دهم، مورخ بیست ونهم ربیع‌الاول سنه هزار وسیصد بیست وپنج هجری قمری ، مطابق دوازده مه هزارونهصد وهفت‌میلادی با حروف سربی بطبع رسیده است .

شمارهٔ صد و چهار . مورخ بیست و پنجم ذی‌الحجه سال هزار و سیصد وبیست و پنج قمری ، مطابق بیست و نه ژانویه هزار و نهصد و هشت میلادی، آخرین شمارهٔ سال‌اول می‌باشد،که درتصرف‌اینجانب‌است

شمارهٔ صد وسی ونه ، از سال دوم ، مورخ سیزده ربیع‌الاول‌سال هزار وسیصد وبیست وشش هجری قمری ، مطابق پانزده‌آوریل هزارو نهصد و هشت میلادیست . شمارهٔ دوم از سال سوم ،که نسخهٔ بعد در مجموعهٔ منست ، باز طبع حجری ، و بخط نستعلیق ناپخته‌ای ، نگاشته شده ، ومورخ بیست وچهارم رجب سال هزار وسیصد و بیست و هفت هجری قمری، مطابق یازده‌اوت هزارونهصد ونه میلادی می‌باشد.شمارهٔ سی‌وسه ازهمان سال، باز چاپ‌سنگی‌است، ولی بازبخط نسخ‌می‌باشد.

شمارهٔ سی و شش از سال چهارم ، مورخ بیست ویکم ذی‌الحجه سنه هزار وسیصد وبیست وهشت هجری قمری ، مطابق بیست و چهار دسامبر هزار ونهصد وده میلادیست ، وبازبطبع سربی می‌باشد، وشمارهٔ شصت وهشت ازهمان سال ،مورخ بیست وهفتم‌جمادی‌الاخرهٔ سال‌هزار وسیصد وبیست و نه هجری قمری ، مطابق بیست و پنجم ژوئن هزار و نهصد و یازده میلادی ، بطور قابل ملاحظه‌ای بزرگ شده ، و هرصفحه

بجای دو ستون ، دارای سه ستون می‌باشد. بااین فرق ،که بجای هشت صفحهٔسابق، چهار صفحه ، بقطع دوازده در هفت است . وجه اشتراك سالیانه در مشهد سی ودو قران، برای نقاط دیگر ایران سی وشش‌قران در ترکستان وقفقازیه هشت منات (روبل) ، وبرای‌خارجه بیست فرانك



۱۶۱

خیال

ازین نشریهٔ غیر مذکور در رسالهٔ رابینو ، و در تاریخ مطبوعات میرزا محمد علی خان تربیت ، یك نسخه ، شمارهٔ اول ، بدون تاریخ ، در تصرف منست، که در رشت با چاپ سنگی منتشر شده است.

در صفحهٔ نخست خیال ، تصویر سلطان احمد شاه قاجار ، که در شانزدهم ژوئیه سال هزار ونهصد و نه ، بجای پدر مخلوع خویش نشست چاپ شده ، و در صفحه چهارم یك تصویر مضحك سیاسی آمده است.

وجه اشتراك سالیانه در رشت دوازده قران ، برای نقاط دیگر ایران هفده قران ، وبرای خارجه بیست قرانست. قطع روزنامه دوازده در هفت ونیم می‌باشد. مدیر افصح‌المتکلمین است .

۱۶۲

خیر الکلام

نشریه‌ایست، که در رشت، بسال هزار وسیصدوبیست وپنج‌هجری قمری ، مطابق هزار ونهصد وهفت میلادی، بمدیریت افصح‌المتکلمین ، نخست با چاپ‌سنگی، وسپس با طبع‌سربی منتشرشده‌است.ازخیرالکلام هرسال هشتاد شماره انتشار می‌یافته، وبا سبك‌نگارش آمیخته بالطایف خود ، یکی‌از بهترین مطبوعات فکاهی‌ایران بوده است. مدیر آن، بسال هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری ایران ، مطابق هزار ونهصد و هفت میلادی ، مغضوب امیرخان‌سردار ، ملقب به‌امیراعظم، حاکم گیلان واقع گشت،وبحکم‌مشارالیه بچوب‌وفلك‌سختی‌بسته شد. افصح‌المتکلمین بمحض اینکه‌آزادی یافت ،بسوی طهران گریخت،ودرآنجا ازنوبانتشار نامهٔ خود پرداخت ، وبعدازاینکه فقط شش شماره طی‌دوماه درپایتخت انتشار داد، باز روزنامه به‌رشت انتقال یافت.

خیرالکلام در اواخر عمر خود ، یعنی در سالهای هزار و سیصد وبیست وهشت ونه هجری قمری ،مطابق هزارونهصدوده ویازده میلادی

در سیاست دموکرات بوده است.

✲ بردیف نود ونه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او آغاز این نشریه بتاریخ بیست وچهارم جمادی‌الآخرهٔ سنهٔ هزاروسیصد وبیست‌وپنج هجری قمری، مطابق چهارم اوت‌هزارونهصد وهفت‌میلادی در رشت بوده است، ودر همان شهر تا سال هزار وسیصد و بیست ونه هجری قمری، مطابق هزار ونهصد ویازده میلادی، یعنی هنگام تحریر رساله، انتشار آن ادامه داشته است.

رابینو می‌افزاید، که شماره‌های سیزده تا نوزده ازسال نخست در طهران نشر شده، واز بیست وپنجم ذی‌الحجهٔ هزار وسیصد و بیست و پنج تا بیست وسوم صفر هزار وسیصد وبیست و شش، مطابق بیست و نهم ژانویه هزارونهصد وهشت تا بیست‌وهفتم مارس‌هزار ونهصد وهشت در پایتخت انتشار یافته است.



۱۶۳

خیرالکلام

نشریه‌ایست ،که در طهران ، در حدود اواخر سال هزار وسیصد وبیست وپنج هجری قمری ، مطابق هزارونهصد وهفت و هشت میلادی بمدیریت افصح‌المتکلمین ، با چاپ سربی انتشار یافته است .

فقط شش شماره ، طی دو ماه از آن درپایتخت نشرشده، وسپس دوباره به‌رشت انتقال یافته‌است. در اواخر، خط‌مشی سیاسی‌خیرالکلام دموکراسی بوده است.



صفحهٔ اول

نمره ۸۳۳ — نمرهٔ هشتصد و سی و سوم

سه‌شنبه پنجم ماه صفر المظفر سنه ۱۳۱۲ هجری — یونت ئیل

هفتم اوت ماه فرانسه سنه ۱۸۹۴ مسیحی

اداء قیمت در سه قسط

اداره وزارت انطباعات دربار همایون

سالیانه در طهران سه تومان و شش هزار دینار

محل فروش در دار الطباعه دولتی

در خارج سه تومان و شش هزار دینار با پستیه ده دینار

قیمت اعلانات سطری یکهزار دینار است



اخبار رسمی

اردوی همایون

چنانکه در نمره قبل اشاره رفته بود روز دوشنبه دوازدهم شهر محرم الحرام که با اختتام بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکه از صاحبقرانیه شمیران نهضت فرموده تشریف فرمای قریه اوشان شدند دو شب در آنجا اقامت فرموده از آنجا به شهرستانک و قصر سلطنتی آنجا تشریف قدوم ارزانی داشتند پس از چهار شب توقف در شهرستانک عزیمت گچسر فرمودند دوشنبه نوزدهم قریه گچسر مضرب خیام موکب فیروزی اثر بود از گچسر عزیمت [illegible] فرمودند سه‌شنبه بیستم ساحت این قریه بشرف نزول موکب همایون مشرف بود از آنجا به پای گردنه (کندوان) کوچ دادند و پس از دو شب توقف در این منزل روز یکشنبه بیست و پنجم تشریف فرمای [illegible] کلاردشت شدند

حمد الله از ذات ملکی صفات اقدس همایون شاهنشاهی ابد الله ایام دولته همواره قرین کمال خرمی و سلامت و سرور و خاطر خورسند با حضرت مبارک غالباً به شغل مهام و ... سلطنتی مشغول است و از قرار معلوم پس از یک دو هفته اقامت در کلاردشت عزم مراجعت به شهرستانک خواهند فرمود

جناب مستطاب اشرف [illegible] ... [illegible]

سواد قانون تابعیت دولت علیه ایران

که ... بند اول ...

... مولود ... ایرانی شمرده خواهد شد

بند دویم اولاد تبعهٔ خارجه که در ... ایران متولد شده باشند بعد از بلوغ ... نسبت به تبعیت ایران ... خواهند داشت و استدعای آنها قبول خواهد شد

بند سیم هر کس از تبعهٔ خارجه ... داخل تابعیت دولت علیه ایران ... ... نرسیده باشد تا ... سال در مملکت ایران اقامت کرده باشد تا ... تابعیت ... محکوم بجنایات یا فرار از نظام نباشد ... استدعا نامه ... لازم ... کرد ...

... می‌تواند ... کند

بند چهارم ... از تبعهٔ خارجه آنکه ... ایران ... در ... ایران ... دولت علیه ... آنکه ... تبعیت دولت ایران قبول خواهند شد

بند پنجم کسانی که از تبعهٔ ایران ... تبعیت کرده باشند بخواهند ... تبعیت اصلیه خود رجوع نمایند بدون ... شروط مقرره ... استدعا ... خواهند شد

بند ششم از تبعهٔ ایران آنان که با زنان خارجه ازدواج کرده باشند زنهای آنها ... تبعیت ایران ... شوهر تابع ... و ... انفصال ... شوهر اگر ... خواهند بتابعیت اصلیت رجوع نمایند مختار خواهند بود

بند هفتم زنانی که در تابعیت خارجه ... و ... تبعهٔ دول خارجه ... آنها بتابعیت ایران قبول می‌شود مگر آنکه باتفاق شوهر خودشان با شرایط مقرره بتابعیت دولت علیه ایران داخل شوند

بند هشتم از تبعهٔ ایران کسی که

روزنامهٔ ایران (۱۳۱۲ هجری قمری)

Call No..........

Account No..........

Date.........................

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The ... kept beyond that day.

۱٦٤

خیر اندیش

نشریه‌ایست ،که در تبریز، بتاریخ دوم ربیع الاول سال هزار و سیصد و بیست وهفت هجری قمری ، مطابق بیست و چهار مارس هزار ونهصدو نه‌میلادی، بزبان ترکی (آذری)، باچاپ سنگی شروع بانتشار کرده است. این نکته در رسالهٔ رابینو آمده است، ولی نگارنده را در وجود چنین نشریه‌ای در آن‌تاریخ، که مصادف با آخرین روزهای محاصرهٔ تبریز و ایام اضطراب شدید و دوران فقدان سخت وسایل بوده ، تردید زیاد حاصل است ، وامکان تحقیق از رجال رهبر انقلاب آن روزگار نیز ، برای ذکرخصوصیات این روزنامه ، برایم مقدور نبوده است.

* بردیف صد از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید . شمارهٔ نخست خیراندیش در تصرف منست ، و از آن چنین استنباط میشود ،که سال انتشار این روزنامه، هزار وسیصد و بیست وشش بوده ، نه هزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری ؛ و بدینطریق آغاز نشر آن بتاریخ چهارم

آوریل هزار ونهصد وهشت میلادی بوده است ، و تضاد مذکور مرتفع می گردد. نسخهٔ من عبارت ازیك برگ دو صفحه‌ای ساده است،وبقطع دوازده در شش وسه ربع می‌باشد. بهای آن در تبریز یك شاهی، وبرای نقاط دیگر یك ونیم شاهی است.



☆۱٦٥☆

دارالعلم

نشریهٔ هفتگی است،که در شیراز بسال هزار و سیصد وبیست و هفت هجری قمری ، مطابق هزار ونهصد ونه میلادی ، بمدیریت میرزا عنایت‌الله اعتمادالتولیهٔ شیرازی ، معروف به دست غیب، با چاپ سنگی انتشار یافته است.

☆ بردیف صد ویك از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید . شماره‌های نه ، دوازده، چهارده ، شانزده‌درتصرف منست ،که نخستین مورخ‌بیست ودوم شوال سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهفت هجری قمری ، مطابق‌ششم نوامبرسال هزار ونهصد ونه میلادی‌است. هرشماره دارای هشت صفحه بقطع ده در پنج وسه ربع می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه درشیرازهفده هزار ، برای نقاط دیگر ایران بیست ودو قران ، برای اروپا و آمریکا بیست وپنج هزار ، ودرترکیه ومصر پنج مجیدیه است.

☆۱۶۶☆

دانش

روزنامهٔ (نشریهٔ) دو هفتگی است، که در طهران بسال هزار و دویست ونود ونه هجری قمری ، مطابق هزار وهشتصد وهشتاد ویك و دو میلادی ، با چاپ سنگی انتشار یافته است.

اعتمادالسلطنه‌راجع به‌دانش، چنین‌می نویسد: «شادروان‌مخبر الدوله این نشریه را دردارالفنون (دانشگاه وقت) ، هنگام اشتغال بریاست آن ووزارت انطباعات، بهم‌چشمی مرحوم اعتمادالسلطنه ، پدید آورد.»

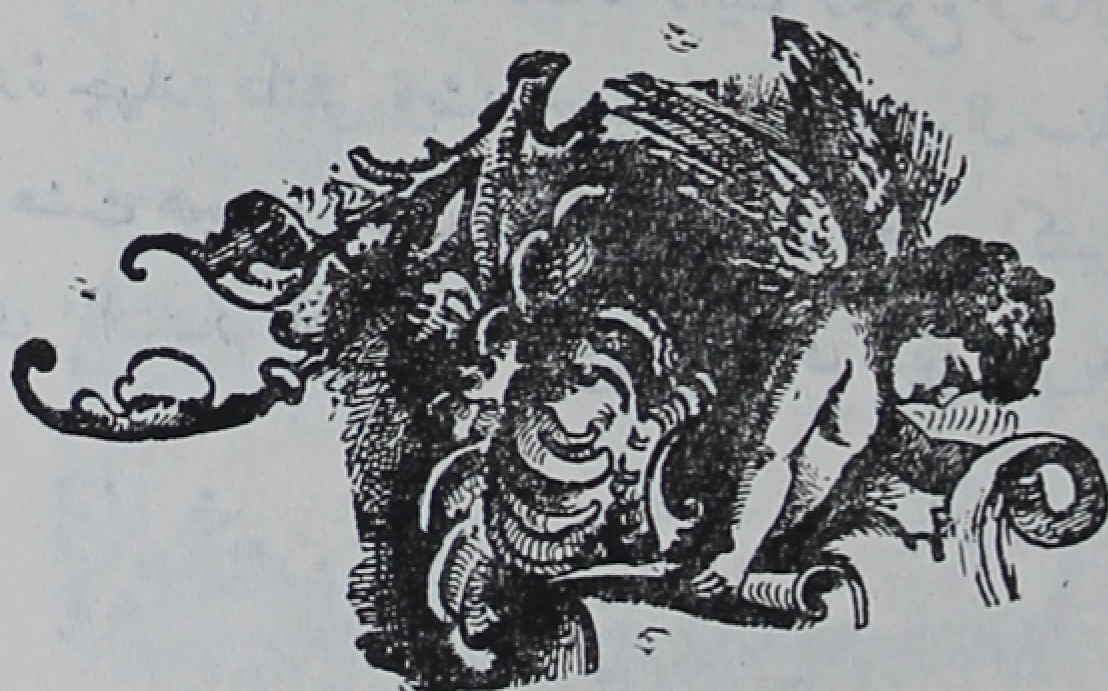
ذکاءالملك می‌نویسد : «روزنامهٔ دانش دردارالفنون، سربی طبع شده است ، ونویسندهٔ آن میرزا کاظم ، استاد شیمی بوده است. شمارهٔ نخست آن‌مورخ بیست‌وسوم رجب‌هزار ودویست ونود ونه‌هجری‌قمری مطابق بیست وهفتم هزار وهشتصد وهشتاد ودو میلادی ؛ ونسخهٔ اخیر بتاریخ شانزده صفر هزار و سیصد هجری قمری ؛ مطابق بیست و هفتم دسامبر هزار وهشتصد وهشتاد ودومیلادی بوده است. هرماه دوشماره وبطور کلی چهارده شماره از دانش انتشار یافته است.»

☆ در رسالهٔ رابینو نیامده ودیده نشده است.

۱۶۷

دانش

روزنامهٔ (نشریهٔ) هفتگی است؛ که درطهران بسال هزار ودویست ونود ونه هجری قمری با چاپ سنگی انتشار یافته ، وشمارهٔ نخست آن مورخ بیست ودوم ذی‌الحجهٔ سال مذکور،چهارم نوامبر هزار وهشتصد وهشتاد ودو ، می‌باشد.



۱۶۸

دانش

روزنامهٔ (نشریهٔ) هفتگی است، که درطهران بسال هزار وسیصد و بیست وهشت هجری قمری، مطابق هزار ونهصدوده میلادی، بمدیریت زوجهٔ دکترحسین خان کحال ، با چاپ سربی انتشار یافته است.

این روزنامه یگانه نشریهٔ ایرانی است ، که منحصراً برای زنان نگارش یافته ، ودرمسائل مربوطه ببانوان بحث می کرده است.

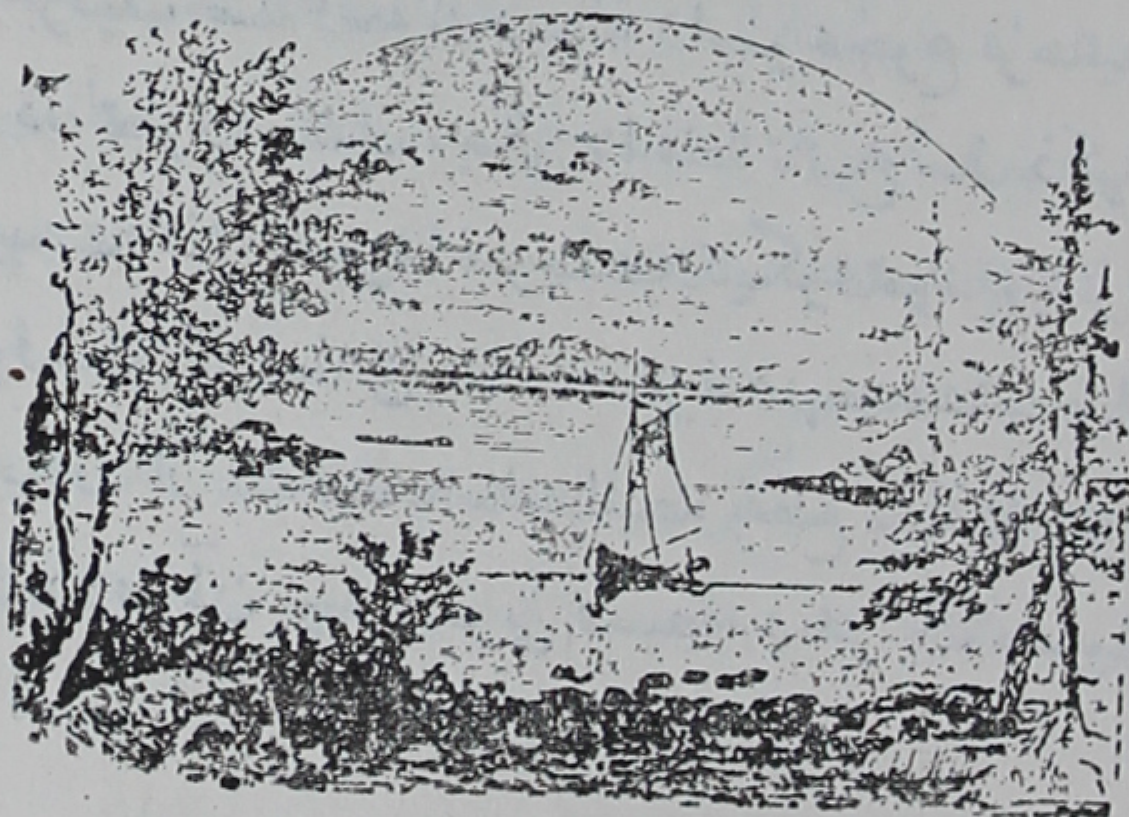
☆ برديف صد ودو از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او ، شمارهٔ چهارم دانش ، بتاريخ بيست ودوم شوال سنهٔ هزار و سیصد وبیست وهشت هجری قمری ، مطابق بیست وهفت اکتبر هزار و نهصد ده میلادی ، انتشار یافته است. هیچ نسخه‌ای ازین نشریه ، من ندارم .

٭۱۶۹٭

دبستان

نشریهٔ دو هفتگی است،که در تبریز، دراوایل سال هزار وسیصد وبیست وچهار هجری قمری ، مطابق هزار و نهصد وشش میلادی ، با چاپ سنگی،بمدیریت میرزارضا، مدیرمدرسهٔ پرورش انتشار یافته‌است.

٭ در رسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده است .



✿ ۱۷۰ ✿

دبیریه

نشریه‌ایست، که بشکل روزنامه، در رشت، بمدیریت دبیرالممالك انتشار یافته ، ومشتمل است بر اشعار ومقالات ادبی.

دبیریه اگرچه بمعنای حقیقی کلمه روزنامه نیست ، وبیشتر بیك نشریهٔ غیرمرتب مانده‌است، ولی با وجوداین چون تا اندازه‌ای بروزنامه شباهت دارد ، در ضمن روزنامه‌ها ذکر شد.

✿ بردیف صد وسه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید . دو شماره از دبیریه در تصرف منست ، یکی را فقط تاریخ سال ذکر شده، که‌هزار وسیصد وبیست‌وشش هجری قمریست،ودیگری مورخ پانزده ربیع‌الاخر سال مذکورست ، که مطابق هفده مه هزارونهصدوهشت میلادی می باشد، هرنسخه عبارت از یك صفحه‌ساده است، بقطع دوازده در پنج وسه‌ربع که فقط یك رویه آن بچاپ سربی رسیده، و هر یك مشتمل برفقط یك قطعه شعر است.

☆۱۷۱☆

دستور

روزنامه‌ایست، که در رشت هفته‌ای دو بار ، در شهر رجب سنه هزار وسیصد وبیست وهشت هجری قمری ، مطابق ژوئیه هزار ونهصد وده میلادی ، منتشرشده است ، وفقط سه شماره‌از آن انتشاریافته‌است.

☆ بردیف صد وچهار از رساله رابینو رجوع فرمائید ، که نکات مذکور از آن استخراج شده است . رابینو دستور را یك نشریهٔ ادبی توصیف‌کرده است. شمارهٔ دوم این‌روزنامه در تصرف منست، که مورخ هیجدهم رجب سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهشت ، مطابق بیست وهشتم ژوئیه هزارونهصد وده میلادی است. این‌نسخه‌دارای چهار صفحه‌بقطع چهارده ونیم در ده می‌باشد. وجه اشتراك سالیانه در رشت بیست وپنج تومان ، وبرای نقاط دیگر ایران سه تومان‌است. در خود نشریه،دستور چنین تعریف شده:« نشریه‌ایست تاریخی، سیاسی‌واخلاقی، حامی‌استقلال ایران ».

۱۷۲

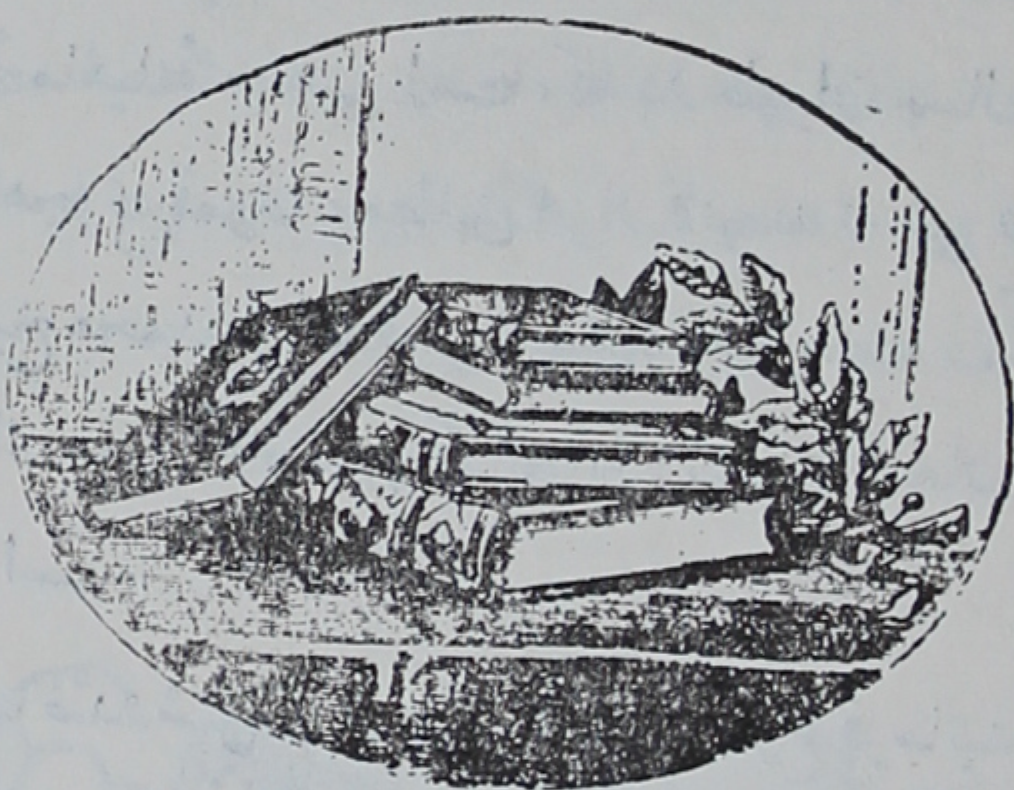
دعوة الاسلام

نشریهٔ مذهبی دوهفتگی است که در بمبئی بسال هزار وسیصد و بیست وچهارهجری‌قمری ، مطابق هزارونهصد وشش‌میلادی ، بمدیریت سید محمد علی اصفهانی ، ملقب‌به داعی‌الاسلام ، باچاپ‌سنگی ، انتشار یافته است .

بردیف صد وپنج از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید ، که برحسب او ، تاریخ شمارهٔ اول و آخر انتشاردعوة الاسلام ، غرهٔ رمضان سنهٔ هزار وسیصد وبیست وچهار هجری قمری ، مطابق نوزده اکتبر هزار ونهصد وشش میلادی ، وغرهٔ جمادی‌الاخرهٔ‌سنهٔ‌هزار وسیصد وبیست‌وپنج‌هجری مطابق دوازده ژویه هزار ونهصد و هفت میلادی است .

از شمارهٔ نخست تانوزده ، بابعضی نواقص ، در تصرف اینجانب موجود است ،که شمارهٔ پانزده و نسخ متعاقب آن باچاپ سربی است ، نه سنگی. هرنسخه‌دارای‌هشت صفحه،بقطع نه‌ونیم درشش‌ونیم میباشد،

وجه اشتراك ساليانه در هندوستان سه روپيه ، براى ايران پانزده‌قران در تركيه يك مجيديه‌ونيم ، براى قفقازيه وتركستان سه منات(روبل) ، براى اروپا وچين ومصر هفت فرانك است .



۱۷۳

دعوة الحق

مجلهٔ ماهیانهٔ مذهبی است ،که در طهران بسال هزار وسیصد و بیست ویك هجری قمری ، مطابق هزار ونهصد و سی و چهار میلادی ، بمدیریت شیخ محمدعلی دزفولی ، مشهور به‌بهجت ، نمایندهٔ دورهٔ دوم مجلس شورای ملی ، وصاحب کتابخانه وروزنامهٔ معارف ، باچاپ‌سربی انتشار یافته است .

بردیف صدوشش از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائیدکه برحسب‌او ، آغاز انتشار دعوةا لحق در غرهٔ شعبان سنهٔ هزار وسیصد وبیست و یك هجری ، مطابق بیست وسوم اکتبرهزارونهصد و سه میلادی بوده‌است . فقط ده شماره در سال نخست نشرشده است . دیده نشده‌است .

☆ ۱۷٤ ☆

دفاعیه

نشریه ایست ،که در سال هزار وسیصد وبیست ونه‌هجری قمری، مطابق‌هزار ونهصد ویازده میلادی ، بمدیریت افصح زاده ، باچاپ‌سنگی انتشار یافته است . وفقط یك شماره از آن منتشر شده است

☆ بردیف صد و هفت از رسالهٔ رابینو رجـوع فرمائید ،که این مستخرجه ، از آن اقتباس‌شده است .



۞۱۷۵۞

دیوان عدالت

نشریهٔ هفتگی ایست ،که در طهران بسال هزار وسیصد و بیست وهشت هجری قمری ، مطابق‌هزاروسیصد وده‌میلادی، بمدیریت مدبر-الممالك هرندی ، ناشر تمدن (رجوع بمواد صدوشش تاصد و هشت از همین کتاب شود) باچاپ سربی انتشار یافته‌است .

۞ در رسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده است :



☆ ۱۷۶ ☆

راه خیال

نشریه هفتگی ایست ،که در رشت، بسال هزار وسیصد وبیست و
نه هجری قمری ، مطابق هزار و نهصدو یازده‌میلادی، بمدیریت افصح‌ـ
المتکلمین ناشر خیرالکلام ، باچاپ سربی انتشار یافته است .

افصح‌المتکلمین این روزنامه‌را بهنگام توقیف خیر الکلام منتشر ساخت.

☆ بردیف صد وهشت از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که‌برحسب
او ، آغاز انتشار راه خیال غرهٔ شعبان سنهٔ هزار و سیصد و بیست و نـه
هجری قمری ، مطابق بیست وهشت ژویه هزار و نهصد ویازده میلادی
بوده‌است .

هیچ نسخه‌ای از این نشریه ، من ندارم .

☆۱۷۷☆

رعد

روزنامهٔ (نشریهٔ) هفتگی‌است ، که در قزوین بسال هزاروسیصد وبیست ونه هجری قمری ، مطابق‌هزار ونهصدویازده میلادی ،بمدیریت سید علی‌وبسردبیری شیخ عبدالعلی‌طهرانی ، مشهور به موبد ، ناشرنامهٔ ماد (بهمین ماده رجوع شود) باچاپ سربی انتشار یافته است .

رعد در سیاست دموکرات بوده است .

☆ برديف صدونه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب‌او آغاز انتشار این نشریه ، درشهر ربیع‌الاخر سنه هزار وسیصد بیست و نه قمری هجری ، مطابق آوریل هزار ونهصد و یازده میلادی‌بوده‌است .

شماره‌های یك و دو وچهار رعد ،که نخستین مورخ بیست وسه آوریل هزارونهصد ویازده میلادیست، درتصرف من میباشد. هرنسخه دارای چهارصفحه بقطع دوازده ونیم درشش‌وسه‌ربع‌است. وجه‌اشتراك سالیانه درقزوین شش‌قران، وبرای نقاط دیگرایران هشت هزار است.

محل توزیع اداره روزنامه بلدیه است

مدیر و نگارنده

میرزا ابو القاسم همدانی

هفته یکمرتبه طبع و توزیع میشود

وجه ابونه مقدما دریافت میشود

فاستبقوا الحسنات

شماره ... بلدیه ... هفتم

از عدل بین که مجلس شوری چه میکند

کر عدل نیست اینهمه غوغا چه میکنند

ابونه سالیانه

طهران .... ده قران

ولایات داخله .... ۱۲ قران

قیمت یک نسخه صد دینار است

خارج از طهران سه شاهی

تاریخ شهر جمادی الاولی ۱۳

اردبیل — تبریز — تبریز — تبریز — کلکته — تفلیس — بمبئی — بادکوبه

فریاد — انجمن — عدالت — آذربایجان — حبل المتین — نصرالدین — دعوة الاسلام — ارشاد

خراسان — خراسان — اصفهان — اصفهان — شیراز — بوشهر — همدان — همدان

بشارت — خورشید — جهاد اکبر — انجمن — ندای اسلام — مظفری — الفت — همدان

طهران — طهران — طهران — طهران — طهران — طهران — طهران — طهران

فرهنگ — عراق عجم — صور اسرافیل — حفظ الصحه — کوکب دری — عروة الوثقی — گلستان سعادت — معارف

روزنامه‌های صدر مشروطیت

Call No.........

Date.......... ....

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

۱۷۸

روح الامین

روزنامه (نشریهٔ) هفتگی است؛ که در طهران بسال هزاروسیصد و بیست و شش هجری قمری مطابق هزار و نهصد و هشت ونه میلادی با چاپ‌سربی انتشار یافته است.

* بردیف صدوده از رسالهٔ رابینو رجوع نمایند،هیچ نسخه‌ای از روح‌الامین ،من ندارم.



۱۷۹

روح القدس

روزنامه (نشریه) ایست ، که بسال هزار و سیصد و بیست وپنج هجری قمری ، مطابق هزار و نهصدو هفت و هشت میلادی ، درطهران بمدیریت سلطان العلمای خراسانی ،باچاپ سربی انتشار داشته‌است.

روح القدس در نتیجه شجاعت و شهامت خارق العادهٔ نویسندهٔ آن،شهرت خاصی کسب کرد ، و در شمارهٔ سیزدهم آن شخص محمدعلیشاه مورد حمله قرار گرفته ، و از اعمال مخالف مشروطهٔ وی انتقاد شده‌بود ، و عاقبت‌شوم لویی چهاردهم، پادشاه معدوم فرانسه ، وانقلاب کبیرفرانسه برخ شاه کشیده شده بود . بمناسبت انتشار این مقاله ، روح القدس توقیف گشت ، ولی بعد از اندك مدتی باز منشتر گشت .

نویسندهٔ این روزنامه صاحب عقیدهٔ ثابت و دارای حمیت فوق العاده‌ای بوده است ، و در دفاع از مشروطیت وپیشرفت نهضت ملی سهم خاصی داشته است . چنانکه هنگام کودتای ارتجاعی محمد علیشاه ، مورخهٔ بیست‌وسوم‌ژوئن هزار و نهصد وهشت، تفنك بدست گرفته ، واردصفوف

ملیون گشت ، ودر دفاع از مجلس شورای ملی باقوای شاه سخت بنبرد پرداخت وعاقبت گرفتارشد ، وباغل و زنجیر در باغشاه محبوس و مقید گشت، وپس از تحمل شکنجه های بسیار، شربت شهادت نوشید و جسدش رابچاهی انداختند .

خط مشی روح القدس انقلابی بوده است .

✡ بردیف صدویازده ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او این روزنامه نخست در بیست وپنجم جمادی الاخرهٔ سال هزارو سیصدو بیست وپنج هجری قمری ، مطابق پنجم اوت هزارونهصدوهفت میلادی انتشار یافته است ، وشماره بیست وششم آن مورخ هیجده ربیع الاخرهٔ سال هزار وسیصد وبیست وشش مطابق بیستم مه هزار ونهصدوهشت می باشد .

نسخهٔ شایان توجه و گرانبهای روح القدس ، که شرح آن در متن آمده ،شمارهٔ سیزده مورخهٔ پنجم نوامبر هزار و نهصد وهفت ،در تصرف اینجانب موجود است ، و ترجمهٔ انگیسی مقاله مورد بحث در صفحات (۱۶۱ ـ ۱۵۶) ازتاریخ انقلاب ایران تالیف من ، آمده است .

این روزنامه دارای چهار صفحه بقطع یازده در شش ونیم است ، وجه اشتراك سالانه در طهران دوازده قران ، برای نقاط دیگر ایران هفده قران ، درروسیه پنج منات (روبل)، وبرای کشورهای خارجی دیگر ده فرانك می باشد .

* ۱۸۰ *

روزنامهٔ ایران سلطانی

روزنامهٔ (نشریهٔ) دو هفتگی است ، کـه در طهران بسال هزارو سیصدو بیست و یك هجری قمری، مطابق هزار و نهصد و سه و چهار میلادی، بسر-پرستی ملامحمد ندیم السلطان ، ندیم باشی سابق ، که در آن ایام سمت وزارت انطباعات داشته ، وبقلم و مدیریت افضل الملك ، معاون وزارت انطباعات و حسابدار دربار همایونی باچاپ سربی انتشار یافته‌است . این نشریه همان روزنامهٔ ایران است (بهمین ماده رجوع فرمایند) که بعداز تصدی ندیم السلطان بدین نام خوانده شده‌است .

نخستین شمـارهٔ ایران سلطانی ، دراوایل ماه محرم سال مذکور مطابق آوریل هزار و نهصد وسه انتشار یافته است . در بـالای صفحهٔ نخست آن چنین آمده : «این نامهٔ همایونـی بفرمان مخصوص شاهانه انتشار می‌یابد ، و از مراحم و الطاف خاص اعلیحضرت اقدس شهریاری برخوردار است ؛ واز هر گونه نظارت و محدودیت آزاد می باشد ، و تمام مندرجات آن عین حقیقت است (؟) »

بخشی از مندرجات ایران سلطانی که بمواضیع ادبی اختصاص داشته، بیشترشایان توجه بود. از آنجمله انتشار نصاب ابوالظفر صادق فراهانی بود، که بتقلید منظومهٔ مشهور لغوی ابونصر فراهی، یعنی نصاب الصبیان ، از طرف میرزا صادق‌خان ادیب الممالک ، متخلص بامیری ، مدیر و ناشر روزنامهٔ ادب سروده‌شده بود .

این فرهنك منظوم پارسی از شمارهٔ چهارم روزنامه انتشاریافت و درشماره‌های بعد دنبالهٔ آن ادامه‌داشت ، وهرباریك چکامه‌چاپ‌می‌شد. متن کامل این منظومه بشکل خطی در تصرف اینجانب موجود است ، و برای نمونه ، آغاز نخستین چکامه‌را ، که دربحرخفیف سروده‌شده ، درج میکند :

آن بت شوخ چشم مه‌سیما	نظم فرهنگ‌فرس جست از ما
فـاعلاتن مفـاعـلن فعلن	شو ببحـر خفیف چامه سـرا
پاك یزدان و ایزدست خدا	هده حق زنده حی عیان پیدا
دان نبی را پیمبرو وخشور	خاندان اهل بیت و جامه کسا
شرع آیین نظام دهناد است	حکم پرمان روش بود یاسـا
گرزمان‌عرش‌وزیرگه‌کرسی	هست کرفه بزه ثواب و خطا
نار دوزخ صراط چینوداست	باغ مینـو بهشت روح افـزا
کاربه نافله چنب سنت	ناروا منع شد حلال روا
سحر فرهست ومعجزه فرهود	نیز فـرجاد فـاضل ودانـا
کعبه آبـادخوان نوی فرقان	گنك‌دژهوخت مسجدالاقصی

این چکامه مشتمل بربیشتر از چهل بیت‌است ، ودارای‌لغات مهجورو

نامأنوس بسیارمی باشد ، که‌معانی علمی بخصوص در آنها مضمر است(۱)

سال هزاروسیصدوبیست ویك‌هجری‌قمری‌مطابق‌هزارونهصدوسه‌و چهارمیلادی ، که‌ایران‌سلطانی‌طی آن، تحت‌عنوان مورد بحث‌منتشرشده، دربالای صفحه«سال‌پنجاه‌وششم انتشار»قیدشده‌است،وبدین‌ترتیب‌تاسال هزاروسیصد وبیست‌وچهار هجری‌قمری، مطابق‌هزارونهصدوشش و هفت میلادی ، یعنی «پنجاه ونهمین سال انتشار» ،نشر آن‌ادامه داشته ودر این سال‌تعطیل‌یافته است .

پیدایش نخستین روزنامهٔ دولتی در ایران بسال‌هزارو دویست و شصت و هفت هجری قمری ،مطابق هزارو ششصد و پنجاه‌ویك‌میلادی ، بوده است واز وجود روزنامه‌ای‌پیش‌ازتاریخ‌مزبور(۲)ما اطلاعی‌نداریم، ودر تایید این ادعا ، مستخرجهٔزیر را از مجلد سوم کتاب‌منتظم‌ناصری راجع بحوادث سال هزار و دویست شصت و هفت هجری ، در اینجا نقل می کنیم :

« طی‌این سال در کشور جاویدان ایران ، در دارالخلافهٔ طهران

---

(۱) این‌لغات بطور کلی مجعول و ساخته وپرداختهٔ آذر کیوانیان میباشد ، ودر آثار فصحای‌متقدم مطلقا نیامده، است . برای شرح بیشتر رجوح فرمایند بمقدمهٔ محشی این سطور بر کتاب **برهان قاطع**، طبع طهران سال ۱۳۳۶ شمسی، ونیز به **فرهنگ نظام** ، **وفرهنگ ایران باستان** م . ع

(۲) در اینمورد اعتمادالسلطنه ، **تربیت** ، **براون ورابینو** را سهوی عظیم رخ‌داده است، زیرا روزنامه، **کاغذ اخبار** که بسال هزار و دویست وپنجاه‌ودو هجری قمری منتشر میشده،خیلی مقدم برتاریخ مذکور بوده است .. م . ع

یك روزنامهٔ دولتی ، محتوی بر اخبار داخله و خارجه، وخبرهای تجارتی و غیره ، تاسیس یافت .».

بنا برتاریخ مذکور درسندمزبور، سال هزار و سیصدو بیست و یك، پنجاه و پنجمین سال تاسیس خواهد بود، نه پنجاه و ششم، بمنظور حل این مشکل ، من موضوع را بجناب آقای اعتمادالسلطنه نگاشتم ، و پاسخ ذیل را دریافت داشتم :

«حل این مشکل بدینقرار است، در دورهٔ مرحوم اعتمادالسلطنه، واوایل تصدی اینجانب ، هیچگونه اشاره‌ای بتاریخ تاسیس روزنامه نشده است . امـا پس ازاینکه اختیار بـدست ندیم السلطان افتاد، نام «ایران» به «روزنامهٔ ایران سلطانی» تغییر یافت، وعبارت پنجاه و ششمین سال تاسیس» درصدر آن نگاشته شد . بعداً موقعیکه مجیرالدوله، نویسندهٔ روزنامه، بـرای مدتی ازایران سلطانی کناره گرفت، وتحریر آن بعهدهٔ افضل الملك گذارده شد ، در این گیر ودار اشتباهی دوساله، درحساب تاریخ پیدایش پدید آمد.

هنگامیکه باز اینجانب متصدی خدمت گشتم، مجیرالدوله رامکرر متوجه این اشتباه کردم ولی مشارالیه مدام درپاسخ اظهار می‌داشت، که هیچگونه نیازی بنقض عمل انجام یافته وتغییر تاریخ نیست ، این کاریست که گذاشته است، اگر چه بطور قطع و یقین اشتباهی رخ داده است».

اینك یك قطعهٔ چند سطری از روزنامهٔ ایران سلطانی برای نمونهٔ طرز تحریر مندرجات آن ، از شمارهٔ چهارمورخ سشنبه بیست ویکم صفرسال هزار وسیصدو بیست ویك هجری، مطابق نوزدهمه هزار و نهصدوسه میلادی،

که تحت عنوان «اخبار دربار» چاپ شده، نقل می کنیم:

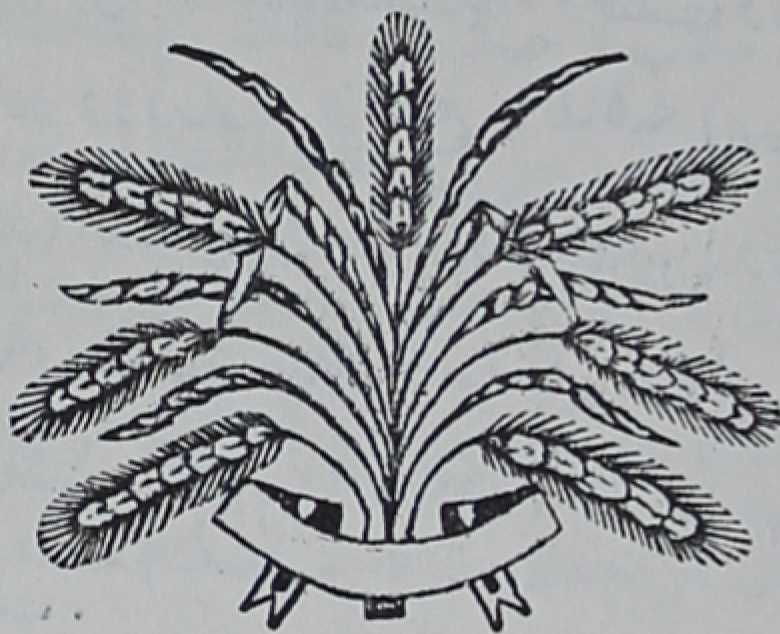
« سپاس خدای را، که وجود ذیجود و مسعود اعلیحضرت همایونی ظل الله‌فی الارض، ارواحنا فداه، در کمال صحت و بهجت است، و مدام خاطر خطیر همایونی متوجه بهبود حال جامعه می باشد. در نهمین روز این ماه، اعلیحضرت اقدس شهریاری، ظل الله فی الارض، درحالتیکه نجبای دربار شاهنشاهی ومقربین آستان همایونی شرف ملازمت داشتند، چند روزی به‌قریهٔ کن واقع دردوفرسنگی طهران، بمنظور تفریح خاطر وسوارکاری وتیراندازی، نزول اجلال فرمودند. جلال وجبروت شاهی درنهایت ابهت و عظمت چشمان راخیره می کرد، وشاهنشاه چندین شبانه روزدر این ییلاق اقامت فرمودند، همه روزه پیش از ظهر خاطر خطیر همایونی بامعان نظر در گزارشهای وزیران وحکام، و تلگرافات واصله ازایالات دور و نزدیك کشور شاهنشاهی ایران، اشتغال داشت، و بعدازظهری اوقات همایونی بصید وتیراندازی می گذشت. درصبح چهارشنبه پانزدهم اعلیحضرت شهریاری از کن بدارالخلافهٔ طهران که مقر سلطنت همایونی است، بمنظور نظارت درامور مختلفهٔ داخله وخارجهٔ کشور مراجعت فرمودند (۱).»

نیازی بتذکر نیست، که سبك روزنامه نگاری مزبور، مربوط به آخرین ایام سلطنت مظفرالدین شاه یعنی فقط چند سالی مقدم براعلام مشروطیت است!

---

(۱) بدبختانه هنگام ترجمه ونگارش این سطور اصل روزنامهٔ مذکور در دسترس نبود لذا از متن انگلیسی بفارسی برگردانده شد م. ع

✡ دررسالهٔ رابینو نیامده‌است . شمارهٔ چهار این‌روزنامه، مورخ بیست‌ویکم صفر سال هزار وسیصد وبیست ویك هجری قمری ، مطابق نوزده مه هزار ونهصد ونه میلادی در تصرف منست . این شماره دارای هشت صفحه ، بقطع نه درشش ونیم میباشد ، که در دو ستون با چاپ سربی بسیار نفیسی بطبع رسیده است .



۱۸۱

روزنامهٔ تبریز

روزنامه‌ایست، که در تبریز بسال هزار ودویست و هفتاد و پنج هجری قمری مطابق هزاروهشتصدوپنجاه وهشت ونه میلادی ، نشرشده است ، و ذکر آن در روزنامهٔ **وقایع اتفاقیه** (بحاشیه مربوط بهمین ماده مراجعه‌فرمائید) آمده‌چون عنوان‌درست‌این‌روزنامه، برای‌مامجهول بود ، لذا آن را بنام مذکور مندرج ساختیم ، ولی خیلی احتمال است که همان «تبریز» باشد ، که بعداً دردورهٔ ولایت عهد مظفرالدین‌شاه ، ازنو انتشاریافته است .



۱۸۲

روزنامهٔ حکیم‌الممالك(۱)

روزنامه‌ایست که بمدیریت میرزاعلی‌نقی حکیم، فرزند آقااسمعیل یهودی جدیدالاسلام ، ملقب به حکیم‌الممالك ، پیشخدمت باشی ناصر- الدین‌شاه ، در طهران باچاپ سربی منتشر شده است .

این شخص ، بعد از اتمام تحصیلات خویش در اروپا ، بسال هزار ودویست و هفتاد وهشت هجری قمری ، مطابق هزاروهشصد وشصت‌و یك‌ودومیلادی، به‌ایران مراجعت کرد؛ و هنگام مسافرت شاه‌بخراسان درسال هزارودویست وهشتاد و چهار هجری قمری ، مطابق هزار و هشتصدوشصت‌وهفت وهشت‌میلادی ، بلقب حکیم‌الممالك ملقب گشت وبسال هزارو ودویست ونودوسه هجری قمری ، مطابق‌هزارو هشتصدو هفتادوشش میلادی ، مقام حکومت بروجرد یافت .

---

(۱) نام این‌روزنامه بتحقیق معلوم نیست،ودرج آن‌دراین‌محل بمنظور جلب توجه و تشحید ذهن قارئین بوده است .

نویسندهٔ این روزنامه ، ناصرالدین‌شاه‌خودش بوده است ، اگر چه شاه‌بشوخی آن رامنتسب بحکیم‌الممالك‌می کرده ، و بامضای‌مشارالیه انتشار می یافته است . بهر حال ، سه شماره ازین روزنامه منتشر شده است ،وهرسه بقلم ناصرالدین‌شاه نگارش یافته‌است .

در یك‌شماره احساسات جوانی بیان شده است،که دریك صبحدم نوبهاربقصدتمتع و التذاذ از فصل‌بهار ، از خانه‌بیرون می آید ؛ درشمارهٔ دیگراحساسات پیرمردی بیان شده است ،که وی نیز از بهار برخوردار می‌شود ؛ درسومی معراج حکیم‌الممالك حکایت شده است ، که‌چگونه از کفر به‌ایمان هدایت یافته ،و سخن قطع شده است ، این سه‌ورقه (شماره) بسیار خنده‌آور می‌باشد . (اطلاعات اخیر از یك نامه‌جناب آقای اعتمادالسلطنه استخراج‌شده‌است) .

چنانکه‌معروف‌است ناصرالدین‌شاه باحکیم‌الممالك شوخی‌بسیار می کرده است ،بویژه‌هنگام‌مسافرت خراسان ، که‌شاه مدیحه‌ای‌ساخته بود ، مشتمل بر هجو و انتقاد از مشارالیه . چون این چکامه عاری از لطف نمی‌باشد ، بعضی ابیات آن‌ثبت‌افتاد :

ای حکیم‌الممالك سلطان — که‌بشاگردیت سزد لقمان
ای فلاطون ترا کمینه غلام — ای ارسطو بپیش تو نادان
لیکن‌اوصاف حکمتت‌رامن — نکنم بر جهانیان پنهان
نسخه‌ات راچو می‌برند بروم — زیره‌گویی برنددر کرمان
گر بگیری تو نبض بیماری — روز محشر بگیردت دامان
گر معالج شوی بمسکینی — ندهی فرق گوش از دندان

زعفران گر دهی بگریه شود　　آنکه بودی بصبح وشب خندان
خواهی اردارویی نمائی سحق　　جای هاون بیاوری سندان
اثر ملح خواهی از شکر　　خشکی معده جویی از ریحان
. . . .　　. . . . .
هر دوایی که می دهی بمریض　　واجب است استخارهٔ قرآن
چون بعجز آیی از علاج کسی　　مددو بخت جویی از شیطان
گر شفا یافت از تو بیماری　　داد عمر دو بارهاش یزدان
گر تو باشی طبیب یك دوسال　　کس نماند بخطهٔ ایران
اینچنین بوالعجب فلاطون را　　شایدار شه نوازد از احسان



۱۸۳

روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران

روزنامه ایست، که‌دراوایل سال هزارودویست و هفتاد وهفت هجری قمری ، مطابق ژوئیه واوت هزاروهشتصد و شصت میلادی ، در طهران باچاپ سنگی انتشاریافته است ، ومشتمل بوده براخبارووقایع و اتفاقات ایالات و ولایات مختلف ایران ، و مزین بتصاویر رجال دولت و اعیان واشراف مملکت ، باشرح حال واوضاع واحوال ایشان . احتمال میرود که‌روزنامهٔ « وقایع اتفاقیه » ،از شمارهٔ چهارصد وهفتاد ببعد ، بجای آن ، بانام نوین ، انتشاریافته است .

☆ بردیف صدودوازده ازرسالهٔ رابینورجوع فرمائید، که‌برحسب او، شمارهٔ چهارصد وهفتاد و یکم (یعنی نخستین شمارهٔ وقایع اتفاقیه ، بانام نوین) مورخ بیست وهشتم محرم سال هزارودویست وهفتادوهفت هجری قمری ، مطابق یازده‌اوت هزاروهشتصد وشصت میلادی ، میباشد وشمارهٔ پانصد وشصت وپنج آن بتاریخ هفد هم جمادی الآخرهٔ هزارو دویست و هشتاد و یك مطابق هفده نوامبر هزار و هشتصد و شصت و وچهاراست .

۱۸٤

روزنامهٔ دولتی

روزنامه ایست که درطهران باچاپ سنگی انتشار یافته است ، مشتمل براخبار داخلی‌وخارجی ودربار کشور . شمارهٔ ششصد وبیست ودوم این‌نشریه که درتصرف منست ، مورخ پنجشنبه هفتم‌جمادی‌الآخرهٔ سال فرخندهٔ پلنگ هزار ودویست وهشتاد وپنج هجری قمری مطابق بیست وپنجم سپتامبر هزاروهشتصد وشصت وهشت میلادی میباشد . در بالای عنوان روزنامه ، درنخستین صفحه ، نقش شیروخورشید چاپ‌شده ودرروی آن چنین آمده : در دارالخلافهٔ منصورهٔ محروسه ؛ در مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون ، در کارخانهٔ مطبعهٔ دولتی بطبع رسید» .

بهای‌هرشماره چهارده شاهی‌است ، وجه‌اشتراک‌سالیانه ، بضمیمهٔ روزنامه علمی، وروزنامهٔ ملتی، سی‌وشش قران میباشد .

روزنامه دولتی، باحتمال قوی ، بجای روزنامه دولت علیهٔ ایران سابق‌الذکر (عنوان صدوهشتاد وسه) انتشار یافته‌است ؛ در مقدمهٔ کتاب حاضر درباره هردوی این نشریه ، شرح مختصری آمده‌است .

✡ شمارهٔ ششصد و بیست ودوی مذکور؛ درتصرف اینجانب موجود است ،که دارای پنج صفحه بقطع یازده ونیم درشش ، ودارای تصـویر شیر وخورشید بزرگی دربالای صفحه اول ، وبخط تعلیق خوبی با چاپ سنگی نشرشده است .

دررسالهٔ رابینو ذکراین روزنامه نیامده .



٭۱۸۵٭

روزنامهٔ رسمی دولت ایران

روزنامه یومیه‌ایست که درطهران بسال هزاروسیصد وبیست ونه هجری قمری مطابق هزار و نهصد ویازده میلادی ، بمدیریت مؤید‌المالك ناشر پلیس ایران (بهمین ماده رجوع فرمائید) انتشار یافته است . این روزنامه بنشر متن کامل مذاکرات دورهٔ دوم مجلس شورای ملی اختصاص داشته ، وهنوزهم انتشارمی‌یابد .

٭بردیف صد وسیزده از رسالهٔ رابینورجوع‌فرمائید، که‌می گوید، هفته‌ای سه شماره ازین روزنامه انتشار یافته ، و آغاز نشر آن بتاریخ هیجده ربیع‌الآخرهٔ سال هزاروسیصد وبیست و نه هجری قمری مطابق هجده آوریل هزار ونهصد ویازده میلادی‌است .

شمارهٔ نخست این‌روزنامه درتصرف منست ،که فی‌الواقع مطابق

تاریخ مذکور میباشد ، ودارای پنجاه صفحه بقطع ده درهفت ونیم است، وسه ستونی بچاپ رسیده است . وجه اشتراك سالیانه برای طهران چهل و پنج قران ، و درنقاط دیگر ایران پنجاه و پنج ، و برای خارجه هفتاد است



۱۸۶

روزنامهٔ شیخ فضل‌الله

نشریه‌ایست که باچاپ سنگی درشاه عبدالعظیم بسال‌هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری ، مطابق هزارونهصد وهفت وهشت میلادی، بکمك مرتجعین (شیخ فضل‌الله نوری ویاران وی) ،که در زاویهٔ مقدسهٔ مذکورتحصن جسته بودند ، انتشار می یافت ، ومشار الیهم بتشویق و تشجیع‌محمد علیشاه مخلوع ، نزدیك به پنج ماه ، تا تعطیل مشروطیت (کودتای محمد علیشاه وبمباران مجلس شورای ملی) در همانجااقامت داشتند .

درطی‌مدت مذکور ؛ این گروه برای نشرافکار و عقاید خود در میان عامه ، بانتشارنامهٔ مورد بحث‌پرداختند ، ودرآن تبعیت ازشریعت (منظورشرایع مذهبی اسلام درمقابل هر گونه قانون ، یعنی‌قوانین موضوعهٔ مدنی‌وحقوقی) را تبلیغ میکردند ، و بتکفیر اصول مشروطیت ومجلس می پرداختند ، واینگونه اقدامات را بدعت می‌شمردند .

ازاین نشریه نوزده شماره انتشاریافته ،که‌اکثر آنها بنام وعنوان زیربوده‌است :

« مقاصد متحصنین زاویهٔ مقدسه » ، ولـی گاهـی عنوان ذیل را داشته :

« توضیح مقاصد مذهبی آیین اسلام ومسلمین ، ومتحصنین زاویهٔ مقدسه » ویااینکه این آیه قرآنی را(سورهٔ هشتم،آیه چهل‌وهشتم)عنوان نشریهٔ خود می‌ساختند :

« واطیعوا الله ورسوله ولاتنازعوا فتفشلوا وتذهب‌ریحکم واصبروا ان‌الله مع‌الصابرین » .

بتقریب تمام مندرجات این نشریه ها از طرف حبل‌المتین رد و طرد میگشت .

چون این‌نشریه دارای نام وعنوان دقیق ودرستی‌نبود ، لذا تحت عنوان مذکورثبت شد .



* ۱۸۷ *

روزنامهٔ علمی

روزنامه‌ایست که درطهران بسال هزارودویست ونود وسه‌هجری قمری ، مطابق هزاروهشتصد وهفتاد وشش‌وهفت میلادی ، انتشار یافته است .

دربارهٔ روزنامهٔ علمی ذکاء الملك چنین می‌نگارد :

این روزنامه بوسیله محمد حسن خان صنیع الدوله تأسیس یافته است . بطورکلی شصت و چهار شماره از آن انتشار یافته ،که نخستین مورخ بیست ودوم ذی‌الحجه هزارودویست ونود و سه هجری قمری ، مطابق هشتم ژانویه هزاروهشتصد وهفتاد وهفت میلادی ، وآخرین شماره بتاریخ بیست وسوم جمادی‌الآخر سال هزارودویست ونودوهفت مطابق دوم ژوئن هزاروهشتصد و هشتاد میلادی است .

دررسالهٔ رابینو نیامده ، و دیده نشده است .

* ۱۸۸ *

روزنامهٔ علمیه دولت علیهٔ ایران

نشریهٔ ماهیانه‌ایست که در طهران بسال هزار و دویست و هشتاد هجری قمری ، مطابق هزار وهشتصد وشصت وسه وچهار میلادی بسرپرستی علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه ، وزیرعلوم وقت ، باچاپ سنگی انتشار یافته است ، وشمارهٔ نخست آن مورخ غرهٔ شعبان سال مذکور ، مطابق یازدهم ژانویه هزاروهشتصد وشصت وچهار ، وشمارهٔ آخر بتاریخ غرهٔ شوال سنهٔ هزارودویست وهشتاد و هفت هجری قمری مطابق بیست وپنجم دسامبر هزاروهشتصد وهفتاد میباشد . من‌حیث‌المجموع پنجاه وسه شماره انتشار یافته است .

این روزنامه بعضی اوقات بطریق خلاصه «روزنامه علمی» خوانده شد ، بمعیت « روزنامه ملتی » و « روزنامه دولتی » انتشار یافته‌است ، وجه اشتراک مجموع هرسه روزنامه سی وشش قران بوده است .

بعضی اوقات روونامهٔ علمی بسه زبان فارسی وعربی وفرانسه منتشر

شده ، وگاهی نیز فقط بدو لسان اخیر (١) انتشار یافته‌است، چنانکه شماره پنجاه ودوم ،که درتصرف منست ، وبتاریخ شنبه ، یازدهم‌مهرماه سال مبارك هفتصد ونود ودوجلالی ، یامطابق بخش عربی‌غرۀ رجب‌سنۀ هزار ودویست وهشتاد وهفت هجری قمری است (موافق بیست و هفتم سپتامبر هزاروهشتصد وهفتاد میلادی) .

قسمت اعظم مندرجات شمارۀ مورد بحث، عبارتست ازتحقیقات دربارۀ یك قسم انشاء ادبی مورد استعمال نویسندگان معاصر ، موسوم به « شعرمنثور »یابقول روزنامۀ علمی، « نوعی‌ازشعرکه فی‌الحقیقه‌واسطه بین شعر ونثر» است .

آنگاه روزنامه دراین‌موضوع وارد بحث بیشتری شده مینویسد که سبك مزبور، یعنی شعر منثور ؛ از ابداعات ابوالعلاالمعری (متوفی بسال چهارصد وچهل‌ونه هجری قمری مطابق‌هزاروپنجاه وهفت وهشت میلادی) است ،که بعداً توسط مظفربن ابراهیم ، ضریر مصری (متـوفی بسال ششصد وبیست وسه هجری‌قمری مطابق هزار ودویست وبیست و شش‌میلادی) ؛ وبالاخره بوسیله خواجه مسعود ، مشهور بعصمت بخاری تعقیب شده‌است .

درخاتمه قطعات وحکایاتی ازشعر منثور بطور نمونه درج کرده است .

---

(١) شاید بدو زبان اولی صحیح باشد، چنانکه از مطالب مربوطه استنباط می‌شود ، بهر صورت فعلا نگارنده دسترسی باصل روزنامۀ مورد بحث ندارد، ونمیتوان بتحقیق اظهارنظر کند. م.ع

قسمت عربی شمارهٔ مورد بحث در حقیقت ترجمهٔ بخش فارسی روزنامه است ،که فی‌الحقیقة مفید وممتع وشایان تحسین است .

درهمین شماره ، درهمان موضوع مورد بحث اشارات واستناداتی درمسئلهٔ مذکور، بشمارهٔ «اخیر روزنامهٔ ملتی» شده‌است، که در آن ذکری ازسید علی‌مهری جبل آملی» وبعضی ازاشعار منثورمشارالیه آمده‌است ، و بدینطریق معلوم میشودکه هر دو روزنامه در موضوع مشترکی وارد بحث شده‌اند .

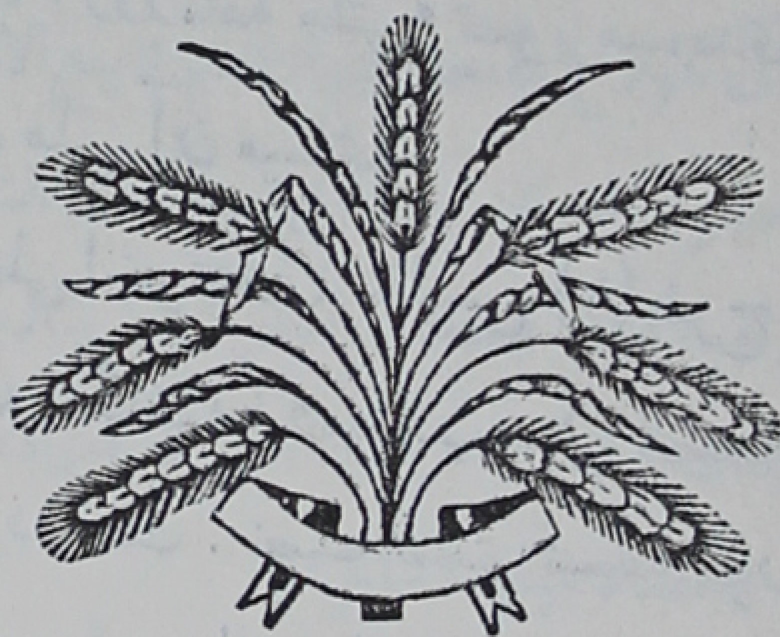
شمارهٔ مورد بحث روزنامهٔ علمیه دولت علیهٔ ایران ، عبارت از یك ورقی‌است ، بقطع‌متداول درمملکت ایران ؛ که چهار صفحه ای تاه شده است ؛ ویکی‌از آن سفید میباشد . درسرلوحهٔ صفحهٔ نخست ، تحت عنوان « روزنامهٔ علمیه دولت علیه‌ایران » چنین‌آمده : شمارهٔ پنجاه و دوم ، وجه اشتراك سالیانه بمعیت « روزنامه دولتی » و« روزنامه ملتی» سی‌وشش قران . دردارالخلافهٔ ناصری ، درمدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون ، درمطبعه سربی‌دولتی بطبع رسیده است . » ونیز تصویری چاپ شده‌که «شمس‌العماره و میدان‌توپ مروارید»را نشان‌میدهد .

رابینو درردیف صد وچهارده ازرسالهٔ خود ، از شمارهٔ دوم این روزنامه ، مورخ‌بیست وششم بهمن‌ماه سال هفتصد وهشتاد وپنج‌جلالی، وشمارهٔ چهارم . مورخ‌نهم فروردین‌ماه سال هفتصد وهشتادوشش‌جلالی صحبت میدارد .

این روزنامه اگرچه اسماً ماهیانه بوده است ؛ ولی‌مسلم است‌که بفوا صل نا منظمی انتشار یافته . تعداد مجموع شماره‌های منتشره ؛ و

تواریخ شماره های اول و آخر؛ باستناد قول جناب آقای ذکاءالملک؛ ذکر شده است .

شمارهٔ پنجاه ودومذکور درمتن ؛ درتصرف اینجانب میباشد ؛ که دارای چهارصحیفه ، یکی سفید بقطع دوازده درهفت ونیم است . بخش فارسی بخط تعلیق ، وقسمت عربی نسخ میباشد ؛ وبچاپ سنگی رسیده است .



* ۱۸۹ *

روزنامهٔ ملتی

نشریه‌ایست ؛که در تهران بسال هزار و دویست و هشتاد و سه هجری قمری ، مطابق هزار وهشتصد وشصت وشش و هفت میلادی ؛ با چاپ سنگی منتشر شده است .

درسرلوحه « روزنامه ملتی » تصویر مسجدی آمده‌است؛ که نمایندهٔ معهود خصوصیات ملی آن میباشد .

میرزا فتحعلی آخوندوف تفلیسی (۱) شرح انتقادی پرنیشخندی دربارهٔ این روزنامه نگاشته ؛ ومطالب یکی ازشماره‌های آن راکه‌دیده بوده ؛ تحلیل کرده است . نصف بیشتر نسخهٔ مورد بحث ؛ وقف شرح احوال ونسب‌وحسب شمس‌الشعراء سروش،ودوقطعه از آثارمنظوم ؛ یك قصیده ویك غزل مشارالیه شده بوده‌است . در آغازمقاله انتقادیهٔ‌مذکور

---

(۱) میرزا فتحعلی آخوند زاده از نویسندگان وفلاسفهٔ عصرجدید است، وآثارش بالسنه فرانسهٔ وانگلیس وروسی وآلمانی ترجمه‌شده‌است، مولد وی خامنهٔ آذربایجان‌است. م.ع

چنین آمده : درروز جمعه چهاردهم ماه ربیع الاول سال هزارودویست وهشتاد وسه هجری مطابق بیست وهفتم ژوئیه هزاروهشتصد وشصت و شش میلادی ؛ در تفلیس نسخه ای از« روزنامه ملتی ایران » دیدم ؛ که سخت مایهٔ مسرت خاطروموجب بهجت خارق العاده برای من گشت .

درابتدای نظراین جمله بچشم خورد :

«ازطرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ؛ خلدالله ملکه وسلطانه ، فرمان شرفصدور یافته است؛ که» روزنامهٔ ملتی » به آزاد ترین وجهی نگاشته آید ؛ بطوری که مشتمل بر مزایا و منافع لازم با شد ؛ منظور آنست که .... » (۱) .

ذکاءالملک مینویسد : « روزنامهٔ ملتی بمعیت روزنامهٔ دولتی » و « روزنامهٔ علمی» ؛ تحت سر پرستی عالیهٔ «اعتضاد السلطنه» انتشار یافته است . شمارهٔ نخست آن مورخ جمعه چهاردهم ربیع الاول سال هزار و دویست وهشتاد وسه هجری قمری ، مطابق بیست وهفتم ژوئیه هزار و هشتصد وشصت وشش میلادی ؛ وشمارهٔ آخر آن ؛ بتاریخ بیستم جمادی الآخرهٔ سنه هزارودویست وهشتاد وهفت هجری قمری ؛ مطابق هفدهم سپتامبر هزاروهشتصد وهفتاد میلادی است .

« این روزنامه ماهیانه انتشارمی‌یافته ؛ ومن حیث المجموع سی و سه شماره منتشرشده است .

مندرجات روزنامهٔ ملتی بطورکلی شرح احوال و آثار شعرای

---

(۱) اصل روزنامهٔ مورد بحث در دسترس نبود ، لذا عبات متن از ازانگلیسی ترجمه شده است. م.ع

بزرگ بوده است . » .

اعتمادالسلطنه مینویسد : « نشریهٔ دیگر «روزنامه ملتی ایران » بوده است ؛ (که شمارهٔ نخست آن) مورخ چهارشنبه پانزدهم محرم سنهٔ هزارودویست وهشتادوسه هجری قمری ؛ مطابق سی‌ام مه هزاروهشتصد وشصت و شش میلادی میباشد . این روزنامه در دورهٔ صدارت عظمای میرزا محمد خان سپهدار ؛ تحت سر پرستی وزیر علوم انتشار یافته است .

بطوریکه ملاحظه میفرمایند ؛ دربارهٔ انتشاراولین شماره وتاریخ پیدایش این روزنامه ؛ اختلاف فاحشی در اقوال مذکور دیده می‌شود ؛ مگراینکه ؛ فی‌الحقیقه « روزنامهٔ ملت ایران » غیراز « روزنامهٔ ملتی» مورد بحث باشد ؛ ولی‌این احتمال بعید مینماید .

دررسالهٔ رابینو نیامده است ؛ ودیده‌نشده (۱)



(۱) یعنی براون ندیده است .

* ۱۹۰ *

روزنامهٔ ملی

نشریه ایست هفتگی ؛ که در تبریز بسال هزاروسیصد و بیست و چهارهجری قمری ؛ مطابق هزارونهصد و شش وهفت میلادی ؛ بقطع خشتی ؛ باچاپ سنگی منتشرشده است . شمارهٔ نخست این روزنامه ،در غرهٔ رمضان سال مذکور ؛ مطابق نوزدهم اکتبرهزارونهصدوشش میلادی انتشاریافته‌است .

روزنامهٔ ملی نخستین نشریه ای بوده است ؛که پس از انقلاب و اعلام مشروطیت در تبریز چاپ شده‌است . مؤسس و مدیراین روزنامه؛ میرزا علی‌اکبرخان ؛ فرزند سید هاشم چرندابی معروف بوده است ؛که دراوایل سروش غیبی‌امضاء می کرده ولی دراواخر سال مذکور ؛ نام حقیقی‌خود را زیر پای مقالات میگذاشته است ، و در این هنگام اسم روزنامه ؛ مبدل به «جریدهٔ‌ملی» (رجوع بعنوان صد و بیست و سه در گذشته شود) شده بوده است .

اندکی بعد ؛ دراوایل سال هزاروسیصد وبیست وپنج‌هجری قمری

مطابق فوریه و مارس هزار و نهصد وهفت میلادی ازنو نام این روزنامه تغییر یافت وتحت عنوان انجمن (رجوع بعنوان شصت وچهار درگذشته شود) منتشر گشت .

روزنامهٔ ملی ؛ واخلاف آن ؛ یعنی جریدهٔ ملی وانجمن بسرپرستی و نظارت و هزینهٔ انجمن ملی تبریز ؛ یامجلس شورایملی تبریز ؛ یافته است .

بردیف صد وپانزده‌ازرساله رابینو رجوع فرمائید . هیچ‌نسخه‌ای ازاین روزنامه درتصرف من موجود نیست .



* ۱۹۱ *

روزنامهٔ نظامی

نشریه‌ایست ؛که در تهران چاپ ومنتشر شده است ؛ و احتمال میرودکه مؤسس آن میرزا حسین‌خان سپهدار بوده است .

بهرحال؛روزنامهٔ‌نظامی‌پیش‌ازسال‌هزارودویست ونودوشش‌هجری قمری مطابق هزاروهشتصد وهفتاد ونه میلادی بوجود آمده‌است ، واز قرارمکتوب ذکاءالملك ، درسال مذکورروزنامهٔ مریخ(رجوع بهمین‌ماده درپایین شود) بجای آن انتشاریافته است .

* دررسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده‌است .

۱۹۲

روزنامهٔ وقایع اتفاقیه

روزنامه‌ایست، که درتهران بسال هـزارودویست وشصت وهفت هجری قمری، مطابق هزاروهشتصد وپنجاه ویك میلادی، باچاپ‌سنگی انتشاریافته است، وراجع بآن مطالبی درمقدمه آمده است.

وقایع اتفاقیه نخستین روزنامهٔ فارسی بوده‌است، که در ایران انتشاریافته(۱)، ودردوران صدارت عظمای میرزاتقی‌خان‌امیر کبیر بوجود آمده‌است.

ابتدا، یعنی تاانتشارشمارهٔ شانزدهم، مورخ بیست ویکم برحسب سنهٔ هزارودویست وشصت وهفت هجری قمری، مطابق بیست ودوم مه هـزار وهشتصـد وپنجاه ویك میـلادی این روزنامه جمعـه ها منتشر می‌شده است.

---

(۱) چنانکه سابقاً گفتیم، انتشار روزنامهٔ کاغذ اخبار خیلی مقدم بروقایع اتفاقیه بوده است.

ولی بعداً تاپایان دورهٔ آن ، پنجشنبه ها انتشار می یافته‌است ، وجـهٔ اشتـراك سالیانه بیست وچهار قران ، و تك شمـاره ده شاهـی بوده است•

روزنامهٔ وقایع اتفاقیه بسیار مرتب ومنظم بوده ،وبـدون هیـچ‌ـ گونه تاخیری انتشار داشته است ، وبعضی‌اوقات یك ورقی بقطع‌متداول درایران ، یعنی چهارصفحه‌ای ، مثلا شماره های یك تانه ، و گاهی‌شش صفحه‌ای ، بمانند شماره های هفده ، بیست وسه ، بیست وچهار وبیست پنج تاچهل ، وگاهی هشت صفحه‌ای بوده است ، چنانکه بطور کلی در اواسط و اواخر دورهٔ خود ، مدت قابل ملاحظه‌ای بطور مداوم ، چنین بوده است ، اگرچه گاهگاهی بعضی شماره های چهار یا شش صفحه‌ای نیز انتشار یافته است •

این روزنامه تاسال هزار ودویست وهفتـاد وهفت هجری قمری، مطابق هزاروهشتصدوشصت ـ وشصت ویك میلادی انتشارداشته ، وبعد از آن علی الظاهر عنوان « روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران » (بهمین عنـوان رجوع شود) یافته است•

یك دورهٔ کامل ازروزنامهٔ وقایع اتفاقیه درکتابخانه دولتی‌تهران موجود است ، وشماره های چهارصد ونه تاچهار صد وپنجاه وشش در بریتیش موزیم ، تحت شمارهٔ‌هفتصدو پنجاه و هفت ، یك ، دوازده ، در ضمن انتشارات متناوب ، مضبوط است ، وشماره های هفت تاچهار صد

وچهل وچهاردر تصرف نویسنده می باشد.

اعتمادالسلطنه می نویسد:

«نخستین شمارهٔ این روزنامه، درروز جمعهٔ پنجم ربیع الآخر سال هزار ودویست وشصت وهفت هجری قمری؛ مطابق هفتم فوریهٔ هزارو هشتصد وپنجاه ویك میلادی، انتشار یافته، وفقط دارای این عنوان می باشد: «یا اسدالله الغالب!»، ولی بعدها نام «وقایع اتفاقیه» با علامت «شیر وخورشید» یافته است.»

ذکاء الملك می نویسد:

«ابتدا درزمان میرزا تقی خان اتابك پدید آمد، ودر آن هنگام حاجی میرزا جبار تذکره چی و پدر سعدالدولهٔ حاضر، که مالك یك مطبعهٔ سربی بودند، مسئول طبع وتوزیع روزنامه بودند؛ ونویسندهٔ آن میرزا عبدالله نامی بوده است.

شمارهٔ چهارصد وهفتاد وچهار این روزنامه، که درتصرف منست مورخ هجدهم ربیع الآخر سال هزار ودویست و هفتاد و هفت هجری قمری؛ مطابق سوم نوامبر هزار وهشتصد وشصت میلادی می باشد.»

✡ بردیف صد وشانزده از رسالهٔ رابینو رجوع فرمایند، که بر حسب او، این روزنامه توسط وزارت انطباعات انتشار یافته است، و که شمارهٔ دویست و شصت و یك مورخ بیست و دوم جمادی الاول هزار و دویست وهفتادوسه هجری قمری، مطابق هیجدهم ژانویهٔ هزاروهشتصد وپنجاه وهفت میلادی است، که بنظر می رسد، همان روزنامه ای باشد

که میرزاتقی‌خان امیرنظام، آن را درحدود سال هزار ودویست وشصت وپنج ، مطابق هزار وهشتصد وچهل‌وهشت ونه‌میلادی، دراوایل‌سلطنت ناصرالدین شاه ، بوجودآورده بود . » .

هیچگونه :سخهٔ اصلی ازین روزنامه من ندارم ، ولی رونویس شمارهٔ هشت دراختیار منست .



۞۱۹۳۞

رهبر ایران نو

روزنامهٔ یومیه‌ایست ،که درتهران در اواخر سال هزار وسیصد و بیست ونه هجری قمری ، مطابق هزار و نهصد و یازده میلادی ، انتشار یافته است . این نشریه جانشین « ایران نو» بوده است ،که بعدازتوقیف آن ، بدین‌عنوان نشرشده ، ولی‌فقط یك شماره‌انتشار یافته‌است ،بعنوان هفتاد وهفت در گذشته رجوع فرمائید .

۞ در رسالهٔ رابینو نیامده ، ودیده نشده است .

☆۱۹۴☆

رهنما

نشریهٔ هفتگی است، که در تهران بسال هزار وسیصد وبیست و پنج هجری مطابق هزار ونهصد وهفت میلادی، بمدیریت عبدالله قاجار باچاپ سربی انتشار یافته است.

☆ بردیف صدوهفده ازرساله رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او تاریخ آغاز انتشار رهنما، بیست وششم جمادی الآخرهٔ سال هزار و سیصد وبیست وپنج هجری مطابق ششم اوت هزارونهصد وهفت میلادی بوده است.

شماره های یك، سه، پنج تاده، دوازده، چهارده وبیست و سه درتصرف منست، وتاریخ اولی مطابق قول رابینوست، وآخری بتاریخ بیست ویکم ربیع الاول سال هزار وسیصد وبیست وشش هجری قمری؛ مطابق بیست وسوم آوریل هزارونهصد وهشت است.

هرشماره دارای هشت صفحه بقطع دوازده ونیم درهفت وربع، با

عنوان عریض رنگین (شماره های مختلف برنگهای مختلف است) تصویر لکوموتیوی و کشتی بخاری و فانوس دریایی وکارخانهٔ چاپی، بعنوان شعار ترقی وتعالی، چاپ شده است . وجه اشتراك سالیانه در تهران پانزده قران برای نقاط دیگر ایران بیست قران ، ودر خارجه بیست و پنج قرانست .



☆۱۹۵☆

زاراریت باهرا

نشریهٔ مذهبی است، که بزبان کلدانی (سریانی) توسط پرتستانهای ارومیهٔ آذربایجان، تحت نظر امریکائیان انتشار یافته است.

☆ دررسالهٔ رابینو نیامده، و دیده نشده است.



۱۹۶

ژنك

نشریهٔ هفتگی است ،که درتبریز بسال هزار و سیصد و بیست و هشت هجری قمری . مطابق هزار ونهصد وده میلادی ، بـزبان ارمنـی انتشار یافته است•

این روزنامه ارگان ارامنهٔ هانچاکی بوده است•

* بردیف دویست وسی و سه از رسالهٔ رابینو مراجعه فرمایند ، مترجم ندیده است•



۱۹۷

زاینده رود

روزنامهٔ (نشریه) مصور هفتگی است، که دراصفهان بسال‌هزارو سیصد وبیست وهفت هجری قمری، مطابق هزارونهصد ونه میلادی، با چاپ سنگـی، بمـدیریت مؤتمـن الاسلام خـوانساری انتشار یافتـه است.

زاینده رود درسیاست دموکرات بوده است.

* بردیف صد وهجده از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. شماره‌ـ های ده، سی‌وهفت وسی ونه سال دوم، وشماره‌های سه، هفت، نه و سیزده سال سوم درتصرف منست، و اولی مورخ نوزده ربیع الاول سنهٔ هزار وسیصد وبیست وهشت هجری، مطابق سی‌ویکم مارس هـزارو نهصد وده میلادی، وآخری بتـاریخ بیست وهفتم ربیع الآخر هزار و سیصد وبیست ونه هجری قمری، مطابق بیست وهفت آوریل هزار و نهصد ویازده میلادی است.

تمام این شماره باچاپ سربـی‌است ، باستثنای اولی که سنگـی می‌باشد ، و کاریکاتوری زمخت باچاپ حجری درصفحهٔ آخر تمام شماره‌های طبع سربی دیده می‌شود. هرشماره دارای هشت صفحه بقطع دوازده درشش ونیـم است . وجه اشتراك سالیانه دراصفهان شانزده قـران ، برای نقاط دیگر ایران وخارجه بیست وچهارقرانست.



☆۱۹۸☆

زبان ملت

نشریه‌ایست ، که درتهران بسال هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری ، مطابق هزارونهصد وهفت میلادی ، هفته‌ای دوبار باچاپ سربی انتشار یافته است .

☆ برديف صد ونوزده از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید . شمارهٔ سوم این روزنامه بتاریخ بیست وششم رمضان‌سال هزار وسیصد وبیست وپنج قمری مطابق چهارم نوامبر هزارونهصد وهفت میلادی ، درتصرف منست ، که دارای چهارصفحه بقطع یازده ونیم درشش وسه ربع است . وجه اشتراك سالیانه درتهران پانزده قران ، برای نقاط دیگر ایران هیجده قران ، ودرخارجه دوازده فرانك است .

✡۱۹۹✡

زشت وزیبا

نشریهٔ مصور هفتگی‌است ،که درتهران بسال هزار وسیصد و بیست وپنج هجری قمری ، مطابق هزارونهصد وهفت میلادی ، بمدیریت فاضل‌الممالك ، باچاپ سنگی انتشار یافته است .

✡ بردیف صد وبیست ازرسالهٔ رابینو رجوع شود ،که بر حسب او تاریخ آغاز این روزنامه دوم جمادی الآخرهٔ هزار وسیصد و بیست و پنج هجری ، مطابق سیزدهم ژوئیه هزارونهصد وهفت است .

شماره‌های اول ،دوم وسوم آن درتصرف منست. هرشماره دارای هشت صفحه بقطع دوازده درهفت ویك ربع است .

وجه‌اشتراك سالیانه درتهران سه‌تومان ، وبرای نقاط دیگرایران فقط خرج پست اضافه میشود.

☆۲۰۰☆

زمان وصال

نشریهٔ هفتگی است، که دررشت، بسال هزار وسیصد و بیست و نه هجری قمری، مطابق هزار ونهصد ویازده میلادی، بمدیریت میرزا علی اصغر شیرازی، ملقب به نصیر الشعراء، با چاپ سربی انتشار یافته است.

☆ بردیف صد و بیست و یك از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، که می گوید، فقط هشت شماره اززمان وصال منتشر شده‌است، که نخستین بتاریخ نوزده جمادی الاول سال هزار وسیصد وبیست ونه هجری قمری مطابق هیجده ماه مه هزار ونهصد و یازده میلادیست، و آخرین مورخ بیست ودوم رجب، مطابق نوزده ژوئیه، سال مذکوراست. شماره‌های یك، دو، سه، پنج، هفت وهشت این روزنامه درتصرف اینجانب میباشد هر نسخه دارای چهار صفحه بقطع دوازده و نیم درشش ونیم است وجه اشتراك سالیانه، یك تومان.

٭۲۰۱٭

ساحل نجات

نشریه ایست که درانزلی، هفته‌ای دو بار، بسال هزار و سیصد و بیست وپنج هجری قمری، مطابق هزار ونهصد وهفت میلادی، بمدیریت افصح المتکلمین، ناشرخیرالکلام (رجوع بهمین ماده شود)، باچاپ سربی انتشار یافته است.

٭ بردیف صد وبیست ودوازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید؛ که بر حسب اوفقط هشت شماره ازین روزنامه منتشرشده است، که نخستین آن مورخ بیست وششم رجب سال هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری؛ مطابق چهارم سپتامبر هزار ونهصد وهفت میلادی میباشد؛ از شماره یك تاپنج ازساحل نجات درتصرف منست، ولی شمارهٔ اول بتاریخ هفتم شعبان موافق بیست ودوم سپتامبر، سال مذکورست، نه مطابق تاریخ مزبور. وجه‌اشتراك سالیانه؛ در گیلان هیجده قران، برای نقاط دیگر ایران دوتومان، درروسیه وقفقازیه پنج منات (روبل) وبرای اروپا چهارده فرانك است.

۲۰۲

ساحل نجات

نشریهٔ روزانه‌است؛ که دررشت، بسال‌هزاروسیصد وبیست‌وهشت هجری قمری، مطابق‌هزارونهصد وده میلادی، بمدیریت‌افصح‌المتکلمین انتشار یافته است.

* بردیف صد وبیست و دو از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، از شمارهٔ هشت‌تاسیزده، این‌روزنامه درتصرف‌اینجانب‌است، که‌اولی‌بتاریخ سلخ شوال سنهٔ هزاروسیصد وبیست وهشت هجری‌قمری، مطابق سوم نوامبرهزارونهصد وده میلادی می‌باشد. هرشماره دارای چهار صحیفه بقطع‌دوازده درهفت است. وجه‌اشتراك سالیانه در رشت بیست و پنج قران؛ درنقاط دیگرایران سه تومان؛ وبرای روسیه شش‌منات (روبل) است.

☆۲۰۳☆

سراج الاخبار

نشریهٔ دوهفتگی است ؛که بخط نستعلیق باچاپ سنگی ، در کابل (افغانستان) بسال هزاروسیصد وبیست ونه هجری قمری ؛ مطابق هزارو نهصد ویازده میلادی ؛ انتشار یافته است .

مدیروسردبیر سراج الاخبار ؛ محمد طرزی بوده ؛ وتحت نظارت عالیهٔ علی احمد ؛ ایشیك آقاسی ؛ اعلیحضرت امیر (افغانستان) ؛ منتشر می‌شده است . شمارهٔ نخست آن مورخ پنجم شوال ؛ مطابق دهم اکتبر، سال مذکورست .

☆ دررسالهٔ رابینو نیامده ؛ ودیده نشده‌است .

۲۰۴

سروش

نشریه‌ایست ؛ که دررشت ؛ بسال هزاروسیصد وبیست وپنج هجری قمری ؛ مطابق هزارونهصد وهفت میلادی ، منتشرشده است.

* بردیفهای صدوبیست وچهارازرساله رابینورجوع فرمائید ؛ که برحسب اودرقسطنطنیه(استانبول) وتهران روزنامه‌هایی بدین نام ،انتشار یافته است ؛ ولی ازرشت سخن نرفته است .



☆۲۰۵☆

سروش

روزنامهٔ (نشریهٔ) هفتگی است ، که دراستانبول (قسطنطنیه) بسال هزاروسیصد وبیست وهفت هجری قمری ؛ مطابق هزار و نهصد ونه وده میلادی ، بمدیریت سید محمد توفیق ؛ با چاپ سربی انتشار یافته است .

این روزنامه هنگام انقلاب مشروطهٔ ایران ، وبعبارت روشن تر ؛ دردوران استبداد صغیر ؛ ژوئن هزارونهصد وهشت تاژوئیه هزار ونهصد نه ؛توسط انجمن سعادت ایرانیان دراستانبول پدید آمد ؛ وناشر آثارمیرزا علی اکبرخان ؛ نویسندهٔ دائم سابق صوراسرافیل (رجوع بهمین ماده شود) ، احمد بیك آقایف ؛ و حاجی میرزا یحیی دولت آبادی بود.

بردیف صدوبیست وسه رسالهٔ رااینورجوع فرمائید ؛که باشتباه چاپ آن راسنکی قلمداد می کند برحسب این رساله ؛ آغازانتشارسروش استانبول دردوازدهم جمادی الآخرهٔ هزاروسیصد وبیست وهفت هجری مطابق اول ژوئیه هزارونهصد وهفت میلادی بوده است .

۲۰۶

سروش

نشریه‌ایست ؛ که در تهران ؛ در نیمهٔ دوم سال هزاروسیصد وبیست وهشت هجری ؛ مطابق هزارونهصد وده میلادی ؛ بمدیریت عضدالاسلام لاهیجی ، باچاپ سربی انتشار یافته است .

نویسندهٔ سروش تهران؛ میرزا عیسی‌خان رشتی؛وابسته‌صدرمنصور بوده‌است ؛ که مقالات‌خودرا بامضای «ع» منتشرساخته است .

این روزنامه از حمایت سردار منصور و پیروان وی برخوردار بوده است .

روش سیاسی سروش اعتدالی بوده است .

* بردیف صدوبیست وچهار ازرساله راببنورجوع فرمائید ؛ که بر حسب او، نخستین شمارهٔ این‌روزنامه ؛ مورخ بیست و سوم ذی القعدهٔ سال هزاروسیصد وبیست وهشت هجری‌قمری ؛ مطابق‌بیست‌وششم‌نوامبر میلادی ؛ می باشد .

☆۲۰۷☆

سعادت

نشریهٔ هفتگی است ؛ که درهمدان ؛ بسال هزاروسیصد و بیست وپنج هجری ؛ مطابق هزارونهصد و هفت میلادی ؛ نه هزار و سیصد و بیست وشش ؛ بمدیریت محمد تقی نراقی ؛ باچاپ سربی نه‌سنگی، انتشار یافته است .

☆ بردیف صد وبیست وشش ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمایند شماره‌های چهل وسه چهل‌وشش وچهل وهفت سعادت‌همدان در تصرف منست . هرنسخه دارای چهار صفحه بقطع یازده و نیم در هفت است . وجه اشتراك سالیانه درهمدان یك تومان ، درنقاط دیگرایران‌پانزده هزار دینار ، وبرای روسیه وقفقازیه چهارمنات (روبل) می‌باشد شمارهٔ چهل وسه مورخ دهم صفرسنهٔ هزاروسیصد وبیست وشش‌هجری قمری، مطابق چهارده مارس هزارونهصد وهشت است .

٭۲۰۸٭

سعادت

نشریهٔ دوهفتگی است؛ که در تبریز؛ بسال هزاروسیصد وبیست و نه هجری قمری؛ مطابق هزارونهصد ویازده میلادی؛ باچاپ سربی؛ نه سنگی، انتشار یافته است.

شمارهٔ نخست سعادت تبریز، مورخ بیست و سوم ربیع الآخر؛ مطابق بیست وسوم آوریل؛ سال مذکورست.

این روزنامه، بمدیریت سعید زاده؛ سر پرست مدرسهٔ سعادت؛ انتشار داشته؛ وبوسیلهٔ میرزاابراهیم؛ مدیرمدرسهٔ مذکور؛ تأسیس شده بوده است. مندرجات سعادت مطالب علمی وادبی محض بوده است.

٭ بردیف صدوبیست وپنج ازرسالهٔ رابینورجوع فرمائید شمارهٔ چهار این روزنامه؛ که در تصرف منست؛ مورخ هشتم جمادی الآخرهٔ هزاروسیصد وبیست ونه هجری قمری، مطابق شش ژوئن هزار ونهصد و یازده میلادی میباشد؛ ودارای چهارصفحه؛ بقطع یازده ونیم درنه ونیم است. وجه اشتراك سالیانه درتبریز پنج قران؛ وبرای خارجه یك تومان است.

۲۰۹

سفینهٔ نجات

نشریهٔ هفتگی است ؛ که نخست باژلاتین ، وسپس باچاپ سنگی، دریزد بسال هزاروسیصد وبیست‌وپنج هجری‌قمری ، مطابق‌هزاروبهصد وهفت میلادی ، بمدیریت محمد صادق انتشارداشته است .

* بر هیف صدوبیست وهفت ازرسالهٔ رابینورجوع فرمائید ، که‌بر حسب او، سفینهٔ نجات دربیست ودوم شوال‌سال هزاروسیصد و بیست و پنج (۱) هجری قمری ، مطابق بیست وهشت نوامبرهزار ونهصد و هفت میلادی ، شروع بانتشار کرده است .

رابینومی‌افزاید ، که باورود سردارجنك بختیاری ، حاکم‌یزد ، این روزنامه‌بمناسبت‌انتشاریك (ورقه)تصویرانتقادی (کاریکاتور)ازسردار ونایب وی مرید الدوله ، و خزانه دارش مشیر الملك ، توقیف گشته است .

دراین تصویرخزانه‌داربشکل سك ، ودم‌سك دردنبالهٔ قبای مرید- الدوله ، نمودار بود ؛ وهردوازطرف سردار ، بچاپیدن پول مردم شتاب

داشتند . چون تصور می‌شد ، که این (ورقه) کاریکاتور ، باچاپ سنگی ، با اسلوب ژلاتین ؛ در کارگاه سفینهٔ نجات ، چاپ شده‌است ؛ لذا روزنامهٔ مذکور توقیف گشت .

شماره‌های سه ؛ شش ؛ شانزده ؛ بیست وبیست ویک سال‌اول ؛ و شمارهٔ دهم‌سال دوم این روزنامه درتصرف دنست نخستین بتاریخ بیست‌و دوم شوال سال هزاروسیصد وبیست وپنج هجری‌قمری (مطابق تاریخ مذکور دررسالهٔ‌رابینو(١) وآخرین مورخ بیست ودوم ذی القعدهٔ سال هزاروسیصد وبیست وهشت هجری قمری ، مطابق‌بیست وپنجم نوامبر هزارونهصد وده میلادیست . ازین‌شش شماره ؛ که درتصرف اینجانب میباشد ، سه‌نسخهٔ اولی بازلاتین ، وسه شمارهٔ آخر ، باچاپ سنگی‌منتشر شده‌است .هر نسخهٔ دارای چهارصفحه : بقطع دو‌ونیم‌درشش ، ولی‌بعدها بزرگترشده ، ودوازده وسه ربع درشش ونیم گشته است .

سفینهٔ نجات‌بخط نسخ روشن‌ودرشت نگارش‌یافته :ووجه‌اشتراك سالیانهٔ‌آن دریزد دوتومان ، درنقاط دیگر ایران بیست و پنج قران ، وبرای خارجه سه تومان می‌باشد .

١- در متن انگلیسی هزار وسیصدو بیست و نه آمده ، که غلط است م.ع

۲۱۰

ـ کندر

نشریهٔ هفتگی است ، که در کلکتهٔ هندوستان ، بسال هزار و دویست وشصت ودوهجری قمری ، مطابق هزاروهشتصد وچهل وشش میلادی ، یکشنبه ها انتشار می یافته است .

در کتابخانهٔ شرقی تسینکر ، تحت شمارهٔ هزاروهشتصد و بیست ونه آمده است (۱) ولی دررسالهٔ راپینو ذکری از آن نشده است ، تسینکر فقط عنوان روزنامه رابلاتین ذکرمی کند، دیده نشده است.

---

(۱) Zenker's Bibliotheca Orienralis' M182y

☆۲۱۱☆

سلام علیکم

نشریه‌ایست ، که درتهران ؛ بسال‌هزار و سیصدو بیست‌وپنج هجری قمری ؛ مطابق هزارونهصد وهفت میلادی ، منتشرشده است .

☆ دررسالهٔ رابینو نیامده ؛ ودیده نشده‌است .



* ۲۱۲ *

سلسبیل

نشریه‌ایست ؛که درتهران ؛ بسال هزاروسیصد وبیست و هشت هجری قمری ؛ مطابق باژلاتین ؛ منتشرشده است .



۲۱۳

سلطان‌الاکبر (الاخبار ؟)

نشریهٔ‌هفتگی‌است ؛که در کلکتهٔ هندوستان؛ بسال هزارودویست وشصت ودوهجری قمری ؛ مطابق هزاروهشتصد وچهل وشش‌میلادی ؛ یکشنبه‌ها انتشار یافته است .

درکتابخانه شرقی‌تسنیکر ؛ تحت شمارهٔ هزاروهشتصدوسی آمده است ؛ ولی‌دررسالهٔ رابینوذکـر آن نیامده ، ودرهیـچ کجا دیده نشده است .

علی‌الظاهر احتمال می‌رود ؛که درنام این‌نشریه اشتباهی‌رخ داده است ؛ و تسینگر هرگز آن راندیده بوده‌است، و فقط عنوان‌آن باخط لاتین‌آمده است .گمان‌می‌رود ؛که نام واقعی‌این‌روزنامه سلطان‌الاخبار است ، وبسلطان‌الاکبر تحریف وتصحیف یافته است .

۲۱۴

سید اخبار

روزنامهٔ (نشریهٔ) هفتگی بزرگ قطعی است، که درحیدر آباد دکن، بسال هزاروسیصدوشش هجری قمری، مطابق هزاروهشتصد وهشتاد ونه میلادی، بمدیریت آقاسید آقای شیرازی، با چاپ سنگی طبع شده است.

این روزنامه بطور مرتب روزهای شنبه منتشر می‌شد، و دارای هشت صفحهٔ قطع بزرگ بود. ضمن مطبوعات متناوب (روزنامه‌ها و مجلات) موجود دربریتیش موزیم، بنشان مخصوص هفتصد وپنجاه وهفت، ام، آی. ، سی وپنج شماره از سید الاخبار موجود است، که شمارهٔ اول آن، مورخ چهارم ربیع الآخر سال هزار وسیصد وشش هجری قمری، مطابق هشتم دسامبر هزار وهشتصدوهشتاد وهشت میلادی است، وشمارهٔ سی وپنجم بتاریخ پنجم ذی‌الحجهٔ سنهٔ هزاروسیصد وشش هجری قمری، مطابق دوم اوت هزار وهشتصد وهشتاد ونه میلادی می باشد.

دربالای سر آغازهر صفحه تصویر شیروخورشید مشاهده می گردد ودر زیر این تصویر، اشعاری بفارسی وعربی در ستایش روزنامه، علم و

دانش آمده‌است، که‌عیناً در تمام شماره‌ها تکرار شده‌است. آنگاه‌نام و عنوان روزنامه بشکل مصراعی چنین نگاشته شده است :

جید اخبارعالم سیدالاخبار شد

این روزنامه، بمانند مطبوعات متناوب کنونی ایران (۱) ، بسیار آموزنده، پرخبر، ومشتمل بر اطلاعات واخبار تلگرافی‌خارجی بود.

سیدالاخبار مقالات مهم سیاسی راجع به‌ایران وروسیهٔ تزاری را ازمطبوعات انگلستان ترجمه ومنتشرمی‌ساخت، وبطورکلی علیه‌روسیهٔ تزاری وطرحهای آن‌راجع بایران، قلمفرسایی می کرد.

دربعضی شماره‌های این روزنامه، مطالبی راجع بسفرسوم ونهایی ناصرالدین شاه باروپا، دیده می‌شود، که مصادف با ایام انتشار آن بوده است. درشماره سی و پنجم سیدالاخبار ، اطلاعیه‌ای راجع بتقلیل قطع روزنامه، ازشماره‌های آینده؛ درج شده‌است.

یك‌نکته البته مضحکی، که‌درشماره‌های‌اخیر سیدالاخبارمنعکس شده است، شکایت ناشر ازعدم وصول وجوه اشتراك روزنامه است .

---

(۱) منظورمصنف علیه‌الرحمه ازمطبوعات متناوب کنونی،روزنامه‌ها ومجلاتی است ، که هنگام تصنیف تاریخ مطبوعات یعنی درحدود چهل واند سال‌پیش، درایران وجودداشته‌است، که فی‌الواقع ازآزادی حقیقی‌قلم برخوردار و بقول مرحوم تربیت‌بسیار آموزنده‌ومفید‌بوده‌اند. امامطبوعات یومیه وهفتگی امروزی ما بعداز نیم‌قرن، دچارچنان انحطاط‌وسیرقهقرای بی‌سابقه‌ای شده است که تحریر وتوصیف آن‌از عهدهٔ‌قلم خارج است.

مطالب بسیارزننده وفاسدجنسی، مقالات مشحون ازتملق‌وچاپلوسی اخبار فاقد واقعیت و سراپا مجعول ، مندرجات عمدهٔ مطبوعات متناوب امروزی مارا تشکیل می‌دهد . ع م

آنگاه‌دریکی از شماره‌های روزنامه، ستایشی دربارهٔ تبریز، و رجال ورهبران آن سامان، وترقیات علم ودانش، و آموزش پرورش در (آذربایجان)درج شده‌است. ودرخاتمه، پس‌ازدرج مطـالب‌بسیار شیوا وپرحرارتی دربارهٔ میرزا یوسف خان مستشار الدولهٔ تبریزی ، متذکر می‌شود، که‌این شخصیت «لطف فرموده» ، تمام وجه اشتراك روزنامه را پرداخته‌است .

درشمارهٔ نخست، ناشر ازمصائبی که درراه تحصیل اجازهٔ انتشار روزنامه در دکن (در دورهٔ حکومت انگلستان) متحمل شده است ، بطول وتفصیل صحبت می‌دارد ، و سر گردانیهای دور ودراز خود را در این راه شرح می‌دهد. درپایان هرشماره، امضای ناشر چنین آمده‌است: «صاحب‌وناشر روزنامه، سید آقای شیرازی» .

دربعضی ازشماره‌های سیدالاخبار ، مطالبی ازروزنامهٔ فرهنگ» منتشره دراصفهان نقل شده‌است، ونیز در شمارهٔ دهم آن، مقالهٔ تعرض آمیزی در رد مندرجات روزنامهٔ فارسی« آزاد»، که علی‌الظاهر دردهلی انتشار داشته، درج کرده‌است. آزاد درشمارهٔ چهار از جلد پنجم خود ، مورخهٔ جمعه، غرهٔ فوریهٔ هزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی، مقامات عالیهٔ حیدرآباد دکن را مورد حمله قرار داده، ومتعرض مطبوعات آن سامان، که محروم از آزادی بوده‌اند، شده است.

ازاین نکته، معلوم می‌شود، که روزنامهٔ آزاد، که هیچگونه‌اطلاع دیگری از آن دردست ما نیست، درهندوستان بسال هزار و هشتصد و

هشتاد وپنج میلادی، مطابق هزار وسیصد ودو وسه هجری قمری،انتشار داشته است .

✡ شمارهٔ سی وچهارم ازجلد دوم (سیدالاخبار)،که مورخ بیست ویك رمضان سال هزار وسیصد و هفت هجری قمری ، مطابق یازده مه هزار وهشتصد ونودمیلادی‌است،درتصرف من می‌باشد.این شماره‌دارای دوازده صفحه بقطع دوازده‌درهفت‌وسه ربع ، وبا خط تعلیق نفیسی بچاپ سنگی رسیده است.



۲۱۵

شاهسون

نشریهٔ ژلاتینی‌است، که در استانبول (قسطنطنیه)، درحدود سال هزار وسیصد و شش هجری قمری؛ مطابق هزار و هشتصد و هشتاد و هشت ونه میلادی، ویا شاید اندکی پیشتر، انتشار داشته‌است.

شاهسون حکومت استبدادی ایران را بایك شیوهٔ مضحك پر ریشخندی بشدت تمام مورد انتقاد قرار داده بود. تهیه و انتشار این نشریه را، به‌حاجی میرزا عبدالرحیم طالبوف (تبریزی) وبعضی همراهان وی؛ نسبت می دادند ، و این جمع در تهیهٔ شاهسون از کمك سید محمد شبستری ابوالضیا، که بعدها ایران نو را منتشرساخت، ودر آن ایام مقیم استانبول بود، ودراین اقدام شرکت داشت، برخوردار بودند؛ وچنان‌بنظرمی‌رسد، که در واقع این نشریه خط دست مشارالیه بوده است.

شاهسون مخفیانه انتشار می‌یافت، وتعداد نسخ آن، محدودبسیصد بوده‌است. هرشماره را بمانند نامه‌ای، درلفافی(پاکتی) گذاشته؛ با حزم

شیدا

صاحب امتیاز:
حسین جعفرزاده

CHEYDA
Journal persan
Propriétaire
H. Djafar zade

مجالنا ماهی دوبار
نشر میشود

مدیر اداره:
اسماعیل زاده

وجه اشتراک
در ایران سالانه
۱۵ قران
در اسلامبول
۳۰ غروش

مکتوبات بی تمبر قبول
نخواهد شد

اداره در درج مقالات
مختار است

از کاریکاتورهای سیاسی مطبوعات صدر مشروطه

Call No......... *Date........................*

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

واحتیاط بسیار، بعنوان رجال دولت واولیای امور ایران، و مجتهدین و بازرگانان کشور ارسال می‌داشتند.

ناشرین برای اختفای محل نشر، اغلب اوقات نشریهٔ خود راپپاریس، لندن، و غیره می‌فرستادند، و آنگاه از این شهرها بسوی ایران ارسال می‌داشتند.

در بالای نسخه‌ای که در تصرف اینجانب (۱) می باشد، چنین نگاشته شده است: «درهرچهل سال یکبار منتشر می‌شود».

درقسمت اخبار تلگرافی چنین آمده است: «قنسول انگلیس در همدان یك اخطاریهٔ رسمی بدولت ایران‌ارسال داشته، وطی آن‌شکایت کرده‌است، که درهمسایگی عمارت قنسولخانه یك گرمابهٔ عمومی وجود دارد، که کثافات آن موجب تعفن قنسولخانه می‌شود، ودرنتیجهٔ این‌عفونت دو تن از مستخدمین قنسولگری فوت کرده است، لذا از دولت ایران خواسته شده، که یاگرمابهٔ همسایهٔ قنسولخانه تعطیل گردد، و یا اینکه عمارت مناسب دیگری برای قنسولگری تهیه شود.»

یك خبردیگر چنین است:

«مخبرخبر گزاری تلگرافی اخبارخارجهٔما، درتهران‌شاهدفعالیت عظیمی در خیابانهای عمدهٔ طهران بوده است، و شتاب و هیاهوی‌سختی مشاهده کرده‌است، توضیح آنکه گروه کثیری از رجال و زمامداران و وزیران کشور شاهنشاهی، در کالسکهٔ خود بسرعت تمام، درجهت‌خاصی درحرکت بودند. مخبر ما پیش ازتحقیق‌ماهیت‌واقعی این‌جریان، تلگرافی

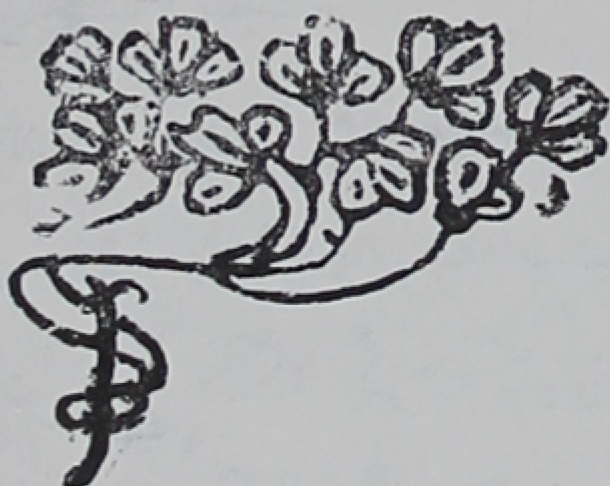
۱- یعنی مرحوم تربیت

به‌لندن خبر داده‌بود، که در روز مزبور؛ بحران سیاسی مهمی درطهران بوجود آمده است ، و در محافل رسمی جنب و جوش سختی مشاهده کرده است .

پس از ارسال تلگراف مذکور ، مخبر ما وارد تحقیقات شده ، ودرصدد کشف حقیقت قضیه بر آمده‌است، و بالاخره باکمال شرمساری تلگراف دیگری که متناقض با خبر اولی بود ، مخابره کرده‌است ، وطی آن متذکر شده، که اینك بتحقیق پیوسته‌است، که تمام این «بزرگان» فقط بسوی یك مجلس روضه‌خوانی، که توسط یکی‌از مجتهدین در تهران، منعقد شده بود، شتاب داشته‌اند.».

این قبیل تلگرافات درشاهسون زیاددیده‌می‌شود، که‌نمونهٔ‌مذکور خلاصهٔ (نه عین متن اصلی) یکی از آنهاست، ومی‌تواند انموزجی باشد .

من فقط یك نسخه ازاین نشریه دیده‌ام.



۲۱۶

شاهنشاهی

نشریهٔ مصور هفتگی است ، که درطهران بسال هزار و سیصد و بیست وسه‌هجری قمری،مطابق‌هزارونهصدوپنج وشش میلادی،بمدیریت میرزا عبدالحسین خان، ملقب به‌ملك‌المورخین، با چاپ سنگی انتشار یافته است .

* بردبف صد وسی وچهار از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید ،که برحسب او، تاریخ آغاز انتشار «شاهنشاهی» نهم شوال هزار و سیصد و بیست وسه هجری قمری مطابق هفتم نوامبر هزار و نهصد و پنج میلادی است.

شماره‌های هیجده، بیست ویك، بیست وشش، چهل و سه ، چهل وچهار، چهل وپنج، چهل وشش وچهل وهفت درتصرف‌اینجانب موجود است. نخستین مورخ سیزده ربیع‌الاول سال هزار وسیصد وبیست وچهار هجری قمری، مطابق هفتم مه هزار و نهصد و شش میلادی می‌باشد ، و

واپسین بتاریخ سیزده محرم سنه هزار وسیصدوبیست‌وپنج هجری‌قمری، مطابق بیست وششم فوریه هزار ونهصد وهفت میلادی است.

هر شماره درصفحهٔ اول، دارای تصویر بعض رجال ایرانی، و یا سیاستمداران خارجی می‌باشد، ودرچهار صفحه بقطع دوازده درشش و نیم است. وجه‌اشتراک‌سالیانه دوتومان. ازحیث‌شکل وطرح‌وخصوصیات همانند «شرف وشرافت» (رجوع بهمین مواد) می‌باشد.



۲۱۷

شب‌نامه

نشریه‌ایست که درحدود سال هزار و سیصد و ده هجری قمری مطابق هزار وهشتصد ونود دو وسه میلادی، درتبریز پدید آمده،ومدتی انتشار داشته است، اما بطور مرتب و متناوب نبوده ، و بهیچوجه شکل روزنامه نداشته است، بلکه از گروه نشریاتی است، که ازاندیشه‌های نوینی ملهم بوده، وسخت‌نهانی‌انتشارداشته‌است .

این انتشارات بسیار پر نیشخندوفکاهی بوده‌است، وبقلم‌علیقلیخان ناشر احتیاج و آذربایجان (رجوع بهمین‌مواد) ، که‌در آن ایام معروف به آقاقلی بوده، نگارش یافته است. ولی‌عنوان «شب‌نامه» بعدها، بطور کلی بکلیهٔ انتشاراتی که مخفیانه با ژلاتین طبع‌میشد، اطلاق گشت.

یکی‌دو قطعه، بعنوان نمونه میتوان از«شب نامه‌ها» استخراج و درج کرد، بدون اینکه یکی بدیگری ترجیح داشته‌باشد.

راجع بوضعیت رقت آور نان و بازار پر آشوب منفور نانوایان چنین می‌نگارد :

« دیروز خدمتکار را برای خرید قطعه نانی برای ناهار ، ببازار فرستادم. او در سپیدهٔ صبحدم بنانوایی رفت، و سه ساعت بعد از غروب آفتاب درحالتیکه لباسش قطعه‌قطعه، صورتش سخت مجروح ، و بدنش خسته‌وکوفته و زخمی‌بود، سنگکی در دست واردمنزل گشت، و چون فوق‌العاده گرسنه‌بودیم، فی‌الفور سنگك‌را دریدیم و تکه‌تکه کردیم. علاوه بر آن، اشیاء مفصلةالاسامی ذیل‌نیز پاره‌پاره گشت: یك‌عددپیراهن خواب، یك دسته‌آفتابه ولگن، یك‌سر...، یك‌بسته...، والخ.»

راجع بگل‌ولای کوچه‌ها چنین مینویسد :

« یك‌قطار شتر درخیابان مرکزی مقابل عالی‌قاپو بگل‌فرورفت، و ازنظر ناپدیدگشت. آنگاه ازکنار آجی‌چای(تلخه‌رود، واقع دریك فرسنگی عالی‌قاپو) پدیدارشد.» وقس علیهذا .

☆ در رسالهٔ رابینو نیامده است . یك نسخه شب‌نامه منتشره در نوامبر هزارو نهصد وشش میلادی، که بزبان‌ترکی (آذری)نوشته شده، در تصرف اینجانب موجود است .

این‌نسخه عبارت ازیك ورقهٔ ساده‌است، که بقطع‌چهارده‌درهشت وسه‌ربع میباشد، وبا مرکب‌بنفش باژلاتین طبع شده‌است .

کاریکاتوری نصف بالای‌صفحه را اشغال‌کرده است، و در زیر آن سیزده‌سطر مطلب‌مربوط بتصویر درج‌شده است. نه تاریخ ، نه‌عنوان ، و نه اسم و رسم ناشر، ونه‌محل نشر ذکر شده است.

☆ ۲۱۸ ☆

شجرهٔ خبیثهٔ کفر، شجرهٔ طیبهٔ ایمان

نشریه‌ایست، که در تهران بسال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری، مطابق هزار و نهصد و هفت و هشت میلادی، با چاپ سنگی انتشار یافته است.

☆ در رسالهٔ راپینو نیامده، و دیده نشده‌است.



٭۲۱۹٭

شرافت

نشریهٔ ماهیانهٔ مصوریست، که در طهران بسال هزار و سیصد و چهارده هجری‌قمری، مطابق هزار وهشتصد و نود وشش و هفت میلادی بسرپرستی وزارت انطباعات انتشار یافته‌است.

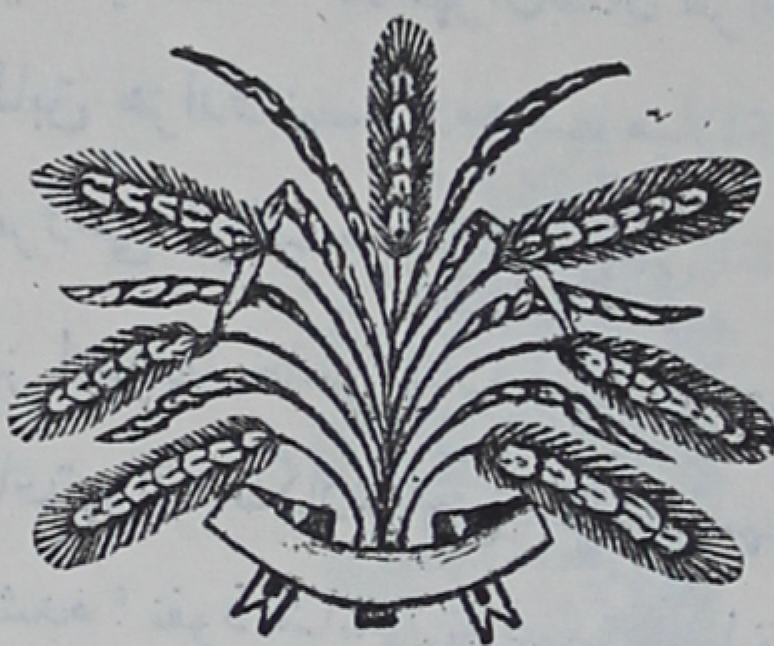
این نشریه، ادامهٔ روزنامـهٔ شرف (بهمین ماده در پائین رجوع فرمائید) بوده‌است، و بوسیلهٔ محمدباقرخان، اعتمادالسلطنهٔ حاضر؛ در اوایل‌سلطنت مظفرالدین شاه قاجار پدید آمده است.

٭ بردیف صدوبیست‌ونه ازرسالهٔ رابینو رجوع، که برحسب او شمارهٔ سوم شرافت، در ماه ربیع‌الاخر سال هـزار و سیصد و چهارده هجری‌قمری، مطابق اوتهٔ سپتامبر هزارو هشتصد و نودوشش میلادی، انتشار یافته‌است.

شمارهٔ پنجاه‌ویك این نشریه درتصرف اینجانب موجوداست. که‌مورخ رجب سال هزار و سیصدوهجده هجری‌قمری، مطابق اکتبر-نوامبرهزار

و نهصدمیلادی است. این شماره دارای چهارصفحه، بقطع سیزده درهفت ونیم میباشد، وصفحهٔ نخست آن باتصویر اتابك اعظم، امین السلطان تزئین یافته است.

وجه اشتراك سالیانه دوازده قران میباشد،



* ۲۲۰ *

شرافت

نشریهٔ ماهیانه‌ایست، که درطهران بسال هزار وسیصدوبیست‌وشش هجری قمری؛ مطابق هزارو نهصد و هشت میلادی ، بمدیریت آقا سید حسین، مدیر کتابفروشی شرافت، با چاپ سنکی انتشار یافته‌است.

شرافت حایز اهمیت خاصی بوده است، و چون کاملا بزبان عامهٔ مردم؛ لهجهٔ مشتیهای تهران، نگارش می‌یافته، و ببهای نازلی در دسترس مردم گذارده میشده ؛ نفوذ شایان توجهی در طبقات پائین تودهٔ مردم داشته‌است .

از لحاظ مندرجات نیز این نشریه آموزنده بوده ، و هواخواه استوار حکومت مشروطهٔ کامل بوده‌است.

* بردیف صدوسی ازرسالهٔ رجوع فرمائید که برحسب اوشرافت دوهفتگی است، و تاریخ شمارهٔدوم، چهار صفر هزار و سیصدوبیست‌و شش هجری‌قمری؛ مطابن هشت‌مارس هزار ونهصدو هشت میلادی‌است شمارهٔ هدت، بیست‌ودو، بیست و سه، پیست‌وچهار، بیست‌وپنج و بیست

وشش این نشریه درتصرف اینجانب موجوداست . هرشماره دارای چهار صفحه باشمارهٔ طفحات مسلل دورهٔ چهل شماره بقطع دوازده و نیم در شش وربع است . وجه اشراك دورهٔ چهل شماره‌ای در طهران سه‌قران برای نقاط دیگر ایران پنج قران، برای نقاط دیگر ایران پنج قران و در خارج شش قران میباشد .



☆ ۲۲۱ ☆

شرف

نشریهٔ ماهانهٔ مصوریست که‌در تهران با چاپ‌سنگی منتشر شده است، آغاز انتشار شرف در غرهٔ محرم سال هزار و سیصد هجری قمری، مطابق دوازده نوامبر سال هزار و هشتصد و هشتاد و دو میلادی بوده‌است.

این نشریه، و جانشین آن «شرافت» (رجوع بعنوان دویست و نوزده در بالا شود)، ناشر تصاویر اعیان و اشراف و رجال دولت که‌متضمن شرح واحوال وخصوصیات آنها نیز بوده، بوده است.

این تصاویر، که بخامهٔ هنرمند شهیر ایرانی کمال‌الملك ترسیم می-شده، موجب امتیاز خاص آن بوده است.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه بانی این نشریه بوده‌است، و من-حیث‌المجموع هفتاد و هشت‌شماره از آن انتشار یافته‌است.

☆بردیف صدوسی‌یك از رسالهٔ‌رابینو رجوع فرمائید، که‌برحسب

او ، شرف تاسال هزار و سیصد ونه هجری‌قمری، مطابق هزار وهشتصد ونود ویک‌میلادی، انتشار داشته‌است. و جمعاً هدتاد و هفت شماره از آن انتشار یافته است .

هیچ‌نسخه‌ای ازاین نشریه من‌ندارم .



✲۲۲۲✲

شرف

نشریهٔ هفتگی است که با چاپ سربی، نه سنگی، در تهران بسال هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری؛ مطابق هزار و نهصد و هشت میلادی بمدیریت غلامحسین تهرانی انتشار یافته است.

✲ بردیف صد و سی و دو از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. شمارهٔ اول شرف در تصرف منست که مورخ هفده ربیع الاخر سال هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری؛ مطابق نوزده مه هزار و نهصد و هشت میلادی میباشد این نسخه دارای چهار صفحه؛ بقطع یازده در هفت است. وجه اشتراک سالیانه در تهران پنج قران؛ برای نقاط دیگر ایران قران؛ و در خارجه پنج فرانك است.

۲۲۳

شرق

نشریه روانه‌ایست، که بقطع بزرك، درطهران بسال هزاروسیصد وبیست وهفت هجری قمری؛ مطابق هزار و نهصدونه میلادی؛ بمدیریت سید ضیاءالدین طباطبائی، فرزند سیدعلی یزدی ، ناشر ندای اسلام ، و برق؛ با چاپ سربی انتشار یافته است .

شرق درنتیجهٔ حملات شدید و انقلابی خود بطبقهٔ حاکمهٔ ایران مدتی دید دچار توقیف گشت؛ و بالاخره با تغییرنام ببرق؛ انتشاریافت.

بسیاری از شماره‌های این نشریه؛ دارای یك صفحه بزبان فرانسه است .

تحت عنوان ادبیات ؛ در روزنامهٔ شرق اشعاری انتشار می‌یافت که بطریق استعاره وکنایه ، عملیات حکومت وقت را مورد انتقاد قرار میداد. این شعرها هم از لحاظ ادبی نغز و شیوا بود؛ وهم از جهت سهل و سادگی ونزدیك بودن بزبان عامه اهمیت داشت ، بطوریکه قطعات مورد بحث ازلحاظ اصالت و تازگی حایز ارزش ادبی بخصوصی بود ، ونمونه و سر-

مشق بشمار میرفت. ناظم اشعار ، یك شاعر کرمانشاهی بود .

روزنامهٔ شرق در درسیاست ابتدا ناشر افکار حزب اتحاد و ترقی بود، ولی بعدها انقلابی گشت .

✡ بردیف صدوبیست‌وسه ازرسالهٔ رابینو مراجعه فرمائید . یك دورهٔ بالنسبه کامل ازروزنامه شرق درتصرف اینجانب است، که متضمن شمارهٔ نخست، مورخ چهارده رمضان هزار وسیصدوبیست‌و هفت‌هجری قمری؛ مطابق سی‌ام ستپامبر هزار ونهصد ونه میلادی، میباشد .

هرشماره دارای چهار صحیفه بقطع بیست‌ویك‌ونیم در چهارده و نیم است؛ وضمیمهٔ فرانسهٔ آن ازشمارهٔ نود ویك؛ هیجده ژوئن‌هزار و نهصد ده، انتشار یافته‌است. وجه‌اشتراك سالانه در طهران چهل و پنج قران. درنقاط دیگر ایران پنج تومان ؛ و برای خارجه پنجاه و شش قران •



* ۲۲۴ *

شفق

نشریهٔ هفتگی است که‌در تبریز بسال هزار و سیصد و بیست و هشت‌هجری قمری؛ مطابق‌هزارونهصد وده میلادی، باچاپ‌سربی انتشار یافته‌است .

دارنده‌و نویسندهٔ شفق میرزاحاجی آقا رضازاده‌بوده است، وبعداً مدیریت آن به‌میرزامحمودغنی‌زادهٔ‌سلماسی- ناشر فریادو بوقلمون‌وغیره انتقال‌یافته است.

شفق‌بعلت شجاعت‌وشهامت وروش تندوشدید؛ مخصوصاًدرنتیجهٔ انتشارمقالات وطنی؛درمعرض خشم‌وغضب‌روسهای تزاری قرارگرفت، بطوریکه بعدازتجاوز سپاهیان تزاری درمحرم هزاروسیصدوسی هجری قمری؛مطابق ژانویه هزارونهصد ودوازده میلادی ، یکی از نویسندگان آن میرزا احمد سهیلی، گرفتار و مصلوب گشت و خود روزنامه نیز توقیف‌شد.

درشفق بعضی اشعارنو بسبك و آهنگ شعرهای اروپائی انتشار می‌یافت .

درسیاست این روزنامه دموکرات بود .

☆بردیف صدوسی وشش از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید؛ که برحسب او آغاز انتشار شفق در بیست وهفتم رمضان سال هزارو سیصد و بیست و هشت هجری قمری؛ مطابق سوم اکتبر هزارو نهصد وده میلادی بوده است

شماره‌های متعدد وکثیری ازشفق در تصرف منست؛ که متضمن شمارهٔ نخست سال اول است؛ ونیز ازشماره یك تا چهل، باستثنای بعضی مقطات ، ازدوم نیز موجودست، که شمارهٔ اخیر آن؛ مورخ هیجده ذی- الحجهٔ سال هزار وسیصد و بیست ونه هجری قمری؛ مطابق بیست و یك دسامبر هزارو نهصدو یازده میلادیست .

هرشماره دارای چهار صفحه بقطع پانزده وسه ربع در نه است ؛ وجه اشتراك سالانه در تبریز هفت قران ، برای نقاط دیگر ایران یك تومان ودر خارجه چهار تومانست .



۲۲۵

شفق

نشریهٔ ژلاتینی است، که درخوی انتشار یافته‌است.

*بردیف صدوسی هفت ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید و باستناد مشارالیه دراینجا ثبت‌شده است.



* ۲۲۶ *

شکر

نشریهٔ هفتگی است، که درتبریز بسال هزارو سیصدو بیست‌و پنج هجری قمری، مطابق هزارو نهصد و هفت میلادی، بمدیریت محمدعلی عبدالمناف‌زاده، باچاپ سنگی انتشار یافته‌است.

* بردیف صدوسی‌وپنج ازرسالهٔ رابینو مراجعه‌شود. یك‌نسخه از شمارهٔ سوم‌شکر، مورخ هفده ربیع‌الاول هزاروسیصد وبیست‌وپنج‌هجری قمری، مطابق سی‌ام‌آوریل هزارونهصد وهفت‌میلادی، درتصرف اینجانب موجود است.

این شماره‌دارای چهارصفحه‌بقطع‌یازده وسه‌ربع در شش‌وسه‌ربع میباشد، وبزبان ترکی آذربایجانی تحریر شده است، و با چاپ سنگی رکیك‌ولی خوانایی، بخط‌تعلیق انتشار یافته‌است.

وجه‌اشتراك سالانه درتبریز پنج‌قران، در نقاط دیگر ایران هفت قران، وبرای روسیه دومنات (روبل)میباشد.

☆ ۲۲۷ ☆

شمس

نشریهٔ مصور هفتگی است، که درقسطنطنیه(استانبول)؛ بسال‌هزار و سیصدو بیست‌وهفت هجری قمری ، مطابق هزار و نهصد و نه میلادی، بمدیریت سیدمحمد توفیق‌بصره‌ای، وبمالکیت‌سیدحسن تبریزی، با چاپ سربی انتشاریافته‌است .

روش‌سیاسی شمسی اعتدالی‌بوده است.

☆ بردیف صدوسی‌وهشت ازرسالهٔ‌رابینو رجوع‌فرمائیدیك‌دوره بالنسبه کامل از روزنامهٔ شمس، در تصرف‌منست، که‌باشمارهٔ اول‌مورخ هشتم شعبان سال هزارو سیصدو بیست‌وشش هجری قمری، مطابق پنجم سپتامبر هزارونهصد و هشت‌میلادی، آغاز یافته است ، و مرتب انتشار میبابد .

هرشماره دارای هشت‌صفحه بقطع نه در شش‌و نیم است؛ ولی از

اواخر سال‌دوم بطور شایان‌توجهی قطع آن بزر گتر شده است.

وجه‌اشتراك سالانه دراستانبول شصت پیاستر،درنقاط دیگرتر کیه هفتادو پنج‌پیاستر، برای ایران سی و پنج قران ، برای روسیه شش منات (روبل) و دراروپا هفده‌فرانك میباشد.



٭۲۲۸٭

شمس طالع

نشریه‌ایست، که درطهران بسال هزاروسیصد و بیست‌و پنج‌هجری قمری، مطابق هزار ونهصد وهفت میلادی، باچاپ سربی انتشاریافته‌است.

٭بردیف صدو سی‌ونه ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، هیچ‌نسخه‌ای من ندارم.



۞۲۲۹۞

شورای ایران

نشریهٔ هفتگی است، که‌در تبریز بسال هزاروسیصد وبیست‌وشش هجری‌قمری، مطابق هزارو نهصدوهشت میلادی، انتشار یافته‌است.

بانی‌و ناشر این‌نشریه، انجمن‌مشورت بوده‌است، و توسط هیأت تحریریهٔ مشترك سه‌وطن‌پرست شهید: میرزا سعیدسلماسی، آقاسیدحسن شریف‌زاده، وحاجی‌علی دوافروش، نگاشته‌میشده است.

شورای ایران در سیاست محافظه کار و مشروطـه طلب اعتدالی بوده است .

۞بردیف صدوچهل ازرساله رابینو رجوع فرمائید، که برحسب او شمارهٔ دوم مورخ نوزده ربیع‌الاخر سال هزارو سیصدوبیست و شش هجری‌قمری، مطابق بیست‌ویك هزار و نهصد وهشت میلادی‌است. هیچ نسخه‌ای من‌ندارم .

٭۲۳۰٭

شورای بلدی

نشریهٔ هفتگی است، که درطهران بسال‌هزار و سیصد و بیست و پنج هجری‌قمری، مطابق هزارونهصد وهفت میلادی، انتشاریافته است.

٭ دررسالهٔ رابینو نیامده؛ و دیده‌نشده است.



۲۳۱

چاویک (۱)

نشریهٔ مصوریست، که بزبان ارمنی، در طهران بسال هزاروسیصد یازده‌میلادی، مطابق هزارو سیصدو ده‌و یازده هجری قمری، با چاپ سنگی انتشار یافته‌است.

* بردیف دویست وسی و چهار ازرسالهٔ راببنو رجوع فرمائید. مترجم (۲) ندیده است.

۱- Chawik

۲- مقصود براون‌است.

☆ ۲۳۲ ☆

شیخ چغندر

نشریهٔ مصور فکاهی است، که‌در طهران بسال‌هزارو سیصدوبیست ونه هجری‌قمری، مطابق هزار ونهصد و یازده میلادی ، با چاپ سنگی انتشار یافته‌است .

شمارهٔ نخست شیخ چغندر ، مورخ چهارده شوال سال مذکـور، مطابق هشتم‌اکتبر هزارونهصد و یازده میلادی است .

مالك‌این‌نامه؛ میرفتحعلی ، و ناشر آن ابوالمعالی، معروف بسید آهن‌بردار ، و هردونفر مرتجع بوده‌اند، ولی خودروزنامه بحزب‌اتفاق وترقی بستگی داشته‌است .

☆ بردیف دویست وچهل‌و یك ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. یك نسخه از شمارهٔ سوم شیخ‌چغندردرتصرف منست، که‌مورخ‌بیست‌وهشت شوال‌سال هزار و سیصدوبیست ونه‌هجری‌قمری، مطابق‌بیست‌ودوم‌اکتبر هزار ونهصد ویازده میلادی است • این‌شماره دارای چهارصفحه بقطع

دوازده وربع در شش و سه‌ربع است، وصفحات دوم‌و چهارم آن دارای کاریکاتور میباشد، باخط تعلیق نگارش یافته، بچاپ‌سنگی رسیده‌است
وجه اشتراك سالانه درطهران دوازده‌قران، درنقاط دیگر ایران دو تومان ؛ وبرای خارجه سه تومان است .



۲۳۳

شیدا

نشریهٔ جدی_فکاهی دوهفتگی‌است، که‌دراستانبول (قسطنطنیه) بسال هزار وسیصدو بیست‌ونه‌هجری قمری، مطابق‌هزار ونهصد ویازده میلادی، بمدیریت محمد ضیاءالدین باچاپ سربی انتشار یافته‌است.

شیدا راکمیتهٔ دانشجوبان ایرانی مقیم‌استانبول پدید آورده بود. دارنده ونویسندهٔ آن حاجی‌حسن خان جعفرزاده، مدیر عاملش مظفر-خان اسمعیل‌زاده؛ ونقاشش میرزا عبدالحسین‌خان‌طاهرزاده بوده‌است. بیشتر ازچهار یاپنج‌شماره ازاین‌نامه انتشار نیافته‌است.

شیدا درسیاست دموکرات بوده‌است.

✡ دررسالهٔ رابینو نیامده‌است، شماره‌هـای یك تا پنج در تصرف منست، نخستین‌مورخ بیست‌ونه شوال سال‌هزار وسیصدوبیست‌ونه‌هجری مطابق بیست‌وسوم اکتبر هزارونهصد ویازده میلادی، و آخرین بتاریخ دوم‌محرم سال هزاروسیصد و سی‌هجری قمری،مطابق بیست‌وسه‌دسامبر

هزارو نهصد ویازده میلادی است، و ورقی ضمیمهٔ آنست، که تاریخ روز بعد میباشد.

وجه اشتراك سالانه برای ایران پانزده قران، درقسطنطنیه (استانبول) سی پیاستر است.



٭۲۳۴٭

شیراز

نشریه‌ایست؛ که درشیراز بسال هزار وسیصدو بیست‌وهشت‌هجری قمری، مطابق هزارونهصد وده‌میلادی، انتشار یافته است.

٭ بردیف صدوچهل و یك از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید. هیچ نسخه‌ای درتصرف‌من نیست.



٭۲۳۵٭

صبح صادق

نشریه یومیه‌ایست؛ که در طهران در اوایل سال هزار و سیصد و بیست‌و پنج هجری قمری، مطابق فوریه‌ومارس هزارو نهصدوهفت میلادی بمدیریت مرتضی‌قلیخان موید‌الممالك؛ ناشر پلیس ایران(رجوع بهمین ماده شود)؛ باچاپ سنگی انتشار یافته‌است.

٭ بردیف صدو چهل‌ودو ازرسالهٔ رابینو رجوع فرمائید ، که بر برحسب او، این‌روزنامه درصفر ، مارس آوریل ، سال مذکور شروع بانتشار کرده است؛ و بعداً توسط مهدیقلیخان مؤیدالدیوان نشر شده است . شانزده شماره ازصبح‌صادق در تصرف منست، که از شماره سی

ودوم؛ چهارده مه هزارو نهصد وهفت ، تا شمارهٔ صدو چهل و نه ، هشتم اکتبر هـزار و نهصد و هفت ، میباشد . هر نسخه دارای چهار صفحه بقطع یازده و سه‌ربع درشش و سه‌ربع است . وجه‌اشتراك سالانه‌چهل وپنج‌قران.



۲۳۶

صبحنامه

نشریهٔ هفتگی ژلاتینی است، که‌در طهران بسال هزار و سیصدو بیست چهار هجری قمری، مطابق هزار و نهصد و شش میلادی، پیش از اعلام مشروطیت، و اندکی قبل از انقلاب، انتشار داشته است.

مدیر و نویسندهٔ صبحنامه؛ آقا سید محمد رضا شیرازی، ناشر مساوات بوده‌است، این روزنامه مخفیانه منتشر میشده، و بیش از هفده یا هیجده‌شماره از آن انتشار نیافته است.

صبحنامه مخالف استبداد؛ و صاحب مشی سیاسی انقلابی بوده

* بردیف صد و چهل و سه از رسالهٔ رابینو رجوع فرمائید، یك شمارهٔ‌هم از صبحنامه من ندارم.

۲۳۷

صحت

نشریه‌ایست؛ که درطهران بسال هزاروسیصدو بیست‌وپنج هجری قمری، مطابق هزار ونهصدو هفت‌میلادی؛ انتشار داشته است.

دررسالهٔ رابینو نیامده، ودیده نشده‌است.



۵۳۸*

صحبت

نشریه‌ایست، که بزبان ترکی آذربایجانی؛ باچاپ سنگی ، بسال هزار و سیصد و بیست‌هفت هجری قمری ، مطابق هـزار و نهصد و نه میلادی، بمدیریت میرزا حسینخان، ناشر الحدید، عـدالت و خبر، در تبریز انتشار داشته‌است .

درنتیجهٔ انتشار یک‌مقالهٔ فکاهی بترکی تحت عنوان کج قابورقا (دندهٔ کج)، درباره مضرات حجاب‌زنان، و ضرورت بهبود وضعیت‌نسوان خشم و غضب روحانیون وطبقهٔ عوام علیه‌صحبت سخت بهیجان آمد، و منجر بتوقیف روزنامه شد و برحسب حکم صادره علیه نویسنده ؛ ناشر (نویسنده) بازداشت ، و زندانی گشت .

* دررسالهٔ رابینو نیامده، و دیده نشده‌است .

* ۲۳۹ *

صدای رشت

نشریه‌ایست؛ که بسال هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری، مطابق هزار و نهصد و یازده میلادی؛ در رشت، هفته‌ای دو بار، بمدیریت ع. احمد-زاده با چاپ سنگی انتشار داشته است، و مشی سیاسی آن دموکراسی بوده است.

* بردیف صدوچهل وچهار ازرسالهٔ رابینورجوع فرمائید. آغاز انتشار صدای رشت در پانزده (نه بیست و نه، چنانکه رابینو گفته) محرم سال مذکور، مطابق شانزده ژانویه هزار و نهصد و یازده میلادی بوده است.

ازشمارهٔ یك تا شانزده درتصرف منست؛ هرنسخه دارای چهار صفحه بقطع پانزده در ده و نیم میباشد. وجه اشتراك سالیانه در رشت بیست و پنج قران، در نقاط دیگر ایران سه تومان؛ برای خارجه سی و پنج قران.

٭ ۲۴۰ ٭

صداقت

نشریه‌ایست، که‌درطهران بسال‌هزاروسیصد و بیست وشش‌هجری قمری ،مطابق هزار و نهصد و هشت‌میلادی، باچاپ‌سنگی انتشارداشته است .

دررسالهٔ رابینو نیامده؛ و دیده‌نشده‌است.



۲٤۱

صراط الصنایع

نشریه‌ایست، که در طهران بسال هزار و سیصد بیست و شش هجری قمری، مطابق هزار و نهصد و هشت میلادی، انتشار داشته‌است.

در رساله رابینو نیامده، و دیده نشده‌است.



☆۲٤۲☆

صراط المستقیم

نشریه‌ایست، که در تبریز بسال هزار و سیصدو بیست‌وچهار هجری قمری، مطابق هزار و نهصدوشش وهفت میلادی، انتشارداشته است.

☆ دررسالهٔ رابینو نیامده، و دیده نشده است.



☆ ۲۴۳ ☆

صراط المستقیم

نشریه‌ایست؛ که درطهران بسال هزاروسیصد و بیست‌وپنج هجری قمری، مطابق هزار ونهصد و هفت‌میلادی، انتشار داشته‌است.

☆ دررسالهٔ رابینو نیامده، و دیده نشده‌است.



صوراسرافیل

مجلهٔ هفتگی است، که بسال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری مطابق هزارو نهصد وهفت میلادی درطهران طبع و منتشر شده. صاحب و ناشر این مجله میرزا جهانگیرخان شیرازی، و طابع و ناشر دوم آن میرزا قاسم‌خان تبریزی؛ و نویسنده عمده‌اش میرزا علی‌اکبرخان قزوینی، مشهور به دهخدا یا دخو بوده‌است.

صوراسرافیل یکی از بهترین مطبوعات قدیم وجدید ایران بشمار میرود، بویژه قسمت فکاهی یا هجائی (کمیک یا ساتیریک) آن که تحت عنوان چرند پرند طبع گشته، عالی‌ترین نمونه ادبیات هجایی (انتقادی) ایران میباشد(۱).

این مجله سخت مبغوض مرتجعین (محمد علیشـاه و اطرافیان و

۱ـ در کتاب پیشروان نثرفارسی معاصر، گرد آوردهٔ جناب آقای سعید نفیسی، این قسمت تجدید چاپ درطهران منتشر شده است. م.ع

طرفداران وی) بود، چنانکه ناشر آن میرزا جهانگیرخان، که در حادثهٔ بمباردمان مجلس (بیست‌وسوم ژوئن هزارو نهصدوهشت میلادی) دستگیر شده‌بود، بفرمان محمدعلیشاه قاجار کشته‌شد.

از نکات بسیار مهم در دورهٔ انتشار صور اسرافیل، پیکار آن با روحانیون، و تذکرات انتقادی در خصوص انحطاط ملل اسلامی بعلت روحانیون است، که درشمارهٔ چهارم مجله منتشر، و غوغـای عظیمی در میان ملایان وعامه اهالی پدید آورد،و منتهی بتوقیف و تعطیل آن در حدود دوماه گشت. درشماره‌هفتم، مقالهٔ دفاعیه‌ای دراثبات برائت خود انتشارداد، که شایان توجه مخصوص میباشد.

سبك ادبی صوراسرافیل ، درقسمت مقالات جدی ، بشیوهٔ میرزا ملکم‌خان(۱)است،وشباهت‌عظیمی‌بانوشته‌های‌وی‌دارد،امامقاله‌های‌فکاهی وهجایی (انتقادی) آن،از مجلهٔ ترکی (آذربایجانی) ملا نصرالدین (۲) منطبعهٔ تفلیس الهام‌گرفته است .

---

۱ ـ میرزا ملکم‌خان نیزدر آثارخود از نوشته‌های فیلسوف معروف آذربایجانی میرزافتحعلی آخوندزادهٔ خامنه‌ای، استفاده کرده‌است (رجوع فرمائید بکلیات آخوند زاده چاپ اروپا) م.ع

۲ ـ مجلهٔ گرانبهای ملانصرالدین بمدیریت میرزا جلیل محمد قلی زاده نخجوانی، وبقلم مشاهیر شعرا ونویسندگان آذربایجانی درتفلیس وتبریز وباکو منتشر شده، ودر بیداری عموم‌ملل مشرق زمین، مخصوصـاً ممالك اسلامی تأثیرات حیرت آوری داشته است . اشعار شیوایی بزبـان تـرکی آذربایجانی از علامه فقیه دهخدای قزوینی درمجلهٔ ملا نصرالدین منتشر، ودردیوان آن‌مرحوم(طبع تهران) تجدید چاپ شده‌است. م.ع

خط مشی سیاسی صوراسرافیل مشروطیت مطلق و آزادیخواهی است .

✡ مراجعه فرمائید به رابینو(۱)؛ نمرهٔ ۱۴۵، که‌می گویداین‌مجله در هفدهم ربیع‌الثانی سال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری مطابق سی‌ام ماه‌مه هزار ونهصد وهفت میلادی بانتشار آغاز، و دربیستم جمادی‌الاولی‌سال هزاروسیصد وبیست‌وشش، مطابق بیستم ژوئن‌هزارو نهصد وهشت ، سه روز پیش از بمباردمان مجلس، و چهار روز قبل از اعدام میرزا جهانگیری خان توسط محمدعلیشاه، خاتمه یافته‌است.

یك دوره تقریباً کامل و مرتبی از این مجله‌در تصرف‌من‌میباشد، هرشماره دارای هشت‌صفحه، و هرصفحه‌ای بدرازای یازده وسه‌چهارم وبپهنای‌شش وسه‌چهارم(۲) است. وجه اشتراك سالیانه درطهران‌دوازده قران، ودرنقاط دیگر ایران هفده قران، و برای‌خارجه بیست‌قرانست .

---

۱ - Rabino (از مستشرقین معروف معاصر است، م.ع)

۲ - در اصل نوع واحد تعیین نگشته ، ولی چون انگلیستان فقط موازین ملی خودرا بکار میبرند ، معلوم است که مقصود اینچ میباشد، که معادل ۲٫۵٤ سانتیمتر است م.ع

* ۲۴۵ *

صوراسرافیل

(دورهٔ دوم، طبع اروپا)

مجله‌ایست که در ایوردون (۱) سویس؛ در آغاز سال هزاروسیصد و بیست‌وهفت هجری مطابق هزارونهصدونه میلادی؛ بتوسط میرزاعلی اکبرخان دهخدا، ازنویسندگان پیشین صوراسرافیل درطهران، منتشر شده است. از ایندوره منتشره درسویس، بیش از چهارشماره چاپ نگشته، ومجله فاقد فصاحت وملاحت دوره‌سابق است.

* مراجعه‌فرمائید به‌راهنمو؛ نمرهٔ ۱۴۵، شمارهٔ اول مورخ یك محرم هزارو سیصدو بیست‌وهفت هجری‌قمری مطابق بیست‌و سوم ژانویه هزارو نهصد و نه‌میلادی، شماره سوم مورخ پانزده صفر مطابق هشتم مارس همان سال است.

ازشماره اول تاسوم ایندوره در تصرف منست، وازحیث اندازه و

---

۱ - Yverdon

قطرظاهری، درست با دورهٔقدیم طبع‌طهران،همانند میباشد، جز اینکه برای عناوین مقالات حروف‌درشت‌تری بکار رفته . وجه اشتراك سالیانه برای‌تبریز پانزده‌فرانك ، برای‌نقاط‌دیگر ایران بیست‌فرانك، ودرخارجه بیست‌و پنج فرانك‌است.



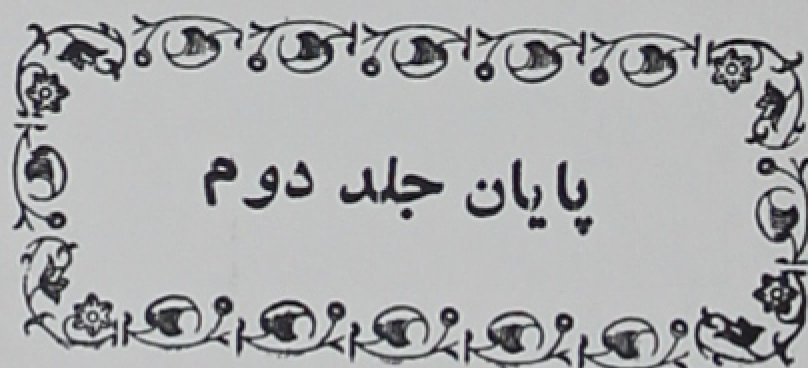
۲۴۶

طریقة الفلاح

نشریه‌ایست، که درطهران بسال هزاروسیصدوبیست و پنج‌هجری قمری، مطابق هزارو نهصدو هفت میلادی، انتشار داشته‌است:

* دررسالهٔ رابینو نیامده، و دیده‌نشده است.





پایان جلد دوم

Date.......... ....

Call No.........

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

Call No..........

Account No..........

Date.......... ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

List of Persian Newspapers

Compiled by Mirza Muhammad Ali khan

Tarbiyat of Tabriz

☆☆☆

Appendix

A Brief Chronology of Persian Revolution

From December 1905 to April 1912

by

E. Browne

Call No..........

Date......... ....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

The

PRESS AND POETRY
of
MODERN PERSIA

by

EDWARD G. BROWNE

Annotated and explained

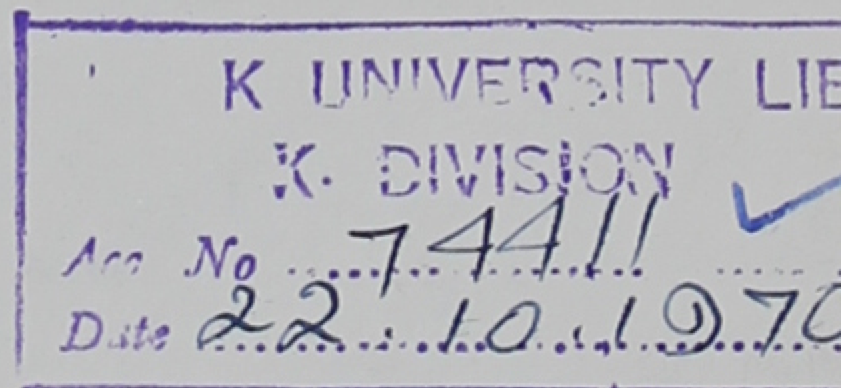
Persian Translation

by

M. M. Abbasy

voliume II Press





publisher Kanoon M'arefat' Lalezar

Tehran - 1958

Call No..........

Account No..........

Date............ ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

Call No..........

Date..........................

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

Call No..........

Account No..........

Date.......... ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.